توماس آ کمپ

DE

تقلید از مسیح

کتاب چهارم

توماس آ کمپ

DE

تقلید از مسیح

کتاب چهارم

متن ویرایش شد

ملاحظات

برای هر کتاب، هر فصل از آثار دیگر همان توماس توسط KEMP جمع آوری و آدرس داده شده است.

هرمان گرلاخ

ویرایش سوم بزرگ‌شده و اصلاح‌شده.

با تایید REV. آرچیپ پریبورجنسیس

فرایبورگ بریسگوویا.

مخارج چوپان

ویراستار تایپوگرافی PANTIFICE.

آرجنتوراتی، برلین، کارولسروها، مونیخ، ویندوبونا، اس. لوئیس آمریکا.

چاپ می شود.

Fribuwgi Brisgowiae، 19 ،در 22 ژوئیه.og

ه. متر

دکتر رودولف، کانن.

چاپ هردریان، فرایبورگ بریسگاو. 1 گرم 09.

از پیشگفتار

به چاپ دوم

هماس همرکن، نویسنده معروف کتاب طلایی « تی
درباره تقلید از مسیح»، در حدود سال 138 در
کمپن، شهری در راین پایین به دنیا آمد، و به
همین دلیل به نام کمپیس شناخته می‌شود، که
در کوه سنت اگنس در نزدیکی اثر زووله، علاوه بر
این کتاب ستایش‌شده، به‌عنوان تواریخ منسوب،
معروف به کمپیس است.

اندکی پس از مرگ او، که در 25 ژوئیه سال رستگاری
147 اول، در نود و یکمین سال عمرش رخ داد، نویسنده ای
ناشناس آنچه را که در مورد زندگی او شایسته توجه
بود، به دقت از خاطرات برادرانش جمع آوری کرد و حداقل
در سال 1480 در کتابچه ای با عنوان «چند گفتگوی
بزرگان توماس در مورد توماس.

a کمپیس، او توضیح داد.
این رساله برادرت توماس در کتاب عنوان سی و
هشتم، مسلماً از دست خودش

آنها در صومعه کوه سنت اگنس نوشته و نگهداری می شوند و نام آنها به شرح زیر است:

I. کتاب الثلاثه :

2. در مورد پشیمانی واقعی.

3. بر استعفای عصر (= نه خطبه به برادران).

4. رساله مریم و مرتا (== از مباشر وفادار) با سایر رسالات.

5. در تقلید از مسیح (= کتاب اول).

6. رساله دوم (= De imit. lib. 2).

7. رساله سوم در عتبات (De imit. lib. 4).

8. چهارم در مورد گفتار درونی مسیح (= De imit. lib. 3).

9. در نظم صومعه.

I. نامه اختصاص داده شده به یک منظم خاص.

II. کمی تمرین معنوی

12. در تشخیص شکنندگی خود.

I3. استحباب تواضع (= تواضع).

I4. از زندگی مرده

I5. از یک زندگی خوب و آرام.

16، در تعالی ذهن.]

I7. یک یادآوری کوتاه به راهب

I8. گفتگوی مبتدیان به چهار قسمت تقسیم می شود (= الف) گفتگوی مبتدیان; ب) زندگی

---

1 در نسخه Pohl: یادآوری مختصری از تمرین معنوی.

جرارد کبیر؛ ج) زندگی فلورانس؛ د) زندگی شاگردان فلورنت.

I9. تک گویی روح.

20. موعظه در مورد تجسم خداوند (مراقبه در مورد تجسم مسیح).

21. موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند.

22. دعاهای مربوط به مصائب پروردگار و باکره و سایر اولیاء الهی (= برخی دعاهای متقیان و عابدانه و دعاهای بسیار پرهیزگارانه).

23. موعظه برای تازه کارها، 24. زندگی لیدوی گ.

25. باغ گل رز.

26. دره نیلوفرها.

27. الفبای راهب.

28. تسلی مستمندان.

29. Epitaphium monachorum = Enchiridion monachorum).

30. زندگی راهب خوب.

31 کتابچه راهنما برای کودکان.

32. دکترین جوان.

33. بیمارستان برای فقرا.

34. کتاب دعا در مورد زندگی خداوند.

35. دعای قیامت.

36. تواریخ صومعه کوه $. اگنس

37. کتاب سرود عمده

38. کتاب آهنگ فرعی.

---

1 همه این موارد از مقاله ای گرفته شده است که جوس بسیار واضح نوشته است. پولل در جلد یازدهم، ص. 1673 متر مربع

در قرون بعدی چندین نسخه از تمام آثار توماس
مبارک توسط افراد مختلف تهیه شد. با این حال،
هیچ کامل‌تر، دقیق‌تر از آنچه در آنتورپ در سال 7/16
برای دومین بار توسط هنری سومالیوس از انجمن
عیسی منتشر شد، نیست. "من برای خود در مقدمه
مجموعه فوق چقدر کار و چقدر زحمت کشیده ام - فقط
او می داند که من آرزو دارم پاداشی غنی در بهشت
امضاها را دیده و خوانده ام و ورق داشته باشم." من آنقدر
زده ام که امیدوارم عذاب را به کمال خود رسانده باشم
و در ذهنی شایسته آرام بگیرم. »

در این نسخه از سومالیوس، تمام آثار فوق الذکر
به جز تواریخ صومعه کوه سنت اگنس (شماره 36)
را خواهید یافت.
اما عناوین برخی از جزوه ها تا حدودی بدون تغییر ارائه
شده است.

هرمانمس گرلاخ، دکترای حقوق و یکی از اعضای
کلیسای کلیسای جامع لیمبورگ، اغلب این نسخه از
سومالی را در دستان خود می چرخاند، زمانی که بیست و
پنج سال پس از مبارزه وحشتناک علیه کلیسا،
برای خود یک بازنشستگی غیرارادی آماده کرده بود.

از این رو در مطالعه خود به شباهتی که بین اقوال
ممتاز کتاب وارد شده است، پی برد

از چاپ دوم کتاب "Kirchenlexikon". همچنین نمایی از تمام
آثار در los را مقایسه کنید. Pohl Vol. II، ص. هشتم

در مورد تقلید از مسیح و سایر آثار توماس مبارک با برداشتن قطعات موازی از همان و جمع آوری آنها در بسته های مختلف، ذهن و دست خود را حرکت داد.

او پیش از این در حال آماده شدن برای چاپ چاپ جدید کتاب تحسین برانگیز «درباره تقلید از مسیح» به همراه این فایل های جملاتی بود که به هر فصل به نام «ملاحظات» پیوست کرده بود، که به طور غیرمنتظره ای در 31 جولای r886 در ایشل، شهری در اتریش علیا، از زندگی نجات یافت.

برادرانی که ایشان را به عزا گذاشته بود، کار را به من سپردند.
اگرچه اصلاً در آثار Fr. اما من که به توماس ارادت داشتم، به این ترتیب خواسته آنها را برآورده کردم، مبادا تلاشی که فقط با عشق خدا و غیرت جانها انجام شد و سالها بدون خستگی ادامه یافت، ناتمام بماند.

بر همین اساس در سال ۸۸۹ چاپ اول این مجموعه را منتشر کردم.
کتاب تقلید که به این ترتیب با ثروت های جدید از خزانه توماس خود غنی شده است، بسیاری را خشنود کرده است.
به همین دلیل تصمیم بر آن شد که چاپ اول که تمام شده و تکرار شده بود به چاپ برسد. اما به غیر از شکل خارجی، تقریباً چیزی توسط من تغییر نکرده است، جز شاید روش استنادها که به شکل معمول کاهش یافته و در برخی جاها نیز دقیق‌تر شده است. 1

از این رو از اتمام این کار هیچ زحمت و لیاقتی نصیبم نشد، با این حال از خواندن این جملات سرشار از شیرینی و مسح شگفت انگیز، ثمره کمی برایم حاصل نشد. کدام میوه نیز خوب است:

می خواهم خواننده با تمام وجود این اثر را بچشد.

پیشگفتار چاپ سوم.

C در این سالهای آخر جوزف پل،
مردی بسیار عاقل، نسخه جدیدی از تمام آثار
توماس کمپیس آماده می کرد که عنوان آن این است:
Thomas Hemerken a Kempis Canonici Regularis (order S, Augustini operas omnia (Friburg Brisigavorum i904, Sumptibus Herder، لازم بود
این نسخه فعلی و به ویژه قطعات جدیدی که در
مجموعه آثار توماس در نظر گرفته شده است،
تصحیح شود. بسیاری از جاهای دیگر نیز درگیر آثار
توماس کمپیس بودند تا بهترین و دقیقترین متن
را به آن ویراستار ارائه دهند.

اما از آنجایی که این نسخه جدید از تمام آثار جوس.
هنوز فقط چهار جلد از دستورات پولل منتشر شده
است، یعنی جلدهای دوم، دوم، پنجم، ششم، در این چاپ
سوم "تقلید مسیح" را خواهید یافت.

سپس عبارات برگرفته از نسخه Pohl، و همچنین عبارات دیگری که می توان در آن نسخه قدیمی سومالیوس خواند، که بدین ترتیب نوشته شده است: تمام آثار توماس مالئولی و کمپیس به امضای همان آثار تصحیح شده و مطالعه هانری سومالیوس از انجمن عیسی، آنتورپ 1607. علاوه بر این، روش استناد به آن عبارات، که برگرفته از نسخه پولل است، به این صورت است که ابتدا عنوان اثر، سپس قسمت یا جلد و در نهایت ردیف و سطر سوم که صفحه در آن یافت می شود، نشان داده شود.

در نهایت، شما می خواهید توجه داشته باشید که قدرت تمایز شخصیت ها این است که طولانی ترین، جایی که یک نقطه قبل از یک حرف بزرگ است، کمی کوتاهتر، جایی که منحنی است، حتی کوتاهتر، جایی که نقطه نقطه، کوتاهترین، جایی که یک نقطه قبل از یک حرف کوچک قرار می گیرد، نویسنده باید در نظر گرفته شود که مکث بین خواندن را قضاوت کرده است.

باشد که این ویرایش جدید کتابچه طلایی "درباره تقلید از مسیح" انگیزه جدیدی برای محبت خداوند به شما خواننده عزیز باشد و فراوان ترین ثمره را برای شما به ارمغان آورد.

فرایبورگ بریسگاو، جشن سنت آلویسیوس 1go9.

لورنتیوس ورتمان،
مشاور کلیسایی و S. S. Chamberlain.

---

۱ پول: جزء (جلد) ۲ ص ۴۴۷.

فهرست کتاب ها و فصول.

صفحه
از مقدمه تا چاپ دوم پیشگفتار تا چاپ سوم V
. . XI

کتاب I

یادآوری های مفید برای زندگی معنوی

فصل
I. De تقلید از مسیح و تحقیر همه باطل های جهان
. . I
2. در احساس فروتنی از خود 3. در آموزه . 6
حقیقت 9
4. بر مشیت در افعال . . . I5
5. در قرائت کتاب مقدس 6. در مورد عواطف . 17
نابسامان . . 20
7. پرهیز از امید و شادی بیهوده 8. پرهیز از 22
آشنایی بیش از حد . 25
9. بر اطاعت و اطاعت 10. در پرهیز از . 27
الفاظ زائد II. در کسب آرامش و غیرت برای . 30
موفقیت I2، در مورد بهره مندی از ناملایمات 13. در 33
برابر مقاومت در برابر وسوسه . . . 37
ها I4. در مورد اجتناب از قضاوت عجولانه . . 39
. . 46
15. از کارهایی که از روی صدقه انجام می . . 49
شود. 16. رنج بردن از کاستی های دیگران . 52

فصل	صفحه
از زندگی رهبانی .I7	55
18. در مورد مصادیق پدران مقدس 19. در	58
تمرینات نیکوکاران دینی	64
20. بر عشق تنهایی و سکوت	72
21. از پشیمانی دل	78
22. در نظر بدبختی انسان	83
23. از ناخوشی مرگ	89
24. در مورد داوری و مجازات گناهکاران 25. در مورد اصلاح شدید تمام زندگی	98
مال ما	I04

کتاب دوم

نکاتی برای کشیدن داخلی

1. گفتگوی داخلی	II3
2. تسلیم فروتنانه	120
3. از انسان خوب و آرام	I23
4. بر ذهن پاک و نیت ساده	من 26
5. در نظر شخصی	من 29
6. در شادی وجدان	133
7. از محبت عیسی بالاتر از همه چیز	137
8. در مورد دوستی آشنای عیسی 9. در	I41
مورد فقدان همه راحتی	I47
10 سپاسگزاری از لطف خداوند	154
از معدود عاشقان صلیب عیسی .II	I59
12. در راه سلطنتی صلیب مقدس	I63

کتاب سوم

در مورد راحتی داخلی

در مورد گفتار درونی مسیح به روح .I وفادار	176

صفحه فصل

2. اینکه حقیقت در درون بدون سر و صدای کلمات صحبت می کند 179
3. اینکه سخنان خدا با تواضع شنیده شود و بسیاری آنها را وزن نکنند 182
4. که باید با حق و تواضع در برابر خداوند صحبت شود 189
5. بر تأثیر شگفت انگیز عشق الهی I93
6. در آزمون یک عاشق واقعی 199
7. بر کتمان لطف در پناه خشوع 205
8. بر کم ارزش دانستن خود در نزد خداوند 210
9. که همه آگهی I خدایا، همانطور که در پایان در نهایت به آنها اشاره می شود 213
10. اینکه با دنیا بندگی خدا شیرین است 216
2. اینکه خواسته های دل را باید بررسی و کنترل کرد. 22 من
12. علمُ الصـّابِرُ وَ قالهُ علیهِ 224
I3. در مورد اطاعت رعایای فروتن از نمونه عیسی مسیح 229
I4. با در نظر گرفتن احکام پنهان خدا، مبادا در نیکی ها سربلند شویم 234
I5. چگونه در هر امر مطلوبی بایستیم و صحبت کنیم 237
16، این تسلی واقعی را تنها در خدا باید جستجو کرد 240
17. این که همه نگرانی ها باید در خدا ایجاد شود 243
18. این بدبختی های دنیوی باید پس از سرمشق مسیح با آرامش تحمل شوند 246

فصل صفحه

I9. تحمل صدمات، و اینکه چه کسی رنجور واقعی است باید ثابت شود 250
20. بر اعتراف به ضعف خود و بدبختی های این زندگی . . . 255
21. اینکه در خدا باید بر همه کاالها و مواهب استراحت کنیم . . 260
22. بر یاد فواید متعدد خداوند 266
23. د چهار صلح اهمیت زیادی دارد 272
24. د با اجتناب از تحقیق کنجکاو در زندگی دیگری . . . 277
25. آرامش قلبی و پیشرفت واقعی در آن است. . . . 279
26. از برجستگی آزاداندیشی که به دعای ساده سزاوارتر از خواندن است. 283
27. عشق خصوصی مانع از رسیدن به عالی ترین خیر می شود . . . z87
28. در برابر زبان تهمت زنندگان . . 293
29. چگونه در مصیبت اضطراری باید خدا را خواند و برکت داد؟ . 294
30. در مورد استعانت از الهی و اطمینان در بازیابی فیض . . . 297
31. بر غفلت از هر موجودی، تا خالق پیدا شود ؛ 302
32. در مورد انکار نفس و کنارگذاشتن هر آرزو 307
33. از ناپایداری دل و نیت نهایی به سوی خدا . . 310
34. اینکه خدا بر همه چیز حکیم است و در همه چیز نسبت به عاشق 313

صفحه فصل

35. اینکه در زندگی امنیت از وسوسه وجود ندارد 318
36. در برابر قضاوت بیهوده مردان . . 322
37. بر استعفای خالص و کامل نفس برای به دست آوردن آزادی قلب. . 325
38. درباره حکمرانی خوب در امور خارجی و توسل به خدا در خطرات . . . 328
39. اینکه مرد در کارها اهانت نکند . . . . . 33 من
40. آن انسان از خودش هیچ چیز خوبی ندارد و نمی تواند به هیچ چیز ببالد . . 333
41 در مورد تحقیر تمام حرمت های دنیوی 338
42. این که صلح در بین مردم برقرار نمی شود 340
43. در برابر علم بیهوده و دنیوی 343
44. در مورد عدم جذب چیزهای بیرونی به خود 346
45. این که همه را نباید باور کرد و در لغزش آسان کلمات. . . 348
46. در مورد اعتماد به خدا، هنگامی که تیرهای کلمات بلند می شود . . 352
47. اینکه همه چیزهای سنگین را باید برای زندگی ابدی تحمل کرد 357
48. در روز ابد و سختی های زندگی 36 من
49. بر شوق زندگی جاودان و چه بزرگ است موعود. . 367
50. به عنوان یک انسان متروک باید خود را به دست خدا بسپارد . . . 373
آری آن چیزی که فرومایه باید بر پوشاندن آن اصرار داشته باشد، در حالی که از بلندی کم است . . 379
52. اینکه انسان خود را مستحق تسلیت نمی داند، بلکه مقصر شلاق می داند. 381
به خردمندان 385

صفحه	فصل
388	54. بر حرکات مختلف فطرت و فیض 55. بر فساد طبیعت و تأثیر فیض الهی.
396	. . . . .
402	ای‌نکه ما باید خود را انکار کنیم و از طریق .s6 صلیب مسیح را تقلید کنیم .
407	57. این که انسان در هنگام فرود آمدن عیب در بعضی از آنها زیاد زمین نخورد.
4 II	. ، .
419	59. تمام امید و اطمینان باید فقط به خدا ثابت شود. . . . .

کتاب چهارم

از مراسم مقدس

صفحه	فصل
425	1، چه زمانی با چه احترامی باید مسیح را پذیرفت . . . . .
435	2. اینکه خیر و صدقه عظیم خداوند در مراسم راز به انسان عرضه می شود .
44 من	3. اینکه مکرر ارتباط مفید است .
446	4. اینکه بسیاری از کاالها برای کسانی که آن را با تقوا به اشتراک می گذارند تضمین شده است . . . . .
452	5. بر شأن قدس و حالت مقدس . . . .
456	6. سؤال در مورد ورزش قبل از عشا . . . . .
457	7. بحث در مورد خودآگاهی و هدف از بهبود . . .
462	8. در مورد قربانی مسیح بر روی صلیب و خود او استعفا . . . . ..
465	9. اینکه باید خودمان و هر چه داریم را به خدا تقدیم کنیم و برای همه دعا کنیم .

فصل صفحه

1. آن عبادت مقدس را نبایـد به راحتی ترک کـرد
. . . . 470
این کـه بدن مسیح و کـتب مقدس برای روح مؤمنان .II
ضروری ترین است I2. کـه او بایـد خود را با 477
دقت فراوان برای ارتباط با مسیح آماده کـند
. 484
این کـه روحی کـه با تمام قلب خود به مسیح .I3
اختصاص دارد بایـد بر اتحاد در مراسم مقدس 489
تأثیر بگذارد.
. . 493
فیض عبادت با فروتنی و انکار نفس به .I5
دست می آیـد . 496
16. اینکـه ما بایـد نیازهای خود را به روی مسیح
بگشاییم و فیض او را بخواهیم I7. در 50 من
مورد عشق آتشین و احساس لرزان پذیرش مسیح
. . . 505
18. اینکـه انسان نبایـد محقق کنجکاو در آیین مقدس
باشد، بلکـه بایـد مقلد متواضع مسیح باشد
و عقل خود را تسلیم ایمان مقدس کـند.
. 510

کتاب I

ادارات مفید برای زندگی معنوی.

سر

در مورد تقلید از مسیح و تحقیر همه باطل های جهان.

1 خداوند می‌گوید: کسی که از من پیروی می‌کند در تاریکی راه نمی‌رود. این سخنان مسیح است که با آن به ما یادآوری می شود که تا چه اندازه باید از زندگی و آداب او تقلید کنیم، اگر بخواهیم ٢ واقعاً روشن بین باشیم و از هر کوری قلبی رها شویم. بنابراین، بالاترین دغدغه ما باید تعمق در زندگی عیسی مسیح باشد.

2. آموزه مسیح بر همه آموزه های مقدسین برتری دارد. و کسی که روح داشت، مانا را در آنجا پنهان می‌کرد.

اما این اتفاق می افتد که بسیاری از جمعیت با شنیدن انجیل کمی اشتیاق پیدا می کنند، زیرا روح مسیح را ندارند.
اما کسی که مایل است به طور کامل و عاقلانه سخنان مسیح را درک کند، باید تلاش کند تا تمام زندگی خود را با آنها تطبیق دهد.

3. چه سودی برای شما دارد که در مورد تثلیث با جزئیات زیاد صحبت کنید، اگر تواضع ندارید، از این رو تثلیث را قبول ندارید؟ به راستی که سخنان بلند انسان را مقدس و صالح نمی کند، اما زندگی با فضیلت انسان را نزد خدا عزیز می کند. من ترجیح می دهم احساس پشیمانی کنم تا اینکه تعریف آن را بدانم. اگر کل انجیل و سخنان همه فیلسوفان را از روی قلب می دانستید:
همه اینها بدون محبت و لطف خدا چه فایده ای دارد؟ باطل از باطل ها و همه باطل ها، جز اینکه خدا را دوست بداریم و تنها او را بندگی کنیم. این بالاترین حکمت است که از طریق تحقیر دنیا به پادشاهی های آسمانی گرایش داشته باشیم.

4. از این رو جستجو و امید به ثروت های فاسد شدنی باطل است. افتخار جویی و به مقامی والا بردن در همه چیز باطل است. آرزوی طول عمر باطل است و

. بیهوده است برای زندگی خوب کمی اهمیت دادن که فقط به زندگی کنونی توجه کنیم و آنچه را که قرار است پیش بینی کنیم. بیهوده است دوست داشتن چیزی که با سرعت تمام می گذرد و عجله نکردن به آنجا، جایی که شادی ابدی باقی می ماند.

5. این ضرب المثل را مرتباً به خاطر بسپارید: زیرا نه چشم از دیدن سیر می شود و نه گوش از شنیدن پر می شود. پس تلاش کن تا دلت را از محبت مرئی ها دور کنی و خود را به نادیدنی منتقل کنی. زیرا کسانی که از نفسانیات خود پیروی می کنند وجدان خود را لکه دار می کنند و لطف خدا را از دست می دهند.

در نظر گرفتن.

خداوند می گوید من راه هستم. اگر از طریق من وارد شوید، نجات خواهید یافت. من نور جهان هستم: کسی که از من پیروی کند در تاریکی راه نخواهد رفت، بلکه نور زندگی خواهد داشت!

I بیاموزید که با کمال فروتنی و سادگی از شکل و زندگی عیسی تقلید کنید.

---

1 بر سه خیمه ج. 2، نه 4. 2 کتاب معنوی ارتش ج. 7، قسمت 2، ص. 345، خط i.

*1

با تمام فضایل و اخلاقش! بیایید و در مکتب خدا راه فروتنی، فروتنی و صبر را بیاموزید، که به وسیله آن می توانید با خیال راحت به جلال سعادت ابدی، آموزش داده شده توسط مسیح، برسید. از طریق ایمان سرشار از نیکوکاری، در مسیر عشق در زندگی خود از مسیح پیروی کنید تا شایستگی دیدن او را در حال ضرب و شتم فرشتگان داشته باشید.

N برای من مسیح زندگی کردن است و مردن سود است. بنابراین چشمان من همیشه به خداوند من مسیح است، زیرا او فرمانروایی و حکمت من است. زیرا کمال همه فضایل در او همچون آینه ای از جهان می درخشد. و در هر کتاب و دانشی نمی توان چیزی بهتر و کاملتر از این کتاب زندگی و نور حقیقی که هر انسان را روشن می کند و به ویژه فقرای روحی را به عشق خود منتقل می کند، یافت، شناخت و تأمل کرد.

N برای من زنده ماندن مسیح است و مردن سود. ای کلمه شیرین و مفید هرگز فراموش نشدنی. او واقعاً زندگی می‌کند و با خوشبختی زندگی می‌کند: کسی که مسیح در همه چیز برای اوست

---

1 در نظم و انضباط صومعه ج. I3, P. 2, P. 309 مربع،
1. 26. ? یک راهب الفبای کوچکی را در مدرسه خدا خواند.
23، ص 3، ص. 321, I. 27. 3 Hortulus TOSArum C. I7, n. 4.
4 موعظه در مورد زندگی و ——

اشتیاق خداوند. دوم، ص 3، ص. 136، 1. 3. ر.ک. فیل 1، 21

بنابراین . . . بالاتر از همه، منحصر به فرد محبوب.
زندگی کردن برای مسیح زیستن است و این یعنی مردن برای خود و شکست خود و بیشتر از همه به دست آوردن، زیرا این از دست دادن مرگ و یافتن حیات جاودانی است: در خداوند ما عیسی مسیح.

افسوس که چقدر دیوانه است: کسی که حتی برای لحظه ای چشم دل را از این مقدس ترین نمونه جهان برمی گرداند.
اینجا چه فایده ای دارد که گوشت را به ظرافت بسوزانند و بعد در جهنم به شدت شکنجه شوند؟

و تمام
ثروت ها چه سودی خواهند داشت 3
همه چیز باطل است: شرافت، ثروت و قدرت 4.
چه احمقانه تر از عشق بیهوده و رد حقیقت؟ چه چیز انحرافی تر از غفلت از خدا و توجه به انسان؟ چه دیوانه تر از این که به دنیا نگاه کنی و به آسمان نگاه کنی؟ ای دانیتاس، دنیا را دوست داشته باشی و به چیزهای خدا کمتر اهمیت بدهی.

کل وانم، لغزنده و حیله گر، به جز

---

1 در نظم و انضباط صومعه ج. I3, P. 2, P. 32 متر مربع 2- .I. I5 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند II، ص 3 دره نیلوفرها ج. — 3، ص. 25 .1 ،I35.
14 n. 3; C. 25, n. 3. 4 باغ گل رز C. 2, n. 2.
5 کتابچه راهنمای راهبان ج. ، نه 2. 6 رساله چهارم، ن. من

خدا را دوست داشته باشم و همیشه نیکی کنم. پس بهتر است دنیای فریبکار را تحقیر کنیم و از حقیقت پیروی کنیم؟

فصل دوم.

در مورد اعتماد به نفس پایین

1. هر انسانی به طور طبیعی میل به دانستن دارد: اما معرفت بدون ترس از خدا به چه معناست؟ به راستی آن دهقان متواضع که خدا را بندگی می کند بهتر از فیلسوف مغروری است که خود را نادیده می گیرد و مسیر بهشت را در نظر می گیرد. کسی که خود را خوب می شناسد، خود را حقیر می داند و از ستایش مردم لذت نمی برد. اگر من همه آنچه در دنیاست می دانستم و صدقه نمی دادم، چه چیزی به من کمک می کرد در پیشگاه خداوندی که بر اساس آنچه انجام داده ام قضاوتم می کند؟

2. از میل مفرط به دانستن استراحت کنید، زیرا حواس پرتی و فریب زیادی وجود دارد. خردمندان دوست دارند دیده شوند و عاقل خوانده شوند. چیزهای زیادی وجود دارد که دانستن آنها کم یا اصلاً برای روح مفید نیست. و او بسیار نادان است که به برخی نگاه می کند نه به کسانی که در خدمت نجات او هستند. خیلی چیزها

---

1 باغ رز 2 ,n ,2 .C. — 2 نامه

چهارم، 5 .D

کلمات روح را راضی نمی کنند; اما زندگی خوب ذهن را خنک می کند و وجدان پاک تضمین کننده اطمینان زیاد به خداست.

3. هر چه بیشتر و بهتر بدانید، شدیدتر از آن قضاوت خواهید شد، مگر اینکه مقدس تر زندگی کنید. بنابراین، به هیچ مهارت و دانشی مباهات نکنید، بلکه از اطلاعاتی که به شما داده می شود بترسید. اگر به نظرتان می رسد که خیلی چیزها را می دانید و به اندازه کافی آنها را درک می کنید، آگاه باشید که چیزهای زیادی وجود دارد که نمی دانید. تظاهر به عاقل بودن نکنید، بلکه به نادانی خود اعتراف کنید. چرا میخواهید خود را به دیگری ترجیح دهید، در حالی که دانشآموزتر از شماست، و در قانون خبرهتر هستید؟ اگر می خواهی هر چیزی را مفید بدانی و بیاموزی: ناشناخته بودن را دوست داشته باش و هیچ به حساب نیاید.

4. این عمیق ترین و مفیدترین درس است: خودشناسی واقعی و تحقیر. این که هیچ چیز از خود نداشته باشد و همیشه نسبت به دیگران احساس خوبی داشته باشد، حکمت و کمال بزرگی است. اگر ببینید که دیگري علناً گناه مي کند، یا مرتکب جرمي شدید، نباید خود را بهتر بدانید. زیرا نمی دانید تا کی می توانید در خوبی بایستید. همه ما شکننده هستیم، اما شما هیچ کس را شکننده تر از خودتان نخواهید داشت.

در نظر گرفتن.

اگر به دنبال نجات هستید، اگر می خواهید مورد ستایش و تعالی قرار بگیرید: از مسیح فروتن پیروی کنید و خود را تحقیر کنید. زیرا به هیچ وجه نمی‌توانید به آسمان صعود کنید، مگر اینکه به خاطر خدا با تمام قلب خود فروتن شوید. آرزو نکن که در دهان آدمیان باشی: کسانی که با ستایش های بیهوده سرنوشت تو را فریب می دهند، عاشق جلال دنیوی. به راستی به قلبت بنگر که چه هوس هایی را در بر می گیرد. و در خود تجلیل مکن و همسایه خود را هر چند فقیر و ناتوان باشد تحقیر نکن. کلام قابل توجه مسیح را به خاطر داشته باشید. و هنگامی که جلال بیهوده جهان شما را وسوسه کرد، به خود پاسخ دهید که مسیح به یهودیان چه گفت.
اگر خودم را تجلیل کنم، جلال من چیزی نیست. پس جلال و ستایش بیهوده انسانها که با دانش و هنر به دست آمده است، از بین برود. مباهات احمقانه به کار نیک و گفتار ماهرانه متوقف شود. تخیل نادرست تقدس نشان داده شده در خارج را نابود کن

هر چه در همه چیز فروتن تر باشیم: از کمال واقعی دورتر هستیم. هر چه انسان بیشتر بداند که از کمال دور است، به کمال نزدیکتر است. آیین گوریای بیهوده

1 موعظه به نوآموزان ج. I7، ص 6، ص. 137 متر مربع، 1. 30.
2 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 35، ص 3، —
ص 310، 1. 32.

این است که خود را راضی کند 1. ناشناخته بودن را دوست دارد: و به عنوان هیچ به حساب نمی آید. این برای شما سالمتر و مفیدتر از ستایش مردان است. ناشناخته بودن را دوست داشته باشید، مردن را بیاموزید، در گذشته سوگواری کنید، حال را گرامی بدارید و در آینده فکر کنید. بگذارید این قانون کوتاه در حافظه شما بماند و به شما یاد می دهد که بر همه چیزهای زمینی غلبه کنید.

زیرا کسی که خود را بزرگ می پندارد، قضاوت نادرستی می کند و چیزهای بدتری را در مورد دیگران تصور می کند. تواضع زیاد قلب: نسبت به خود احساس حقارت و همیشه نسبت به دیگران بهتر بودن. یک فرد واقعاً متواضع خود را در کارهای خوبی که انجام می دهد نمی داند و خود را برتری نمی بخشد، بلکه خود را از همه پست تر می داند و واقعاً خود را از همه پایین تر می داند. در اینجا به بدیها و نالههای خود میاندیشد و با دیدن خوبیهای دیگران شادمان میشود که برای آنها حمد و ثنای الهی میکند: دعا میکند که به خود رحم کند و خود را از بدیها رهایی بخشد.

فصل سوم

از آموزه حقیقت.

1. خوشبختی که حقیقت به خودی خود به او می آموزد، نه با چهره ها و صداهای گذرا، بلکه

---

1 زندگی جرارد ج. 18، شماره 20 او در مکتب خدا راهب بود. — 2 آلفای کوچک، ص 3، ص. 317

1. 10. -3 گفتگوی مبتدیان ج. 4، توصیه به فروتنی ص 2، ص. — نه 3. 4 379 -Re, 1. 24.

5 دره نیلوفرها ج. 18، شماره 4. — راهنمای G par- از اراده ج. 5.

همانطور که هست عقیده و حس ما اغلب ما را گمراه می کند و کم می بینیم.
طعنه زیاد در مورد چیزهای پنهان و مبهم چه فایده ای دارد که ما حتی در دادگاه درباره آن بحث نمی کنیم، زیرا ما نادان بودیم؟
این حماقت بزرگی است که با غفلت از مفید و ضروری، توجه خود را به کنجکاو و مضرات معطوف کنیم. چشم داشتن را نمی بینیم. ؛

2. و آنچه ما را در مورد انواع و گونه های ؛ که کلام ازلی با آنها سخن می گوید، مورد توجه بسیاری از آراء است.
همه چیز از یک کلمه سرچشمه می گیرد و همه یک چیز می گویند: و این اصلی است که با ما نیز صحبت می کند. هیچ کس بدون آن درست نمی فهمد و قضاوت نمی کند. کسی که همه چیز برای او یکی است و همه چیز را به یکی می کشاند و همه چیز را در یک می بیند، می تواند در دلش ثابت قدم باشد و در خدا آرام بماند. ای خدای حقیقی، مرا در عشق جاودانه با خود یکی کن. من اغلب از خواندن و گوش دادن به خیلی چیزها خسته می شوم: تمام آنچه می خواهم و آرزو دارم در توست. بگذار همه معلمان ساکت باشند، بگذار همه مخلوقات در مقابل تو ساکت باشند: تو تنها با من صحبت کن.

3. انسان هر چه بیشتر با خود متحد شود و در باطن ساده شده باشد، بدون تلاش بیشتر مطالب عمیق تری را درک می کند، زیرا او از et

نور درک را می گیرد. روح پاک و ساده و استوار در بسیاری از کارها از بین نمی رود، زیرا همه را در عزت خدا می کند و می کوشد از هر جهت گونه خودخواهی بیکار بماند.

چه کسی تو را بیش از محبت بی جان تو مانع و آزار می دهد؟ انسان خوب و عابد ابتدا در درون خود به امور خود

می پردازد که باید خارج از آن انجام دهد. و او را به خواسته‌های یک گرایش باطل نمی‌کشانند، اما او آن‌ها را به داور عقل راست خم می‌کند.

عمل چه کسی مبارزه ای قوی تر از کسی دارد که برای غلبه بر خود تلاش می کند؟ و این باید وظیفه ما باشد: بر خود غلبه کنیم و هر روز قوی تر شویم و به سمت چیزی بهتر پیشرفت کنیم.

4. هر کمالی در این زندگی، نقصی دارد;

و همه گمانه زنی های ما بدون ابری خاص نیست. دانش فروتنانه شما راهی مطمئن تر به سوی خداست تا جستجوی عمیق دانش. علم یا هر علم ساده به یک امر، که فی نفسه حسنه و مقدر از جانب خداوند است، ملامت ندارد; اما وجدان خوب و زندگی با فضیلت همیشه ترجیح داده می شود.

اما از آنجا که بسیاری از مردم بیشتر به دانستن نحوه زندگی خوب علاقه مند هستند: بنابراین آنها اغلب به بیراهه می روند و تقریباً میوه نمی دهند یا کم می آورند.

5. آه اگر برای ریشه‌کنی رذیلت‌ها و تلقین فضایل، به اندازه پرسش‌گری، اهتمام می‌کردند، نه این همه بدی‌ها و رسوایی‌ها در میان مردم به وجود می‌آمد و نه در کنیسه‌ها این‌قدر اختلاف.

نه چقدر خوب صحبت می کردیم، بلکه چقدر مذهبی زندگی می کردیم. به من بگو: کجایند آن همه استاد و معلمی که در دوران تحصیلشان خوب می شناختی؟ لام لام دیگران دارای آذوقه خود دانم که آیا آنها دوباره به آنها هستند; و من نمی فکر می کنند. به نظر می رسید چیزی در زندگی او وجود دارد و او فقط در مورد آنها سکوت می کرد.

6. ای چه زود جلال دنیا می گذرد!

ای کاش زندگی‌شان با علمشان موافق بود! آن وقت آنها خوب مطالعه می کردند و می خواندند.

چه بسیارند که بر اثر دانش بیهوده در دنیا هلاک می شوند، کسانی که برای بندگی خدا اهمیت چندانی ندارند! و چون ترجیح می دهند بزرگ باشند تا پست، در افکارشان ناپدید می شوند. او واقعاً بزرگ است که صدقه بزرگی دارد.

او واقعاً بزرگ است: کسی که در خود کوچک است و بی‌هوده است، تمام اوج افتخار را هدایت می کند. او واقعاً عاقل است که همه چیزهای زمینی را به عنوان سرگین قضاوت می کند تا مسیح را به دست آورد. و کسی که اراده خدا را انجام دهد و اراده خود را ترک کند، واقعاً تحصیل کرده است.

در نظر گرفتن.

خوشا به حال مردی که خداوندا او را تعلیم خواهی کرد و شریعت خود را به او تعلیم خواهی کرد. بهتر است عقاید خود را بشنویم و یاد بگیریم تا اینکه با طلا و نقره و همه ثروت معامله کنیم. 0 دکتر حقیقت، چقدر سریع و کاملاً غوطه ور شده ای، که خودت را به او نشان می دهی. تو تنها با من صحبت می کنی، تو هستی و نور. کلام تو ای خداوند نور من و شادی روح من است. بدون او در تاریکی و اندوه هستم و با او سرشار از شادی و نور هستم.

به من بیاموز تا اراده تو را انجام دهم و 1 خود را بازگردانم

کسی که سن را تحقیر می کند، قوی است. قوی تر، آن که بر خود غلبه کند، فضیلت بزرگ، فیض بزرگ، خود را بسوزاند و هر ساعت بمیرد.

1 دکترین جوان ج. 7، نه I. رجوع کنید به مزمور 93، 12 [1]

2 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 3، ص 3، ص. 78، 1. 3o. $ 2 شماره 29، ج. .دره نیلوفرها

4 در بلندای ذهن ص 2، ص. 403، 1. 21 - کتاب تمرینات معنوی ج. 4، ص 2، ص. 337، 1. 3.

مبارزه سخت؛ اما پاداش های باشکوه و ابدی برای یک
پیروزی کامل داده خواهد شد.
او از نظر قدرت قوی است که شجاعانه در برابر بدی ها مقاومت
می کند. او استاد بزرگی است که بر خواسته های شیطانی
خود حکومت می کند.

او در پیشگاه خداوند بزرگ است که با تواضع
واقعی، خود را طرد و فروتن می کند و خود را از هر خیر
و نیکی بی ارزش می داند. اگر می خواهی در بهشت
بزرگ باشی، در دنیا کوچک باش. در نظر خود پست
باش تا در نظر خدا جادوگر شوی.

عاقل است که می داند چگونه خود را در فضایل نیکو
و ستودنی کند. 4 راه احتیاط این است: دوست داشتن
عدالت و نفرت از گناه، نیکی کردن و تحمل بدی به خاطر
حقیقت، ظاهراً عمل کردن و باطن فراموش نکردن، مراقبت
از فصل، در عین حال دوری از تملق و چاپلوسی از همه چیز،
نه پیروی از هوس انگیزی، بلکه به دلیل نق زدن
مقاومت می کند.

شما از آنها پیروی نمی کنید، اما آنها از شما پیروی می کنند.
احمق و دیوانه ای که آنچه برای خود زیان آور است دوست دارد و آنچه را
که برای نفس سالم است از خود دور می کند. بخوانید و هر

---

1 تسلی مستمندان و ناتوانان 9 .n.
2 رز گاردن 31 .C. 9, n. 23. 3 Valley of the lilies C. 5, n. 2 C,
n. 4. 4 3 باغ گل رز ج. 9، نه.
5 مباشر وفادار ج. 1 و 9.

همه چیز را اداره کن، هیچ نجاتی برای روح نیست جز در خدا و زندگی خوب. محبت خدا و رسولانش حکمت بزرگواری است. این حکمت الهی است: طلب کالای ابدی و تحقیر همه چیزهای گذرا. بنابراین، هر که فروتنانه از مسیح تقلید کند، به زودی آموخته و برکت خواهد یافت.

فصل چهارم.

بر مشیت در عمل.

1. نباید هر حرف یا غریزه ای را باور کنیم; اما موضوع را باید با دقت و حوصله از نظر خداوند سنجید.

متأسفانه، شر اغلب آسان‌تر از خوبی قابل باور و گفتن در مورد دیگری است، بنابراین ما ضعیف هستیم. اما مردان کامل به راحتی هر کسی را که به آنها می گوید باور نمی کنند، زیرا می دانند که ضعف انسان مستعد شر است و در کلمات کاملاً ناپایدار است.

2. حکمت بزرگ، در اعمال خود گستاخ نباشیم و در احساسات خود لجباز نباشیم. در این مورد نیز صدق می کند، نه با کلمات انسانی I

1 دره نیلوفرها ج. 17، شماره 1. 2 باغ رو- $ توصیه تواضع

Sarus C. 9, n. 3 4.

ص 2، ص. 378، 1. 6

باور کند و آنچه را که شنیده یا باور کرده به گوش دیگران نریزد. با مردی عاقل و با وجدان مشورت کن و به جای اینکه از اختراعات خود پیروی کنی، به دنبال تعلیم و تربیت بهتر باش. زندگی خوب انسان را از نظر خدا عاقل و در خیلی چیزها مجرب می کند. هر چه انسان در خود فروتن تر و مطیع خدا باشد، در همه چیز عاقل ، تر و آرام تر خواهد بود.

در نظر گرفتن.

از آنجایی که شما اغلب چیزها را متفاوت درک می کنید و به طور کلی چیزهای جدیدی به شما می گویند، باور نکنید که شکست می خورید، در نتیجه گفتن آنها به دیگران دشوارتر است و اگر کاملاً سکوت کنید، بسیار بهتر است. به تو چی؟
از عیسی پیروی کنید و مردگان او را بدون مرده دفن کنید.

برای آموزش خود، کمی در مورد دستور کار فکر کنید.
برخی کندتر هستند، برخی در اعمال خود تا حدودی بی پروا هستند. تاردها اغلب کالاها را کنار می گذارند یا بخشی از کاری را که شروع می کنند کامل نمی کنند. اما پر جنب و جوش ترها در حالی که بی ملاحظه می دوند ضربه سبکی می زنند. بنابراین فضیلت همیشه در این میان است 2.
اگر نمی خواهی فریب بخوری، از ستایش احمقانه لذت مکن. خدا از دل تو خبر دارد: چگونه

---

1 در مباشر وفادار ج. 1، § 15. -- 2 § 7 Ib.

بگذار پاک و خالی باشد چاپلوس را باور نکنید;
بلکه به سخنان توبیخ کننده گوش فرا دهید.

اگر عاقل دیده نشوید، آیا عاقل خواهید بود؟
کسی که بیش از حد به خود اعتماد دارد خود را در معرض خطر قرار می دهد.]
کسی که باتجربه تر و آموخته تر است عاقلانه تر عمل می کند. پند خواهی نشانه فروتنی است. خدا اغلب از طریق دیگری صحبت می کند:
که خود را به انسان نشان نمی دهد 9.

فصل پنجم

در مورد خواندن کتاب مقدس.

1. حقیقت را باید در کتاب مقدس جستجو کرد، نه فصاحت. تمام کتاب مقدس باید با روحی که در آن نوشته شده است خوانده شود. ما بهتر است به دنبال سودمندی در کتاب مقدس باشیم تا ظرافت گفتار. بنابراین ما باید با کمال میل کتابهای پرهیزگار و ساده و همچنین کتابهای عمیق و عمیق بخوانیم. از اقتدار نویسنده، چه از ادبیات کوچک و چه بزرگ، دلخور نشوید. اما عشق به حقیقت ناب شما را به خواندن می کشاند. نپرس کی اینو گفته اما به آنچه گفته می شود توجه کنید.

---

1 کتاب معنوی ارتش ج. 2، ص 2، ص. 334، 1. I7. از مباشر وفادار ج. 8 .8 § ,I توصیه مجدد فروتنی ص 2, ص. 381، 1. I6.

2. مردم می میرند، اما حقیقت خداوند برای همیشه باقی می ماند. خدا با ما به طرق مختلف صحبت می کند، بدون اینکه شخصیت ها را بپذیرد. کنجکاوی ما اغلب در خواندن کتاب مقدس مانع ما می شود، وقتی می خواهیم بفهمیم و بحث کنیم، جایی که به سادگی عبور می کنیم. اگر می خواهید پیشرفت کنید، فروتنانه، ساده و صادقانه بخوانید.
و شما هرگز نام علم را نخواهید داشت. با کمال میل بپرسید و در سکوت به سخنان مقدسین گوش فرا دهید. و مَثَل‌های بزرگان شما را خشمگین نسازد، زیرا آنها بی دلیل بیان نمی‌شوند.

در نظر گرفتن.

همه آنچه در شریعت قدیم و جدید نوشته شده است برای تعلیم روح ما نوشته شده است تا ما در اینجا و در آینده با امینانه به خدا بندگی کنیم، از شر متنفر باشیم و به خدا، عالی ترین خیر، با قلبی پاک، کامل و کامل بچسبیم.

---

1 دره نیلوفرها ج. 21، شماره 2 - .I اعتقادی برای جوانان ج. 1، n. من

فکر کرد و نشخوار کرد. او در فضایل بسیار بیشتر کامیاب خواهد شد و خانه روح او محکم تر خواهد بود و زیباتر می درخشد. اما کلام خدا ابدی و تغییر ناپذیر می ماند 2

حقیقت را نباید تحقیر کرد، وقتي آن را هر کس ساده گو مي‌زند. سعی کن اول سربازی یاد بگیری و چیزای کوچیک رو انجام بدی و خدا بزرگترها رو بهت میده اگه مفید باشه زودتر بفهمی. آن که می داند و زیاد می خواند: اگر به آنچه می داند و آموخته عمل نکند، خالی و گرسنه از سفره نیک می رود.

زن فقیری که به چیزهای خدا عشق می ورزید، مرتباً به کلیسا می رفت و با خوشحالی کلام خدا را می شنید.
بنابراین، در یک مناسبت، از کلیسا آمده بود، از او پرسیدند: چه خیری از موعظه دریغ کرده بود؟ که او به اختصار پاسخ داد. من چیز زیادی نمی دانم که به شما بگویم: اما آنها را به خوبی شنیده ام و آنها را حفظ کرده ام، زیرا نمی خواهم در مورد بقیه گناه کنم. او خوب و با احتیاط جواب داد که ثمره گفتار نیک را با خود آورد تا دیگر گناهی نکند. از این رو منجی ما در انجیل به زن عابد می گوید. خوشا به حال کسانی که کلام خدا را می شنوند و آن را نگه می دارند 4

---

1 خطبه به مبتدیان 3o، ص 6، ص. 300، 1. 24.

2 در مورد رشد ذهن ص 2، ص. 405، 1. 7. - 6 .S Hor- tulus rosarum c،

خطبه ها 4 —— نه 1 ج. 5 .I2، n.

به مبتدیان 30، ص 6، ص. 314، 1. II.

* 2

فصل ششم

از محبت های بی نظم

1. هر گاه انسان به چیزی بی اندازه
بخواهد، بلافاصله در درون خود بی قرار می
شود. مغرور و بخل هرگز آرام نمی گیرند. فقیر
و فرومایه روح در انبوه صلح آگاهند.
در آنجا مردی که
هنوز کاملاً برای خود مرده نیست، به سرعت وسوسه
می شود و در چیزهای کوچک و پست غلبه می کند.
فردی که از نظر روحی ضعیف است و به نوعی هنوز
نفسانی است و به حساسیت تمایل دارد، به سختی
می تواند خود را کاملاً از امیال زمینی کنار بکشد. و از
این رو هنگام کناره گیری اغلب غمگین می شود. او
همچنین اگر کسی در برابر او مقاومت کند کمی
خشمگین می شود.

2. اما اگر به خاطر خواستهاش مورد آزار و اذیت
قرار گیرد، فوراً زیر بار عذاب وجدان خود میرود، زیرا او
به دنبال اشتیاق خود بوده است که هیچ کمکی
به آرامشی که او میخواست را به همراه ندارد.
بنابراین با مقاومت در برابر هوس ها، آرامش واقعی
دل پیدا می شود، اما نه با خدمت به آنها. بنابراین
در قلب یک انسان جسمانی آرامشی وجود ندارد، نه در
انسانی که به چیزهای بیرونی اختصاص دارد،
بلکه در قلب پرشور و روحانی است.

در نظر گرفتن.

مشکل مستمر و خانگی ما این است: زیرا گوشت ما مطابق روش صحیح زندگی خوب تابع روح نیست.

و نه روح کاملاً تابع خدا است: از تمام اراده خود برای خشنود کردن خود در اینجا و برای همیشه اطاعت می کند!

فضیلت ها همیشه شادی می کنند: اشتیاق باعث ایجاد مالیخولیا می شود. هر کس که پرشور است، باری است بر خود و پریشان دل، هر کجا که باشد، چه تنها باشد و چه با بال های فراوان.

بسیاری از چیزهای گیج کننده را حذف می کند:
او میگریزد و بر بسیاری از دامهای وسوسه غلبه میکند: کسی که به خاطر مسیح، خود را کاملاً از تمام خواستههای زمینی خلع کرده و خود را بیگانه میکند. در اینجا، بدون وزن زمینی، او می تواند آزادانه به سوی چیزهای بهشتی پرواز کند. هر گاه به یاد معشوق محبوبش که در بهشت است، می افتاد: سخنان او را می شنید یا می خواند.

صلح با فضایل خوب است، اما با رذیلت ها هرگز، اما همیشه بد نیست. حالت خوب و آرامش در خانه وجود دارد: جایی که عیوب اصلاح می شوند و رذایل به سرعت برداشته می شوند 5، آرامش

---

1 موعظه به مبتدیان 2 -- .8 .1 ،I9, P. 6, p. I74 اندرز مختصری از تمرین معنوی ص 2، ص. 427، 1. IO.
3 خطبه به مبتدیان I9، ص 6، ص. 174، 1. 5. 4 —
Ib. I3، 5 - .7 .1 ،94 .ص 6، ص De disciplina claustralium c. II، 25 .1 ،307 .ص 2، ص.

خداوند 1 می‌اگوید: بر روی زمین افرادی با حسن نیت وجود خواهند داشت، زیرا برای شریر صلح وجود ندارد

فصل هفتم.

برای دوری از امید و شادی بیهوده.

1. بیهوده ای است که امیدش را به انسانها یا موجودات می گذارد. از خدمت به دیگران با عشق مسیح خجالت نکشید و در این دنیا فقیر دیده شوید. روی خودت بایستی، امیدت را به خدا بسپار. آنچه را که در توست انجام بده تا خداوند به نیت نیک تو رسیدگی کند. به علم خود و حیله گری هیچ موجود زنده ای اعتماد نکن، بلکه به لطف خداوندی که حقیر را یاری و مغرور را فروتن می کند.

2. نه در ثروتمندان، اگر آنها حضور دارند، نه در دوستان خود، زیرا آنها قدرتمندند، بلکه در خدایی که همه چیز را فراهم می کند و می خواهد که خود را بیش از همه بدهد. به عظمت و زیبایی بدنی که با اندکی ناتوانی شکسته و رسوا می شود، مباهات نکنید. خودتان را در مورد توانایی یا استعداد خود راضی نکنید.

---

1 بر سه خیمه ج. 3، نه I3.

خداوندی را که همه چیزهای نیکو به طور طبیعی از
آن اوست ناراضی مکن.

3. خود را برتر از دیگران مپندار که شاید در
پیشگاه خداوندی که در انسان می داند بدتر
شمرده شوی. به کارهای نیک مغرور مباش، زیرا
قضاوت های خداوند با قضاوت های مردم متفاوت
است، که غالباً آنچه را که انسان ها راضی می کند
ناخوشایند است. اگر چیز خوبی دارید باور کنید
که دیگران بهترند تا بتوانید فروتنی خود را
حفظ کنید. اگر همه چیز را فرض کنید ضرری ندارد.
اما اگر خود را قبل از یک نفر قرار دهید، ضرر زیادی
خواهد داشت. با افراد فرومایه صلح کنید. اما در
دل افراد مغرور حسادت و خشم فراوان است،

در نظر گرفتن.

همیشه به پروردگار امیدوار باش، هر چقدر هم که
مضطرب و مهجور باشی 1، او خوب و استوار می ایستد،
آن که نه به خود و نه به انسان، بلکه به خدا امید
دارد 2. بیهوده و ناپایدار است، به مخلوقات امیدوار
است و از خدا غافل است. بدون خدا همه چیز بیهوده
است و نزد خدا همه چیز خوب است 4

.

هیچ کس به خوبی خود اطمینان نداشته باشد.

قدرت او را بیهوده تصور نکنید:

---

1 باغ رز .C. I4 n. 2 — ج 5 .Ib 2
دره 4 د. 2. - 3 بیمارستان فقرا ج. 4، نه 2. - نیلوفرهای ج. 22، شماره 2.

و نه به اشراف نژاد می بالد.
هیچ کس در مورد توانایی علم متکف نیست. هیچ کس نباید به مقام برتری بر دیگران شکوه کند: هیچ کس با اعتماد به فراوانی پول و درآمد، نباید خود را ثروتمند و خوشبخت بداند، و نه فقیر را تحقیر کند. چون نمی داند تا کی زنده خواهد ماند و این چیزها را حفظ خواهد کرد: نمی داند چه مصیبت هایی ممکن است برایش پیش بیاید، زیرا خداوند اجازه داده است: خاک و خاکستر چرا مغرور هستید؟ تو زمینی و به زمین 2 خواهی رفت

کسی که به نیکی می بالد، خدا را شکر و وفادار نیست. مغرور نباشید، مبادا هدیه ای را که از بهشت دریافت کرده اید، بدون شایستگی از دست بگذارید همه کالاهای شما بال های مشترک بدهید. باشد. اما بدی ها را تنها به خود نسبت دهید و به جبران های پرشورتر روی بیاورید. 5 مراقب نام نیک خود باشید. اما خودتان را بهتر تصور نکنید و باور نکنید که دیگران مقدس تر هستند

3.

l هر جا که سوء ظن است، خشم مکرر است، در برابر همه بدگمانی ها و بدگمانی هایت به فکر دیگران باش.

---

1 خطبه به مبتدیان I7، ص 6، ص. 139 متر مربع
2 بر سه خیمه ج. 2، نه 6. — 1. 25- —
8 کتاب راهبان ج. 6، نه 2. 4 دره نیلوفرها ج. 30، شماره 4. - 5 کتابچه راهنمای کودکان ج. 6، نه 6 .I باغ گل سرخ ج. 16، 2 .n.

مال شما که از ابتدای تولد تا کنون انجام داده اید و دیگر خشمگین نیستید،
شاید کارهاي تقوا در میان کساني که محاسن فضیلت را درك نميکنند، خوار شمردند، مگر اینکه با ارادت فراوان توسط پربرکتترین مردان ادامه داده a شود. همچنین این افتخار بزرگی است و جایی برای شرم نیست، زمانی که شخصی با الهام از الگوی عیسی مسیح و قدیسانش، داوطلبانه خود را فروتن کند و به خاطر ملکوت آسمانی خدمتگزار شود.

فصل هشتم.

پرهیز از آشنایی زیاد

1. دل خود را برای هر مردی آشکار مکن، بلکه عاقلانه عمل کن و در راه خود از خدا بترس. با جوانان و غریبه ها نادر باشید. با ثروتمندان تملق مکن و با میل و رغبت در برابر بزرگان ظاهر نشو. معاشرت با متواضع و ساده، با متدین و متواضع و چیزهایی که آموزنده است.

با هیچ زنی آشنا نباش. اما عموماً همه زنان خوب، خود را به خدا می سپارند و تنها به خدا و ملائکه اش) می خواهند و از چشم مردان دوری می کنند.

---

1 کتابچه راهنمای کودکان ج. 6، نه 2 - .I در مباشر وفادار ج. 3، نه من

2. صدقه برای همه باید باشد، اما آشنایی به مصلحت نیست. و گاه اتفاق می افتد که شخص ناشناس از حسن شهرت می درخشد; حضورش اما چشم بینندگان را کمرنگ می کند. گاهی اوقات فکر می‌کنیم که از اتحادیه خود دیگران را خشنود می‌کنیم و به دلیل عدم صداقت رفتاری که در ما در نظر گرفته می‌شود، شروع به نارضایتی آنها می‌کنیم.

در نظر گرفتن.

شما با مقدسان و با شریران مقدس خواهید بود

انحراف مصادیق بسیار است، اعم از جدید و قدیم، زیرا حسن معاشرت برای سلامتی روح مفید است و معاشرت نادرست مضر است.

از آشنایی کسانی که نباید تقلید شوند، برحذر باشید، اگرچه در مسیح محبت دارند. هیچ کس بهتر از این نمی تواند شایعات انسان های سبک را از بین ببرد تا اینکه خود او در گفتار و آداب خود سبک به نظر نرسد.

به خودت توجه کن تا در حد توانت الگوی خوبی برای همه باشی تا نام و زندگی عیسی مسیح در تو آشکار شود.
2. کسی که خوب زندگی می کند خوب آموزش می دهد. اگر کسی مایل است که توسط شما آموزش ببیند، راه فروتنی را به او نشان دهید و الگو قرار دهید.

---

1 باغ گل رز ج. 1، 2 I .n. رجوع کنید به ص 17، 26، 27. — 2 بر مباشر وفادار ج. I3 § I، —
باغ گل رز ج. 6، نه 1 n. 4 C. 9, n.

متواضع و متواضع، خود را نزد همه دوست دارد.

همه دوستانت را به خدا توصیه کن و دعا کن که خود را اصلاح کنند و از گناهان بپرهیزند که مبادا خدا را آزار دهند و به جای زمینی چیزهای بهشتی را از دست بدهند تا مردم را خشنود کنند تا خدا و فرشتگان مقدسش را ناراضی نکنند.
بکوش تا با اولیای خدا و دوستان خدا در زمان اقامتت دوستی کنی. و آشنایی خاصی با آنها داشته باشد: و از اخطار مردان و آدرسهای بیهوده خودداری کند.

با تحقیر دنیوی، صعود به جمع اهل بهشت را بیاموزید.

فصل نهم

بر اطاعت و تسلیم.

1. ایستادن در اطاعت، زندگی زیر دست مافوق و عدم استقلال بسیار مهم است. ایستادن در تسلیم بسیار امن تر از برتری است. بسیاری از آنها بیشتر از سر نیاز، تحت اطاعت هستند تا صدقه. و عقوبت دارند و زمزمه سبکی دارند. آنها نیز آزادی ذهن را به دست نمی آورند، مگر از تمام قلب 2 Ib. C. 2, n. I. 3 Valley 2

---

1 ترابایت 2 .C. 9, n. 2 —
4 در مورد نظم و انضباط صومعه — از نیلوفرهای ج. 10، 3 .n.
5 گفتگوی تازه کارها - - ج I5، ص 314، 1. 23.
ج. 4، 4 .II.

به خاطر خدا خود را تسلیم کنند. به اینجا یا آنجا بدوید: جز در تسلیم فروتنانه تحت حکومت مافوق، آرامشی نخواهید یافت.
تخیل مکان و تغییر بسیاری را ناامید کرده است.

2. درست است که هر کس به حس خود آزادانه عمل می کند و بیشتر به کسانی که با او احساس می کنند تمایل دارد. اما اگر خدا در میان ماست، لازم است که گاهی به خاطر آرامش، احساسات خود را ترک کنیم. جایی است که شما هستید
ita مرد خردمندی که می تواند همه چیز را به طور کامل بداند؟
بنابراین، زیاد به حس خود تکیه نکنید، بلکه باید مایل باشید که به حس دیگران نیز گوش دهید.
اگر احساست خوب باشد و به خاطر خدا آن را رها کنی و به دنبال دیگری بروی، سود بیشتری از آن خواهی برد.

3. زیرا اغلب شنیده ام که شنیدن و دریافت نصیحت امن تر از دادن آن است.
همچنین ممکن است این اتفاق بیفتد که احساس خوب برای هر یک باشد. اما خودداری از تسلیم شدن در دیگران، در صورتی که عقل یا علت آن را ایجاب کند، نشانه غرور و لجاجت است.

در نظر گرفتن.

نباید برای کسی سنگین باشد و اطاعت از انسان در راه خدا را نالایق دانست.

قانونمند و صادق: هنگامی که مسیح در برابر ذلت صلیب مطیع شد.
خدا دلیل و دلیل کافی است: برای اطاعت از مافوق؟ انسان برای رضای خدا از انسان اطاعت می کند بزرگترین عزت را برای خدا انجام می دهد و او را خشنود می کند. کارهای نیکی که با اطاعت ساده از خدا انجام می شود، خوشایندترین و شایسته ترین است. با اطاعت متواضعانه و سریع، حتی خدمات بسیار اندک و ارزانی که از روی خیریه و برای مصلحت عمومی انجام می شود، مورد رضایت خداوند است.

3.

هیچ کس به این آرامی زندگی نمی کند، هیچ کس به این امن نمی میرد: به عنوان یک مطیع واقعی، و در همه چیز I تابع خدا و مردم است.

فضیلتی بزرگ و عالی، اطاعت ساده و محض، نه دانستن برهان آهسته و تهیه برهان، بلکه انجام امر بدون شکایت. و لذا تاج بزرگی از آن اوست:

و نخل را با شهدا دریافت خواهد کرد. زیرا او با قدرت مبارزه کرد و طبیعت را تحت سلطه خود درآورد و تا حد مرگ از آن اطاعت کرد. زیرا قوی ترین نوع تسخیر است که خود را به طور کامل تسخیر کند و به خاطر اطاعت خود را انکار کند.

— 8 .1 خطبه به نوآموزان 7، ص 6، ص. 2 ,s5
کتاب تمرین معنوی ج. I3 .1 ،354 .I2, P. 2, P.
بیمارستان مستضعفان ج. 5، نه I. -* I 3 —
کتاب تمرین معنوی ج. I2, P. 2, p.'353, 1. 9. - 5 De
discipline claustraliumn c. 4، 12 .1 ،284 .ص 2، ص.

هر کس با روح شما موافق نیست، به خاطر آرامش خود و آنها به آنها تسلیم شوید. 1 این را بزرگ در نظر بگیرید. اگر چیزی از خرد حکمتی خود ندارید، اطاعت سریع، آنجا وجدان شاد.

l جایی که تواضع هست، خرد هست. آنجا که صلح و هماهنگی وجود دارد، خدا و همه چیزهای خوب است. آنجا که اختلاف و اختلاف است، شیطان و همه شر است!

فصل X

در پرهیز از کلمات زائد.

1. تا می توانید از هیاهوی مردم بپرهیزید; زیرا بسیاری از کارها مانع از رفتارهای دنیوی می شوند، حتی اگر با نیت ساده بیان شوند. زیرا ما به زودی در برابر باطل سر تعظیم فرود می آوریم و اسیر 1 می شویم. کاش بارها سکوت کرده بودم و بین مردم نبودم. اما چرا ما اینقدر مشتاقانه صحبت می کنیم و با یکدیگر گفتگو می کنیم، در حالی که به ندرت بدون آسیب به وجدان به سکوت باز می گردیم؟ به همین دلیل است که ما از صحبت کردن بسیار خوشحالیم:

که با عبارات متقابل ما به دنبال آرامش از یکدیگر هستیم. و آرزوی تسکین دلی را داریم که از افکار مختلف خسته شده است.

---

1 در مباشر وفادار ج. 2 .I, § 18 در مورد نظم و انضباط صومعه ج. 4، ص 2، ص. 283 مربع، 1. 31، -- 3 باغ گل رز ج. 16، n. 2.

و من دوست دارم در مورد چیزهایی صحبت کنم و به چیزهایی فکر کنم که خیلی دوست داریم یا آرزو می کنیم، یا احساس می کنیم علیه ما هستند.

2. اما متاسفانه اغلب بیهوده و بیهوده. زیرا این تسلی ظاهری ضرر کمی برای تسلی باطنی و الهی نیست. بنابراین ما باید مراقب باشیم و دعا کنیم تا زمان بیکار نگذرد. اگر گفتن آسان است و مصلحت است، آنچه را که آموزنده است بگو. عادات بد و بی احتیاطی رفتن ما باعث بی احتیاطی دهان ما می شود. با این حال، مشارکت عابدانه امور معنوی کمک چندانی به پیشرفت معنوی نمی کند.

مخصوصاً جایی که افراد مساوی در ذهن و روح در خدا به هم پیوسته اند.

در نظر گرفتن.

در کل همه ما بیشتر از اینکه حرف بزنیم نیاز به سکوت داریم. زمان برای خوب کار کردن داده شده است، نه به بطالت: نه برای صحبت و نه برای شوخی. اغلب گفته می شود که فوراً (همانطور که گفته شد) شروع به توبه می کند و هرگز (اگر به یاد بیاورد که آسیبی ندیده باشد) به او گفته نمی شود. و امیدوارم یک بار سقوط کند

---

2 سر- —— 1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 2، نه 28

پند به مبتدیان 7، ص 6، ص. 53، 1. I

بگذار انسان به زبان خود بیاموزد، مبادا دوباره سقوط کند!
1 ای کاش به همان اندازه که در بطالت گفتی سخن نیک می گفتی و در چیزهای نیک می اندیشی و نشخوار می کردی، چه بسیار پندار بد و زبان بار اندیشیده ای!؟
از سخن گفتن و ایستادن در کنار متواضعان و ساده لوحانی که خدا را دوست دارند خشنود باشید. همچنین مزیت کوچکی از دانش برای مشارکت الهی کسانی که اهل مطالعه و هم فکر هستند، به همراه ندارد. از این رو منجی ما می گوید: "هرجا دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من در میان آنها هستم."

4

ما آسایش درونی کمی داریم زیرا به راحتی و مکرر آن را از بیرون جستجو می کنیم. و بنابراین ما سزاوار دریافت امر الهی نیستیم، زیرا ما با کمال میل به امر انسانی و گذرا اعتراف می کنیم. اگر عیسی مصلوب را در قلبت ثابت می‌کردی، سخنی بیهوده و بیهوده به سرعت از دهانت بیرون نمی آمد. اما از آنجایی که شما عیسی را محکم در قلب خود ندارید، اغلب برای تسلیت بیرونی به خدا نگاه می کنید، ضعیف و بیهوده، و از دردهایی که قلب شما را در درون فشار می دهد کمک اندکی می کنید. زیرا مجروح به تنهایی باعث آرامش واقعی روح می شود و تمام ناتوانی های بد را شفا می بخشد. چرا گوش میدی؟

---

1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 2، نه 20. 2 کتابچه راهنمای کودکان ج. 6، نه 2. 3 بیمارستان - 4 از مهماندار وفادار C. I. — اما C. 3, n. 2.
21 دلار رجوع کنید به متی 18 20

شایعات بیهوده دنیا که اغلب شما را در قلبتان پریشان می کند و حواس شما را پرت می کند؟ چرا از سخنان شیرین مسیح غفلت می کنید، که می تواند شما را در تمام مصیبت های شبانه روزی تان تسلی دهد و تقویت کند؟ 1

فصل یازدهم.

از کسب آرامش و شوق ترقی.

1- اگر نمی‌خواستیم خودمان را با گفتار و کردار دیگران که به دغدغه ما مربوط نمی‌شود مشغول کنیم، می‌توانستیم آرامش زیادی داشته باشیم. چگونه می تواند مدت زیادی در آرامش بماند، کسی که در امور دیگران دخالت می کند؟ چه کسی به دنبال فرصت در خارج از کشور است؟ که کم یا به ندرت خود را در درون جمع می کند؟ خوشا به حال افراد ساده، زیرا آنها آرامش زیادی خواهند داشت

2. چرا برخی از اولیای الهی تا این حد کامل و متفکر بودند؟ زیرا آنها به دنبال این بودند که خود را کاملاً از تمام امیال زمینی از بین ببرند: و بنابراین با تمام مغز قلب خود به خدا چسبیدند و توانستند آزادانه خود را وقف خود کنند. ما بیش از حد درگیر علایق خود هستیم،

---

1 دره نیلوفرها ج. 18، شماره 5.

3 تقلید از توماس کمپیس. اد. 3.

و ما بیش از حد نگران چیزهای گذرا هستیم. به ندرت پیش می آید که حتی بر یک رذیله به طور کامل غلبه کنیم و به پیشرفت روزانه ادامه ندهیم: بنابراین سرد و ولرم می مانیم.

جنگل

3. اگر ما کاملاً برای خود مرده بودیم، و اصلاً درگیر باطن نبودیم: پس می‌توانستیم حکمت الهی نیز داشته باشیم، و چیزی از تفکر آسمانی را تجربه کنیم.
تمام و بزرگترین مانع این است که ما از شهوات و طمع ها مبرا نیستیم و سعی نمی کنیم در راه کامل اولیای الهی وارد شویم. وقتی با کوچکترین مصیبت مواجه می شویم، خیلی زود دلسرد می شویم و به تسلی انسانی روی می آوریم.

4. اگر مانند مردان قوی در جنگ بایستیم، مطمئناً کمک خداوند را از آسمان بر خود خواهیم دید. زیرا او خود حاضر است به کسانی که تلاش می کنند و به فیض او امیدوار هستند کمک کند: او فرصت های مبارزه را برای ما فراهم می کند تا ما پیروز شویم. اگر پیشرفت دین را فقط در این عبادات ظاهری قرار دهیم، بزودی عبادت ما به پایان می رسد. اما بایید تیشه به ریشه بزنیم، تا با پاک شدن از احساسات، ذهنی آرام داشته باشیم.

5. اگر هر سال یک رذیله را از بین ببریم، باید به سرعت تبدیل به یک مرد کامل شویم. اما، برعکس، اغلب احساس می‌کنیم که در ابتدای تبدیل بهتر و خالص‌تر از بعد از سال‌ها حرفه بودیم. شور و غیرت او باید هر روز افزایش یابد. اما اکنون بسیار عالی به نظر می رسد اگر کسی بتواند بخشی از شور اول را حفظ کند. اگر در ابتدا کمی خشونت انجام می دادیم، پس از آن می توانستیم همه چیز را با سبکی و شادی انجام دهیم.

6. ترک عادت ها دشوار است: اما مخالفت با میل خود دشوارتر است. اما اگر کوچک و سبک به اینجا نیایم، چه زمانی بر سختی‌های سخت‌تر غلبه می‌کنی؟ در ابتدا در برابر تمایل خود مقاومت کنید و عادت بد را کنار بگذارید، مبادا به تدریج شما را به دشواری بزرگتری برساند.

O

اگر توجه داشته باشید که با مراقبت خوب از خود چقدر آرامش را برای خود به ارمغان می آورید و برای دیگران شادی ایجاد می کنید، فکر می کنم برای پیشرفت معنوی بیشتر مضطرب می شوید.

در نظر گرفتن.

بعضی چیزها به شما تعلق ندارد، در مورد آنها قضاوت نکنید و مداخله نکنید که صلح باشد

*3

همیشه '. شما می توانید با چنین چیزهایی خود را به دردسر بیندازید و چیزی به دست نیاورید. کسی که تنها به دنبال آن است که برتر از همه است، شعور او در آرامش کثیر خواهد بود.

کسی که می خواهد پیشرفت کند، باید هر روز ❩ را آغاز کند و از هیچ کاری دوری نکند و هیچ زمانی را در بیکاری بگذراند. برای خیلی ها باید شروع کنند، برای عده کمی پیشرفت کنند، برای عده کمی که به کمال برسند. از امروز شروع کردن، و فردا را اندکی اضافه کردن، و به این ترتیب هر روز، فضیلت را به فضیلت، هدف به هدف را ملحق ساختن، انسان نیکوکار، عابد، پاک، مقدس و متدین را که محبوب خدا و مورد رضایت مردم است، به کمال می رساند.

افسوس که در اینجا به ندرت می توان کسی را یافت که خدا را به طور خالص و کاملاً بطلبد و بر خود غلبه کند و خود را زیر پا بگذارد. امیدوارم حتی یک نقص هم برطرف شود.

بقیه را بسازید یا عادت بد را کنار بگذارید! عادت بد با یک عادت خوب غلبه می کند. و تمرین خوب

---

1 راهب الفبای کوچکی را در مدرسه خدا خواند. i6، ص 3، ص. 2 - .29 ,l ,3I9 از توزیع کننده وفادار ج. 1، 27. 8 گفتگوی تازه کارها ج. 3، نه 2. 4 باغ گل رز ج. 4, 5 - .n, I رساله 1, 6 - .10 ,n اندرز مختصر تمرین معنوی ص 2, ص. 423، 1. 3.

سرانجام او به طبیعت تبدیل شد. تا آنچه در ابتدا دشوار بود، بعداً سبک و آسان جلوه کند.

یاد بگیرید که در همه چیز بر خود غلبه کنید: آنگاه آرامش درونی خواهید داشت.

آرامش درونی واقعی قبلاً یافت نمی شود.

مگر اینکه انسان برای خود مرده و پاک باشد:

و هر روز خود را برای مرگ دوباره آماده می کند. زیرا هر روز باید از خودم خواستگاری کنم تا حاضر باشم به خاطر مسیح بمیرم و برای بهبود زندگی خود از نو شروع کنم. و برای رنج کشیدن و مرگ آماده شوم: و بر خود غلبه کنم.

در واقع، در هر ساعت و زمان باید

تلاش کنم تا از خودم بیرون بیایم و به خاطر مسیح خود را به ته دل بسپارم: اما در عشق او عشق خود را انکار و باطل می کنم. چون من سود زیادی می برم:

چقدر به خاطر مسیح رها کردم. و من فقط به اندازه ای سود می برم که از خودم خارج شوم.

فصل دوازدهم.

به نفع مصیبت.

1. این برای ما خوب است که گاهی اوقات دچار تناقضات و تناقضاتی می شویم. زیرا اغلب قلب یک فرد

در مورد زندگی صلح آمیز خوب ص 2، ص. 395, 1. 8. - 3 - 6. 1. Ib. 1-
De mortificata vita P. 2, p. 386، 1. I6.

همکاری او را صدا می زنند، در حالی که می داند در تبعید است و امیدش را به هیچ چیز از دنیا نمی گذارد. این خوب است که گاهی دچار تناقض می شویم و مردم نسبت به ما احساس بد و ناقصی می کنند، حتی اگر این کار را انجام دهیم و قصد خوبی داشته باشیم. اینها اغلب به ما کمک می کنند که فروتن باشیم و ما را از پس بهتر است در شکوه بیهوده محافظت کنیم. حالی که در بیرون مورد تحقیر مردان قرار می گیریم و به ما اعتماد ندارند، شاهد درونی خداوند باشیم.

2. بنابراین انسان باید خود را در خدا به گونه ای تثبیت کند که نیازی به تسلی های انسانی زیادی نداشته باشد.

هنگامی که یک مرد خیرخواه مضطرب یا وسوسه می شود، یا مبتلا به افکار شیطانی می شود، آنگاه می فهمد که خدا برای او ضروری تر است، بدون او متوجه می شود که هیچ کار خیری نمی تواند انجام دهد. سپس او نیز غمگین می شود، ناله می کند و برای مصیبت هایی که می کشد دعا می کند.

سپس او را خسته می کند. بیشتر زندگی کند و آرزوی مرگ دارد تا منحل شود و با مسیح باشد. سپس به خوبی متوجه می شود که نمی توان امنیت کامل و صلح کامل را در جهان برقرار کرد.

در نظر گرفتن.

صبور باشید و سختی ها را با کمال میل بپذیرید 1.
همه برگزیدگان با ناملایمات زیادی مورد آزمایش قرار گرفته اند و هر روز مورد آزمایش قرار می گیرند. که با فروتنی در حقیقت، و آزمایش در زمان حال، ممکن است در آینده با شکوه بیشتری سربلند شوند. وقتی در چیزی زیاده‌روی می‌کنید، اجازه ندهید قلبتان غرق شود: نه ناامید شوید، که با یک عادت بد یا یک آشوب ناگهانی شکست بخورید. اما به گناه خود اعتراف کنید، و به گناه خود اعتراف کنید: پیشنهاد می کنید قاطعانه جبران کنید، و به بقیه آنطور که باید رسیدگی کنید؟ با این خارها و گردبادها ذهن از لذت های زمینی دور می شود. دل به عشق بهشتیان بیدار می شود: انسان با صبر تربیت می شود.
او یاد می گیرد که با مصیبت دیده همدردی کند، خود را در رنج فروتن می کند. او پشیمان‌تر می‌شود، کمتر متلاشی می‌شود: با حرارت بیشتر دعا می‌کند، بیشتر ناله می‌کند. او از زندگی خسته شده است، او می خواهد منحل شود و با مسیح باشد: زیرا صلح در این جهان وجود ندارد

فصل سیزدهم.

از مقاومت در برابر وسوسه ها

1. تا زمانی که در دنیا زندگی می کنیم، بدون مصیبت و وسوسه ممکن نیست.

---

1 بر سه خیمه ج. 3، نه 4. — 2 کتاب
تمرین معنوی ج. 8، ص 2، ص. 345 متر مربع، 1. 25.
3 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 35، ص 3، ص 3 II، 1. 6.

ما هستیم از این رو در ایوب نوشته شده است:
زندگی انسان روی زمین یک وسوسه است. پس
هر کس باید نگران وسوسه های خود باشد و در
دعاهای خود مراقب باشد، مبادا شیطان جایی
برای فریب پیدا کند، کسی که هرگز نمی 1
خوابد، بلکه می رود تا کسی را ببلعد. هیچ
کس آنقدر کامل و مقدس نیست که گاهی دچار
وسوسه نشود. و ما نمی توانیم بدون آنها به
طور کامل انجام دهیم.

2. با این حال، آزمایش ها اغلب برای انسان
بسیار مفید است، اگرچه دردناک و جدی باشد;
زیرا در آنها انسان متواضع، پاک و تربیت شده
است. همه ی مقدسین از مصیبت ها و آزمایش های
بسیاری گذشتند و رستگار شدند. و کسانی که
نتوانستند در برابر وسوسه ها مقاومت کنند،
سرزنش شدند و شکست خوردند. هیچ نظمی به 1
این مقدس و نه مکانی به این سرّی وجود ندارد که
در آن هیچ آزمایش یا ناملایمی وجود نداشته
باشد.

3. انسان تا زمانی که زنده است
کاملاً از وسوسه ها در امان نیست: زیرا
در ماست، از کجا وسوسه می شویم، از
کجا در هوس زاده می شویم. یک بار
وقتی یک آزمایش یا مصیبت فروکش می‌کند،
دیگری می‌آید و ما همیشه چیزی برای تحمل کردن
خواهیم داشت تا خوشبختی کنیم.

ما تلاش بسیاری را برای فرار از وسوسه‌ها از دست داده‌ایم و جدی‌تر گرفتار آنها می‌شویم. ما نمی توانیم تنها با پرواز پیروز شویم. اما با صبر و تواضع واقعی در برابر همه دشمنان قوی تر می شویم.

4. کسی که فقط ظاهراً افول کند و ریشه را بیرون نکشد، پیشرفت چندانی نخواهد داشت; بلکه زودتر وسوسه ها به او برمی گردد و حالش بدتر می شود. کم کم و با صبر و بردباری به یاری خدا بهتر از سختی و سختی خود پیروز می شوید. غالباً در وسوسه مشورت کنید، و وقتی وسوسه می‌شوید سخت رفتار نکنید، بلکه دلداری دهید، زیرا می‌خواهید با شما انجام شود.

5. آغاز همه وسوسه های شیطانی، عدم ثبات ذهن و کم اعتمادی به خداست. زیرا همانطور که یک کشتی بدون سکان توسط امواج به این طرف و آن طرف پرتاب می شود: بنابراین، مردی که رها می شود و هدف خود را رها می کند، به گونه های مختلف وسوسه می شود. آتش آهن را می آزماید و انسان عادل را وسوسه می کند. ما اغلب نمی دانیم چه کاری می توانیم انجام دهیم. اما وسوسه ما را آشکار می کند. با این حال، ما باید به ویژه در مورد شروع محاکمه مراقب باشیم.
زیرا در آن صورت دشمن راحت‌تر شکست می‌خورد، اگر در

ذهن اصلاً اجازه ورود ندارد; اما فراتر از آستانه، به محض اینکه در زد، بر او غلبه کرد. از این رو یکی گفت:

موانع شاهزاده، دیر پزشکی پا-

چنگک زده شده است

زیرا ابتدا یک فکر ساده به ذهن خطور می کند، سپس یک تخیل قوی، سپس لذت و حرکت انحرافی و رضایت.

و به این ترتیب کم کم دشمن خبیث از کل وارد می شود، در حالی که ابتدا در برابر او مقاومت نمی شود. و هر چه انسان خود را برای مقاومت بیشتر بی حس کند، هر روز ضعیف تر می شود و دشمن در برابر او قدرتمندتر می شود.

6. برخی در ابتدای تبدیل شدن، اما برخی در پایان، از آزمایشات شدیدتری رنج می برند. با این حال، به نظر می رسد برخی از آنها در تمام زندگی خود بیمار بوده اند. هیچ کس به اندازه کافی با ملایمت محاکمه نمی شود، طبق 1
حکمت و انصاف حکم الهی، که وضعیت و شایستگی انسان ها را می سنجد، و همه چیز را برای نجات برگزیدگانش از قبل دستور می دهد.

7. به همین دلیل است که وقتی وسوسه میشویم، نباید ناامید شویم، بلکه باید با شور و اشتیاق بیشتری به درگاه خدا دعا کنیم تا در هر مصیبت به ما کمک کند. که البته با توجه به

پولس گفت، او چنین نتیجه ای از وسوسه خواهد کرد تا بتوانیم آن را تحمل کنیم. پس بیایید در هر آزمایش و مصیبت روح خود را زیر دست خدا فروتن کنیم، زیرا او فروتنان را نجات خواهد داد و روحشان را تعالی خواهد بخشید.

8. انسان در امتحانات و سختی ها آزمایش می ؛ شود که چقدر پیشرفت کرده است; و شایستگی بیشتر است و فضیلت آشکارتر است. اگر انسان عابد و پرشور باشد، در حالی که هیچ جاذبه ای احساس نمی کند، عالی نیست. اما اگر در زمان سختی صبر کند، پیشرفت زیادی خواهد داشت. برخی از وسوسه‌های بزرگ دور می‌شوند و اغلب در کارهای کوچک روزانه بر آنها غلبه می‌کنند، به طوری که آنها که فروتن هستند، هرگز به چیزهای بزرگ اعتماد نمی‌کنند، ، کسانی که در چیزهای کوچک ضعیف هستند.

در نظر گرفتن.

افسوس، برادران، خطرات بسیاری از هر طرف ما را احاطه کرده است: یعنی گوشت شیطان، و تمام جهان در شر قرار گرفته است. نزاع درون روده ای بین جسم و روح به وجود آمد. بدن از کیفر گناه بر روح میل می کند و روح که از طریق عقل با نفسانیات می جنگد.

---

1 خطبه به مبتدیان 21 .I5, P. 6, p. II6, 1

اولین انسان در حالت بی گناهی خود این عصیان را احساس نکرده بود، زیرا روح، تابع خدا، بی سر و صدا قوای بدن را زیر افسار عقل کنترل می کرد. اما این جنگ داخلی بسیار سخت است: و برای همه ما که در بدن فاسد و گناهکار به دنیا آمده ایم و به دنیا آمده ایم دردسرساز است. زیرا چه چیزی برای هر کس که صلح می خواهد سخت تر و دردسرسازتر است؟ چگونه هر روز با خود بجنگد، با طبیعت بجنگد، اشتها را مهار کند، بر شهوتی که در درونش خارش دارد غلبه کند؟ دنبال چی میگردی تو دنیایی که دنیا نیست چی میخوای ببینی؟؟

از دشمن بدی که نه میخوابد و نه از وسوسه آرام میگیرد امان نیست، بلکه در حال جستوجوی است و ممکن است او را فریب دهد و اذیت کند و از حسنات باز دارد و نماز را ترک کند.

بر انسان لازم است که در آغاز از شر جلوگیری کند: مبادا مار لغزنده روزنهای کوچک پیدا کند و سرانجام با دم خود تمام سر را با خشونت به چوب بکوبد.

---

1 خطبه به نوآموزان 19، ص 6، ص. 163 متر مربع، 1. 30.
2 باغ گل رز ج. 2، 3 .2 ،n دره نیلوفرهای ج. IO، n. —
I. 4 موعظه به مبتدیان، 5 در مورد نظم و انضباط صومعه
ج. 5، ص 2، ص 289، 1، 21. باغ گل — ص 6، ص. 6o, 1. I
سرخ ج. 2، نه من

برخی از راه حل در اینجا یافت می شود، به موجب آن Non
تمام بیماری های رذیله به طور کامل درمان می شود، به
طوری که هیچ حرکتی احساس نمی شود. ۱
زیرا این هدیه سعادت آینده است که به مقدسین
وعده داده شده است. اما با این حال به یاری لطف
خداوند می توان انگیزه های شیطانی را کنترل کرد
و از مواقع گناه جلوگیری کرد و با توبه هر روز
لکه های منقبض را شست. هیچ عیب آنقدر جدی
نیست که اگر زخم باز شود و نیاز به مشورت
پزشک روحانی باشد، قابل درمان نباشد. اما شناخت
علاج یک چیز است و به کار بردن چاره چیز دیگر.

خیلی‌ها می‌دانند چه کاری باید انجام دهند و چه کاری را
نباید انجام دهند، اما مراقبت از قلب و دهان خود را به
کار نمی‌گیرند، بنابراین در یک موقعیت کوچک به
سمت رذیلت‌های معمولی کشیده می‌شوند. در این
زندگی که کل آزمایش نامیده می شود، باید هر روز
تلاش کرد و قاطعانه خواستار فیض الهی شد، تا
این که حالت این زندگی لغزنده و مبارزه درونی به
پایان برسد.

با برادری که وسوسه می شود مهربانی کن و برای مصیبت
دیدگان دعا کن که برای خودش. 2. چرا سقوط دیگری را می بینید؟
کسی که می ایستد، مواظب باشد که مبادا بیفتی.
مواظب غرور باش، اگر نمی‌خواهی زمین بخوری.

---

1 در نظم و انضباط صومعه ج. 5، ص 2، ص. 289، 1. 21.
— 2 Hortulus Rosarun 15 .ج، n. 3. — 3 Ib.
C. II, n. 3. — 4 در نظم و انضباط صومعه ج. 2،
ص 2، ص. 277، 1. من

لازم است که فروتنی مقدم بر جلال باشد: و صبر باید تاجی برای فاتحان با ضربات بسیار آماده کند.

این اغلب یک چیز بسیار کوچک است، که یک مرد از آن بسیار سخت در خود محاکمه می شود. خداوند عادلانه اجازه می دهد که این اتفاق بیفتد، تا واقعاً بدانید که اگر نتوانید بر چیزهای کوچک غلبه کنید، نمی توانید بر چیزهای جدی تر غلبه کنید. پس چه باید کرد؟ پناه بردن به خداوند، گریه کردن، ناله کردن و گریه کردن برای عیسی. تا خودش همیشه به شما کمک کند و شما را تقویت کند و شما را حفظ کند و پس از خطرات بسیار برای خود، جایی که آرامش واقعی و ابدی است، شما را با مهربانی و مهربانی بیاورد.

فصل چهاردهم.

در مورد اجتناب از قضاوت زمانی.

1. نگاه خود را به خود منعکس کنید و از قضاوت در مورد اعمال دیگران برحذر باشید. در قضاوت دیگران، انسان بیهوده تلاش می کند، اغلب خطا می کند و اندکی گناه می کند. اما او همیشه با قضاوت و بحث درباره خود کار ثمربخشی می کند. همانطور که برای ما یک امر قلبی است، ما نیز غالباً در مورد آن قضاوت می کنیم. زیرا ما به راحتی به دلیل عشق خصوصی قضاوت واقعی را از دست می دهیم. اگر خدا همیشه وجود داشت

---

1 موعظه به مبتدیان IO, P. 6, p. 71 متر مربع 1. 30.
3 —— 2 رز گاردن C. I5, n. 2. ——
1 بیمارستان pauperun c. 9، نه

با نیت خالص میلمان، مقاومت حواسمان به این راحتی ها آشفته نمی شویم.

2. اما اغلب چیزی از درون پنهان است، یا حتی از بیرون به هم می رسد، که ما را به هم نزدیک می کند. بسیاری پنهانی خود را در کارهایی که انجام می دهند جستجو می کنند و آن را نمی دانند. زمانی که کارها مطابق میل و احساس آنها انجام می شود، دیده می شود که در آرامش خوبی ایستاده اند. اما اگر غیر از آرزوی آنها اتفاق بیفتد، به سرعت ناامید و غمگین می شوند.
به دلیل تنوع احساسات و عقاید، اغلب بین دوستان و شهروندان، بین مذهبی ها و فداییان اختلاف نظر ایجاد می شود.

3. عادت قدیمی به سختی رها می شود و هیچ کس با میل به دیدن فراتر از آنچه شایسته است هدایت نمی شود. اگر بیشتر بر عقل یا انرژی خود تکیه کنید تا بر نیروی ذهنی عیسی مسیح، به ندرت و به آرامی تبدیل به فردی روشنگر خواهید شد. زیرا خدا می خواهد که ما کاملاً تسلیم او باشیم و از طریق عشق ملتهب از عقل فراتر برویم.

در نظر گرفتن.

اگر می بینید که رفتار درست نیست: با این حال، به طور تصادفی در مورد حقایق ناشناخته صحبت نکنید. برخی از دیگران

---

1 کتاب تمرین معنوی ج. 4، ص 2، ص. 337، 1. 9

آنها چیزهای بد می گویند: و از اصلاح عیوب خود غفلت می کنند.

اگر کاستی های خود را با دقت در نظر بگیرید، اعمال دیگران را کمی می سنجید!

عشق به خود یک شر باطنی است: به ندرت بر آن غلبه می شود مگر اینکه خدا به طور کامل دوست داشته شود. خوشا به حال کسی که برای رضای خدا و رضای او تمام کارهایش را از روی صدقه به قصد دزدی انجام دهد. کسی که خدا را خالصانه بخواهد به آسانی راضی می شود. کسی که خودش را می جوید خودش را پیدا می کند.

همه چیز هیچ است مگر اینکه از ، جستجوی خود در چیزی دست بردارید.

هیچ دشمنی برای شما بدتر از شما نیست که به شدت تحت تأثیر خود هستید. از طمع دست بردارید و خشمگین نباشید. او مهد دعوی را که با رذیله میل مخالفت می کند، نابود می کند. این یک مهارت یا فضیلت بزرگ نیست که مایل به آموزش و اصلاح دیگران باشیم. اما اینکه خود را به خوبی اداره کنیم و اصلاحات را با تقوا دریافت کنیم و با شور و اشتیاق خود را در آنها ارتقا دهیم، این حکمت بزرگی نزد خدا و مردم است.

---

1 خطبه به نوآموزان 19، ص 6، ص. 172، 1. 27. 2 باغ گل رز ج. 15، D. 3 — 3 Ib.
ج 4 -- .IO, n, 3 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند P (3 .I4, P.
5 دره نیلوفرها ج. 4 6 — I57, 1. 9
کتاب شناخت شکنندگی خود ج. 4، ص 2، ص. 366، — نه 2.
1. 20. 7 دره نیلوفرهای ج. 24، 2 ،I1.

فصل پانزدهم.

از کارهایی که از روی خیریه انجام شده است.

I. برای هیچ چیز در جهان، و به عشق هیچ کس، هیچ بدی انجام نمی شود. اما به نفع ثروتمندان، کار خوب باید آزادانه در هر زمان قطع شود یا حتی برای چیز بهتری تغییر یابد. زیرا با انجام این کار، کار نیک از بین نمی رود، بلکه به چیزی بهتر تبدیل می شود. بدون صدقه، کار بیرونی هیچ فایده ای ندارد. اما هر چه از روی صدقه انجام شود، هر قدر هم که کوچک و حقیر باشد، به ثمر می رسد. در واقع، وزن خدا به میزان کاری که انسان انجام می دهد بیشتر از کاری است که انجام می دهد.

1n-

2. کسی که خیلی عشق می ورزد زیاد انجام می دهد. فردی که کار خوبی انجام می دهد کارهای زیادی انجام می دهد. کسی که به جای اراده خودش به جامعه خدمت می کند خوب عمل می کند. اغلب به نظر می رسد که صدقه است، و بیشتر جسمانی است. زیرا تمایل طبیعی آنها، اراده خودشان، امید به مجازات، و علاقه به راحتی، به ندرت آرزو می کنند که غیبت کنند.

3. آنکه دارای انفاق حقیقی و کامل است در هیچ امری خود را نمی جوید، بلکه

4 تقلید از توماس کمپیس. اد. 3.

تنها خدا می خواهد که در همه چیز جلال یابد. او [1] همچنین به هیچ کس حسادت نمی کند، زیرا او هیچ شادی خصوصی را دوست ندارد. او نمی‌خواهد به خود شادی کند، اما به خدا، بالاتر از همه چیزهای خوب، آرزوی برکت دارد. او هیچ چیز خوبی را برای هیچ کس نسبت نمی دهد، بلکه به طور کامل به خدای اشاره می کند که همه چیز از او سرچشمه می گیرد و در نهایت همه مقدسین با لذت در او آرام می گیرند. ای کسی که جرقه ای از صدقه واقعی داشت، مطمئناً احساس می کرد که همه چیزهای زمینی پر از بطالت خواهد بود.

در نظر گرفتن.

غیر از محبت خدا و همسایه، هیچ کار نیکی وجود ندارد که مورد ستایش مردان باشد. اما آنها مانند ظرفهای خالی هستند که روغن ندارند و مانند چراغهایی هستند که در تاریکی نمی درخشند.

افراد مغرور و جاه طلب از جلال موقتی، کار بی ثمری دارند. هر کار نیکی که برای رضای خدا انجام شود، وجدان را شاد می کند، ذهن را روشن می کند و سزاوار فیض بزرگتر است.

---

1 خطبه به نوآموزان 8، ص. 6، ص. 57، 2 - ،20 .l دره نیلوفرها ج. 31، شماره 3.

میزبان اینطور می گوید تو همان کاری را کردی که با یکی از کوچکترین برادرانم کردی: با من کردی. ! کسی که نیکی کند خیر خواهد داشت.
انفاق یک اراده خیر در نفس است که از عمل به درستی باز نمی ماند، هر چند ضعف یا ضرورت گاهی اجازه عمل به او نمی دهد.
خیری که ادعا می کند 3. حسن نیت شما می تواند در چند چیز کاملاً آنچه را که می خواهید در همه ثروت ها انجام دهید برآورده کند. کسی که حاضر است اندکی ببخشد، وقتی اندک داشته باشد، اگر در بخشش به خداوند ثروتمندتر باشد، مطمئناً در دادن بیشتر تأخیر نخواهد کرد. به عبارت دیگر، یاد بگیرید که چه کاری را انجام خواهید داد.

همانطور که آب و آتش با هم مخالفند: پس صدقه خدا و حب دنیا با هم آشتی ندارند، صدقه واقعی او ثابت می شود. آن که سیر شده است از بیهودگی دنیا بیزار است و از آشنایی جسمانی می گریزد. در واقع، صدقه مقدس به دنبال آسایش زمینی در انسان نیست، بلکه به دنبال پیشرفت معنوی است. زیرا او بیشتر به روحی که به صورت خدا آفریده شده است می اندیشد.

---

1 خطبه به نوآموزان 7، ص 6، ص. 55، 13 .I
.باغ گل رز ج. 6، نه 2 .Cí. Mt 25, 40 —
4 بر مباشر وفادار ج. 1، — 3 Ib. ج. I3، n، 2.
5 در مورد نظم و انضباط صومعه ج. II، ص 2، 6 — §6.
.I3 .ص 307، Ib. 1 — ص 306، 1. I6.

*4

با همه خوب و بد مهربان باش:

و نه سنگین به کسی تهمت نزنید و به کسی آسیب نرسانید.
با دردمندان همدردی کن، به من در نیازمندان کمک کن:
و هرگز خودت را بزرگ نمی کنی در نیکی ها شادی کنید،
از بدها حمایت کنید، متخلفان را ببخشید، دعا کن
برای همه 2

فصل شانزدهم

رنج بردن از کاستی های دیگران.

1. آنچه را که انسان نمی تواند در خود یا دیگران اصلاح کند، باید صبر کند تا خدا دستور دهد. فکر کنید، زیرا شاید برای امتحان و صبر شما بهتر است که بدون آن شایستگی های ما چندان قابل سنجیدن نیست. با این حال، شما باید برای چنین موانعی دعا کنید تا خدا بخواهد به شما کمک کند و بتوانید با مهربانی آنها را I تحمل کنید.

2. اگر مردی پس از یکی دو بار پند دادن رضایت داد، با او مجادله مکن. نه
اما همه را به خدا بسپار تا اراده او انجام شود و در همه بندگانش عزت یابد، که خوب می داند چگونه بدی را به خیر تبدیل کند. سعی کنید در تحمل صبور باشید

---

[1] 3I9. 2 317 راهب الفبا را خواند. 2 و 13، ص 3، ص
باغ گل رز ج. 8، نه من

عیوب دیگران و هر نوع ناتوانی; زیرا شما نیز چیزهای زیادی دارید که باید توسط دیگران تحمل شود. اگر نمی توانید
برای انجام هر کاری که می خواهید، چگونه می te توانید دیگری را به نفع خود داشته باشید؟ ما با کمال میل دیگران را کامل می دانیم، اما عیب های خود را اصلاح نمی کنیم.

3. ما می خواهیم دیگران به شدت اصلاح شوند و خودمان نمی خواهیم اصلاح شویم. ما از مجوز سخاوتمندانه دیگران بیزاریم، و با این حال نمی خواهیم آنچه را که می خواهیم انکار کنیم. ما می‌خواهیم دیگران را با قوانین محدود کنیم و خودمان به هیچ وجه دیگر از محدود شدن رنج نمی‌بریم. پس واضح است که چقدر به ندرت همسایه‌مان را خودمان می‌دانیم. اگر همه آنها کامل بودند، پس ما برای خدا چه عذابی می کشیدیم؟

4. اما اکنون خداوند چنان مقرر کرده است که ما یاد بگیریم بارهای یکدیگر را تحمل کنیم. زیرا هیچ کس بدون نقص نیست، هیچ کس بدون بار نیست، هیچ کس برای خودش کافی نیست، هیچ کس برای خودش عاقل نیست. اما ما باید یکدیگر را تحمل کنیم، یکدیگر را تسلی دهیم، به یکدیگر کمک کنیم، آموزش دهیم و اندرز دهیم. اما این که چقدر شجاعت یک مرد بزرگ بود، بهتر است با مناسبت مصیبت نشان داده شود. برای فرصت ها

آنها انسان را ضعیف نمی کنند، بلکه نشان می دهند که او چیست.

در نظر گرفتن.

خدای یگانه همه ما را آفرید، یکی می داند و حکومت می کند، یکی ما را به پایان یک سعادت فرا خواند.
از این رو ما از سوی خدا به یک ¦
توافق خوانده شده ایم، با یک قیمت فدیه شده ایم، با یک روح
مست شده ایم، بیایید برای محبت کردن یکدیگر تلاش کنیم.
از آنجا که ما در مسیح برادر هستیم، بیایید برای یکدیگر دعا کنیم، همانطور که خیریه برادرانه نیاز دارد. بیایید یکدیگر را خدمت کنیم، یکدیگر را تحمل کنیم، یکدیگر را پند دهیم، یکدیگر را تسلی دهیم، یکدیگر را شاد کنیم، یکدیگر را غمگین کنیم.

با شکیبایی و شکیبایی در برابر ناتوانی های دیگران که خداوند با دیدن همه چیز از او حمایت می کند. • •
اگر در خیلی چیزها هم شکست می خورید: و همیشه آنچه را که پیشنهاد می کنید یا می گویید انجام نمی دهید، 9. فکر کنید که خداوند شما را در خیلی چیزها حمل کرده است و هنوز هم هر] روز شما را حمل می کند. پس برادرت را در چیزهای اندک تحمل کن، همانطور که خدا تو را در بسیاری چیزها تحمل می کند. خجالت بکش که هنوز یاد نگرفته ای که کاستی های برادر کوچکت را تحمل کنی که هر روز آرزو می کنی ضعف خودت را دیگران به دوش بکشند. پس چرا همان رحمت را به دیگری که می خواهی نشان نمی دهی؟

? خطبه ها —— 1 باغ گل رز ج. 15، n. من ؛
در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 35، ص 3، ص. S .24 .1 ،3I2 در مورد تشخیص ضعف خود ج. 4، ص 2، ص. 365 مربع، 1. 26. 4 دره نیلوفرها ج. 24، شماره 2.

با تو انجام شد؟! کارهای‌ی را که قادر به اصلاح آنها نی‌ستی، با دلی خوش در سکوت انجام بده و با دعای بی‌شتر به درگاه خداوند توسل نما. کسی که برای دی‌گری مانند خود دعا کند، نی‌کی مضاعف کرده است. کسی که بر خدا توکل می کند، بر همه چی‌ز صبر می کند

دروازه، و شما برده خواهی‌د شد. معذرت خواهی کن و معذرت خواهی شد بر گناهکار رحم کن و او نی‌ز بر تو رحم خواهد کرد. همانطور که با دی‌گری کردی، با تو نی‌ز خواهد شد و به عدالت قضاوت می کنی و از خدا انتقام می گی‌ری‌م. هر نقص و ناتوانی‌ای را که می‌بی‌نی‌م ی‌ا می‌شنوی‌م، بای‌د با تقوا آن را به خوبی تعبی‌ر کنی‌م، همانطور که می‌خواهی‌م از خودمان تبدی‌ل شوی‌م. او به خوبی و عاقلانه آموزش می دهد که از خودش شروع می کند و ابتدا آنچه را که در دی‌گران متوجه می شود و مورد انتقاد قرار می دهد تصحی‌ح می کند.

فصل شانزدهم.

از زندگی رهبانی

1. اگر می‌خواهی‌د صلح و هماهنگی را با دی‌گران حفظ کنی‌د، لازم است ی‌اد بگی‌ری‌د که به طرق مختلف خود را بشکنی‌د. سکونت در صومعه‌ها ی‌ا جماعت، و بی‌شکای‌ت در آنجا، و استقامت تا مرگ مؤمنان، کار کمی نی‌ست.

---

[1] .n. 9 ،1 رساله —— 2 باغ گل رز ج. 15

3 در تشخی‌ص شکنندگی خود ج. 4، ص 2، ص. 366، —— نه 3.

4 رز گاردن 5- ،1 ،C. I5, n. 2 دره —— 1. I9.

نی‌لوفرها ج. 21، شماره 5.

خوشا به حال کسی که در آنجا به خوبی زندگی کرده و عاقبت به خیر شده است. اگر می خواهید بایستید و پیشرفت کنید، باید مانند یک بیگانه روی زمین رفتار کنید. شما باید به خاطر مسیح یک احمق شوید، اگر می خواهید چنین زندگی مذهبی داشته باشید.

2. عادات و کوتاهی موها چیز چندانی را به ارمغان نمی‌آورد: اما تغییر آداب و تضعیف کامل هوس‌ها، دینداران واقعی را می‌سازد. کسی که جز خدا و نجات جان خود را طلب نکند جز مصیبت و درد نخواهد یافت. همچنین صلح طلبی که نمی کوشد کمترین باشد و تابع همه باشد، نمی تواند برای مدت طولانی دوام بیاورد.

3. برای خدمت آمدی نه برای حکومت. بدان که تو را فراخوانده اند که رنج بکشی و کار کنی، نه بیکاری و حرف زدن. بنابراین، در اینجا، مردان مانند طلا در کوره آزمایش می شوند. هیچ کس نمی تواند اینجا بایستد مگر اینکه با تمام وجود بخواهد به خاطر خدا خود را فروتن کند.

در نظر گرفتن.

نه لباس زیبا و نه درجات عالی است که انسان متدین را کامل می کند. اما کناره گیری کامل از دنیا و رذیلت های روزانه

مرگ: و به وی‌ژه پاکی دل و محبت به فضای‌ل که مستقی‌ماً به خدا گرای‌ش دارد. که پی‌وسته خود را به خدا می بندد: و می کوشد تا تمام خواسته های خود را به خاطر خدا بشکند 2

،

راهب، به چه چی‌زی رسی‌دی؟ چرا دنی‌ا را رها کردی، چرا آن کلاه را بر سر گذاشتی و آبروی دنی‌ا را تحقی‌ر کردی؟ آی‌ا برای ای‌ن نی‌ست که خدا را بندگی کنی‌د و دل خود را حفظ کنی‌د؟ 3 پس در می‌ان جماعت مقدس بمانی‌د و خداوند با شما خواهد ماند. چون خودش گفته

من در می‌ان شما هستم، به عنوان کسی که خدمت می کند.

و به شاگردان گفت. شما کسانی هستی‌د که در آزمای‌ش های من با من استقامت کردی‌د. اگر خوب هستی‌د: بمانی‌د و دی‌گران را بسازی‌د. اگر گناهکار و ضعی‌ف هستی: بی‌دار شو تا دی‌گران تو را تربی‌ت کنند 4، در سلول ی‌ا در حال خواندن ی‌ا دعا کردن، ی‌ا کار کردن، سلول را برای تو بهشتی باشد، بهشت گروه کر، غذای مقدس خواندن. بگذار سکوت دوستت باشد، شری‌ک کاری تو باشد، دعای تو ی‌اور باشد. اتاق خانه آرامش تو باشد و بگذار

---

1 موعظه به مبتدی‌ان I4، ص 6، ص. 26 .1 ،I09.

زندگی راهب خوب ج. من 3 - .7 . ،IIO ص .Ib 2

4 خطبه به نوآموزان 2، ص 6، ص. 7 .1 ،I7

5 ی‌ادآوری مختصری از تمری‌ن معنوی ص 2، ص 431، .1 .I. 6 Ib. 430 ص، .I. 24

قبر: تا بهشت بهشتی به روی شما گشوده شود.
زیرا از سلول تا بهشت راه کوتاهی وجود دارد: اگر در آن زندگی مجردی داشته باشید!

فصل هجدهم.

از مصادیق پدران مقدس.

1. به نمونه های زنده پدران پاکی که کمال و دین واقعی در آنها می درخشید، نگاه کنید، خواهید دید که ما چقدر کم و تقریباً هیچ کاری انجام نمی دهیم. افسوس اگر با آنها مقایسه شود زندگی ما چیست؟ قدیسان و دوستان مسیح در گرسنگی و تشنگی، در سرما و برهنگی، در کار و خستگی، در شب زنده داری و روزه، در نیایش ها و مراقبه های مقدس به خداوند خدمت کردند. در بسیاری از آزار و اذیت و سرزنش.[1]

2. رسولان، شهدا، اعتراف کنندگان، باکره ها و بقیه کسانی که می خواستند راه مسیح را دنبال کنند، چه مصیبت های بسیار و سختی را متحمل شدند. زیرا آنها از روح خود در این دنیا متنفرند تا در زندگی جاودانی آنها را تصاحب کنند.

O

پدران مقدس چه زندگی سخت گیرانه و مهجوری در بیابان داشتند! چه مدت

1 کتاب تمرین معنوی ج. 4، ص 2، ص. 338

.1.22

و آنها آزمای‌شات سختی را تحمل کردند! چقدر مورد آزار و اذیت دشمن قرار گرفتند! چه نمازهای مکرر و پرشور به درگاه خدا می خواندند! چقدر پرهیز شدید انجام دادند! چه غیرت و اشتیاق زیادی برای پیشرفت معنوی داشتند!

چه بسا که با اهلی کردن رذایل جنگیدند! چه نیت پاک و درستی نسبت به خدا داشتند!

روزها کار می کردند و شب ها ساعت های طولانی را به دعا می گذراندند. اگرچه آنها اصلاً از تلاش در دعای ذهنی دست برنداشتند.

3. همه، وقت خود را به سود سپری کردند؛ هر ساعت برای گذراندن با خدا خیلی کوتاه به نظر می رسید. و در شیریني عظیم تفکر، ضرورت طراوت بدن نیز به فراموشي سپرده شد. آنها از همه ثروت ها، کرامت ها، افتخارات، دوستان و خویشاوندان چشم پوشی کردند. آنها می خواستند چیزی از دنیا نداشته باشند، آنها به سختی مایحتاج زندگی را می گرفتند. از خدمت به بدن، حتی در مواقع ضروری، پشیمان بودند. بنابراین آنها از نظر زمینی فقیر بودند، اما از نظر فیض و فضیلت بسیار غنی بودند. در بیرون نیازمند بودند، اما در درون به لطف و آسایش الهی شاداب شدند.

4. آنها با دنیا غریبه بودند، اما با خدا دوستان صمیمی و خانوادگی بودند. خودشان ببینند

این دنیا با آنها به عنوان هیچ رفتار می شود و آنها را تحقیر می کند. اما آنها در نظر خدا محبوب بودند. آنها با فروتنی گرانبها و واقعی ایستادند، در اطاعت ساده زندگی کردند، با نیکوکاری و صبر پیش رفتند و از این رو هر روز در روحیه پیشرفت می کردند و مورد لطف خدا قرار می گرفتند.
آنها به عنوان مثال برای همه افراد مذهبی آورده شده است، و آنها باید ما را به کار خوب دعوت کنند، نه یک عدد ولرم برای آرامش.

5. آه چقدر شور و حرارت همه متدینین در آغاز نهاد مقدسشان زیاد بود! ای چه نماز عبادی!

چه رقابت قدرت! نظم و انضباط چقدر شکوفا شد! چقدر احترام و اطاعت در همه جا در حکومت استاد رونق داشت! آثار به جا مانده هنوز گواهی می دهد که آنها واقعاً مردانی مقدس و کامل بودند که با جنگیدن بسیار پرانرژی، جهان را تامین کردند.
و اگر کسی
فاسق نبوده و کسی نتوانسته است آنچه را که به او رسیده است، با صبر و شکیبایی تحمل کند.
6. آه، گرما و بی تفاوتی دولت ما، که به سرعت از شور و اشتیاق سابق خود دور می شویم و از زندگی قبلی خسته شده ایم.

با خستگی و گرما! ای کاش پیشرفت فضائل در تو عمیق نمی خوابید که بارها نمونه های عابد دیده اید!

در نظر گرفتن.

به زندگی مقدسین نگاه کنید، آموزش آنها را بخوانید. تا با قدیسان مقدس شوید، توسط مقدسین تعلیم داده شوید، از طریق مقدسین کمک کنید و قدیسین شنیده شوند.

هیچ کس در بهشت بر سر نمی‌گذارد، مگر کسی که در این دنیا با هوس‌ها و رذیلت‌های خود مبارزه مشروع کند.

پرهیز از چیزهای ظریف و تحمل سختی ها:

همانطور که همه مقدسین و به ویژه شهدای مسیح چنین کردند. که با قدرت جنگیدند، بر دشمنان خود پیروز شدند و با مهربانی رنج کشیدند. و پس از توهین ها و شکنجه های فراوان، بی گناه از دنیا می رود. آنها هیچ توجهی به دوستان و والدین جسمانی نداشتند: نه به ثروت ها و افتخارات مادی. اما برای به دست آوردن پاداش های ابدی، گنجینه های آسمانی، تاج های پیروزمندانه و شکوه های بی رنگ 3

اعتراف کنندگان مقدس نیز با متانت، عادلانه و پارسا زندگی می کردند. با روزه گرفتن مکرر

---

1 در نظم و انضباط صومعه ج. 15، ص 2، ص. 315، 2

خطبه به نوآموزان 18، ص 6، ص. I44, 3 Ib. ص — 1. 26

145 متر مربع، 1. 24. — 1. 3.

دعا کردن، مراقبه کردن، مطالعه کردن: گریه کردن، گریه کردن، دعا کردن برای گناهان خود و دیگران. با تحمل توهین ها، تمسخرها، زمزمه ها، تهدیدها، سخت گیری ها، زیان ها و صدمات: استقامت بر ایمان راست، امید استوار و صدقه کامل تا مرگ 1

آنها همچنین با گوشه نشینان و راهبان مقدس و اساتیدی از طبقات مختلف به مبارزه پرداختند و از دنیا چشم پوشی کردند: رد باطل های دنیا و لذت های جسمانی، زیر پا گذاشتن جلال و شرافت دنیوی. فرار از هیاهوی مردان، مراقبت از تنهایی؛ صلیب خود را ترک می کنند. تنبیه بدن خود با پرهیز، مهار زبان با سکوت: پرهیز از هوسبازی و گفتمان، اعمال خشونت بر خود هر روز. آیا خود را داوطلبانه در زیر یوغ اطاعت مقدس قرار می دهند، به شدت در زندان ها تحت نظم و انضباط منظم زندگی می کنند: تقلید از کمال رسولی و تسلیم مصلوب شدن روزانه به خاطر مسیح؟

آنها همچنین با در دست داشتن باکره ها و بیوه های مقدس با دشمنان خود شجاعانه جنگیدند.
که با عشق عیسی مسیح بر غرورهای دنیا و لذت های جسمانی و وسوسه های شیطانی در سن دختری و جنسیت شکننده پیروز شد.

---

1 خطبه به نوآموزان 18، ص 6، ص. I46, 1. II.
2 Ib. 147 ص، J. 5-

استقامت بر نماز و روزه داری و پرهیز از معاشرت و گفتگوهای بیهوده دنیوی و تنبیه بدن و پرهیز از هر گونه زینت زائد و میل به خشنود ساختن خداوند تنها با ذهنی خالص و بدنی پاک و بی وقفه برای حضور داماد بهشتی و نامرئی با آه و عشقی آتشین.

مطالعه فروتنانه از نمونه های حقیر اولیای الهی. او در کتب مقدس می خواند و می اندیشد که چقدر از فضائل اولیای الهی دور است. او از تمرینات آنها، زحمات آنها، وسوسه های آنها، پرهیز آنها شگفت زده می شود. بزرگ ترین تواضع، قوی ترین صبر، اطاعت کامل، و نابودی کامل همه چیزهای دنیوی را رعایت کند. از این رو به شدت غش می کند و بسیار اندوهگین می شود، زیرا نه چنین شور و شوقی در فضایل وجود دارد و نه کار مشابهی برای کسب فضایل.

آخه خاک گفت ما چی هستیم؟ گوشت و خونی که در آن پوشیده شده ایم.
زمین کشور ماست، اندیشه زمینی ما، گفتگوی حیوانی ما، شغل ما با چوب و سنگ است. غذا و نوشیدنی، خواب و فراغت در مرزهای ما. آه، چقدر پست هستیم که به ندرت اثری از فضائل اولیای الهی داریم؟ 2

---

1 Ib. 30 ص 150 لیتر مربع —— 2 از سه خیمه

C. 2, n. I2 3.

فصل نوزدهم

در تمرینات دین نیکو.

1. زندگی یک مرد دیندار خوب باید سرشار از همه فضایل باشد: تا در باطن آن گونه باشد که در ظاهر برای مردم ظاهر می شود. و به درستی، باید در درون بسیار بیشتر از آنچه در بیرون دیده می شود وجود داشته باشد، زیرا ناظر ما خداوند است که باید در هر کجا که هستیم بیشترین احترام را به او داشته باشیم و مانند فرشتگان در برابر دنیای او گام برداریم.
هر روز باید هدف خود را تجدید کنیم و خود را به شور و شوق برانگیزیم، گویی امروز برای اولین بار به تغییر دین رسیده ایم، و بگوییم: خداوندا، مرا در هدف نیک و خدمت مقدس خود یاری کن، و همین امروز را به من عطا کن تا به خوبی شروع کنم، زیرا تا به حال هیچ کاری نکرده ام.

2. طبق هدف ما، سیر راهپیمایی ما; و اگر کسی بخواهد پیشرفت خوبی داشته باشد، مراقبت زیادی لازم است. اما اگر به شدت پیشنهاد کند، اغلب شکست می خورد. او که به ندرت یا کمتر چیزی را اصلاح می کند چیست؟ با این حال، ترک هدف ما به طرق مختلف اتفاق می افتد. و حذف جزئی تمرینات به ندرت بدون هزینه است

می گذرد هدف شهوات به لطف خدا بستگی دارد نه به حکمت خودشان: که همیشه به او اعتماد می کنند، هر چه به دست آورند. زیرا انسان پیشنهاد می کند، اما خدا اختیار می کند و در انسان نیست

راه او

3. اگر گاهی برای تقوا یا برای منفعت برادری از ورزش معمول صرف نظر شود، بعداً به راحتی قابل بهبود است. اما اگر او به راحتی از بی حوصلگی یا بی تفاوتی رها شود، کاملاً مقصر است و احساس آسیب می کند. تا جایی که بتوانیم تلاش خواهیم کرد، باز هم از بسیاری جهات کمی کوتاه می آییم. با این حال، همیشه باید چیزهای مشخصی مطرح شود، به ویژه در برابر آنهایی که بیشتر مانع ما می شوند. ظاهر و باطن ما به طور یکسان باید توسط ما بررسی و سفارش شود، زیرا هر دو برای پیشرفت مصلحت است.

4. اگر قادر به جمع آوری مداوم خود نیستید، حداقل گاهی و حداقل یک بار در روز، یعنی صبح یا عصر. صبح خواستگاری کنید و عصر در مورد آداب خود صحبت کنید، مانند آنچه امروز در گفتار، کردار و اندیشه بوده اید. زیرا در اینها اغلب خدا و همسایه خود را آزرده خاطر کرده اید. خود را مانند یک مرد در برابر شرارت شیطانی ببندید.

اشتها را مهار کنید و به راحتی هر تمایلی را که در بدن وجود دارد مهار خواهید کرد. هرگز بیکار نباشید، بلکه بخوانید، یا بنویسید، یا دعا کنید، یا مراقبه کنید، یا در کار مفیدی برای منافع عمومی تلاش کنید.
با این حال، تمرینات بدنی باید با احتیاط انجام شود و برای همه به یک اندازه بد نیست. استخدام کنید

5. چیزهایی که معمول نیستند نباید در خارج از کشور نشان داده شوند: زیرا کارهای خصوصی با خیال راحت تر در خفا انجام می شود. اما مراقب باشید که در کلیات تنبل نباشید و در جزئیات آماده تر باشید. اما هنگامی که وظایف و دستورات خود را به طور کامل و صادقانه انجام دادید، اگر زمان دیگری باقی مانده است، آنگونه که ارادت شما می خواهد به خود بازگردید.
همه نمی توانند تمرین یکسانی داشته باشند، اما یک چیز بهتر به آنها خدمت می کند، چیز دیگر چیز دیگر. آنها همچنین تمرینات مختلفی را با توجه به زمان روز دوست دارند، زیرا برخی در روزهای تعطیل و برخی دیگر در تعطیلات بهتر هستند.
ما در زمان آزمایش به بال نیاز داریم و در زمان آرامش و استراحت به بال دیگری نیاز داریم. یک چیز وقتی غمگینیم دوست دارم فکر کنم و یک چیز دیگر وقتی در دونینوس خوشحال بودیم.

6. شیوه های خوب باید در اطراف جشنواره های اصلی تجدید شود و آرای مقدسین باید با شور و حرارت بیشتری التماس شود. از جشنواره ای به جشنواره دیگر

ما باید خواستگاری کنیم، گویی پس از این دنیا از دنیا می رویم و به عید ابدی می رسیم. و از این رو ما باید خود را در اوقات پرهیزگاری با جدیت آماده کنیم و با عبادت بیشتری رفتار کنیم و همه مراعات را با دقت بیشتری رعایت کنیم، گویی در مدت کوتاهی پاداش زحمات خود را از خداوند دریافت خواهیم کرد.

7. و اگر طولانی شد، باور کنیم که آمادگی کمتری داریم و لیاقت جلال بسیار بیشتری را نداریم که در زمان مقرر در ما آشکار می شود: و سعی کنیم خود را بهتر برای خروج آماده کنیم. لوقا مبشّر می‌گوید خوشا به حال بنده‌ای که وقتی خداوند می‌آید او را در حال تماشا می‌بیند.

همانا به شما می گویم که او را بر همه دارایی های خود قرار خواهد داد.

در نظر گرفتن.

از نمای بیرونی به درون می رسیم.
از پایین به بالاتر: از جسمانی به معنوی. انسان کم کم پیشرفت می کند: و این از طریق تمرینات روزانه.

1 یادآوری مختصری از تمرین معنوی ص 2، ص. 421، 1. 3.

آنها باید به این سمت سوق داده شوند: تا شهوات غلبه کنند، تا اراده خودشان تضعیف شود. تا جهان تحقیر شود و خدا محبت شود.

که همه محبت ها تعدیل شود: صفای دل و ذهن 1 آرام باشد.

وقتی زمان بلند شدن است، در رختخواب دیر نمانید.
اما به سرعت بلند شدن عادت کن: و مهرها را با مهر صلیب مقدس بر خود بمال.

که هنوز به شما فضایی برای خوب زیستن داد: و باعث شد خورشیدش برای استفاده های مختلف بر شما طلوع کند 4

قرار است هر روز صبح پیشنهاد شود: چگونه می‌توان روز کنونی را مفیدتر سپری کرد. به ویژه، باید با شدت بیشتری در برابر آن رذایلی که دردسرسازتر هستند و بیشتر رخ می دهند، پیشنهاد شود.
و اگر هنوز هم می توانستی صد سال زندگی کنی، در نظر بگیر که برای هیچ چیز دیگری نمی خواهی زندگی کنی، جز اینکه خدا را کاملتر بندگی کنی.

---

1 یادآوری مختصری از تمرین معنوی ص 2، ص. 427، 1. I7. 2 340 ص 2، ص 5، کتاب تمرین معنوی ج.، I. 12. St. Tb. 28 .1 ،334 .ج 3، ص 2، ص —
4 Ib. 334 .ج 2، ص 2، ص. I. 9 — 5 Ib. ص 333،
1. I5. — - .n. 3 ،2 رساله 6 7 2 ب. 6، نه
2، نه 3•

در اثر بی دقتی خیلی سریع از بین می رود! برای پاسداری از هدف، از زمان غافل نشوید: پس از گذشت ساعت بر نمی گردد.

او واقعاً طوری شروع به زندگی می کند که انگار امروز متولد شده است، کسی که با روح راه می رود و از همه چیزهای مضر اجتناب می کند و رد می کند. و گاه این گونه یا مانند آن دعا می کند:

مصدومیت خوب، فقط برای من قرار دهید. هی Q
خدایا کمکم کن بی تو چیکار کنم بدبخت کمکم
کن عیسی خوب:
و روح من نجات خواهد یافت. من بنده تو هستم؛ از
لطفت به من کمک کن: و به زودی خوب خواهم شد 5

از دعا دریغ مکن: اگر می خواهی از رذیله رهایی یابی، 6. برای فیض دعا کن و پیروزی مقدسی از بهشت به تو عطا خواهد شد.»

دعا کردن بهتر از خواندن است: و هر دو باید در وقت خود انجام شوند. قرائت مقدس جهل ما را تربیت می کند: شبهات را برطرف می کند، خطاها را اصلاح می کند، اخلاق نیکو را آموزش می دهد.

---

1 کتاب تمرینات معنوی ج. 3، ص 2، ص. 336، 1. 7. - 2 Ib. 333 .ج 2، ص 2، ص. I. 23. 3 Enchiridion monachorum c. 6، 3 .نه 2. - 4 رساله 6، ن. 2 2، نه
5 یادآوری مختصری از تمرین —
معنوی ص 2، ص. 428، 1. 12. 6 Ib. ص 422، 1. 2 .1 2
7 جزوه تمرینات معنوی. 2، ص 2، ص. 333) 1. 25
باغ گل رز ج. 12، شماره 7. - یادآوری مختصر 8 —
تمرین معنوی ص 2، ص. 422، 1. 7

انسان را وادار به شناخت رذایل می کند، فضایل را تشویق می کند، شور و شوق را برمی انگیزد، ترس را القا می کند: ذهن را به یاد می آورد، روح سختگیر را زنده می کند. و چون نمی توانید نماز بخوانید یا پیوسته بخوانید:

شما باید کاری مفید در خارج انجام دهید. در کدام عملیات سخنرانی مقدم است، سخنرانی اجرا می شود: بگذارید کل سخنرانی تمام شود!

به کار خود بروید و در تاکستان خدا برای یک ریال زندگی جاودانه کار کنید. نگذار پدر خانواده به تو عجله کند، چرا تمام روز اینجا بیکار می ایستی؟ کتاب مقدس ستایش خوب کار:; مسیح به بنده وفادار پاداش می دهد:

او استدلال می کند که تنبل و بی توجه است. دستور می دهد که فیض را از او بگیرند و به کسی که با حرارت بیشتری کار می کند عطا شود. زیرا زمانی خواهد رسید که دیگر قادر به کار نخواهید بود: به دلیل بیماری خود نمی توانید حتی یک کلمه صحبت کنید.

اینگونه است که باید از قبل فکر کنید. و همیشه مراقب آخرین ساعت باش که مبادا خلأ تو را پیدا کند 2

بسیاری پول و مخارج چیزها را می شمارند: عده کمی وجدان و بی تفاوتی روزگار را در نظر می گیرند. و بنابراین بیشتر از اینکه پیشروی کنند شکست می خورند. سخنان نیکو می گویند و انجام نمی دهند. از بدی های دیگران بیزارند: اما در خیلی چیزها از خود غفلت می کنند. اما تو

---

1 یادآوری مختصری از تمرین معنوی ص 2، ص. 422، 1. II.
- در انضباط صومعه ج. 6، ص 2، ص. 292 متر مربع، 20 .I.]

شما متفاوت تنظیم شده اید. و اگر واقعاً می خواهید پیشرفت کنید:
شما هر شب در مورد بحث خود کوتاهی نمی کنید. اگر این کار را انجام دهید، در روحیه ذهن خود تجدید می شوید و خیمه شما آرامش خواهد داشت. با خیال راحت خواهید خوابید و کسی نخواهد بود که کسی را که در مسیح آرام می گیرد بترساند. بسیار عجیب و بسیار وحشتناک؛ که هر کس جرأت کند به خواب برود، در حالی که مرتکب جرمی سنگین شده است: او نه توبه کرده است و نه اعتراف کرده است. متأسفانه، بسیاری را در کینه توزی و خاکریز گناهانشان دیدم که با مرگ ناگهانی خاموش شد و از آسایش همه دوستانشان بی بهره بودند.

اما بیایید به خاطر بدبختی‌های خود سرخورده و سنگین نشویم و مزایای الهی را فراموش نکنیم: حکمت خدا فراهم شد و مادر مقدس کلیسا را تأسیس کرد. از آنجایی که به میل روح، هر سال مسیح و قدیسانش مراسم جشن برگزار می شود: تا فداکاری برانگیخته شود، ایمان گرم شود و نیکوکاری افزایش یابد. برای کسی که اعیاد را بسیار عابدانه تر جشن می گیرد، و خدا را در قدیسانش به شایستگی تکریم می کند: هر چه بیشتر از نظر روحی پیشرفت می کند و خود را گسترده تر به عشق ابدیت گسترش می دهد. تمام احساس از خود گذشتگی ما به شدت است

---

[1] I 1 .کتاب تمرین معنوی ج o, P. 2, P. 349, 1. 6. - 2
موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 3, ص 3, ص. 82، 1. 13

باید نادر و تشویق شود: هر بار که جشنواره ها به طور رسمی در کشورها جشن گرفته می شوند. از این رو، همه اعیاد ما بیشتر نوعی مقدمه برای آن عید ابدی است: به جای اینکه اعیاد واقعی نامیده شوند. اما در اینجا آنها در پرتو ایمان شروع می کنند: اما در آنجا، در پرتو جلال، همه چیز تکمیل خواهد شد. زیرا ستایش فرشته و شیرین ترین کنسرت ارواح مقدس وجود دارد: آنجا در حضور بنیانگذار همه بی روح ها شاد می شوند.

فصل XX

به عشق تنهایی و سکوت.

1. به دنبال اوقات فراغت خود باشید و مرتباً به احسان خداوند بیندیشید. من کنجکاو مانده ام. اینگونه مطالب را بخوانید که بیشتر پشیمان است تا شغل. اگر خود را از گفتگوهای زائد و محافل بیهوده و همچنین از گوش دادن به چیزهای تازه و آداب کنار بکشید: زمان کافی و مناسب برای ادامه مراقبه های خوب خواهید یافت. بزرگترین مقدسین تا جایی که ممکن بود از معاشرتهای انسانی دوری میکردند و خدا را در خفا خدمت میکردند.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 3، ص 3، ص. 8 درجه مربع، 1. 22.

2. شخصی گفت: هرگاه در میان مردان بوده ام به عنوان مردی کوچکتر بازگشته ام. ما اغلب زمانی که برای مدت طولانی چت می کنیم، این را تجربه می کنیم. کاملاً سکوت کردن آسانتر از به زبان نیاوردن یک کلمه است. طرفداری در خانه آسانتر از این است که بتوان به اندازه کافی از خود در خارج از کشور محافظت کرد. پس کسی که قصد رسیدن به باطن و معنویت را دارد، وقتی مجروح شد، باید از جمعیت دور شود. هیچ کس در امان به نظر نمی رسد، مگر کسی که با میل خود را پنهان کند. هیچ کس با خیال راحت صحبت نمی کند، مگر کسی که با کمال میل سکوت کند. هیچ کس ایمن نیست، مگر کسی که با کمال میل تسلیم شود.

هیچ کس با اطمینان فرمان نمی دهد، مگر کسی که اطاعت را به خوبی آموخته است.

3. هیچ کس از امنیت برخوردار نیست مگر اینکه در خود دلیل وجدان داشته باشد. با این حال، امنیت اولیای الهی همیشه وجود داشت، سرشار از ترس از خدا. نه کمتر. اما امنیت اشرار از غرور و تکبر ناشی می شود و در نهایت به خودفریبی تبدیل می شود. هرگز در این زندگی به خودتان قول ندهید که امنیت داشته باشید، هر چند که به عنوان یک راهبه یا یک گوشه نشین عابد خوب ظاهر شوید.

4. غالباً بهتر از نظر یک مرد به طور جدی تری در معرض خطر قرار می گیرند زیرا

اعتماد به نفس بیش از حد او از این رو برای
بسیاری مفیدتر است که کاملاً از وسوسه ها
رها نباشند، بلکه اغلب به چالش کشیده می
شوند تا مبادا بیش از حد ایمن باشند، مبادا به
غرور برانگیخته شوند و به راحتی به تسلی
های بیرونی متمایل نشوند. 0، که هرگز به
دنبال خوشبختی گذرا نیست، کسی که هرگز
خود را با دنیا مشغول نمی کند، چه وجدان خوبی
را حفظ می کند! آه که همه نگرانی های بیهوده
را کنار بگذارد و در عین حال به چیزهای مفید و
الهی بیاندیشد و امیدش را به خدا بسپارد، چه
آرامش و آسایش بزرگی خواهد داشت!

5. هیچ کس لایق تسلیت آسمانی
نیست مگر اینکه در پشیمانی مقدس کوشا
باشد. اگر می خواهی دلت راحت شود، در
رختخوابت درآی و غوغای دنیا را ببند،
چنانکه نوشته شده است: من در بسترهای
تو آرامم. آنچه را که اغلب در بیرون از دست
می دهید را در اتاق خواهید یافت. یک اتاق
پیوسته شیرین می شود و یک اتاق بد
نگه داری باعث خستگی می شود.
اگر در ابتدای تبدیل خود آن را به خوبی حل و فصل
کنید و از آن مراقبت کنید، این یک دوست عزیز و
پس از آن برای شما بسیار خوشایند خواهد بود.

6. روح عابد در سکوت و آرامش پیشرفت می کند
و پنهانی های کتاب مقدس را فرا می گیرد.
او در آنجا جویبارهای اشک را می یابد که هر شب
خود را با آنها می شوید و پاک می کند تا هر چه
از همه غوغاهای دنیوی دورتر می شود، با
بنیانگذارش بسیار آشناتر می شود.
هر کس خود را از آشنایان و دوستان دور کند، خداوند
با فرشتگان مقدس به او نزدیک می شود.
بهتر است در حاشیه باشید و مراقب خود باشید تا
اینکه علائم را نادیده بگیرید. این ستودنی است که
یک مرد متدین به ندرت به خارج از کشور برود، دیده
شود که فرار کند و حتی مردان را نبیند.
7. چه چیزی را می خواهید ببینید که اجازه
ندارید داشته باشید؟ دنیا و شهوتش می گذرد.
آنها امیال نفسانی را به سرگردانی می کشانند.
اما وقتی ساعت بگذرد، اگر گرانش وجدان و
پراکندگی دل را تحمل کنی چه؟ یک عزیمت شاد
اغلب بازگشتی غم انگیز را به همراه دارد و یک
عصر شاد، صبحی غمگین را رقم می زند. بنابراین
تمام شادی های نفسانی به آرامی وارد می شود، اما
در پایان نیش می زند و از بین می رود. در جای دیگری
چه چیزی می توانید ببینید که اینجا نمی
بینید؟ به آسمان و زمین و همه عناصر بنگرید.
زیرا همه چیز از اینها ساخته شد.

8. در هر جایی چه چیزی می توانید ببینید که بتواند برای
مدت طولانی زیر نور خورشید بماند؟ تو خودت را باور داری

شاید شما راضی باشید، اما نتوانید به آن برسید.
اگر می توانستی همه چیزهای حاضر را ببینی،
چه چیزی جز رؤیایی بیهوده بود؟ چشمانت را به
سوی خداوند بلند کن و برای گناهان و غفلت هایت
دعا کن. چیزهای بیهوده را رها کنید؛
اما شما به چیزهایی که خدا به شما امر کرده است
توجه می کنید. در را بر روی خود ببند و مجروحان را
به سوی خود بخوان ای عزیزت.
در سلول با او بمان، زیرا در هیچ جای دیگر چنین
آرامشی نخواهی یافت. اگر بیرون نرفته بودید و
چیزی از شایعات نشنیدید، بهتر بود در آرامش
باشید. از آنجایی که گاهی شنیدن اخبار لذت
بخش است، بنابراین باید یک آشفتگی قلبی را
تحمل کنید.

در نظر گرفتن.

در واقع، به نظر می رسد چیزی بزرگ در کمین
خلوتی است که اکثر مقدسین آن را با شور و حرارت
پذیرفته اند. مسیح این را با کلمه و مثال آموزش
داد، هنگامی که شب را به تنهایی در نماز گذراند و
به نمازگزاران دستور داد وارد اتاق شوند. تنهایی
مادر فداکاری است:
اما جمعیت آزاردهنده است. کسی که می خواهد اسرار
بهشت را بداند باید از مردم دور شود. وقتی از جمعیت
کنار می کشید

---

1 خطبه 7 به برادران، n. 2. 2 کتاب تمرینات معنوی ج. 4، ص 2، ص. 336، 1. 24. 3 در — نظم و انضباط صومعه ج. 7، ص 2، ص. 396، 1. 21

دعا کردن و مطالعه امور انساني، سپس نزديك شدن به گروههاي ملائکه بهشتي. مسیح برای ما بسیار آشناتر خواهد بود و عشق او برای قلب ما شیرین تر خواهد بود، زیرا ظاهر و محبت های این جهان نادرتر خواهد بود. و اگر ساعتی به نظر می رسد که از آن منحرف شده است، فوراً به سوی آن باز می گردد، زیرا در درون خود دارد که هر روز ندا می دهد: بیا جلو در می ایستم و در می زنم. خوشا به حال روحی که همیشه مراقب صدای بانک است! به همین دلیل است که صدای معشوق او را به عروج دعوت می کند تا در پست ترین چیزها او را از محبت ناروا باز نگرداند!

قبل سکوت دوست تنهایی است. یاد بگیرید از صحبت کردن سکوت کنید: و ترجیح می دهید آموزش دهید تا تعلیم دهید، زیرا پنهان شدن از ظاهر شدن امن تر است. قبل از صحبت کردن به کلمات خود توجه کنید. خیلی‌ها زیاد حرف می‌زنند، اما نه بدون خطر زبانی که مستعد بدی است.»

---

1 دلداری بینوایان 3 .9 .n خطبه 7 به برادران، 3 .4 .n خطبه 9 به برادران، 3 2 .n.
4 خطبه 8 به برادران، 5 -.I .n راهب الفبای کوچک را در مدرسه خدا خواند. I5، ص 3، ص. 319
7 یادآوری مختصری از — 6 دره نیلوفرها ج. 24، شماره 2.
8 Hortulus — تمرین معنوی ص 2، ص. 426، .1 .I5.
rosarumn c, 16, n, 2, - 9 Vallis liliorumn c. 18، 3 شماره.

خداوند ما عیسی مسیح به ما دستور می دهد که مراقب باشیم فقط آنچه لازم و مفید است صحبت کنیم و چیزهای زائد و بی فایده را رد کنیم. زیرا بنده خدا نباید سکوت را طوری بداند که گویی هرگز نباید حرف بزند. اما اجازه دهید او بداند که چگونه سخنان خود را در زمان و مکان خود پخش کند، مانند یک مباشر خوب. برخی حفظ سکوت مداوم را کاری عالی می دانند، همانطور که هست.

اما ساکت باشیم و آنطور که باید صحبت کنیم مهمتر است 2.

فصل بیست و یکم.

از صمیمیت قلب

1. اگر می خواهی پیشرفت کنی، خودت را از ترس خدا نگه دار و زیاد آزاد نباش.
اما تحت انضباط تمام حواس خود را کنترل کنید و خود را تسلیم شادی احمقانه نکنید. خود را به پشیمانی دل بسپار، آنگاه فداکاری خواهی یافت. دلتنگی کالاهای زیادی را باز می کند که انحلال به سرعت آنها را از بین می برد. عجب است که در این زندگی مردی که تبعید و این همه خطر برای روحش را در نظر بگیرد و بسنجید، می تواند کاملاً خوشبخت باشد.

---

1 خطبه 8 به برادران، n. من —— ? از تنهایی
و سکوت ج. 2، نه 9.

2. به خاطر سبکی دل و بی تفاوتی از ؛
کاستی های خود، دردهای جان خود را احساس نمی
کنیم; اما اغلب وقتی باید گریه کنیم می خندیم.
هیچ آزادی واقعی یا شادی خوبی وجود ندارد vane
مگر در ترس از خدا با وجدان پاک. خوشا به حال
کسی که بتواند هر مانع حواس پرتی را دور
بیندازد و خود را به اتحاد حس مقدس جمع کند.
خوشا به حال کسی که از آنچه که وجدانش را لکه
دار یا سنگین می کند از خود چشم پوشی کند. با
قوت خاصی، عرف با عرف پیروز می شود. اگر می
دانید چگونه مردم را رها کنید، آنها به شما اجازه
خواهند داد کارهایتان را انجام دهید.

3. امور دیگران را به سوی خود جذب نکنید و
خود را درگیر مسائل دیگران نکنید. همیشه اول
مراقب خودت باش و مخصوصاً همه کسانی را که
دوستشان داری به خود یادآوری کن. اگر لطف
انسانی ندارید، از این غمگین مباش. اما بگذارید
این برای شما سنگین باشد، زیرا شما به اندازه
کافی خوب و با احتیاط رفتار نمی کنید که
شایسته یک بنده خدا و یک متدین است. غالباً
برای مرد مفیدتر و ایمن تر است که در این زندگی
تسلی های زیادی نداشته باشد، مخصوصاً از
نظر نفسانی. با این حال، چون ما الوهیت نداریم،
یا به ندرت احساس می کنیم،

ما مقصریم، زیرا نه دنبال پشیمانی هستیم و نه چیزهای بیهوده و بیرونی را به کلی کنار می گذاریم.

4. بپذیرید که شایسته تسلیت الهی نیستید، اما سزاوارتر برای مصیبت های بسیار هستید. وقتی مردی کاملا پشیمان است، تمام دنیا برایش سنگین و تلخ است. او آنقدر شرافت پیدا کرد که برایش غصه بخورد و گریه کند. زیرا چه به فکر خود باشد و چه به همسایه‌اش، می‌داند که هیچ‌کس در اینجا بدون مصیبت زندگی نمی‌کند. و هر چه خود را سخت‌گیرانه‌تر بداند، بیشتر رنج می‌برد. مسائل درد عادلانه و پشیمانی درونی گناهان و رذیلت‌های ماست که چنان با آن‌ها دراز می‌کشیم که به ندرت قادر به تفکر در امور بهشتی هستیم.

5. اگر شک ندارم که بیشتر به مرگت فکر می کنی تا به طول عمرت، اما با شور و حرارت بیشتری خودت را بهبود می بخشی. اگر می توانستی از صمیم قلب به عذاب های آینده جهنم یا برزخ نیز فکر کنی، معتقدم که با کمال میل درد و رنج را تحمل می کنی و از هیچ سخت گیری نمی ترسی. اما چون این چیزها به دل نمی گذرد و ما همچنان چاپلوسی را دوست داریم، بنابراین سرد و بسیار تنبل هستیم

6. اغلب نیاز به روح است، از آنجایی که بدن بیچاره به راحتی شکایت می کند. پس با خضوع به درگاه خداوند دعا کن که به تو روح پشیمانی دهد و با پیامبر بگو: پروردگارا با نان اشک مرا سیر کن و به اندازه اشک به من بنوش.

در نظر گرفتن.

پیوس خداوند، اگرچه آزرده و اهانت شده است، اما به سرعت با گریه و دعای اعتراف کنندگان آرام می گیرد، چنان که داوود قدیس با توبه شهادت می دهد: خداوند دل شکسته و فروتن را تحقیر نخواهد کرد.

افسوس که هنوز از فضائل راستین دور هستید. از فروتنی عمیق، از فقر مقدس، از اطاعت کامل، از پاک ترین عفت، از عابدانه ترین دعا، از پرشورترین صدقه 2، تا به اندازه کافی برای غفلت های گذشته خود و برای شکست هایی که هنوز پیروز نشده اید، غمگین شوید، که به وسیله آن خدا و همه مخلوقات را آزرده خاطر کردید. شما در دنیا عمل نکردید: در خدمت مسیح ولرم بودید. و بنابراین ابتدا باید برای خود عزاداری کنید: سپس از روی صدقه برای همسایه خود. پس با خطرات کسانی که بد زندگی می کنند همدردی کنید: برای آنها عذاب ابدی نزدیک است، مگر اینکه از بدی خود توبه کنند. بسیاری 2

---

[1] گفتگوی تازه کارها ج. 3، نه 1.

پر از صومعه ج. I4، ص 2، ص. 15 .1 ،3I3.

تقلید از توماس کمپیس. اد. 3.

بد می کنند و نمی دانند; آنها بسیاری از انحرافات خود را می شناسند، اما آنها را اصلاح نمی کنند. ما باید برای آنها عزاداری کنیم و دعا کنیم: تا خداوند به آنها روح توبه برای نجات بدهد!

چقدر با خدا دعا می کنید، چقدر برای گناهانتان ناله می کنید و اندوهگین می شوید. و چون هر روز گناه می کنی، پس باید هر روز هم دعا کنی و ناله کنی و برای گناهت استغفار کنی. اگر سختی بکشی، خیلی دعا می کنی. اگر کمی عذاب میکشی کمی دعا کن زیرا برای بدیهای احمقانه و عذابهای جهنمی خرج کم میکنید یا هیچ هزینه نمیکنید. پس بیحس و خوابآلود هستی و انگار مردهای در قبر دراز میکشی و سکوت میکنی. نه زیامان آنقدر سنگین است و نه درد آنقدر تلخ: مبادا با قیاس آتش جهنمی سبک شود، بهتر است اکنون اندکی نیش بزنیم و سالم بمانیم تا بعداً چنین عذابهای تلخی را بر برزخ بنوازیم.

همانطور که انسان با گناه و لذت در مخلوقات اسیر و از خدا جدا می شود، با توبه نیز به سوی او باز می گردد و شفا می یابد. اشک مبارکی که از شدت شکستگی همه لکه های دل را احاطه کرده بود

---

1 خطبه به نوآموزان 24، ص 6، ص. 227، 1. 8 —

3 خطبه — 2. 2 کتابچه راهنمای کودکان ج. 14، 1 .n

4 سل- — 26. 1. تا مبتدیان 6، ص 6، ص. 47 مربع،

5 در مورد نظم و انضباط — نه 2 3. گفتار روح ج. 3، صومعه

ص 281، 9 .l. ج. 3، ص 2،

اما چه کسی این کالاها را به من خواهد داد: دعا و گریه به مصلحت؟ تواضع من و این همه اشک از کجاست؟ البته با تو ای پروردگاری که با تو رحمت و رستگاری فراوان. خداوندا، ای بخشنده همه فیض، به من عطا کن که حتی برای کوچکترین چیزها، چه پنهان و چه آشکار، در عین حال بدون هیچ بهانه ای با عزت گریه کنم.

فصل XXII.

در مورد بدبختی انسان.

من هر جا بروی و به هر کجا برگردی بدبخت هستی مگر اینکه به خدا روی بیاوری. چرا ناراحت هستید چون آنطور که می خواهید و می خواهید برای شما اتفاق نمی افتد؟ کیست که همه چیز را مطابق میل خود دارد؟ نه من، نه تو و نه هیچ مردی روی زمین. هیچ کس در جهان بدون دردسر و ناراحتی نیست، حتی اگر پادشاه یا پاپ باشد. چه کسی بهتر است؟ یقیناً کسی که می تواند برای خدا هر چیزی را تحمل کند.

2. بسیاری از ضعیف و ضعیف می گویند: ببین این انسان چه زندگی خوبی دارد، چقدر ثروتمند، چقدر عالی، چقدر قدرتمند

1 تک گوویی روح ج. 3، نه 2 3.

و بالا! اما به اموال بهشتی توجه کنید، خواهید دید که همه این چیزها موقتی نیستند، بلکه بسیار نامطمئن و سنگین تر هستند، زیرا هرگز بدون اضطراب و ترس تسخیر نمی شوند. سعادت انسان این نیست که فراوانی زمانی داشته باشد، بلکه حد وسط برای او کافی است. زندگی روی زمین واقعاً بدبخت است. هر چه انسان بخواهد معنویت بیشتری داشته باشد، زندگی کنونی برای او تلخ تر می شود، زیرا احساس بهتری دارد و فقدان فساد انسان را آشکارتر می بیند. زیرا خوردن، آشامیدن، تماشا کردن، خوابیدن، استراحت کردن، کار کردن و تسلیم شدن در برابر سایر نیازهای طبیعت، واقعاً مصیبت و مصیبت بزرگی است برای مردی عابد که با کمال میل از هرگونه گناه پاک و مبرا باشد.

3. زیرا درون انسان در این دنیا به شدت زیر بار نیازهای جسمانی است.
از این رو پیامبر عابدانه درخواست می کند تا آنجا که ممکن است از آنها خلاص شوم و می فرمایند:
پروردگارا مرا از نیازهایم رهایی بخش.
اما وای بر کسانی که بدبختی خود را نمی دانند.
و وای بیشتر بر کسانی که این زندگی نکبت بار و فاسد را دوست دارند.
برای برخی از آن به حدی استقبال می کنند که به سختی ضروری است

با التماس یا التماس، تا اگر می توانستند برای
همیشه در اینجا زندگی کنند، هیچ اهمیتی به
ملکوت خدا نمی کردند.
4. ای دیوانگان و بی ایمانان دل که چنان در
زمینی ها دروغ می گویید که جز چیزهای نفسانی
نمی دانند. اما بدبختان در پایان همچنان به
شدت احساس خواهند کرد که آنچه دوست داشتند
بی ارزش و بی ارزش بوده است. اما اولیای خدا و
همه دوستان عابد مسیح به چیزهایی که بدن را
خوشایند میسازد، و نه به چیزهایی که در این
فصل شکوفا میشود توجهی نکردند. اما تمام
امید و نیت آنها آرزوی کاالهای ابدی بود. تمام
آرزوهایشان به سوی جاودان و نامرئی ها کشیده
شد، مبادا با عشق به مرئی ها به پایین ترین
حد کشیده شوند.
برادر، اعتماد به نفس مهارت داشتن در امور
معنوی را از دست نده. هنوز وقت و یک ساعت
داری
5. چرا می خواهید پروژه خود را به تعویق
بیندازید؟ بلند شو و شروع کن و بگو:
اکنون زمان اقدام است، اکنون زمان مبارزه است، [
اکنون زمان مناسبی برای جبران است. وقتی
احساس بدی دارید و در حال مبارزه هستید، وقت
آن است که تسلیم شوید.
قبل از اینکه به طراوت برسید باید از آتش و
آب عبور کنید. تا زمانی که سخت کار نکنید،
بر ناتوانی غلبه نخواهید کرد.

تا زمانی که این بدن شکننده را حمل می کنیم، نه می توانیم بدون گناه باشیم و نه بدون خستگی و درد زندگی کنیم. ما با کمال میل از همه بدبختی ها استراحت می کنیم.

اما چون از طریق گناه بی گناهی خود را از دست داده ایم، شادی واقعی را نیز از دست داده ایم. پس باید صبر کرد و منتظر رحمت خداوند بود.

تا این گناه از بین برود و فناپذیری در زندگی فرو رود.

6. آه چقدر ضعف انسانی که همیشه مستعد رذیلت است! امروز به گناهان خود اعتراف کنید و فردا دوباره به گناهان خود اعتراف کنید. حالا شما پیشنهاد مراقبت می کنید و یک ساعت بعد طوری رفتار می کنید که انگار p هیچ پیشنهادی نداده اید. بنابراین، ما می‌توانیم به نحو شایسته‌ای خود را متواضع کنیم و هرگز نسبت به خود احساس بزرگی نداشته باشیم. زیرا ما بسیار شکننده و ناپایدار هستیم. همچنین ممکن است به سرعت از طریق بی احتیاطی از بین برود، چیزی که با تلاش زیاد، به سختی در نهایت از طریق فیض به دست آمده است.

7. در پایان هنوز چه می شود که آنقدر زود گرم هستیم؟ وای بر ما اگر چنان بخواهیم از استراحت خودداری کنیم، گویی از قبل صلح و امنیت وجود داشته است، در حالی که هیچ اثری از قدوسیت واقعی در رفتار ما ظاهر نمی شود. خوب کار خواهد کرد

که هنوز باید دوباره به ما و همچنین افراد تازه کار خوب به بهترین آداب آموزش داده شود. اگر امیدی به بهبودی در آینده و پیشرفت معنوی بیشتر وجود داشت.

در نظر گرفتن.

به هر جا که بخواهی (روح من) روی آوری، همیشه دردها و خستگی های فراوان خواهی یافت، مگر اینکه بار دیگر به سوی خالق روی آوری. زیرا او آرامش و آرامش شماست.

هیچ کس زیر بهشت بدون درد و درد نیست. هر یک برای خودش یک بار و اشتیاق است. مردی که خداوند به خوبی آماده کرده و در بهترین مکان بهشت قرار داده است. او با تخطی از فرمان مقدس، حالت بی گناهی و مکان بزرگترین آرامش را از بین برد: برای لقمه یکی از پست ترین سیب ها. و از این رو، با آزار شدید خداوند، حکم اعدام را دریافت کرد و مستحق بدبختی بسیار جسم و روح شد. 2 اما چه کسی می تواند تمام خطرات این زندگی را بداند و پیش بینی کند. چه اتفاقی ممکن است برای مردی که زیر آفتاب در یک مکان وسوسه شده رخ دهد؟ برای عادل و شریر: خیلی چیزها یکسان اتفاق می افتد. سختی ها اغلب غم انگیزتر از چیزهای خوبی هستند که ما را خوشحال می کنند. اگر کسی فقیر است:

او از نگرانی در مورد به دست آوردن کالا تحت فشار است.

? خطبه ها —— 1 بیمارستان فقرا ج. 10، نه 4.

به مبتدیان 19، ص 6، ص. I3 .1 ,I59.

اگر ثروتمند بوده است، ترس از دست دادن آن را دارد.

نه ثروتمند و نه فقیر، نه سالم و نه بیمار:

بدون بار است همه به اندازه کافی برای حمل دارند. و آن که برای این آماده و کمرش را خم می کند: عاقلانه عمل می کند و آن را سبک می کند.» کیست که در آرامش است؟ بنگر، آن که بهتر می داند که چگونه خود را فروتن کند و در راه خدا رنج بکشد، این یکی در آرامش بهتر است. برای او همه کارها به خاطر خدایی که او در دل دارد به سبکی انجام می شود.

به ندرت فضیلت کامل است: به ندرت وجدان از هر لکه ای پاک می شود. و مگر فضل الهی و پاسداری دقیق از دل: غفلت به سرعت در رذایل و بدی های معمولی می افتد. و این از کجا آمده است؟ زیرا ما با گناه به دنیا آمدیم و از جوانی به لذت های جسمانی گرایش داریم.

ما به آرامی خود را به فضایل می سپاریم، با دعوت از تصورات خود دور می شویم: درگیر چیزهای بیهوده می شویم، دیگران را موشکافی می کنیم. بنابراین حواس ما، حتی پس از تبدیل و اعتراف به گناهان، بیشتر مستعد بازگشت به کالاهای زمینی و دیدنی است که برای آنها شناخته شده است. از قیام به آرزوی چیزهای بهشتی و نامرئی. برای یک انسان سرگردان درد بزرگی است که ذهن خود را از پست ترین کالاهای طبیعت عادت کرده خود دور کند: این کار بزرگی است که روح را به کالاهای بهشتی و ابدی پنهان از چشمان انسان برساند. 4.

---

1 خطبه به نوآموزان اول 5، ص 6، ص. 1 20، 1. 5. —

3 دره نیلوفرها ج. 8، — .متر مربع، 1. 29 70 .P ,6 .P ,10 ,2 Ib

نه I. - خطبه به نوآموزان 6 .1 ،II9 .P ,6 .P ,5 I:

بنابراین تلخی روح من است که در این دنیا زندگی کنم، زیر بار گناه قدم بزنم.
و از این رو مجبورم با ناله به سوی تو فریاد بزنم و بگویم: من مرد بدبختی هستم، چه کسی مرا از بدن این مرگ نجات خواهد داد؟ باری سنگین تر از این نیستم که از تو در دنیا سفر کنم. خوشا به حال کسی که از این دنیا به پدرش، از تبعید به پادشاهی، از زندان به قصر، از تاریکی به روشنایی، از مرگ به زندگی، از خطرات به امنیت، از کار به استراحت و از همه بدبختی ها به سعادت ابدی می گذرد؟

ای پادشاه آسمان! کی با چهره ات مرا پر از شادی خواهی کرد؟ کی تمام حسرت بهار جاودانه ام را برآورده می کنی؟ چقدر روی زمین زندگی کرده ام و هنوز تو را ندیده ام، هر چه می بینم برایم غم انگیز است. کی بیایم و در پیشگاه خدای خود ظاهر شوم؟ 3

فصل XXIII

در مراقبه مرگ

1. خیلی زود اینجا با شما تمام می شود، ببینید در غیر این صورت چگونه رفتار می کنید: امروز او ۱ مرد است و فردا ظاهر نمی شود. زمانی که اما او را از دید دور کردند

1 تک گویی روح ج. 20، نه 2. — 2 Ib. 7 ج،
نه I. ب. 3 .C. 20, n.

به سرعت از ذهن می گذرد ای کسالت و سختی قلب انسانی که فقط در حال تعمق است و دیگر آینده را پیش بینی نمی کند! بنابراین شما باید در هر عمل و فکری خود را نگه دارید، به I
گونه ای که انگار قرار است امروز بمیرید. اگر وجدان خوبی داشتی از مرگ نمی ترسیدی. دوری از گناهان بهتر از فرار از مرگ است. اگر امروز آماده نیستید، فردا چگونه خواهید بود؟ فردا روز نامعلومی است و چه می دانی که فردا خواهی داشت؟

2. وقتی اینقدر کم پیشرفت می کنیم، طولانی زیستن چه فایده ای دارد؟ آه، عمر طولانی
همیشه بهبود نمی یابد، اما اغلب عیب را 1
1 افزایش می دهد. کاش یک روز در این دنیا با هم ارتباط خوبی داشتیم!

بسیاری از افراد، سال‌های تبدیل را به حساب می‌آورند، اما اغلب ثمره پیشرفت ناچیز است. اگر مردن ترسناک باشد، شاید طولانی تر شدن زندگی خطرناک تر باشد. خوشا به حال کسی که ساعت مرگ خود را همیشه در برابر چشمان خود دارد و هر روز خود را برای مرگ آماده می کند. اگر تا به حال مردی را دیده اید، فکر کنید که شما نیز از همین راه عبور خواهید کرد.

3. وقتی صبح شد فکر کن به شام نمی‌رسی. اما در عصر

جرات نکن صبح به خودت قول بده

پس همیشه آماده باش و طوری زندگی کن که مرگ هرگز تو را ناآماده نبیند.

بسیاری به طور ناگهانی و غیرمنتظره می میرند. ۸ زیرا در ساعتی که گمان نمی رود، پسر انسان نزدیک است بیاید. وقتی آن ساعت آخر فرا رسد، احساس متفاوتی نسبت به کل زندگی گذشته خود خواهید داشت. و شما بسیار متاسف خواهید شد، زیرا شما بسیار بی دقت و تنبل بوده اید.

4. چه خوشبخت و عاقل است کسی که اکنون می کوشد در زندگی چنان باشد که می خواهد در مرگ پیدا شود! برای تحقیر کامل جهان، میل شدید به برتری در فضایل، عشق به انضباط، تلاش برای توبه، آمادگی برای اطاعت، انکار خود، و تحمل هر گونه ناملایمتی به خاطر عشق به مسیح، اطمینان زیادی در مردن با سعادت ایجاد می کند.

شما می توانید در حالی که سالم هستید کارهای خوب زیادی انجام دهید. اما وقتی ضعیف هستید، نمی دانم چه کاری می توانید انجام دهید.

تعداد کمی از ناتوانی خود بهبود می یابند. همچنین کسانی که زیاد سفر می کنند به ندرت تقدیس می شوند.

5. به دوستان و همسایگان خود اعتماد نکنید و امنیت خود را در آینده به تعویق نیندازید: زیرا مردم زودتر از آنچه تصور می کنید شما را فراموش خواهند کرد. الان بهتره

فراهم کردن به موقع و پیش بینی چیزی
خوب به جای تکیه بر کمک دیگران. . اگر
نگران خودتان نباشید، چه کسی در آینده
نگران شما خواهد بود؟ اکنون زمان بسیار
گرانبهایی است. اکنون ایام رستگاری است:
اکنون زمان مقبول است. اما، متأسفانه، زیرا
کنید، که در آن شما این را مفیدتر خرج نمی
قادر به کسب درآمد هستید، تا جاودانه
زندگی کنید!
روزی یا ساعتی می رسد که آرزوی بهبودی خواهید
داشت و نمی دانم به آن خواهید رسید یا نه.

6. ای عزیزترین من، اگر همیشه از مرگ می
ترسید و مشکوک بودی، از چه ترس بزرگی می
توانی خود را نجات دهی؟ سعی کن الان طوری زندگی
کنی که در ساعت مرگ بتونی شادی کنی نه ترس.
اکنون یاد بگیرید که برای دنیا بمیرید. تا پس
از آن بتوانی با مسیح زندگی کنی. اکنون
بیاموزید که همه چیز را تحقیر کنید تا در آن
صورت آزادانه نزد مسیح بروید. اکنون بدن خود را
با توبه تنبیه کنید تا در این صورت اطمینان
یقینی داشته باشید.

7. آه، احمق، وقتی روز مطمئنی ندارید، فکر
می کنید چه چیزی برای شما طولانی خواهد
بود؟ چقدر فریب خوردند و

به طور غیر منتظره از بدن کشیده شده است؟
چند بار شنیده اید که می گویند با شمشیر
افتاد، غرق شد، با عجله از ارتفاع گردنش
شکست، هنگام غذا خوردن خفه شد، آن یکی در حال
بازی مرد؟ یکی بر اثر آتش، دیگری با شمشیر،
دیگری در اثر طاعون، دیگری در راه دزدی هلاک شد.

8. پس از مرگ شما از چه کسانی یاد می شود؟
و چه کسی برای شما دعا خواهد کرد؟ بیا،
عزیزترین، هر کاری که از دستت بر می آید، انجام
بده، زیرا نه می دانی کی به دنیا می آیی و نه می
دانی پس از مرگ چه چیزی به دنبالت خواهد آمد. تا
زمانی که وقت دارید، ثروت های جاودانه را جمع آوری
کنید. به هیچ چیز جز امنیت خود فکر نکنید.
فقط به چیزهای خدا اهمیت بده
اکنون با عبادت اولیای خدا و تقلید از اعمال آنها
برای خود دوستانی بیافرین تا وقتی در این
زندگی شکست خوردی، تو را در خیمه های ابدی
پذیرا شوند.

9. خود را در روی زمین غریب و میهمان ؛
نگه دارید که هیچ چیز به امور دنیا
مربوط نمی شود. قلبت را نگه دار
آزاده و به سوی خدا بالا رفته، زیرا در اینجا شهری
باقی نمانده است.

وجود دارد نمازهای یومیه و ناله با

با اشک مستقیم کن تا روح تو سزاوار این باشد که
پس از مرگ با شادی به خداوند منتقل شود. آمین

در نظر گرفتن.

امروز او مرد است و فردا پیدا نمی شود. ثروتمندان هلاک می شوند،
فقیرها هلاک می شوند، جوان ها هلاک می شوند، پیرها هلاک می شوند.
ارباب هلاک می شود، بنده هلاک می شود، برتر از
بین می رود، فاعل هلاک می شود، همه اعداد از آغاز جهان
تا کنون؛ لطفا به من بگو کجا هستند؟ 1
و آنهایی که هنوز می بینید یا می شنوید، فکر می کنید چقدر
دوام خواهند داشت؟ 2
عبور از کلیسا یا گورستان:
روز مرگت را به یاد بیاور که برایت ناشناخته است.
همچنین به مقبره های پیشینیان نگاه کنید. کسانی که
از آنها پیروی می کنید در مدت کوتاهی مانند زمین پوشیده
می شوند و به فراموشی سپرده می شوند که گویی از دل
مرده اند. تو زمینی و به زمین خواهی رفت: به زودی زیر پای
آدمیان پایمال می شوی
انسان از همه اموال و ثروت های زمینی اش جز خوراک و
پوشاک چه چیزی بیشتر دارد؟ و وقتی می میرد همه چیز
را اینجا رها می کند و چیزی جز پوشش کوچکی بر نمی
دارد تا بدنش را بپوشاند و دفن کند تا بعداً توسط
کرم ها خورده شود.

---

1 کتابچه راهنمای کودکان ج. 7، نه 1. - تک گویی نفس
ج 5، ن. 3 - .I کتاب تمرین معنوی ج 5، ص 2، ص. 342، 20 .I.

کسی که از همه گذشته که از آنها استفاده کرده است، چه از تعداد اندک و چه از بسیاری، حساب خواهد کرد.
از آن شنیده اید و خوانده اید که بسیاری در اثر حادثه و بیماری ناگهانی خاموش شده اند. چرا نمی ترسی که چنین چیزی برایت پیش بیاید؟ بسیاری از آنها قبلاً در گورها هستند و فکر می کردند برای مدت طولانی زنده خواهند ماند. او به شدت فریب خورده و مانند یک احمق که آرزوی زندگی طولانی در اینجا را دارد و پیشنهاد انجام بسیاری از کارها را می‌دهد، اشتباه می‌کند و نمی‌داند آیا فردایی خواهد داشت یا خیر. شاید این روزهای آخر باشد. شاید ساعت آخر: شاید فردا تو را پیدا نکند. او باید تمام گفتار و آداب خود را در ظاهر و باطن این گونه ترتیب دهد: گویی باید فوراً در حضور خدا و فرشتگانش حاضر شود. بنابراین یک مرد باید خود را حفظ کند:

فکر می کردم او هر روز سر قبر می رود.
طولانی زندگی کردن و بهبود نیافتن زندگی، جمع کردن مجازات است. برای تو بهتر است که بمیری تا در دنیا زندگی کنی. وجدان بد از مردن می ترسد، زیرا آنچه به خدا جواب می دهد یک در هزار است

---

1 بیمارستان فقرا ج. 1، n. I. - خطبه به نوآموزان 6، ص 6، ص. 48، 1. 19. - 5 رساله 4، 4 .5 .n دره نیلوفرها ج. 25، شماره 3 2.

5 ایتیوم ——

—— تمرین معنوی زیبا ج. 2، ص 2، ص. 333، 1. 21.

—— 6 خطبه به نوآموزان I4، ص 6، ص. 107، 1. 18.

—— 1 در نظم و انضباط صومعه ج. 7، ص، 2، ص. 294، 1. 22.

8 تک گویی روح ج. 6، 9 .2 .n گفتار 1 آگهی برادران، n. 6.

از فرا رسیدن روزهای آخر و وحشت ندارد 1. قبل
مرگ، سعی کنید با اشک و دعا چهره مؤسس متقی را
آشتی دهید و پیشنهاد دهید که از این پس زندگی
خود را برای بهتر شدن تغییر دهید.

این فقط یک فصل فیض است. ما فقط باید
بجوییم، بخواهیم و بکوبیم. تنها راهی که می
توانیم هر روز و در هر مکان به پادشاهی ابدی دست
یابیم و از مجازات ابدی فرار کنیم این است که از
طریق فیض خدا توبه واقعی را انجام دهیم. دروازه
بهشت هنوز بسته نشده است.

در باز است: کسانی که آماده اند وارد شوند. بگذارید کسانی که
آماده نیستند همچنان تلاش کنند تا خود را بهتر آماده کنند و
زندگی خود را به طور کامل تر بهبود بخشند:
تا وقتی مسیح بیاید و آنها را بخواند، شایستگی آن را داشته
باشند که با عادلان با شادی وارد شوند،

پس در هر کاری که انجام می دهی و در هر جایی که
هستی، هر جا که می روی و از هر کجا که می گذری، آخر
عمرت و ساعت آخرت را که نمی دانی به یاد بیاور. آن
ساعت باید اغلب توسط شما اندیشیده شود: زمانی
که دیگر قادر نخواهید بود حتی یک کلمه صحبت
کنید و نه یک عضو را حرکت دهید.

---

2 از برگزیدگان —— 1 تک گویی روح ج. 5، نه 2 vatione
3 خطبه 4 mentes P. 2, p, 414, 1. I. - to novices 30, P. 6,
وادی —— p. 308، 1. 27.
5 خطبه برای تازه کارها —— از نیلوفرهای ج. 25) 5 .n.
I3، 1 ،93 .ص 6، ص. I5.

اگر همیشه عیسی را در ذهن خود نگه دارید و واقعاً او را دوست داشته باشید و هر روز برای او دعا کنید، مطمئناً به پادشاهی کسی که میگوید: «ای پدر، میخواهم، خادم من هم آنجا باشد» اطمینان خواهید داشت.

هر چه انسان با حرارت بیشتری خدا را دوست داشته باشد، کمتر از مرگ می ترسد، و بیشتر آرزو می کند که منحل شود، تا بتواند با مسیح در خوشی زندگی کند و برای همیشه با فرشتگان شادی کند.

I دوستانی که با آنها بازی کردی و خندیدی کجا هستند؟ من نمی دانم. رفتند و مرا رها کردند. ببین همه مرده اند. آنها دیگر به من باز نمی گردند. من ترجیح می دهم از آنها پیروی کنم و به سوی خدا دعوت کنم. آنها مهمان روی زمین بودند. و من همه چیز را اینجا گذاشتند. و من ناگهان مانند سایه گذشتند. و من

خداوندا، ساعتی خوش از مرگ عطا فرما: و با تو آرامشی شاد پیدا کنم. خدایا مرا در وقت سختی یاد کن.

n و با بنده خود مهربانی کن، که نه به شایستگی من، بلکه به رحمت و تقوای تو اعتماد دارد، مرا در نیکی نشانه ای قرار ده تا چشمانم چهره زیبایت را در بهشت ببیند. با خضوع بر پاي تو سجده مي کنم و از تو طلب رحمت مي کنم

---

1 دره نیلوفرها ج. 25، شماره 5. رجوع کنید به اینجا 12، 26 —

2 باغ گل رز ج. 7، 3 .D —— 3 Ib, c. 2، 3 •نه —

4 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 21، ص 3، ص. 1 ,I87.

25. - 5 در مورد نظم و انضباط صومعه ها ج. I0، ص 2، ص. 305، 1. 25.

با اشک، تا آنجا که تو لایق این هستی که به من رحم کنی. نام مرا در کتاب زندگی بنویس و هرگز محو نگردد که دستان مقدس تو نوشته است.

فصل XXIV

درباره قضاوت و مجازات گناهان.

1. در همه چیز به آخر بنگرید، و چگونه در برابر قاضی منطقه که هیچ چیز برای او پنهان نیست، خواهید ایستاد. کسی که با هدایا دلجویی نمی کند یا بهانه را نمی پذیرد. اما او قضاوت خواهد کرد که چه چیزی عادلانه است. ای گنهکار بدبخت و احمق، چه جوابی به خدا خواهی داد که همه بدی های تو را می داند که گاهی از چهره مرد خشمگین می ترسد؟ آیا روز قیامت را پیش‌بینی نمی‌کنی که هیچ کس نمی‌تواند مورد عذر و دفاع دیگری قرار گیرد، بلکه هر یک برای خود بار کافی باشد؟ اکنون زحمات ثمربخش، اشکهایت مقبول، ناله هایت شنیدنی، درد تو راضی کننده و پاک کننده.

2. برزخ بزرگ و سالمی برای انسان رنجور وجود دارد که با دریافت صدمات بیشتر از کینه توزی دیگران رنج می برد.

---

1 تک گویی نفس ج 22، ن. 4.

مصدومیت او؛ که با کمال میل برای مخالفانش دعا می کند و از دل عیب می بخشد. کسی که راحت تر ترحم می شود تا عصبانی. که غالباً با خود خشونت می کند و سعی می کند بدن را کاملاً مطیع روح کند. پاک کردن گناهان و بریدن رذیلات بهتر از این است که آنها را برای پاکی آینده نگه دارید. ما واقعاً خودمان را با عشق بی حد و حصری که به جسم داریم فریب می دهیم.

3. آن آتش جز گناهان شما چه چیز دیگری را خواهد بلعید؟ هر چه اکنون بیشتر از خود صرف نظر کنید و از گوشت پیروی کنید، بعداً سخت تر خواهید خورد و مواد بیشتری را برای سوزاندن ذخیره خواهید کرد. هر جا که انسان مرتکب گناه شده باشد، مجازات شدیدتری خواهد داشت. در

آنجا مشتاقان با خارهای سوزان تعقیب خواهند شد و پرخورها از تشنگی و گرسنگی شدید عذاب خواهند شد. در آنجا شهوتران و عاشقان لذّت غرق در زمین سوزان و گوگرد متعفن می شوند و با وجود درد مانند سگ های دیوانه زوزه می کشند.

4. Nullum vitium erit, quod suum pro-prium cruciatum non habebit.. Ibi superbi omni confusione replebuntur, et avari miserrima egestate arctabuntur. 7* وجود خواهد داشت

عذاب یک ساعت سخت تر از صد سال در اینجا در شدیدترین توبه است.
هیچ آرامشی وجود ندارد، هیچ تسلی برای لعنت شدگان نیست. اما در اینجا گاهی اوقات از کار خود دست می کشد و از دلداری دوستانش لذت می برد.
فقط برای گناهان خود نگران و اندوهگین باشید تا در روز قیامت در امان باشید. زیرا در آن صورت عادلان با استقامت بسیار در برابر کسانی که بر خود مضطرب و ستم کرده اند خواهند ایستاد. آنگاه او که فقط فروتنانه خود را تسلیم قضاوت های مردم می کند، برای قضاوت می ایستد. آنگاه فقیر و فروتن اعتماد به نفس زیادی خواهند داشت و مغرور از هر طرف می ترسند.
5. سپس معلوم خواهد شد که در این دنیا مردی حکیم بود که به خاطر مسیح آموخت که احمق و تحقیر شده باشد. آنگاه تمام مصیبت‌هایی که با صبر و حوصله تحمل می‌شوند خشنود خواهند شد و همه گناهان سیستم عامل او را پر خواهند کرد. آن وقت هر عابد شاد می شود و هر بی دین ماتم می گیرد. آنگاه گوشت رنجور بیشتر از آن شادی خواهد کرد که همیشه از لذتها تغذیه شده باشد. سپس عادات ارزان قیمت می درخشد و لباس های خوب تیره می شوند. آنگاه خانه فقیر بیشتر از قصر طلاکاری شده ستایش خواهد شد. سپس صبر مداوم بیش از همه کمک خواهد کرد

قدرت دنیا پس اطاعت ساده از همه حیله های دنیوی برتر خواهد بود.

6. آنگاه وجدان پاک و پاک بیشتر از فلسفه آموخته شادی خواهد کرد.
آنگاه تحقیر ثروت از کل گنج زمین وزن بیشتری خواهد داشت.
در این صورت با دعای عبادی بیشتر از غذای لذیذ آرامش خواهی یافت.
آن وقت بیشتر از سکوت و گفتگو خوشحال می شوید. آنگاه آثار مقدس از بسیاری از سخنان زیبا مؤثرتر خواهد بود. آنگاه زندگی سخت و توبه سخت از همه لذت های زمینی خوشایندتر خواهد بود.

ابتدا اینجا را امتحان کنید، بعداً ببینید چه چیزی می توانید.
اگر اکنون می توانید اینقدر کم را تحمل کنید، چگونه می توانید عذاب های ابدی را تحمل کنید؟ اگر فقط اندکی اشتیاق انسان را تا این حد بی تاب کند، جهنم چه خواهد کرد؟ ببینید، شما واقعاً نمی توانید دو شادی داشته باشید، این که در اینجا در جهان خوشحال شوید و سپس با مسیح سلطنت کنید.

7. اگر تا به امروز همیشه در افتخارات و خوشی ها زندگی می کردید:
اگر قبلا مرده بودی چه سودی برایت داشت؟

پس همه چیز آیا در یک لحظه اتفاق می افتد؟
بیهودگی، جز دوست داشتن خدا و تنها بندگی او.
زیرا کسی که خدا را با تمام وجود دوست دارد، نه از
مرگ می ترسد، نه از مجازات، نه از قضاوت و نه نه
از جهنم. زیرا عشق کامل باعث دسترسی امن به خدا
می شود. اما کسی که هنوز از گناه لذت می‌برد، جای
تعجب نیست که از مرگ و قضاوت می‌ترسد. اما خوب
است که اگر عشق هنوز شما را از شر باز نخواند،
لااقل ترس از جهنم شما را مهار کند. اما کسی که
ترس از خدا را به تعویق می اندازد، نمی تواند در
نیکی ها طولانی بماند، بلکه زودتر در دام شیطان
می افتد.

اجرا کنید

در نظر گرفتن.

همه ما در برابر کرسی داوری مسیح خواهیم
ایستاد و حساب هر بدی گذشته را خواهیم داد:
ما را به همه موجودات متهم می کند، فرشتگان اطراف و
شیاطین مشتاقانه آماده پذیرش لعنت شدگان با
آنها در آتش هستند.
پس آن مرد مغرور که از علم پف کرده و از قدرت متورم
شده است چه خواهد گفت؟ هنگامی که آخرین شیپور
به صدا در آید، وقتی تو ای خداوند، خدای ما، با
فرشتگان و فرشتگان با شکوه ظاهر می شوی، او چه
پاسخی خواهد داد؟ آنگاه قطعاً همه فریبکاران
ستمکار کلام تو مات و مبهوت خواهند شد.

---

1 خطبه به نوآموزان 16، ص 6، ص. 5 .1 ،I35

و کسانی که از حمله به بندگان تو نترسیدند، از هر سو
پریشان خواهند شد. آنگاه تاوان کسانی را خواهند پرداخت
آنگاه در آن که افسار بدن را شل کردند.
سخت‌ترین جلسه، در برابر قاضی آسمان و زمین از
گیجی مفرط می‌لرزیدند:
«لعنت شده برو به آتش جاودانی که برای شیطان
و فرشتگانش مهیا شده است». سپس زوزه می
کشند و فریاد می زنند: افسوس، افسوس، چه
کردیم؟ آیا خودمان را در این چند لحظه گم کرده ایم؟
آه، آه، ما لعنتیم. افسوس که ما هرگز به دنیا
آمدیم. آهسته آهسته، بیایید اکنون توبه کنیم.
گریه و درد ما بیهوده است. زیرا تصمیمی که ما
دریافت کردیم بدون تغییر باقی خواهد ماند. هیچ
رای مقدسین، هیچ احسان دوستان نمی تواند به ما
کمک کند. اینک ما به شب ابدی و فراموشی
همیشگی تحویل داده شده ایم،

تمام لذت های جسمانی، تمام افتخارات و جلال
دنیوی، به سرعت مانند دود از بین می روند. اما عذاب
جهنمی به زودی نخواهد گذشت: در واقع، آن آتش
گوگردی که برای شریران آماده شده است تا ابد
باقی خواهد ماند. هیچ رستگاری برای شما وجود ندارد،
اما وحشت ابدی ساکن است. 2 هر دو جان به دنبال مرگ
هستند و آن را نمی یابند: در آنجا روز و شب در آتش و
گوگرد عذاب می‌کشند. زیرا در اینجا من از اقدام
متاسفم

---

1 تک گویی روح ج. 2، نه 3. «مت 25، 41 —
3 خطبه 6 به برادران، n. 3. — 4 خطبه به نوآموزان
ص 6، ص. 298، 1. 23، 3o.

آنها وسوسه را نمی خواستند: و اوقات خود را بی‌هوده و بی ثمر سپری کردند.

ای ابلهان و بدبختان، ای عاشقان مضطرب و کور دنیا، چه می کنید و تظاهر می کنید؟ چرا برای اندک لذتی که دوستش داری به شکنجه های ابدی می شتابی؟ چرا از جهنم نمی ترسی که از یک توبه کوچک اینقدر می ترسی؟

و کسانی که از مرگ جسم می گریزند چرا از مرگ ابدی روح جلوگیری نمی کنید؟ پس تا زمانی که تبدیل نشوید و توبه نکنید، از این بدی های وحشتناک و عذاب های آتشین فرار نخواهید کرد و انتقام خدا را بگیرید.

پولس می‌گوید: اگر خدا با ماست (رومیان 8:31)، چه کسی علیه ماست؟ آیا می خواهید از دشمن نترسید؟

عاشق مسیح باش زیرا هر چه محبت خدا در شما بیشتر شود، حب دنیا کمرنگتر می شود و ترس از بدی از بین می رود. محبت خدا نه از شیطان می ترسد و نه از جهنم.

فصل XXV.

از اصلاح پرشور تمام زندگی ما.

1. در بندگی خدا مواظب و محبت باشید و مکرر فکر کنید که برای چه آمده اید و چرا دنیا را ترک کرده اید؟ آیا این نبود که برای خدا زندگی کنید و یک مرد روحانی شوید؟

1 خطبه به نوآموزان 5، ص 6، ص. 37، 1. I5.
2 تک گوویی روح ج. 2، نه 4.

بنابرای‌ن، مشتاق ادامه کار باشی‌د، زی‌را به زودی
پاداش زحمات خود را دری‌افت خواهی‌د کرد. c،
و آنگاه دی‌گر ترس و درد در مرزهای شما نخواهد
بود. اکنون اندکی کار خواهی‌د کرد و استراحت
بزرگی خواهی‌د ی‌افت، نه شادی ابدی. اگر در عمل
وفادار و مشتاق بمانی‌د، بدون شک خداوند امی‌ن و
ثواب فراوان خواهد بود. شما بای‌د امی‌دوار باشی‌د
که به کف دست خواهی‌د رسی‌د. ولی لازم نیست
که امنیت را بگیرید که مبادا خشمگین یا
خشمگین شوید.

2. وقتی مردی مضطرب که مکرراً بی‌ن بی‌م و
امی‌د در نوسان بود و زمانی از اندوه خسته شده
بود، خود را در مقابل محراب معی‌نی در کلی‌سا در
حال سجده دی‌د، در درونش برگشت و گفت: ای اگر
می دانستم که هنوز استقامت می کردم! و
بلافاصله پاسخ الهی را از درون شنی‌د: اگر ای‌ن
را می دانستی چه می کردی؟ اکنون همان کاری را
انجام دهی‌د که در آن زمان انجام می دادی‌د و در امان
خواهی‌د بود. و به زودی با تسلی و نی‌رومندی خود
را به اراده الهی متعهد ساخت و آشفتگی
مضطرب او از بی‌ن رفت. و او نمی خواست با
کنجکاوی پرس و جو کند تا بداند چه چی‌زی در
انتظار اوست.

دلپذیر و کامل، برای شروع و پایان هر کار خوب.

3. به خداوند امیدوار باشید و نیکی کنید،
نبی می گوید، و در زمین ساکن شوید و از ثروت آن تغذیه خواهید کرد. یک چیز وجود دارد که بسیاری را از پیشرفت و پیشرفت پرشور باز می دارد: ترس از سختی یا تلاش برای مبارزه. در حقیقت، آنها از بقیه در فضایل پیشرفته ترند، که مردانه تر برای غلبه بر چیزهایی که دشوارتر و مخالف آنها است، تلاش می کنند. زیرا در آنجا انسان بیشتر پیشرفت می‌کند و فیض بیشتری کسب می‌کند، جایی که بیشتر بر خود غلبه می‌کند و روح خود را تضعیف می‌کند.

4. اما همه به یک اندازه چیزهای زیادی برای ، غلبه بر و مردن ندارند. با این حال، یک رقیب سخت کوش برای موفقیت قوی تر خواهد بود، حتی اگر اشتیاق بیشتری داشته باشد، از رقیب دیگری که خوش خلق است و در عین حال برای فضیلت ها غیرت کمتری دارد. دو مخصوصاً آنها به پیشرفت بزرگ کمک می کنند: یعنی عقب نشینی خشونت آمیز که طبیعت به شدت به آن تمایل دارد، و پافشاری شدید از طرف خیری که انسان به آن نیاز بیشتری دارد. شما همچنین سعی می کنید بیشتر مراقب باشید و بر چیزهایی که اغلب در دیگران دوست ندارید غلبه کنید.

5. پیشرفت خود را به هر کجا که می روید !
ببرید تا اگر مثال های خوبی دیدید یا شنیدید برای تقلید اخراج شوید. اما اگر چیزی را مذموم می دانید، مواظب باشید که این کار را نکنید; یا اگر زمانی این کار را انجام داده اید، سعی کنید سریعتر خود را بهبود بخشید. همانطور که چشم شما به دیگران توجه می کند، شما دوباره مورد توجه دیگران قرار می گیرید. چقدر خوشایند و شیرین است دیدن برادران پرشور و فداکار، تربیت شده و منظم! چقدر غم انگیز و سنگین است دیدن کسانی که بی نظم راه می روند و آنچه را که به آن فراخوانده اند ورزش نمی کنند! چه مضر است غفلت از هدف دعوت، و متمایل ساختن حس خود به غیر متعهد!

6. به هدف از رستاخیز توجه داشته باشید و تصویر مصلوب شدن را برای خود ارائه دهید. ممکن است وقتی به زندگی عیسی مسیح نگاه می کنید خجالت بکشید، زیرا هنوز به دنبال تطبیق خود با او نبوده اید، هرچند مدت طولانی در راه خدا بوده اید. مرد متدینی که در مقدس ترین زندگی و اشتیاق پروردگار با جدیت و عبادت تمرین کند، در آنجا به وفور هر چه برایش مفید و ضروری است خواهد یافت. و نیازی نیست که او به دنبال چیز بهتری خارج از مجروح باشد. آه، اگر صلیب زخمی به دل ما می آمد، چه زود و به اندازه کافی به ما یاد می دادند!

7. متدین پرشور هر آنچه را که به او امر شده است انجام می دهد و دریافت می کند. انسان متدین غافل و ولرم مصیبت بر مصیبت دارد و از هر طرف دچار پریشانی می شود. زیرا او فاقد تسلی درونی است و از جستجوی ظاهر منع شده است. یک فرد مذهبی که خارج از نظم و انضباط زندگی می کند، آشکارا دچار مشکل جدی است. کسی که به دنبال شلی بیشتر و آرامش بیشتر است، همیشه در سختی خواهد بود:
زیرا یکی یا دیگری او را ناراضی خواهد کرد.
8. بسیاری از دینداران دیگر که کاملاً تحت نظم و انضباط محصور هستند چگونه عمل می کنند؟ به ندرت بیرون می‌روند، انتزاعی زندگی می‌کنند، خیلی بد غذا می‌خورند، لباس‌های درشت می‌پوشند، زیاد کار می‌کنند، کم حرف می‌زنند، زیاد تماشا می‌کنند، صبح زود برمی‌خیزند، نمازهای طولانی می‌خوانند، اغلب می‌خوانند و خود را در همه نظم نگه می‌دارند. Carthusians، Cistercians، و راهبان و راهبه های مذاهب مختلف را در نظر بگیرید: چگونه آنها هر شب برمی خیزند تا برای خداوند آواز بخوانند. و بنابراین مایه شرمساری است که در کار مقدسی که چنین انبوهی از دینداران شروع به شادی در خدا می کنند، تنبلی کنید.

9. آه، اگر کار دیگری جز تسلط بر خدا بر همه ما وجود نداشت

با دل و دهان ستایش کنیم! 0 اگر هرگز نیازی به خوردن، آشامیدن یا خوابیدن نداشتید، اما همیشه می توانستید خدا را ستایش کنید، و خود را فقط وقف کارهای معنوی کنید، در آن صورت بسیار شادتر از این خواهید بود که از روی هر ضرورتی به بدن خدمت کنید. ای کاش چنین نیازهایی نبود، بلکه فقط طراوت روحی بود که افسوس! ما به ندرت آن را می چشیم!

10 هنگامی که انسان به این نقطه می رسد که از هیچ موجودی تسلی خود را طلب نمی کند، آنگاه خدا ابتدا شروع به عاقل ساختن او می کند. سپس او نیز از همه نتیجه کارها راضی خواهد بود.

آن گاه نه برای چیز زیاد شادی می کند و نه برای اندک اندوه. اما او خود را کاملاً و با اعتماد به خدا میگذارد، که در همه چیز برای اوست.

II. به یاد داشته باشید که همیشه پایانی وجود دارد و چون زمان از دست می رود، دیگر برنمی گردد. بدون مراقبت و کوشش هرگز به فضیلت نخواهید رسید. اگر شروع به گرم شدن کنید، احساس بدی خواهید داشت. اما اگر خود را به شور و شوق بسپارید، یکی عالی خواهید یافت. صلح و

به خاطر لطف خدا و عشق به فضیلت، کار سبک
آنها یک مرد گرم و تری احساس خواهید کرد.
دوست داشتنی برای همه چیز آماده است.
مقاومت در برابر رذایل و هوس ها کار بزرگتر از
عرق کردن در کارهای بدنی است. کمبود از موارد
کوچک اجتناب نمی کند، به تدریج به سمت
قدیمی ترها می رود. اگر روز را پربار بگذرانید،
همیشه در عصر خوشحال خواهید بود. مراقب
خودت باش، خودت را بیدار کن، به خودت یادآوری
کن. و هر چه ممکن است در مورد دیگران باشد، از
خود غافل نشوید. شما فقط به اندازه ای سود
خواهید برد که برای خود قدرت بیاورید. آمین

در نظر گرفتن.

فضیلت بدون زحمت و مجاهدت به دست نمی آید و بدون احتیاط حفظ نمی شود. آه، چقدر انسانها برای منافع زمینی تلاش می کنند! ملوان در دریا حرکت می کند، بازرگان در مناطق سفر می کند، سرباز سلاح های جنگی را حمل می کند، دهقان مزرعه را شخم می زند: و بدون کار قادر به کسب ثروت و افتخار نیستند. پس آیا باور داریم که می‌توانیم فضایل را بدون اضطراب زیاد به دست آوریم؟

2

در برابر رذایل عجولانه مردانه با خود مخالفت کنید.
زیرا هر کس در فضیلت بسیار می اندازد:

نامه 1 [2] —— 1 باغ رز .C. 11, n. 2

چقدر شدیدتر از عیب های خود متنفر است و بر عیوب خود غلبه می کند.
در واقع، مبارزه هر روز با هوس ها و رذیلت ها تلاش بزرگی است: اما بزرگترین پاداش ها به کسانی که پیروز می شوند وعده داده می شود.

اگر دست و کار کم باشد، آرزوی خیر کافی نیست. لازم است که سخت کوشید، نیروی طبیعت را انجام دهید، همانطور که خداوند می فرماید: «ملکوت السموات زور را تحمل می کند و ظالمان آن را می گیرند» . » خشونت لازم است و می دانی که اولیاء خدا را با بطالت و خواب به دست نیاوردند. چقدر معطل کردی و چرا خودت را در برابر هواها مسلح نمی کنی؟ تا شایستگی دریافت فضایل و تسلی های گوناگون پیدا کنید؟ هر چه بیشتر تاخیر داشته باشید، همیشه بدتر خواهد بود و بدون زایمان و درد، استراحت مطلوب را دریافت نخواهید کرد. تنبلی و بی احتیاطی شما را عقب می اندازد، اما در برابر اینها ابتدا خود را مسلح کنید و در نبردهای خداوند بجنگید. چرا از پیشرفت خود غافل می شوید؟ یقیناً برای شماست و زحمت شما برای آرامش شما خواهد بود.

اما شاید شما پاسخ دهید: در برابر رذایل و هوس ها، چه کسی می تواند هرگز مبارزه کند؟ همانطور که به نظر ما می رسد بسیار هستند و تقریبا غیرقابل حل هستند. چه کسی می تواند این همه آزار و اذیت را تحمل کند؟ توجه به کار، مبارزه با

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 20، ص 3، ص. I73.
1. 20. -؟ موعظه به مبتدیان II, P, 6, P. 77, 1. 9. - Epistle I, n.
5.

ستارگان اما پاداش و پیروزی، چرا نمی اندیشید: و این همه تلاش برای استراحت ابدی چیست؟ و تمرین کوتاه برای آسایش وجدان چیست؟ اوه، اگر شروع کنی و خودت را قوی و کامل جلو ببری، به طوری که انتخاب کنی یا پیروز شوی یا بمیری، مطمئناً احساس سبکی می کنی (با کمک خداوند)، که فکر می کنی غیرقابل غلبه است. کمتر کسی پیدا شده است که تا این حد بدجنس باشد که همت و پشتکار، فضایل نیکی را انکار کند. پس ای مرد خدا، مضطرب مباش، مبادا کثرت رذیلت تو را نازل کند. به خدا ایمان بیاور و به او توکل کن، بهتر از آنچه بودی فاتح خواهی شد.

کسی که می خواهد برای مسیح زندگی کند باید برای خود بمیرد. لازم است که او همه چیزهای فناپذیر را که مسیح برای آنها خردمند و شیرین باشد، ترک کند. در ترک کار، درد در مردن وجود دارد، اما رستگاری ابدی و زندگی در شادی سلطنت با مسیح وجود دارد.

---

1 رساله 1، 7-5 .n.- 2 باغ گل رز

C. 17, n. 4.

کتاب دوم

هشدارها

رانندگی در داخل

فصل اول

از مکالمه داخلی

1. خداوند می گوید که ملکوت خدا در درون شماست. با تمام وجود به درگاه پروردگار بازگرد و این دنیای بدبخت را رها کن. و روح تو آرامش خواهد یافت. ،

بیاموزید که ظاهر را تحقیر کنید و خود را به باطن بسپارید و خواهید دید که ملکوت خدا به سوی شما می آید. زیرا پادشاهی خدا صلح و شادی در روح القدس است که به شریران داده نمی شود. مسیح نزد شما خواهد آمد و آرامش خود را به شما نشان خواهد داد. اگر از درون خانه ای در خور او مهیا کرده ای.

تمام شکوه و زیبایی او از درون است و در آنجا خشنود است. ملاقات های مکرر با او با مرد درونی، کلمات شیرینی که توماس از کمپیس ارسال می کند. اد. 3.

سی‌نی‌شن، راحتی خوش آمدی‌د، آرامش بسی‌ار، خانواده شگفت انگی‌ز نی‌ز.

2. در ای‌نجا ای جان وفادار، دلت را برای ای‌ن داماد آماده کن تا آنجا که شای‌سته است نزد تو بی‌ای‌د و در تو ساکن شود. زی‌را چنی‌ن می‌گوی‌د: اگر کسی مرا دوست بدارد، به قول من عمل می‌کند و ما نزد او می‌آی‌ی‌م و می‌مانی‌م ما با او معامله خواهی‌م کرد. بنابرای‌ن جای خود را به مسی‌ح بدهی‌د و ورود دی‌گران را انکار کنی‌د. وقتی مسی‌ح را داری‌د، ثروتمند هستی‌د و همی‌ن برای شما کافی است. او در همه چی‌ز تأمی‌ن کننده و مدی‌ر وفادار شما خواهد بود تا نی‌ازی به تکی‌ه بر مردان نداشته باشی‌د. برای مردان به سرعت تغی‌ی‌ر می کنند و به سرعت شکست می خورند. اما مسی‌ح برای همی‌شه می‌ماند و تا آخر محکم می‌ای‌ستد.

3. اطمینان زیاد در انسان ضعیف و فاني نیفتاده باشد، هر چند مفید و محبوب باشد. و هی‌چ غمی از آن حاصل نمی شود، اگر گاهی منافات و منافات داشته باشد. کسانی که امروز با شما هستند ممکن است فردا علی‌ه شما باشند. و برعکس اغلب مانند باد می چرخند. تمام توکلت را به خدا بسپار و بگذار او ترس و عشق تو باشد. او به جای شما پاسخ خواهد داد و بهتری‌ن کار را انجام خواهد داد. شما در ای‌نجا تابعی‌ت دائمی نداری‌د. و هر کجا

شما غریبه و بیگانه هستید. و هرگز آرامش نخواهید داشت مگر اینکه از نزدیک با مسیح متحد شوید.

4. وقتی جای استراحتت نیستی اینجا به چی نگاه میکنی؟ مسکن شما باید در چیزهای بهشتی باشد و همانطور که در حال گذر است باید به همه چیزهای زمینی نگاه کرد.

همه چیز خواهد گذشت، و شما نیز با آنها.

مواظب باش که نچسبی، مبادا گرفتار شوی و هلاک شوی. بگذارید فکر شما در حق تعالی باشد و دعای شما بدون وقفه به سوی مسیح معطوف شود. اگر نمی دانید چگونه به چیزهای بلند و بهشتی بیندیشید، در مصائب مسیح آرام بگیرید و با کمال میل در زخم های مقدس او ساکن شوید. زیرا اگر عابدانه به زخم ها و ننگ های گرانبهای عیسی پناه ببرید، در مصیبت احساس راحتی خواهید کرد. به توهین مردم هم اهمیت نمی دهید و به راحتی سخنان تحقیرآمیز را تحمل خواهید کرد.

5. مسیح حتی در جهان مورد تحقیر مردم قرار گرفت و در بزرگترین نیاز توسط آشنایان و دوستانش در میان سرزنش ها رها شد. مسیح می خواست رنج بکشد و تحقیر شود و شما جرات دارید از چیزی شکایت کنید؟

مسیح دشمنان و همدلانی داشت و شما می خواهید دوستان و خوبی داشته باشید.

عوامل؟ اگر هیچ مصیبتی به تو نرسد، صبرت چگونه به پایان می رسد؟ اگر نمی خواهید برعکس عذاب بکشید، چگونه می توانید دوست مسیح باشید؟ اگر می خواهید با مسیح سلطنت کنید، خود را با مسیح و مسیح حمایت کنید.

6. اگر یک بار کاملاً به درون عیسی مسیح وارد) اندکی از محبت شدید او شناخت داشتیدشده بودید، و آنگاه به نفع یا ضرر خود اهمیت نمی‌دادید، بلکه از سرزنشی که بر شما وارد می‌اشد خوشحال می‌اشدید.

زیرا عشق باعث می شود که انسان خود را تحقیر کند. دوستدار عیسی و حقیقت و باطنی واقعی و عاری از عواطف نابسامان می تواند آزادانه به خدا روی آورد و از نظر روحی خود را بالاتر از خود قرار دهد و به ثمربخشی استراحت کند.

7. برای او همه چیز آنطور که هست حکیمانه است، نه آنطور که گفته می شود یا مورد احترام است: او واقعاً حکیم است و خدا بیشتر از مردم آموخته است. کسی که می داند چگونه از درون راه برود و چیزهای کوچک را از بیرون بسنجد، برای تمرین عبادی نیازی به مکان و زمان ندارد.

انسان درون به سرعت خود را جمع می کند، زیرا هرگز خود را به طور کامل به بیرون نمی ریزد. کار بیرونی یا شغلی که برای مدتی لازم است مانع او نمی شود، بلکه بر حسب اتفاقات اتفاق می افتد

آنها امتناع می کنند، بنابراین او خود را با آنها وفق 1 می دهد. که در داخل به خوبی مرتب و منظم شده است. او به اعمال عجیب و انحرافی مردان اهمیت نمی دهد. انسان فقط به اندازه ای که چیزها را به سمت خود جذب می کند، مانع و پریشان می شود.

8. اگر برای شما مناسب بود و به خوبی پاک می شدید، همه چیز به خیر و پیشرفت شما تسلیم می شد. به همین دلیل است که بسیاری از چیزها شما را ناخشنود می کند و اغلب شما را آزار می دهد، زیرا هنوز برای خود کاملاً مرده نیستید و از همه چیزهای زمینی جدا نشده اید. هیچ چیز به اندازه عشق ناپاک در موجودات، قلب انسان را لکه دار و درگیر نمی کند. اگر از تسلی ظاهری امتناع کنید، قادر خواهید بود به چیزهای بهشتی فکر کنید و اغلب در درون شادی کنید.

در نظر گرفتن.

.

آرامشی نخواهی یافت مگر اینکه به قلب خود بازگردی و خدا را بیش از همه چیزهای خوب جستجو و دوست بداری. زیرا او آرامش و آرامش شماست. او خود زندگی، نجات و خوشبختی شماست. به مثابه یک مجروح خجسته پیش از همه و بالاتر از همه در آسمان و زمین محبوب تو، مورد آرزو و انتظار:

---

1 دره نیلوفرها ج. 7، نه C. 29, n 2. من

به شما اجازه داده می شود که بیایید و اقامتگاه خود را بسازید. مقدّس
را ملزم کن که بیشتر تو را زیارت کند و تو را روشن کند:
بگذار جهل تو را بیاموزد، تهوع تو را تقویت کند. امید
را افزایش می دهد، بی اعتمادی را دفع می کند:
بگذار ایمان را تقویت کند، محبت را برانگیزد و شور و حرارت خود
را افزایش دهد
بیاموزید که تمام تمرینات خود را به عشق و افتخار
او بکشید و سفارش کنید: و به عنوان یک مجروح حاضر
در هر مکان و زمان به او توجه کنید: این است که مسیح را
با ایمان و عشق در قلب خود ساکن کنید، هرگز چشمان
ذهن خود را از تخیلات او دور نکنید: همیشه به خشنودی
او توجه کنید، و هیچ چیز را بر عشق او ترجیح ندهید. اما
هر چیز خوبی که می شنوید، می خوانید، یا انجام می دهید،
باید به طور کامل به او بازگردانده شود و در نهایت
گزارش شود:

زیرا او منبع حیات و حکمت و انضباط است. که حتی
کوچکترین فکری از خاطرش با او از بین نمی رود و
دعایی که با ناله بر او گفته می شود بیهوده
نخواهد بود.
تو باید در تمام فشارها و مصیبت هایت تسلی
داشته باشی، فقیر و آسیب دیده ی حقیر خود: که خدا و
مردم در بیشترین نیاز او را رها کردند. شما نه بزرگتر از
یک بنده تنبل و بی فایده برای پروردگارتان هستید
و نه از مسیح به عنوان یک مسیحی بی گناهتر. اگر او
برای تو این همه رنج کشید؛ چی

---

1 خطبه به نوآموزان 13، ص 6، ص. 94 مربع 1. 3I.   ,
2 در نظم و انضباط صومعه ج. 13، 2، ص 310، l. —
.2

.

آیا برای خودت انجام می دهی و چه چیزی را شایسته او گزارش خواهی کرد؟
حتی اگر چنین بود، او را رها کردند و به تحقیر واداشتند که چه کسی برایش عزیزتر بود. بار تو چیست اگر گاهی رها و حقیر می شوی که بنده ای اینقدر بی لیاقتی؟ الگوی بهشتی خود را بنگرید، یادگاری جاودان.

عشق دنیوی به سرعت از بین می رود: و در نیاز خلاء ایجاد می کند. از خدا بترسید و دوستی با وفا به شما خواهد پیوست. نام خوب را حفظ کنید:
و یک شریک خوب پیدا خواهید کرد. و هنگامی که آن را یافتید،
عاقلانه از آن استفاده کنید: و آن را مانند خود دوست بدارید.
بسیاری از دوستان در رفاه: در سختی به ندرت یکی می چسبد. شما متروک نخواهید شد:
اگر همیشه خدا را در مقابل چشمان خود داشته باشی اگر خدا را راضی نکنی: دوستان فانی سودی نخواهند برد 2.

تو به خوبی او نیاز داری، او ندارد. بنابراین شما می توانید به خاطر او شادتر شوید. او نمی تواند از شما جدا شود. او به تنهایی برای خودش کافی است; تنها کسی که نمی توان چیزی به او اضافه یا کم کرد.
به لطف اوست که زندگی می کنند، احساس می] کنند و می فهمند. کسی که خدای مهربونی نداره همیشه بدبخت و محتاج به هر چی هست.
او خدایی دارد که او را دوست دارد و به قولش پایبند است
4.

و اشتیاق خداوند 21، در مورد 1 موعظه در مورد زندگی
شناخت شایستگی ص. 364، 2 ص 3، ص. 184، 1. 17. -]
3 سل- —— ج 22. شکنندگی ج. 3، ص 2،
4 زنبق دره —— آقای 4] گفتار روح ج. 19, n ,7 .C من

غالباً سخنان شیرین مسیح را که قبل از اشتیاق
به شاگردانش گفت: "من می روم تا جایی برای شما
آماده کنم" را به خاطر بسپارید و به یاد داشته
باشید که شما در اینجا شهروندی دائمی ندارید. از ته
دل آهی بکش، به خاطر موانع فراوانی که آسمانیان
جلویشان را گرفته اند. و بخواهید که از شرارتهای
کنونی رهایی یافته و سریعتر به مسیح برسید.
خوشا به حال غریبی که در بهشت میزبانی دارد

فصل دوم.

از تسلیم فروتنانه

1. فرقی نمی کند که چه کسی طرفدار شما باشد یا
علیه شما; اما این کار را انجام دهید و مراقب باشید که
خداوند در هر کاری که انجام می دهید با شما باشد.
وجدان خوبی داشته باشید و خداوند به خوبی از
شما دفاع خواهد کرد. هر کس را خدا بخواهد کمک کند،
انحراف کسی ضرری ندارد. اگر بلد باشید سکوت
کنید و رنج بکشید، بدون شک نصرت پروردگار را
خواهید دید.
او زمان و راه نجات شما را می داند و بنابراین باید
خود را به او بسپارید. این کمک و رهایی خداوند از
هر سردرگمی است. اغلب برای افراد مسن بسیار
مفید است

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 32، ر.ک. آیو 14،.
2 باغبان —— 2. ص 3، ص. 292، 1. I7.
rOsarum 3 ج. 4، نه.

فروتنی را حفظ کنیم، زیرا دیگران کاستی های ما را می دانند و به آن اشاره می کنند.

2. وقتی انسان به خاطر کاستی هایش خود را فروتن می کند، به راحتی دیگران را مماشات می کند و خشمگینان را اندکی راضی می کند. خداوند حقیر را حفظ و رهایی می بخشد، فرومایه را دوست می دارد و آرامش می بخشد. در برابر انسان فرومایه سر تعظیم فرود می آورد، بر فرومایه فیض عظیم می بخشد و پس از افسردگی او را به شکوه می رساند. اسرار حقیرانه خود را فاش می کند و شیرین به سوی خود می کشد و دعوت می کند. او با پذیرش فروتنانه سردرگمی کاملاً در آرامش است.
زیرا او در خدا ایستاده است نه در جهان. فکر نمی کنید پیشرفتی داشته اید مگر اینکه احساس کنید از همه پایین تر هستید.

در نظر گرفتن.

چه کسی می تواند پسرم را متقاعد کند که فروتنی راه رسیدن به ملکوت آسمانی است، اگر کسی که از بهشت می آید شایسته نباشد؟ به این ترتیب چه کسی می تواند فروتنی واقعی را نشان دهد و تعلیم دهد که خدا انسان شد؟ و اگر جز تو، ای پروردگار مجروح من، نمونه دیگری از تواضع واقعی نداشتم، و هیچ دلیل دیگری برای تحقیر خودت نداشتم، تو به تنهایی کافی بود.

---

1 بر سه خیمه c 2, n. من

با فروتنی، نیکی به اوج می رسد: بدون آن، از بالا
به جهنم می شتابد.
شاهدان، باجگیر فروتن و فریسی مغرور هستند.
وحشت لوسیفر در حال سقوط از بهشت.
تا به ایلعازر نگاه کنم که فرومایه دراز کشیده و
فرشتگان با شادی به آغوش ابراهیم برده اند.
از این رو مادر فروتن عیسی در آهنگ خود گفت.

زورمندان را از جایگاههایشان فرود آورد و فروتنان را برتري بخشید! اگرچه خداوند غني از فیض است، اما جز افراد فرومایه فیض نمي بخشد. و چون این فضیلت بیش از هر چیز در مریم زیاد بود، پس فیض خود نیز کامل بود.

روشن شود که فروتنی فضیلت همه اولیای الهی است و همیشه بزرگترین فضیلت بوده است. او سزاوار چیزی است که به دلیل شایستگی نیست. او متوجه می شود که نامه آموزش داده نمی شود. او این تصادف را نمیداند، زیرا هرگز به خودش زیاد فکر نمیکند؟ خضوع ریشه فضایل است; از خود میوه گرانبهای اطاعت می دهد: و در صدقه بالغ می شود.

انشالله بانوی تواضع من خوب باشه ای فضیلت مسیح، یابنده فیض، جلال مفرد مریم باکره، نزد من وارد شو.
به وسیله تو بهشت ها گشوده می شود و به وسیله تو حصارهای جهنم شکسته می شود. ما توسط شما بزرگ شدیم و

---

1 توصیه تواضع ص 2، ص. 378 Cf .27 .1 ,.sq.
در مورد سه خیمه 3 توصیه تواضع 2 .Lc 1, 52
C. 2, n. 14. — ص 2.
ص 380، I .1

توسط شما به کشور بازگردانده شده است. گنهکاران را صالح می کنی و صالحان را با فرشتگان شریك می کنی. شما مسیح را از بهشت خواندید و مریم را از گروه های همخوانی فرشتگان برتری دادید!

فصل دوم.

از مرد خوب و آرام

1. ابتدا خود را در آرامش نگه دارید، سپس می توانید دیگران را آرام کنید. یک مرد صلح آمیز مفیدتر از یک مرد تحصیلکرده است. یک مرد پرشور نیز خیر را به شر می کشاند و به راحتی شر را باور می کند. یک مرد خوب صلح همه چیز را به خیر تبدیل می کند.
کسی که در آرامش است به هیچ چیز مشکوک نیست. امّا اگر بدخوش باشد و آشفته باشد، از شبهات گوناگون برآشفته می شود و نه خودش آرام می گیرد و نه به دیگران اجازه استراحت می دهد. او غالباً آنچه را که نباید بگوید می گوید و آنچه را که بهتر است انجام دهد حذف می کند. آنچه را که دیگران موظف به انجام آن هستند در نظر می گیرد و آنچه را که خود موظف است نادیده می گیرد. پس اول به خودت حسادت کن و بعد عادلانه به همسایه ات هم حسادت کنی.

2. شما به خوبی می دانید که چگونه اعمال خود را بهانه و رنگ آمیزی کنید و بهانه دیگران را نمی خواهید.

---

1 بر سه خیمه ج. 2، نه I4.

دریافت آن برای شما سرگرم کننده تر است که خود را متهم کنید و برادر خود را بهانه کنید. اگر می خواهید حمل شوید، شخص دیگری را حمل کنید. ببین هنوز چقدر از انفاق و فروتنی واقعی که می‌داند از کسی جز خودش عصبانی و خشمگین نباشد، فاصله داری.

برای خود رفتار خوب و ملایم عالی نیست. و هر کس با خوشحالی آرامش دارد و کسانی را که با او احساس می کنند بیشتر دوست دارد. اما اینکه بتوانیم با تندخوها و منحرفان یا بی انضباط ها یا مخالفان خود در صلح زندگی کنیم، لطفی بزرگ و عملی ستودنی و بسیار مردانه است.

3. کسانی هستند که خود را در آرامش نگه می دارند و با دیگران نیز آرامش دارند. و کسانی هستند که نه آرامش دارند و نه اجازه می دهند دیگران با آرامش بروند. آنها برای دیگران جدی هستند، اما همیشه برای خودشان جدی تر هستند. و کسانی هستند که خود را در آرامش نگه می دارند و سعی می کنند دیگران را به آرامش برگردانند. با این حال تمام آرامش ما در این زندگی نکبت بار در انسان است

رنج های من را باید گذاشت، چقدر در عدم احساس I برعکس. کسی که می داند چگونه بهتر رنج بکشد، آرامش بیشتری خواهد داشت. او فاتح خود و پروردگار جهان، دوست مسیح و وارث بهشت است.

در نظر گرفتن.

"خوشا به حال صلح کنندگان" (متی 5: 9).
مسیح در صلح ساکن است، روح القدس بر فروتنان و فروتنان آرام می گیرد. از آزار خدا برحذر باشید، از آزار همسایه ای که به صورت خدا آفریده شده است برحذر باشید. تو چیزی جز I خودت برای شکایت و عصبانیت نداری.»

او شایستگی هماهنگی را ندارد، مگر کسی که آداب منحرف خود را ترک کند، تا خدا و کسانی را که با او هستند آزار دهد. اگر می خواهید محبت خدا را داشته باشید و صلح را در میان برادران حفظ کنید. اراده خود را بشکنند و هیچ کاری از طریق تعالی انجام نده، بلکه در همه چیز خود را فروتن کند. راه صدقه نزول از راه خضوع است. زیرا کسی که نسبت به خود احساس تعالی می کند، از صدقه دوری می کند.

قلب خود را روی آنچه باید باشد متمرکز کنید: پس در همه جا آرامش دارید. کسی که می داند بهتر است برای خدا رنج بکشد، و نه همیشه آرزوی کمتر از بیشتر دارد: او با خدا آرامش و شادی بیشتری خواهد داشت. 5. کسی که سلطنت می کند

---

2 اعتقادی — 1 کتابچه راهنمای راهبان ج. 10
* در نظم و انضباط صومعه — جوان ج. 2، نه 2.
ج دوم، ص 2، ص. 306 4 .24 .1 ,sq در مورد زندگی صلح آمیز خوب P. 2, p. 395, 1. 4. - 5 On the mortified life P. 2, p.
391، 1. 26.

دنیا و تمام زینت های دنیا را حقیر می داند.

فصل چهارم.

از ذهن پاک و نیت ساده.

1. انسان با دو بال از زمین راحت می شود، یعنی. سادگی و خلوص
در نیت باید سادگی باشد، در محبت باید صفا باشد. سادگی خدا را هدف می گیرد، پاکی را می گیرد و ذوق می کند.
اگر از درون از احساسات آشفته رها شوید، هیچ اقدام خوبی مانع شما نخواهد شد. اگر هدفی جز رضای خدا و نفع همسایه خود نداشته باشید، از آزادی درونی برخوردار خواهید شد. اگر دلت درست بود، هر موجودی آینه زندگی و کتاب آموزه مقدس بود. هیچ موجودی به این کوچکی و ارزانی وجود ندارد که نشان دهنده خیر و صلاح خدا نباشد.

2. اگر باطن خوب و پاک بودی، همه چیز را بدون مانع می دیدی و می فهمیدی. قلب پاک به بهشت و جهنم نفوذ می کند. همانطور که هر یک در درون است، در خارج نیز قضاوت می کند. اگر هست

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 31، ص 3، ص. 238، 1 10.

شادی در دنیا، این قطعاً متعلق به مرد پاک دل است.
و اگر جایی مشکل و ناراحتی باشد، وجدان پلید
بهتر می داند. همانطور که آهنی که در آتش
انداخته می شود زنگ خود را از دست می دهد و کاملاً
سرخ می شود: همچنین انسانی که تماماً به خدا روی
می آورد از کسالت خود خلاص می شود و به یک
انسان جدید تبدیل می شود.

3. وقتی مرد شروع به گرم شدن می کند، از کار
کمی می ترسد و آسایش بیرونی را با کمال میل می
پذیرد. اما وقتی کاملاً شروع به غلبه بر خود کرد
و مردانه در راه خدا گام برد، کمتر به چیزهایی که
قبلاً بر او سنگینی میکرد توجه میکرد.

در نظر گرفتن.

خوشا به حال پاک دلان، زیرا آنها خدا را خواهند دید.
کلام بلند: چون از سوی حق تعالی بیان شده است. یک
وعده بزرگ: اما با نهایت حقیقت تأیید شده است.
خوشا به دل پاک. ای گفتار شیرین: که به حق ذهن را
به سعادت موعود دعوت می کند. زیرا خداوند پاداش است.

و هیچ چیز اینجا زمینی به نظر نمی رسد. اگر آن نعمت
موعود را خشنود کند; لطفا و صفای دل!.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند P .I5, P. 3, P
153, 1 8 Cf. Mt 5, 8

پس آینه دل را پاک کن: اگر می خواهی خدا را ببینی.
اگر می خواهید عیسی را ببینید: پس باید
چشمانی پاک و شفاف داشته باشید 2.
آسمان و زمین را نمی توان در یک بشقاب وزن کرد: خداوند نمی تواند با موجوداتی که با تکیه بر مخلوقات از گذراندن وقت با خدا منع می شود، به یک اندازه لذت ببرد. دنیا از دنیوی و رهایی از شهوات: شایسته رؤیت ملکوتی می شود. زیرا هر چه انسان پاکیزه تر باشد، در نزد خداوند خشنودتر است. خدا نور است: و نوران را دوست دارد. خداوند پاکی است:
و نجس را سرزنش می کند! و در حالی که در بیرون آرزوی هیچ چیز گذرا ندارید: شکوه و جلال نور ابدی درخشان تر می درخشد.

پس باید تا آنجا که ممکن است دلهایمان را از همه چیزهای مادی و مرئی برگردانیم و آنها را به تعمق در چهره نامرئی بنیانگذار خود بلند کنیم و همیشه مشتاق چیزهای بهشتی باشیم. برای تطهیر دل، تمام توجه هوشیار باشد: و دعای مکرر با حرارت باشد.

ای زیباترین عیسی، نویسنده تمام پاکی، که
به پاکان قلبت شادی های ابدی را وعده داد.
این فضیلت برگزیده و گرانبها را به من عطا کن

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 15، ص 3، ص. I54,
1. 20. -- Ib. 9، ص 3، ص .I16، 1. 16. - $ Ib. I5، ص 3، ص .I53 sq., I.
24. — 4 Ib. ص I541
1. 8. - 5 در انضباط صومعه ها ج. 3، ص 2، ص. 279، 1. 12. - 6 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند I5، ص 3، ص. I53, 1.
I7.

داشتن برای همیشه درخشان تر از جواهرات و طلا:
تا با رهایی از همه آلودگی های گناه، با قدردانی با ذهنی آزاد و در جسمی ضعیف به شما خدمت کنم.
و هر چه را که بتواند مانع پاکی شود، دور خواهم زد.
تا به من دستور بدهم که از نگاه تو کمک بگیرم، و آنگاه به اقتضای رحمت عظیمت، سزاوارتر خواهی بود که نسبت به من مساعدت کنی. n

فصل پنجم

در ملاحظات شخصی

1. نمی توانیم خیلی به خود اعتماد کنیم، زیرا اغلب فاقد لطف و درک هستیم. نور کمی در ما وجود دارد و این را به سرعت از طریق بی تفاوتی از دست می دهیم.
اغلب ما حتی متوجه نمی‌شویم که از درون آنقدر کور هستیم. ما اغلب اشتباه می کنیم و بهانه ها را بدتر می کنیم. گاهی ما را شور می زند و فکر می کنیم غیرت است. ما چیزهای کوچک را به گردن دیگران می اندازیم و از چیزهای بزرگ خود می گذریم. بالها تحمل می کنیم احساس می به زودی آنچه را که از کنیم و در نظر می گیریم. اما ما متوجه نمی شویم که دیگران چقدر از ما حمایت می کنند. که به خوبی و به درستی خود را قرار داده است

---

1 Ib. 10 .1 ،156 ص.

اینطور نیست که در مورد دیگری به طور جدی قضاوت کند.

2. انسان درونی مراقبت از خود را مقدم بر همه مراقبت ها می داند; و کسی که حواسش به خودش باشد به راحتی در مورد دیگران سکوت می کند. شما هرگز درونی و مؤمن نخواهید بود مگر اینکه در مورد غریبه ها سکوت کنید و به خصوص به خودتان نگاه کنید. اگر کاملاً روی خود و خدا تمرکز کنید، آنچه از بیرون می بینید کمی شما را تکان می دهد. وقتی پیش خودت نیستی کجایی؟ و وقتی همه چیز را پشت سر گذاشتی، چرا بدون غفلت از خود پیش رفتی؟ اگر باید صلح و اتحاد واقعی داشته باشید:
لازم است همه چیز را کنار بگذارید و فقط خودتان را در ذهن داشته باشید.

3. از این رو، اگر تعطیلات خود را از تمام مراقبت های زمانی دور نگه دارید، سود زیادی خواهید داشت. اگر چیزی را موقتی در نظر بگیرید به شدت شکست خواهید خورد. هیچ چیز بزرگ، هیچ چیز عالی، هیچ چیز پسندیده ای، هیچ چیز قابل قبولی برای شما نیست، مگر اینکه خدای محض یا از آن خدا باشد. من همه اینها را بیهوده می دانم، هر تسلی که از هر موجودی ببینم. عاشق خدا همه ارواح تحت خدا را حقیر می داند.
خدای یگانه، جاودانه و بی اندازه، پر کننده همه چیز، تسلی روح و شادی واقعی دل.

در نظر گرفتن.

خودتان را در نظر بگیرید که در کارتان به دنبال چه چیزی هستید، چه چیزی را دوست دارید و چه چیزی را دوست ندارید.

انسان بر اساس میل خود پایدار یا ولگرد می شود. کسی که زیاد طمع می کند و می خواهد زیاد داشته باشد، چگونه در خود باقی می ماند؟ به هر بادی بهشتی پراکنده است و در دام آرزوهای زمینی گرفتار می شود [1].

علم به رذایل در غلبه بر رذایل بسیار مفید است. اعتراف فروتنانه سزاوار بخشش است. یک بهانه بیهوده باعث تشدید گناه می شود. کسی که همنوعان خود را تحقیر می کند و خود را بهتر می داند، خدا و همه مقدسین را آزار می دهد. این خطا مخصوصاً در ما به وجود می آید، زیرا ما متواضع نیستیم و به عیوب خود توجه نمی کنیم که باید همیشه به آن توجه کنیم و بر آن غلبه کنیم.

هیچ کس در نگاه کردن به دیگران از خود غافل نمی شود، اما مهمتر از همه مراقب خود است، بگذارید در مورد بقیه سکوت کند.

که به کمیسیون او مراجعه نمی کنند.

هر چه هر کس کمتر بتواند خود را تامین کند، بیشتر تمایل دارد که دیگران را در نظر بگیرد. پس از حال و احوال دیگران کنجکاو مکن، مگر به اندازه ای که محبت خدا و شفقت برادرانه ایجاب می کند. اگر سفارش دهید طرفدار

---

1 رساله 2، 2 ،4 .n — 2 باغ گل سرخ ج. 8، 8 موعظه

نه C. II, n. 3 2. — برای تازه کارها 3، + دره نیلوفرها

ص 6، ص. 21، 1. 20 — ج. 17، شماره من

تسلیم می شوی: از خودت شروع می کنی. هیچ چیز نباید بر امنیت خودتان ترجیح داده شود: اجازه ندهید به شما اعتراض شود، به عنوان یک پزشک مراقب خود باشید. در خود پیشگوییی کن: به دیگری چه خواهی گفت

هیچ چیز برای کسی که می خواهد به زندگی ابدی برسد مفیدتر و مفیدتر از این نیست که همیشه به نجات روح خود بیندیشد.

ای جان من به دنبال بیهودگی های دروغین و جنون 1 گمراه نشو، بلکه به خداوند، خدای خود بازگرد، زیرا او منبع همه تسلی است. هر چه در مردان یا موجودات بجویید، از دست خواهید داد و احساس گمراهی خواهید کرد، زیرا ممکن است تسلی در آنها ظاهر شود، اما هیچ چیز ماندگار نیست. چرا باید بیهوده فریب بخوری؟

گدایی از فقرا احمقانه است، در حالی که ثروتمندان به اندازه کافی مایل به دادن هستند. هر موجودی از نظر آسایش فقیر است، اما خداوند از نظر لطف غنی است.

انشالله حداقل یک روز یا نیم ساعت را با خدا بگذرانید. افسوس، تو بیش از حد ناپایدار و ناپاک هستی: حتی در جایی که باید فداکارتر باشی. فکر کن که خدا و تو در دنیا تنها هستیم و در قلبت آرامش خواهی داشت.

من در مورد تشخیص شکنندگی خود ج. 3، ص 2، ص. 364، 1.
n، 1 ،17 .10. - ? دره نیلوفرها ج.
3 تک گویی روح ج. آیو، ن. 4 .I کتاب تمرین معنوی ج. 3، ص 2، ص. 335، 1. 3. - 5 در نظم صومعه ها ج. 7، ص 2، ص. 296، 1. 17.

فصل ششم

در شادی وجدان.

ط - جلال انسان خوب شهادت وجدان پاک است. دانش خوبی داشته باشید و همیشه شادی خواهید داشت.
یک وجدان خوب می تواند چیزهای زیادی را تحمل کند و در مواجهه با سختی ها بسیار خوشحال است.
یک وجدان بد همیشه ترسناک و ناآرام است. اگر قلبت تو را سرزنش نکند آرام آرام می گیری. خوشحال نباش مگر اینکه وضع مالی خوبی داشته باشی. خداوند میگوید شریران هرگز شادی واقعی ندارند و در درون خود احساس آرامش نمیکنند، زیرا برای شریر آرامش وجود ندارد. و اگر بگویند: ما در آرامشیم، بدی به ما نمی رسد و چه کسی جرأت می کند به ما آسیب برساند؟ آنها را باور نکن؛

زیرا غضب خدا ناگهان برمیخیزد و اعمالشان به هیچ میافتد و افکارشان از بین میرود.

2. شکوه و جلال در مصیبت بر دوش عاشق نیست. زیرا بدین ترتیب در صلیب خداوند جلال است. جلال کوتاهی که توسط مردان داده و دریافت می شود. شکوه دنیا همیشه با غم همراه است. شکوه خوبان در وجدان آنهاست نه در دهان انسانها. شادی صالحان

این از جانب خدا و در خداست و شادی آنها به حق است.
است بکسی که خواهان جلال حقیقی و ابدی و ابدی
چیزهای دنیوی اهمیت نمی دهد.
و کسی که جلال دنیوی را می‌طلبد، یا آن را از دل حقیر نمی‌داند، کمتر محبت کند
او متقاعد شده است که مگنانم آسمانی دارای آرامش قلبی است که نه به ستایش و نه به سرزنش اهمیت می دهد.
3. او که وجدانش پاک است به راحتی راضی و آرام خواهد بود. اگر مورد ستایش قرار بگیری تو مقدس تر نیستی. و نه ارزان تر، اگر می بینید: تو گم شده ای. و همچنین نمی توان تو را بزرگتر از تو نامید که گواه خدا هستی. اگر به آنچه درون خود هستید توجه کنید. برای شما مهم نیست که مردم در مورد شما چه می گویند.
انسان در چهره می بیند اما خدا در قلب. انسان اعمال را در نظر می گیرد، اما خداوند نیت ها را در نظر می گیرد. همیشه خوب
عمل کردن و اندکی از خود نگه داشتن، نشانه فروتنی است. دلجویی نکردن از هیچ موجودی، نشانه پاکی زیاد و اعتماد درونی است.

4. کسی که برای خود شاهد بیرونی نمی‌جوید، معلوم است که خود را کاملاً به خدا سپرده است. پولس مقدس می‌گوید که او نیست که خود را ستایش می‌کند، بلکه او را که خدا ستایش می‌کند.

راه رفتن با خدا در درون، و عدم تسخیر هیچ
محبتی در بیرون، حالت درونی انسان است.

در نظر گرفتن.

وجدان خوب شادی را به وجود می آورد: وجدان بد برای خود
عذاب ایجاد می کند 1. شادی ذاتی برای شما پدید می آید: اگر
با شجاعت در برابر رذیلت های خود مقاومت کنید 2.
همیشه سعی کنید خوب عمل کنید و در آرامش خواهید بود.
شادی واقعی قلب در خداست: غیر از خدا آرامش و آرامشی
نیست. هر چه خدا راضی است با غیرت انجام بده

اول، همیشه در کار خود جستجو کنید که آیا خدا
راضی است یا ناخوشایند: نه با ترس و نه با عشق
بر خلاف وجدان خود عمل نکنید. 5 کسی که بر خلاف
وجدان عمل می‌کند احمقانه عمل می‌کند و به خاطر
مردم مرتکب ظلم خدا می‌شود. زیرا همه چیز در
پیشگاه خدا آنقدر سالم و درخشان نیست: آنچنان
که در نظر انسان زیبا به نظر می رسد. مردی در
چهره می بیند

---

1 باغ رز 2 - ,C. 8, n. 1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند I5،
ص 3، ص. 6 .1 ،I54
8 در تشخیص شکنندگی خود ج. 4، ص 2، ص. 366، 1. 25. 4 در
انضباط صومعه ها ج. 5 -- .3 .1 ،I, P. 2, P. 270 راهب الفبای
کوچکی را خواند. I5، ص 3، ص. 319، 20 .I
6 در نظم و —
انضباط از cloistered ج. 1 ،I, P. 2, P. 270.

اما خدا در دل است. که حتی کوچکترین چیزها را در نظر می گیرد: چیزهایی که نمی دانید یا وزن کمی دارید. دست ها و صورت خود را اغلب بشویید تا مردم را ناراضی نکنید. بسیار بیشتر وجدان خود را از تاک بشویید تا خدا و فرشتگانش را که پنهانی های دل را می بینند خشنود کنید.

آرزوی عمر طولانی نداشته باشید، بلکه یک عمر خوب را آرزو کنید.
چون وجدان خوب از همه گنج های دنیا بهتر است، فقیری که در خانه ای ارزان پنهان شده باشد و با وجدان سالم سبزی و سبزی بخورد بهتر است که چقدر ثروتمند بود، در دادگاهی زیبا زندگی می کرد، شراب می نوشید و چربی می خورد با شادی و غرور: پر از وجدان بد.

٭.

اگر خواهان افتخار ابدی هستید، جلال دنیوی را تحقیر کنید. او که به جلال بهشتی توجه دارد:
او به راحتی تمام افتخارات دنیوی را تحقیر می کند.
اما کسی که جلال خود را میجوید در حقیقت نمیایستد. او) خدا را بالاتر از همه چیز کاملاً دوست ندارد.

---

1 موعظه به مبتدیان I4، ص 6، ص. 108، 2 .l.
2 کتاب راهبان ج. 9، نه 2. 3 دره نیلوفرها ج. I4، D. I
4 خطبه به نوآموزان I7، ص 6، ص. —
n، 2 ،باغ گل رز ج. 9 - .I4 .1 ,I39
6 توصیه تواضع ص 2، ص. 380، 1. 20.
7 خطبه به نوآموزان 9، ص 6، ص. 67، 3 .l.

غم و اندوه بدخیم را که تلخی و کینه توزی می آورد از خود دور کن. در مورد زندگی و مصائب مسیح مراقبه ای شیرین و مقدس داشته باشید و در برابر هر غم و اندوه و وسوسه تسلی واقعی خواهید یافت. بگذارید ذهن همیشه متزلزل باشد:

تا زمانی که در امور زمینی تسلی می جوید 2

فصل هفتم.

از محبت عیسی بالاتر از همه چیز.

1. خوشا به حال کسی که بفهمد دوست داشتن مجروح و تحقیر خود به خاطر عیسی چیست. باید معشوق را برای معشوق گذاشت، زیرا عیسی به تنهایی بیش از همه می خواهد محبوب شود. عشق به موجودی متزلزل و ناپایدار است. عشق وفادار و پایدار به مجروحین. هر که به مخلوقات چنگ بزند با متزلزلان سقوط خواهد کرد. کسی که عیسی را در آغوش می‌گیرد، برای همیشه تثبیت خواهد شد. او را دوست بدارید و او را دوست خود نگه دارید، که شما را به هیچ وجه رها نمی کند و در نهایت باعث هلاکت شما نمی شود.

خواه ناخواه باید از همه جدا بشی.

.

---

2 از دوباره — 1 باغ رز C. 8, n. من

آگاهی از شکنندگی خود ج. 4، ص 2، ص. 366، 1. 8 24.

2. خود را با مجروح زنده و دانسته نگه دارید و خود را به وفاداری او بسپارید که به تنهایی می تواند شما را در تمام شکست ها یاری کند. معشوق شما به گونه ای است که نمی خواهد غریبه ای را بپذیرد، بلکه فقط می خواهد دل شما را داشته باشد و مانند یک پادشاه بر تخت خود بنشیند. اگر می دانستی که از هر موجودی به خوبی دور شده ای، مجروح باید با کمال میل با تو زندگی کند. تقریباً همه گمشده‌ها را خواهید یافت، هر چه در افراد خارج از عیسی قرار دهید. اعتماد نکنید و بر نی بادگیر تکیه نکنید. زیرا تمام گوشت ها یونجه است و تمام جلال او مانند انبار کاه خواهد افتاد.

3. اگر فقط به ظاهر انسان نگاه کنید به سرعت فریب خواهید خورد. زیرا اگر به دنبال آسایش و سود خود در دیگران باشید، اغلب احساس ضرر خواهید کرد. اگر در همه چیز به دنبال عیسی باشید، مطمئناً او را مجروح خواهید یافت. اما اگر به دنبال خود باشید، خود را نیز خواهید یافت، اما به نابودی خود. زیرا اگر انسان در جستجوی عیسی نباشد، برای خود زیان بارتر از تمام جهان و همه دشمنانش است.

در نظر گرفتن.

عشق به مسیح و عشق به دنیا متضاد هستند و هیچ وجه اشتراکی ندارند و به هم نمی رسند

آنها می توانند بمانند اگر می خواهید کاملاً پاک و در روح تجلیل شوید: به خاطر عیسی خود و همه چیز را تحقیر کنید. بگذار همه چیز بزرگ در جهان برای تو هیچ باشد، بگذار هر چیز دلپذیر دوست داشته شود: که فقط خدا و قربانی نازنین شما را از همه چیز شیرین کند. عشق عیسی در حقیقت چیست، اما تحقیر خود و دیگران به دلیل محبت آنها 2 هر چه خالصتر و پرشورتر او را دوست داشته باشید، بیشتر همه چیزهای زمینی را بی ارزش خواهید دانست.

همیشه مورد نظر، همیشه به یاد ماندن، همیشه مورد ستایش: همیشه مورد احترام، همیشه مورد محبت قرار گرفتن، و در هیچ چیز مورد آزرده نبودن. بلکه پرستش و پرستش با کمال قداست و پاکی است. او را بجویید و خواهید یافت. اگر درنگ کرد، منتظر او باشید: و او درنگ نمی کند (حاب 2، 3). به او بگو پروردگارا بیا و درنگ مکن: پروردگارا به یاری من بشتاب.

6

1 رز گاردن C. I6, n. I. - موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 16، ص 3، ص. 19 .1 .I57.

8 رساله 4، 4 .2 .n موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 10، ص 3، ص. 13 .1 ,13o.

5 توصیه — مختصری از تمرین معنوی ص 2، ص. 428، 1. 8

6 خطبه به نوآموزان 30، ص 6، ص. 300، 1. 29.

امید انسان بیهوده است; اما او خود برقرار کننده صلح است. چه غمگین و چه خوشحال، همیشه به او توسل داشته باشید.

او آیینه زندگی است، او معیار عدالت است.

او نور بی پایان روح، حب عفت و شادی وجدان است. به خاطر او به راحتی همه چیزهای خوشایند را تحقیر می کنید. به خاطر او همه چیزهای تلخ و مخالف قابل تحمل خواهد بود و عشق او به خوبی آنها را تحمل می کند. سرانجام همه چیز از او و به واسطه او و در اوست. از نظر او، در اصل، هر نیتی، هر عملی، گفتاری، خواندنی، دعایی، مراقبهای و گمانهزنی باید نگاه کند. به وسیله او نجات به شما داده می شود و زندگی جاودانی آماده می شود، به خاطر او از مردن نمی ترسید و از زندگی کردن خودداری می کنید. زیرا باید به وفاداری او ایمان داشته باشید و هیچ چیزی را بر عزت و عشق او ترجیح ندهید.

خداوند عیسی، پناه من باش، و تسلی من. دوست خاص من باش زیرا همه دوستانم مرا ترک کرده اند. تو امید من باش، زیرا امید به انسان بیهوده است. شادی من باش و شادی دلم، زیرا که تمام شادی های دنیا بیهوده است. تو راهنما و آشنا و همراه من باش در راهی که می روم زیرا که مردم به سرعت شکست می خورند و از من گرفته می شوند. در تو آواز من در تو آرام می گیرد

.

---

1 تک گوویی روح ج. 22، شماره 1 2

من: تمام امانت من به توست. نجات و عزت من باش، عشق و شیرینی من. به من عطا فرما که صلیب خود را دوست بدارم و گامهای شوق تو را تقلید کنم. زخم هایت را بر دلم بنویس؛ و به من عطا کن که در برابر هوسها و اهانتها و آسیب‌هایی که از هر طرف می‌آیند تحمل کنم و در زندگی و مرگ با تو همسان شوم.

تو برای من هستی که زندگی کنم: و مردن برای تو سود بزرگی به نظر می رسد 1، تو محبوب من هستی که با آن نمی خواهم برای همیشه از هم جدا شوم 2.

فصل هشتم.

در مورد دوستی خانوادگی عیسی.

1. وقتی عیسی حضور دارد، همه چیز خوب است و هیچ چیز دشوار به نظر نمی رسد. اما وقتی مجروح حضور نداشته باشد، باز هم سخت است.

وقتی مجروح از درون حرف نمی‌زند، تسلیت ارزان است: اما اگر مصدوم فقط یک کلمه بگوید، تسلی بزرگ احساس می‌شود. آیا مریم مجدلیه بلافاصله از جایی که در آن خوابیده بود برنخاست که مارتا به او گفت: استاد اینجاست و تو را می خواند؟ ساعت خوشی که مجروح از اشک به شادی روح ندا می دهد! چگونه

---

1 یادآوری مختصری از تمرین معنوی ص 2، ص. 429، 1.
2. - 2 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 7، ص 3، ص.
یوحنا 4، 5 .I

شما خشک و سخت بدون آسیب هستید! چقدر احمقانه و بیهوده است، اگر چیزی غیر از عیسی میل دارید! آیا این ضایعه بزرگتر از این نیست [که تمام دنیا را نابود کنید؟

2. دنیا بدون آسیب چه چیزی می تواند به شما ارائه دهد؟ بدون عیسی بودن جهنم سنگینی است و با عیسی بودن بهشتی شیرین است.

اگر عیسی با شما باشد، هیچ دشمنی نمی تواند به شما آسیب برساند. کسی که مجروح را می یابد، گنجینه ای از خیر پیدا می کند، در واقع خیر بیش از هر چیز خوبی است. و هر که عیسی را از دست بدهد بیش از حد و بیشتر از کل جهان ضرر می کند. فقیرترین کسی است که بدون عیسی زندگی کند و ثروتمندترین کسی است که با مجروحان خوب باشد. [

3. دانستن نحوه گفتگو با مجروحان، و دانستن نحوه نگه داشتن عیسی، مهارت بسیار خوبی است. فروتن و صلح طلب باشید و عیسی با شما خواهد بود. عابد و ساکت باشید و عیسی با شما خواهد ماند. اگر بخواهید به افراد خارجی روی بیاورید، می توانید به سرعت از عیسی فرار کنید و فیض او را از دست بدهید. و اگر بگریزی و او را از دست بدهی، به سوی چه کسی می گریزی، و پس از آن به دنبال چه کسی دوست می گردی؟ بدون دوست نمی توانی خوب زندگی کنی و اگر بیش از همه دوستان آسیب ندیده باشی، بسیار اندوهگین و ویران می شوی. بنابراین شما احمقانه عمل می کنید

اگر به شخص دیگری اعتماد دارید یا از او خوشحال هستید، !
بهتر است تمام دنیا را برای داشتن عکس آن انتخاب
کنیم تا اینکه به مجروحان توهین کنیم.
لذا از بین همه عزیزان فقط معشوق خاص
باید مجروح شود.

4. بگذار همه به خاطر مصدوم دوست داشته
شوند، اما مجروح به خاطر خودش. فقط
عیسی مسیح است که منحصراً دوست داشتنی
است، که تنها او بیش از همه دوستان خوب و
وفادار است. ممکن است به خاطر او و در او دوست و
دشمن برای شما عزیز باشند. و برای همه اینها
باید دعا کنیم تا همه او را بشناسند و دوستش
داشته باشند.

شما هرگز نمی خواهید به شکلی منحصر به فرد مورد
ستایش یا محبوبیت قرار بگیرید، زیرا این فقط برای
خداست که مانند او نیست. نه دوست داری کسی در
دلش خود را با تو مشغول کند و نه تو خودت را
مشغول عشق کسی کنی.
اما بگذارید عیسی در شما و در هر شخص خوب باشد.

5. بدون دخالت هیچ موجودی از درون پاک و آزاد
باشید. اگر می خواهی آزاد باشی و ببینی که خداوند
چقدر شیرین است، باید برهنه باشی و نسبت به
خدا دلی پاک داشته باشی. و به راستی به این
نمی‌رسی مگر اینکه به لطف او مانع شده و وارد
شوند تا از همه بگریزی.

تو تنها کسی هستی که با خاک متحد شده ای. '

زیرا هنگامی که فیض خداوند نصیب انسان شود، بر همه چیز توانا می شود، و چون از بین برود، فقیر و ضعیف خواهد بود، و چنانکه تنها به بلاها واگذار شده است.
در این چیزها او نباید افکنده شود یا ناامید شود، بلکه باید متقابلاً به خواست خدا بایستد و همه آنچه را که برای ستایش آسیب مسیح به او می رسد تحمل کند. زیرا پس از زمستان، تابستان، پس از شب، روز، و پس از طوفان، آرامشی عظیم است.

در نظر گرفتن.

بگذارید عیسی در هر مکان و زمان، در کار و استراحت در قلب شما باشد. 1. بگذارید مسیح زندگی شما، درس شما باشد: مراقبه شما، گفتار شما. او آرزوی شماست، تمام امید سود شماست:
و پاداش شما 2. چه کسی شما را تسلی می دهد، اگر خود او تسلی دهنده نباشد؟ اگر غم و اندوهی برای شما وجود داشته باشد، به چه کسی نازل می‌شود، مگر برای کسی که به همه چیز آگاه است؟ یا به چه کسی اعتبار بیشتری می دهید، اگر نه به حقیقت غیرقابل ابطال؟

3

---

[1] -- n. 1 ،14. بیمارستان مستضعفان ج. 2 کوچک
4 .1 ،321 .الفبای راهب را بخوانید. 21، ص 3، ص —
[3] n. 7 ،13 .تک گویی روح ج.

مایل باشید با زمین تنها باشید و فقط عیسی را برای راحتی داشته باشید. زیرا عیسی به تنهایی برای شما به عنوان شریک بهتر از کل گروه کر فرشتگان در بهشت است. در واقع، او هرگز تنها نیست، و نه کاملاً رها شده است: عیسی با او شیرین‌تر است. اگر نماز بخواند چه چیزی کم دارد؟

بدون آن، همه راز هرج و مرج است. با او همه جا آرام و دلپذیر است. شیرین تر است اگر با او روی صلیب باشی، من بدون او در بهشت خواهم بود.

خیلی مواظب باش که لطف و حضورش را زیر پا بگذاری، چون با آزار دادنش چه آرامشی خواهی داشت؟ 3 اگر عیسی گم شده است، پس چه شادی می تواند در دل انسان باشد؟ برای او مجروحان را از دست داد: او بیشتر از تمام دنیا از دست داد. آیا بهتر نبود در خانه می ماندیم. چند مجروح در راه از دست داد؟

افسوس که این چه جشنواره ای است: این همه مصیبت چقدر مبهم است. زیرا هیچ جاذبه ای بالاتر از این نیست که بگوییم شادی عزاداران از بین رفته است. بدون عیسی: تمام جهان خسته کننده و خسته کننده است

4.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 12، ص 3، ص. I42,
1. 28. درباره تنهایی و سکوت C. I, n. I8. 3 b., n, 21. 4
موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 13 .1 ،Io, P. 3, p. 122;
I2، ص. I43, 1.'2.

0 شیرین ترین و دوست داشتنی ترین فرزند عیسی:
خوشحالم که امروز برای مدتی با من دلداری بدهی.
حضور تو به من شادی می دهد: نبودنت غم را به دنیا
می آورد. ای ساعت خوش که به چشم رحمتت به من می
نگری و لطفی را که آرزوی آن را داشتم به من نشان می
دهی.

از تو می‌خواهم، خداوندا، آزادانه با من بمان تا چون
پناهنده‌ای در زندان و غریبی در سفر شکست نخورم،
که از تو رها شده‌ام. مرا یاری کن و نجات خواهم یافت و
شبانه روز در تمام توان و گفتار و کردار تو تأمل
خواهم کرد. من تو را دوست دارم، خداوند، نیروی من،
صرفاً و کاملاً به خاطر تو و تمام کارهایی که تو به
خاطر تو انجام می دهی.
اما همه چیز زیر دست شماست. و تو تنها بر همه
چیزهای خوب در آسمان و زمین 5، تنها تو محبوب بی
همتا و بی همتای من، از همه وفادارترین و بالاتر از
همه. تا زمانی که با من بودی و با من بودی، نمی توان
چیزی گفت یا تحقیرآمیز نسبت به من احساس کرد.
من به تو اعتماد خواهم کرد و شبانه روز در کنار تو
خواهم ماند. تو وفادار تري

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 8، ص 3، ص.
ص 3، ص، Io8, 1. 2. 2 Ib. 7، ص 3، ص. IOI, 1. 6. - 8 Ib. 10.
I26, 1. 4. - Ib. 8، ص 3، ص. Io9 1. 12
5 دکترین جوان ج. 2، 6 - 3. n. تک گویی نفس ج. 17، شماره 7.

تو دوستی از تمام دنیا: تو دیواری محکم تر از تمام ،
لشکر فرشتگان برای دفاع هستی.

فصل نهم

از فقدان همه راحتی.

1. محکوم کردن آسایش انسان باري نیست.
وقتی خدا حضور دارد
بسیار عالی و بسیار بزرگ است که بتوانی بدون تسلیت، چه انسانی و چه الهی، و با میل و رغبت، غربت دل را برای آبروی خدا تحمل کنی و در هیچ چیز به دنبال خود نگردی و به شایستگی خود نگاه نکنی. چه اهمیتی دارد که شاد و دلسوز به فیض آینده باشی؟ این ساعت برای همه مطلوب است. او کاملاً آرام سوار می شود و به لطف خدا حمل می شود. و چه تعجبی دارد که باری را که قادر مطلق بر دوش می‌کشد و ولی فقیه رهبری می‌کند احساس نکنند؟

2. ما با کمال میل چیزی برای راحتی داریم و :
به سختی مرد از خود خلع می شود.
شهید مقدس لورنس با کشیش خود قرن را فتح کرد. زیرا او هر چیزی را که در دنیا لذت بخش به نظر می رسید تحقیر می کرد

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 25، ص 3، ص. 215،
-1.5

من *

و کاهن اعظم خدا، سیکستوس، که او را بیش از همه دوست داشت، به خاطر محبت مسیح، او نیز با مهربانی رنج کشید تا از او گرفته شود. از این رو با محبت خالق بر محبت انسان چیره شد و به جای تسلی بشر، لطف الهی را برگزید. شما نیز باید یاد بگیرید که برای عشق خدا یک دوست ضروری و محبوب بگذارید. وقتی دوستی شما را رها می کند، سخت تحمل نمی کنید، زیرا می دانید که بالاخره همه ما باید از یکدیگر جدا شویم.

3. انسان باید برای مدت طولانی در درون خود مبارزه کند تا اینکه بیاموزد به طور کامل بر خود غلبه کند و تمام محبت خود را به سوی خدا جلب کند. وقتی مردی بالاتر از خودش می ایستد، به راحتی در آسایش انسان می لغزد. اما یک عاشق واقعی مسیح و یک پیرو سخت کوش فضیلت ها به دلداری نمی خورد و به دنبال چنین شیرینی های معقولی نیست، بلکه تمرین های قوی و تحمل زحمات سخت برای مسیح را می طلبد.

4. بنابراین، هنگامی که تسلی روحی از جانب خداوند داده می شود، آن را با شکرگزاری دریافت کنید؛ اما درک کنید که این هدیه خداست نه لیاقت شما. مبالغه نکنید، زیاد شادی نکنید و بیهوده مباهات نکنید.

اما در برابر هدیه فروتن تر و همچنین در تمام اعمال خود محتاط تر و ترسان تر باشید. زیرا آن ساعت خواهد گذشت و وسوسه در پی خواهد داشت. هنگامی که تسلیت از بین رفت، فوراً ناامید نشوید، بلکه با فروتنی و شکیبایی منتظر دیدار بهشت باشید، زیرا خداوند قادر است به شما تسلیت بیشتری عطا کند.

این برای کسانی که راه خدا را تجربه کرده اند جدید یا عجیب نیست، زیرا در اولیای بزرگ و پیامبران پیشین غالباً چنین حالت تناوب وجود داشته است.

5. از این رو یکی از فیض موجود گفت: در ! فراوانی خود گفتم:
من برای همیشه نمی دانم. اما در غیبت، آنچه را در خود تجربه کرد، می افزاید و می گوید: روی خود را از من برگرداندی و من مضطرب شدم. در این میان، او به هیچ وجه ناامید نمی‌شود، بلکه از خداوند عاجل‌تر می‌خواهد و می‌گوید: پروردگارا، برای تو گریه می‌کنم و به خدای خود دعا می‌کنم. سرانجام ثمره دعای خود را برمی‌گرداند و شهادت می‌دهد که او شنیده شد و می‌گوید: خداوند شنید و بر من رحم کرد. خداوند یاور من شده است. اما در چه؟ نوحه ام را برایم شادی کردی و

تو مرا با شادی احاطه کردی اگر در مورد اولیای
بزرگ چنین است، ما ضعیفان و فقیران، اگر
گاهی در گرما و گاهی در سرما هستیم، نیازی
به ناامیدی نداریم: زیرا روح به خشنودی او
می‌آید و می‌رود. از این رو ایوب مبارک گفت: زود
او را زیارت کردی و ناگهان او را امتحان کردی.

6. پس به چه چیزی می توانم امیدوار باشم، یا
به چه کسی باید اعتماد کنم، مگر به رحمت
عظیم خدا و تنها به امید فیض بهشتی؟ زیرا
خواه مردان خوب، یا برادران فداکار، یا دوستان
وفادار، یا کتابهای مقدس، یا رساله های زیبا، یا
سرودها و سرودهای شیرین.

همه این چیزها اندکی کمک می کنند، آنها کمی
عاقل هستند، وقتی که من به لطف خود رها
شده و در فقر خود رها شده ام. پس هیچ دارویی
بهتر از صبر و خودداری در خواست خدا نیست.

7. هرگز کسی را ندیدم که اینقدر متدین و
متدین باشد که گاه از لطف و محبت خود خلاصی
نداشته باشد و یا احساس کاستی نکند. هیچ
قدیس به این شدت شیفته و روشن نشده بود
که قبل و یا بعد از آن وسوسه نشده باشد.

زیرا او شایسته تفکر عمیق خدا نیست، کسی که با برخی مصیبت ها برای خدا تربیت نشده است. زیرا معمولاً نشانه تلاش بعدی برای تسلی است. زیرا تسلی آسمانی به آزموده شدگان وعده داده شده است. هر که پیروز شد، گفت، او را می دهم تا از درخت حیات بخورد.

8. و تسلی الهی داده می شود تا انسان در تحمل مصیبت قویتر باشد.

وسوسه نیز در پی دارد، مبادا خود را از نیکان برتری دهد. شیطان نمی خوابد و جسم هنوز نمرده است: پس از آماده سازی خود برای مبارزه دست نکشید، زیرا در سمت راست و چپ دشمنانی هستند که هرگز آرام نمی گیرند.

در نظر گرفتن.

هنگامی که احساس می‌کنید در دعا خشک، سرد و غمگین هستید، نباید ناامید شوید و از تواضع عیسی دست بردارید، بلکه در فقر روح خود خدا را ستایش کنید و سپاسگزاری کنید و این آیه را با لذت بخوانید: «فقیر و درمانده نام تو را ستایش خواهند کرد، خداوندا» (مزمور 73 و 21). زیرا بسیاری از انسانهای مقدس و عابد، گاه خشک و برای مدتی طولانی از سوی خداوند رها می شدند تا با تجربه درد و فقر و رنج و فقر، صبر و شفقت نسبت به دیگران را بیاموزند.

در وقت عبادت و شادمانی زیاد به خود فکر نکنند

The first says: "I have من پیامبران را خواهم آورد. found tribulation and pain and I will call on the name of the Lord" (Ps 24:4). مصیبتهای بسیار» عادلان، و خداوند آنها را از همه اینها نجات خواهد داد» (مزمور 33 و 20). پیامبر همیشه در خود درد و رنج میدید، اما نقشهای برای فرار داشت که با تمام فشار قلب Here he said again: "I cried به درگاه خدا ندا میداد. to the Lord when I was in trouble, and he heard me" (Ps 21:1). دومی می گوید: گریستم و چشمانم آب می ریزد، زیرا او از من تسلی بخش شد و جانم را The برگرداند. بنابراین من منتظر او خواهم بود. Lord is good to those who hope in him, to those who seek him, because the Lord does not turn away forever" (Thren 1, 16; 3, 24 25).

The third says: "Woe is me, because I have become like one who gathers clusters of grapes in the autumn; there is no bunch to eat, my soul has longed for unripe figs.

---

1 دره نیلوفرها ج. 2، نه من

نجات دهنده من، بگذار خدای من به من بشنود، وقتی در تاریکی می نشینم، خداوند نور من است. من خشم خداوند را تحمل خواهم کرد، زیرا به او گناه کرده ام. او مرا به سوی نور هدایت خواهد کرد، عدالت او را خواهم دید. » (میک 7، اول 7-9).

خداوند می داند چه چیزی برای شما مفیدتر است. اغلب در راه رستگاری می ایستد: چیزی که عمیقاً تحت تأثیر آن هستید. همچنین اغلب برای شماست: آنچه برای شما ارزش قائل هستید حریف شماست. یک مرد ضعیف می خواهد خود را راضی کند: اما پزشک آنچه را که سالم تر می داند به او می دهد.

به سلامتی بر زمین سجده می‌کنی: از درون بلند شده بایستی. فقیر در حیا آزادتر است:

چقدر ثروتمند است هیچ چیز ظاهراً سودی ندارد: اگر فضل و فضیلت در باطن ناقص باشد؟

پس هنگام شادی را گمان مکن، و هنگامی که غم و اندوه بر تو سنگینی می‌کند، خود را به زیر بار نبر. اما همانطور که خداوند در نظر او خشنود است، پس وقتی احساس کردید که خود را غرق در شبنم آسمانی می‌کنید، در همه چیز راضی باشید: با فروتنی همه را به خدا بازگردانید.

اگر دلت خشک و تاریک شد برای نور فیض و روغن رحمت ؛ از فریاد نزد خداوند دست نکشید

---

1 بر سه خیمه ج. 3، نه I2. — 2 دی

تشخیص شکنندگی خود ج. 5، ص 2، ص. 367، 3 .IO .I

دره نیلوفرها ج. 2، نه 2.

شما در راه درست قبل از زایمان شکست می خورید. زیرا
پدر آسمانی به روحی که او را می جوید روح نیک خواهد
بخشید. ۱

فصل X

سپاسگزاری از لطف خداوند.

1. چرا به دنبال استراحت هستید، زیرا
برای کار به دنیا آمده اید؟ به جای تسلیت،
خود را در معرض صبر قرار دهید. و به جای
شادی، صلیب را بر دوش بگیریم.
زیرا چه کسی با کمال میل تسلی دنیوی و شادی
معنوی را دریافت نخواهد کرد، اگر همیشه
بتواند آن را به دست آورد؟ زیرا تسلی‌های
روحانی بیش از همه لذت‌های دنیا و لذت‌های
جسمانی است.
زیرا تمام لذت های دنیوی یا پوچ هستند یا پست.
اما لذت‌های معنوی تنها لذت‌های پسندیده و
ارجمندی است که از فضایل زاییده شده و توسط
خداوند در ذهن‌های پاک دمیده شده است. اما هیچ کس
همیشه نمی تواند برای احساسات خود از این
تسلی های الهی برخوردار شود، زیرا زمان آزمایش
برای مدت طولانی متوقف نمی شود.
2. اما آزادی کاذب ذهن و اعتماد به نفس زیاد
با دیدار بهشتی بسیار مخالف است. خدا ۲
حالش خوبه

---

1 در تشخیص شکنندگی خود ج. ، ص 2، ص. 367 متر
مربع، 1. 28.

با دادن فیض دلداری، اما بدی به انسان، نه بازگرداندن کل با شکرگزاری به درگاه خداوند. و لذا هدای‌ای فیض نمی تواند در ما جاری شود، زیرا ما نسبت به نویسنده ناسپاس هستیم و کل را به منبع اصلی باز نمی گردانیم. زیرا فیض همیشه از آن کسی است که به شایستگی شکر می کند، و آنچه که معمولاً به فروتن داده می شود، از حق تعالی گرفته می شود.

3. تسلی نمی خواهم که پشیمانی ام را می گیرد; نه فکر می کنم که به تعالی می انجامد.

زیرا نه هر چیز مقدس والا، نه هر چیز شیرین شیرین، نه هر آرزوی خالص و نه هر چیز عزیزی پسندیده خداوند نیست.

من با کمال میل فیض را دریافت می‌کنم تا همیشه متواضع‌تر و ترسناک‌تر و آماده‌تر برای ترک خانواده‌ام دیده شوم. کسی که موهبت فیض را به او آموخته و ضرب و شتم را با تفریق آموخته است، جرأت نمی کند که چیز خوبی را به خود نسبت دهد، بلکه خود را فقیر و برهنه اعتراف می کند. آنچه از آن خداست به خدا بده و آنچه از آن توست به خودت نسبت بده.

این است: خدا را به خاطر لطفش شکر کن، اما احساس کن که تنها خودت مقصر هستی و به خاطر گناهت مستحق مجازاتی شایسته.

4. همیشه خود را در پایین ترین سطح قرار دهید و بالاترین به شما داده خواهد شد. برای بالاترین nOn

بدون پست ترین ها می ایستند، مقدس ترین ها نزد خدا با خودشان کمترند، و هر چه شکوهمندتر باشند، در خود فروتن ترند. پر از حقیقت و جلال بهشتی، طمع شکوه بیهوده ندارند. کسانی که در خدا تأسیس و تأیید شده اند به هیچ وجه قابل تعالی نیستند.

و کسانی که همه چیز را به خدا نسبت می دهند، هر چه چیزهای خوبی دریافت کرده اند، از یکدیگر جلال نمی جویند، بلکه جلالی را که تنها از آن خداست می خواهند و بیش از هر چیز می خواهند خدا را در خود و در همه اولیاء ستایش کنند و همیشه به همین امر تمایل دارند.

5. پس برای کمترین ها شکرگزار باشید و لایق دریافت بزرگتر خواهید بود. بگذارید برای بزرگ‌ترین‌ها کمترین، و برای هدیه‌ای خاص تحقیرکننده‌تر باشد. اگر شأن و منزلت دهنده در نظر گرفته شود، هیچ هدیه ای بسیار کوچک یا بسیار ارزان دیده نمی شود. زیرا این چیز کوچکی نیست که از جانب خداوند متعال عطا شده است. حتی اگر تنبیه و شلاق بزند، باید قدردان باشد، زیرا او همیشه برای امنیت ما انجام می دهد، هر چه اجازه می دهد برای ما بیفتد. هر که می خواهد لطف خدا را حفظ کند، باید شکر نعمتی که داده شده و شکیبا باشد برای لطفی که از او گرفته شده است. دعا می کند که برگردد. محتاط و متواضع باشد، مبادا ببازد.

در نظر گرفتن.

انسان نیکوکار هر کاری می کند باید فکر کند، زیرا این موهبتی از جانب خداوند است و نباید خود را چنین تصور کند.
آن وقت از خوبی ها بد استفاده می کنی، اگر به آن افتخار کنی و بیهوده به خود ببالی. آنگاه از بدی استفاده می‌کنی، اگر متواضع و اندوهگین شده‌ای و با توبه جبران کنی، و با غرور خود را معذور نکن!

ناسپاسی رذیلت بزرگی است: هم نزد خدا و هم نزد مردم بسیار مذموم. زیرا او لایق عنایت الهی است: او با قلب فداکار خدا را شکر نمی کند. او سزاوار دریافت شخص بزرگتری نیست که خود را در چیزی برتری دهد، یا با سهل انگاری کار کند و تنها یک استعداد به او داده شده است. یقیناً عالی است: این که خدا می خواهد چیزی به انسان بدهد. همچنین نباید آن را کوچک دانست که خداوند بزرگ و برتر از همه چیز به مردی فقیر و گناهکار می دهد: کسی که چیزی شایسته جبران ندارد. او با شکوه خدا را ستایش می کند که بزرگ ترین شکر را حتی برای کوچکترین نعمت ها به جای می آورد، زیرا کسی که می دهد از همه بالاتر است. هیچ چیز برای شما کوچک و ارزان نباشد، چیزی که حق تعالی از روی لطف به شما رایگان می دهد.

هدایای کوچک را بزرگ بشمار: و شایسته دریافت هدایای بزرگتر خواهی بود.

---

2 موعظه در مورد زندگی و —— رساله 6، n. 5 [1]

نیلوفرها اشتیاق خداوند 24، ص 3، ص. 3 -.7 .1 ،20o8 دره

ج. 5، نه I. - الفبای کوچکی از اکت موناشیک. 12، ص 3، ص. 319، 1. 6

وقتی در باغ یا باغی هستید و گونه‌ها و درختان مختلف، گل‌ها و رزها، گلابی‌ها، سیب‌ها، گیاهان سبز و نیلوفرهای معطر را می‌بینید، ستایش کنید و سپاسگزاری کنید. زیرا خداوند بسیاری از کارهای شگفت‌انگیز خود را به شما نشان می‌دهد که در زمین جوانه می‌زنند، که هر ساله قدرت و حکمت شگفت‌انگیز او را به نفع خود و به نفع انسان تجدید می‌کند. پس در هر مکان و زمان خدا را حمد و شکر کن، زیرا تمام زمین از عظمت و جلال او بر فراز آسمانها مملو است.

جلال من، خدای من، از آن توست. در تو آهنگ من همیشه 2 است. آه، اگر در تمام دنیا چیزی داشتم که می توانستم به تو بدهم و به چشم تو قابل قبول باشد! چه چیزی می خواهی داشته باشی پروردگار عزیز؟ البته شما به کالاهای من نیاز ندارید.

پس چرا از من هدیه می خواهی؟ هیچ کس ثروتمندتر از تو نیست و تو هنوز از من چیزی می خواهی؟

من می خواهم، شما می گویید، همه آن را داشته باشم. زیرا این برای شما مصلحت است، اگر می خواهید لطف من را به دست آورید.

من فیض خواهم داد و شما فیض را برمی گردانید و ما یوغ صدقه را با هم نگه خواهیم داشت. خودت را به من بسپار و همه را بده.

ای عیسی، چشمه همه خوبی ها، چشمه حیات، C چشمه فیض، چشمه شیرینی، چشمه حکمت ابدی، اکنون (با تقوایی ترین) موهبت فیض آسمانی را القا کن و به من بیاموز که همیشه از تو سپاسگزاری کنم.

---

1 باغ گل رز ج. 18، شماره 4.

از روح ج. 25) n. من

و خودم را قبل از همه چیز به تو بسپارم. زیرا این عزیزترین چیزی است که می توانم بدهم. مرا بپذیر؛ اینک من همه از آن تو هستم و همه مال من از آن توست. یه چیز هست که نمی‌تونم جبران کنم این چیه؟ گناه من که از آن من است و به شما نسبت داده نمی شود. گناه از آن من است و هر نقصی که در من یافت می شود باید تنها به من جبران شود. اما برای تو جلال و شکرگزاری برای همه مزایای تو باد.

فصل یازدهم.

از معدود عاشقان صلیب عیسی.

1. مرد مصیبت دیده اکنون عاشقان زیادی برای ملکوت آسمانی خود دارد، اما طرفداران کمی برای صلیب خود دارد.

او همراهان زیادی را در سر سفره یافت، اما تعداد کمی را با خویشتنداری یافت. همه می خواهند با او شادی کنند، کمتر کسی می خواهد چیزی برای او تحمل [1] کند. بسیاری از مجروحان را تا شکستن نان دنبال می کنند، اما عده کمی به نوشیدن جام شور. بسیاری به معجزات او احترام می گذارند، اما تعداد کمی از خواری صلیب را دنبال می کنند. بسیاری عیسی را دوست دارند، تا زمانی که مصیبت برای آنها اتفاق نیفتد. بسیاری

---

[1] تک گوویی روح ج. 25، شماره 5.

تا زمانی که از او دلداری می گیرند، او را ستایش و برکت می دهند.
اما اگر مجروح خود را پنهان کند و مدتی آنها را رها کند، یا به شکایت می افتند یا در دلتنگی.

2. اما کسانی که عیسی را به خاطر عیسی و نه به خاطر آسایش خود دوست دارند، او را در هر مصیبت و ناراحتی قلبی، مانند بزرگترین S(تسلیت، برکت دهند. و اگر هرگز نمی خواست به آنها آرامش دهد.

آنها همیشه او را ستایش می کردند و همیشه می خواستند از او تشکر کنند.
3. آه، چقدر عشق می تواند ناب باشد، بدون هیچ مزیت و عشق شخصی! آیا همه مزدورانی که همیشه به دنبال تسلیت هستند نمی توان گفت؟ آیا عاشقان خود بیشتر از عاشقان مسیح نیستند که همیشه به منافع و منافع خود می اندیشند؟ کجا پیدا می شود چنین مردی که بخواهد بلاعوض خدا را بندگی کند؟

4. به ندرت می توان فردی به این معنویت را پیدا کرد که از همه چیز محروم باشد. زیرا چه کسی فقیر واقعی را در روح و برهنه از همه خلقت خواهد یافت؟ سفر و مقصد نهایی او. اگر یک انسان تمام دارایی خود را بدهد، باز هم چیزی وجود ندارد. و

اگر توبه بزرگی کرده باشد، باز هم کم است. و ؛
اگر او همه دانش را درک کند، هنوز راه زیادی دارد. و
اگر او شجاعت زیاد و فداکاری بسیار شدیدی
داشت، باز هم چیزهای زیادی کم دارد.

یعنی یک چیزی که برای او ضروری است. اون چیه؟
اینکه او باید خود را به هر آنچه باقی مانده است رها
کند و خود را به طور کامل رها کند و چیزی از عشق
خصوصی خود را حفظ کند. وقتی تمام کارهایی را که
می داند انجام داده است، احساس نمی کند که کاری
انجام داده است.

5. آنچه را که می توان بزرگ شمرد، با بزرگی وزن
نمی کند، بلکه در حقیقت خود را بنده ای بی فایده
می داند، چنان که حق می گوید:
هنگامی که آنچه را که به تو دستور داده شده انجام
دادی، بگو: ما بندگان بیهوده ای هستیم. آنگاه
می‌تواند واقعاً فقیر و برهنه باشد و با پیامبر
بگوید: زیرا من تنها و فقیر هستم. با این حال، هیچ
کس ثروتمندتر، هیچ کس قدرتمندتر، هیچ کس
آزادتر نیست که بداند چگونه خود و همه چیز را رها
کند و خود را در پایین ترین نقطه قرار دهد.

در نظر گرفتن.

مسیح عاشقان و اعضای زیادی دارد اما پیروان
پرهیز کمی دارد. , جدول

---

1 Hortulus rosarum 2 ج. 7، نه.

از این طریق مسیح می داند که چه کسی به او تعلق دارد، و چه کسی او را بیشتر دوست دارد، اگر بکوشد خود را با اشتیاق خود منطبق کند، نه با فکر صرف، بلکه با مرگ روزانه.
و چه کسی برای این کارها مناسب است؟ آیا فکر می کنید کسی آماده برای گرفتن صلیب پیدا می شود؟ راز بزرگ و عمیق کلمه صلیب که همه آن را درک نمی کنند. در واقع، بسیاری از صلیب نفرت دارند و می گریزند، اما به زندگی جاودانی منتهی می شود.

چقدر او ستودنی است که عیسی را در بدبختی کمتر از رفاه دوست ندارد. کسی که با او می خورد و می نوشد و باز با خوشحالی گرسنه و تشنه می شود. آن که او را حتی تا کوه بینایی و جلال دنبال می کند و پیوسته از پیروی او تا چوبه دار نمی هراسد و با این جزئیات اعتراف می کند که خوب است، شیرین و دوست داشتنی و بسیار ستودنی است.

از این رو خود می گوید: خوشا به حال کسی که در من رسوا نشده است; هنگامی که، در واقع، اتفاقات نامطلوب رخ می دهد [2].
پس وقتی چیزهای خوب می بخشد، او را دوست بدارید. دوستش داشته باش وقتی همان را حذف کرد. علاوه بر این، هنگام ارسال مشکل مبتلا می شود. هیچ ناملایمتی، هیچ موفقیتی قلب را به طور کامل از او جدا نمی کند؟ هیچ کس ثروتمندتر نیست، هیچ کس آزادتر از او نیست،

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 23، ص 3، ص. 197، 1 3. - در خلوت و سکوت

ج. من، 20 ،n

که خود و همه چیز را به خدا داد و مسیح را با محبت به او
خرید که جهان را بر روی صلیب فدیه داد.
پروردگار (آه می کشد): آیا می توانی جامی را که من چشیده
ام بنوشی؟ به نظر می رسد که بنده های زیادی دارم، اما آنها
خیلی کم می توانند بچرخند. آنها با اندکی مصیبت
شکسته می شوند، با چند توهین برانگیخته می شوند، با
یک موقعیت کوچک رسوا می شوند، به سرعت از آسیبی که
به آنها وارد شده شکایت می کنند و وقتی متهم می شوند
به استدلال های زیادی فکر می کنند.
راه خوبی نیست، اما خیلی شبیه من و همه مقدسین
نیست. من راه توبه را نشان دادم که به وسیله آن
به جلال ابدی می رود.
در طول کار و مصیبت از من پیروی کنید:
اگر می خواهید استراحت و راحتی داشته باشید.
در واقع، صلیب راه نجات من است.

فصل دوازدهم.

در راه سلطنتی صلیب مقدس.

I. این گفتمان برای بسیاری سخت به نظر می رسد:
خود را انکار کنید، صلیب خود را بردارید و از
عیسی پیروی کنید. اما شنیدن Depart از من
آن کلمه آخر: بسیار
نفرین شده، در آتش سخت تر خواهد بود

---

1 راهب الفبای کوچکی را خواند. 20، ص 3، 2 از سه
خیمه ج. 3، — ص 320 مربع، 1. 3I.
3 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند — نه 9 I3.
ص. 4- .5 .1 ,I44 بیمارستان فقرا ، ص 3، I2
C. 6, n, I

برای کسانی که فقط با خوشحالی ابدی
کلام صلیب را می شنوند و پیروی می کنند، پس از شنیدن لعنت ابدی نمی ترسند. این علامت صلیب در بهشت خواهد بود وقتی خداوند برای قضاوت بیاید.

سپس تمام خادمان صلیب که در زندگی خود را با صلیب مطابقت داده اند، با اطمینان بسیار به مسیح قاضی نزدیک می شوند.

2. پس چرا از برداشتن صلیب که با آن به ملکوت می رود می ترسید؟ در صلیب نجات، در زندگی صلیب، بر روی صلیب محافظت از دشمنان. در صلیب تزریق شیرینی بهشتی، در صلیب قدرت ذهن، در صلیب شادی روح. بر صلیب بالاترین فضیلت، بر صلیب کمال تقدس. هیچ نجاتی برای روح و هیچ امیدی به زندگی ابدی نیست مگر بر روی صلیب.

پس صلیب خود را بردارید و از خداوند پیروی کنید و به زندگی ابدی وارد خواهید شد. او با حمل صلیب پیش از او رفت و برای شما بر روی صلیب جان داد تا شما نیز صلیب خود را حمل کنید و رنج بکشید تا بر روی صلیب بمیرید. زیرا اگر مرده بودی با او هم زندگی می کردی. و اگر در عذاب شریک بودید، در جلال نیز شریک خواهید بود.

3. بنگر، در صلیب همه چیز استوار است، و در مردن همه دروغ است. و راه دیگری برای زندگی و آرامش درونی واقعی وجود ندارد،

جز راه صلیب مقدس و مصیبت روزانه. جایی که
می خواهید راه بروید؛ هر چه می خواهید بجویید و
نه راهی بالاتر از بالا و نه راه امن تری در پایین
خواهید یافت، مگر راه صلیب مقدس. همه چیز را
مطابق میل و بینش خود تنظیم و ترتیب دهید: و
نمی یابید مگر اینکه همیشه به طور
داوطلبانه یا با دعوت از چیزی رنج ببرید و بدین
ترتیب همیشه صلیب را خواهید یافت. زیرا یا در
بدن احساس درد خواهید کرد یا در روح و روان
مصیبت را تحمل خواهید کرد.

4. گاهی از جانب خدا رها می شوی، گاهی از سوی
همسایه ات تربیت می شوی، و چه بسا بارها بر
دوش خودت خواهی بود; و با این حال نمی‌توانید
با هیچ چاره‌ای یا تسلی‌ای رهایی یا تسکین
پیدا کنید، اما تا خدا بخواهد باید تحمل کنید.
برای اینکه او می خواهد
I خدایا، تا بیاموزی که بدون تسلی رنج را تحمل
کنی و خودت را کاملاً تسلیم او کنی و از مصیبت
فروتن شوی. هیچ کس به اندازه کسی که اتفاقاً
چنین رنجی را متحمل می شود، مصائب مسیح را از
صمیم قلب احساس نمی کند. بنابراین، صلیب
همیشه آماده است و در همه جا مراقب شماست. هر
جا بدوید نمی توانید فرار کنید، زیرا هر کجا که
بیایید خود را با خود حمل می کنید و همیشه خود
را خواهید یافت. خودت را برگردان، ورق بزن

شما زیر: خود را به بیرون برگردان، خود را به درون برگردان: و در همه اینها صلیب را خواهی یافت، و اگر می خواهی آرامش درونی داشته باشی و تاج جاودانی به دست بیاوری، باید همه جا صبر کنی.

5. اگر صلیب را با کمال میل حمل کنید، شما را حمل می کند و شما را به مقصد مورد نظر می رساند، جایی که البته رنج پایانی خواهد بود، اگرچه در اینجا خواهد بود. اگر دعوت را بر دوش کشید، باری بر دوش خود می‌اندازی و بارنخواهد بود بیشتری بر خودت می‌آوری. و با این حال لازم است که تحمل کنید. بیندازید اگر یکی از سورور

شک دارم که پیداش کنی یک صلیب، دیگری شاید بسیار سنگین تر.

6. آیا شما معتقدید که می توانید فرار کنید، که هیچ انسانی نمی تواند بگذرد؟ قدیس در جهان بدون صلیب و مصیبت چه کسی بود؟

زیرا عیسی مسیح، خداوند ما، هر چقدر هم که عمر کرد، یک ساعت بدون درد مصائب خود نبود. او می گوید که لازم بود مسیح رنج بکشد و از مردگان برخیزد و بدین ترتیب وارد جلال او شود. و چگونه راهی جز این راه شاهی که همان راه صلیب مقدس است می جوی؟

7. تمام زندگی مسیح یک صلیب و شهادت بود. و شما به دنبال استراحت و شادی هستید؟ شما اشتباه می کنید، اشتباه می کنید، اگر به دنبال چیزی جز رنج کشیدن هستید. چون همه اینها

زندگی فانی پر از بدبختی است و توسط صلیب ها احاطه شده است. و هر چه انسان از نظر روحی عمیق تر می شود، غالباً صلیب های شدیدتر می یابد: زیرا مجازات خودتبعیدی از عشق بیشتر می شود.

8. اما باز هم این مرد به گونه‌ای چندگانه رنج می‌برد، نه بدون تسکین تسلی، زیرا احساس می‌کند که بزرگترین میوه از رنج صلیب برای او در حال رشد است.

تا زمانی که او داوطلبانه خود را به او تسلیم می کند، هر بار مصیبت به اطمینان تسلی الهی تبدیل می شود. و هر چه بدن در اثر محبت فرسوده شود، روح با فیض درونی بیشتر تقویت می شود. و گاه به دلیل عشق به انطباق با صلیب مسیح، با احساس مصیبت و مصیبت چنان تقویت می شود که بدون درد و مصیبت نمی ماند. زیرا او خود را بسیار مقبول خدا می داند، زیرا توانسته است چیزهای بیشتر و سنگین تری را برای او تحمل کند. این فضیلت انسان نیست، بلکه فیض مسیح است که چنان قدرتمند است و در جسم ضعیف عمل می کند، که به طور طبیعی آنچه را که همیشه از آن متنفر است و می گریزد، روح با این شور و حرارت به آن حمله می کند و دوست می دارد.

9. از نظر انسان این نیست که صلیب را حمل کند، صلیب را دوست داشته باشد، بدن را تنبیه کند

و تسلیم بندگی، پرهیز از افتخارات، با کمال میل تحمل توهین، تحقیر و تحقیر شدن، تحمل همه ناملایمات با ضرر، و آرزوی هیچ چیز از رفاه در این دنیا. اگر به خودتان نگاه کنید، نمی توانید چنین کاری را انجام دهید. اما اگر به خداوند توکل کنید، از آسمان به شما نیرو داده خواهد شد و جهان و جهان تابع حکومت شما خواهند بود.

اما اگر به ایمان مسلح باشید و با صلیب مسیح مهر شده باشید، از دشمن، شیطان نمی ترسید.

10. پس خود را مانند یک خدمتکار خوب و وفادار مسیح قرار دهید تا مردانه صلیب پروردگارتان را که از روی عشق برای شما مصلوب شده است حمل کنید. خود را برای تحمل ناملایمات و ناراحتی های مختلف در این زندگی فلاکت بار آماده کنید. زیرا هر جا که بروید با شما چنین خواهد بود. و به راستی هر کجا که پنهان شوید، خواهید یافت. باید چنین باشد؛ و هیچ چاره ای برای فرار از مصیبت بدی ها و دردها نیست، جز رنج کشیدن خود.

اگر می خواهی با او دوست شوی و با او شریک شوی، جام خداوند را با محبت بنوش. دلداری هایت را به خدا بسپار.

بگذار خودش با کارهایی که بیشتر خوشش می آید انجام دهد. در مورد شما، خود را در معرض خطر قرار دهید

مصیبت‌ها را برپا کنید و آن‌ها را بزرگ‌ترین
آسایش بدانیم، زیرا رنج‌های این روزگار ارزش
کسب شکوه آینده را ندارد، حتی اگر به تنهایی
همه آن‌ها را تحمل کنید.

II. وقتی به اینجا رسیدید، آن مصیبت برای
شما شیرین و به خاطر مسیح عاقلانه است:
پس با تو بودن را خوب بدان که بهشت را در زمین
یافته ای. تا زمانی که رنج کشیدن برای شما سخت
است و به دنبال فرار هستید، تا زمانی که مشکل
خواهید داشت و پرواز مصیبت همه جا شما را دنبال
خواهد کرد.

12. اگر خود را در جایی قرار دهید که باید
باشید، یعنی رنج بکشید و بمیرید، به زودی
اوضاع بهتر می شود و آرامش خواهید یافت. حتی
اگر با پولس تا آسمان سوم گرفتار شده باشید،
بنابراین از رنج معکوس ایمن نیستید. مجروح
گفت من به او نشان خواهم داد که چقدر باید برای
برادرم زجر بکشد. بنابراین اگر دوست دارید
مجروح را دوست داشته باشید و تا ابد به او
خدمت کنید، برای شما باقی می ماند که رنج
بکشید.

13. ای کاش به خاطر نام مجروح سزاوار
رنجی بودی. چه شکوه بزرگی
آیا برای شما باقی می ماند، چه شادی برای re
همه اولیای خدا، چقدر برای همسایه آبادانی
خواهد بود! برای همه صبر

آنها توصیه می کنند، اگرچه تعداد کمی از آنها مایل به رنج هستند. شما باید حاضر باشید به خاطر مسیح اندکی رنج بکشید، زیرا بسیاری برای دنیا رنج بسیار بیشتری می کشند.

I4. مطمئن باشید که باید یک زندگی رو به مرگ داشته باشید. و هر چه بیشتر برای خود بمیرد، بیشتر برای خدا زندگی می کند. هیچ کس برای درک چیزهای بهشتی شایسته نیست مگر اینکه خود را تسلیم تحمل دشمنان برای مسیح کند. هیچ چیز در این دنیا برای خدا قابل قبول تر از رنج کشیدن برای مسیح نیست. و اگر مجبور بودید انتخاب کنید، ترجیح می‌دهید که برای مسیح مصیبت را متحمل شوید تا اینکه با تسلی‌های فراوان سرحال شوید. زیرا شما بیشتر شبیه مسیح بودید و با همه مقدسین سازگارتر بودید. زیرا شایستگی ما و پیشرفت کشورمان به راحتی و آسایش زیاد نیست، بلکه تحمل سختی ها و مصیبت های بزرگ است.

I5. اگر واقعاً چیزی بهتر و مفیدتر از رنج برای نجات انسان ها وجود داشت، مسیح قطعاً آن را با کلام و مثال نشان می داد. برای شاگردانی که از او پیروی می‌کنند و همه کسانی که می‌خواهند از او پیروی کنند، به وضوح آنها را به حمل صلیب تشویق می‌کند و می‌گوید:

اگر کسی می خواهد دنبال من بیاید، خود را انکار کند و صلیب خود را بردارد و از من پیروی کند. بنابراین، با مطالعه و بررسی همه چیز، اجازه دهید این نتیجه نهایی باشد:
زیرا از طریق مصیبتهای بسیار ما باید وارد ملکوت خدا شویم.

در نظر گرفتن.

به نظر می‌رسد که راه صلیب تلخ و سنگین است، اما عاقبتش شاد و پربار و برای دوستداران شیرین و مفید است. به نظر نفسانی و دنیوی، صحبت از انکار نفس و نابودی زندگی کنونی سخت می آید. اما برای کسانی که مسیح را دوست دارند طعم شیرین تر از عسل و لانه زنبوری است. زیرا انکار واقعی به خاطر خدا پادشاهی ابدی را آماده می کند. خوشا به حال کسی که عیسی را در زندگی خود از طریق مصائب و صلیب دنبال می کند، زیرا در نهایت او با عیسی خوب خواهد شد و از شنیدن چیزهای بد ترسی نخواهد داشت.

هنگامی که مصیبت به شما می رسد، مسیح با صلیب شما را ملاقات می کند: و او راه ملکوت آسمانی را به شما نشان می دهد که باید ادامه دهید. وقتی در مصیبت و دل بودی

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 22، ص 3، ص. ص 3، ص. 157 مربع 31 - 3 دره ،I93, 1. 25. - 2 Ib. I6
4 خطبه به — نیلوفرها ج. 33، شماره من نوآموزان 20، ص 6، ص. 191، 1. I6.

افسوس، پس شما با مجروحان روی صلیب هستید. وقتی می شنوید که شخصی سخنان ناشایست و سختی را به شما می گوید، آنگاه به شما داده می شود که از جام خداوند برای درمان روح خود بنوشید. ساکت باشید و جام نجات را بدون زمزمه بنوشید و خداوند در زندگی و در مرگ جواب شما را خواهد داد. خدا شما را فراموش نمی کند.

هیچ کس در دنیا نیست که در بدن یا ذهن خود با چیزی مخالف مواجه نشود.
هر جا بروی و بیایی، همه چیز را خوب نخواهی یافت: زیرا همه جا با رنجی مواجه می شود. و اگر نمی دانید که چگونه به این دلیل شادی کنید;
با این حال، شما باید تحمل کنید و در نهایت خود را به آرامش برسانید: و بدین ترتیب با صبر بر همه چیز غلبه کنید [3].

تمام زندگی مسیح یک صلیب بود. مال شما هم همینطور خواهد بود.
زیرا خودش میگوید: هر که میخواهد پس از من بیاید، باید صلیب مرا بردارد و به پادشاهی من تعقیب کنند.
که مسیح نه میتوانست و نه میخواست، و نه هیچ یک از عزیزترین دوستان و مقدسین او به دست میآورد؟ چون خودش گفته برای مسیح لازم بود که رنج بکشد و سپس به جلال خود وارد شود.

شما در برآورد خود آشکارا در اشتباه هستید: به ردپای مسیح که به شما نشان داده شده است توجه نمی کنید.

---

1 باغ رز 2 .C. 7, n. I 2 بیمارستان فقرا ج. آیو، ن. 4.
3 در مورد زندگی صلح آمیز خوب —
ص 2، ص. 396، 1. 8

او صلیب را از این دنیا به پدر آسمانی خود گذراند. از
هر یک از فاتحان و شهروندان ملکوت آسمانی
بپرسید که چگونه او این جلال خدا را برای همیشه
به دست آورد. آیا از طریق صلیب و مجازات نیست؟ 1
]

این راه است و راه دیگر نیست. راه راست، راه
مقدس، راه کامل: راه مسیح، راه صالحان، راه
برگزیدگان برای نجات. زیرا این نشانه ای آشکار در
برگزیدگان برای دستیابی به رستگاری ابدی است:
اگر آنها مصیبت ها و زحمت ها را برای نام مسیح تحمل
کنند. زیرا لازم بود مسیح رنج بکشد و بدین
ترتیب وارد جلال او شود. و بنابراین، با صبر و
تلاش، به استراحت میرود: زیرا پدر هیچکس را به
آسمان نمیپذیرد، مگر اینکه از طریق رنج و صلیب
پسر محبوب خود را دنبال کند.

او را تسلیم کرد تا به خاطر گناهان ما مصلوب شوند.
برای نجات، جایی که صلیب است، هیچ نجاتی خارج
از صلیب وجود ندارد. او بدون صلیب به پادشاهی
مسیح نمی آید.

پس در هر حادثه و ناتوانی که بر شما شتاب
می زند، نرم و متواضع و شکیبا باشید، زیرا

---

1 خطبه به نوآموزان 20o، ص 6، ص. 185 Ib 2 .22 ,1 ,.sq.
زندگی و — خطابه در مورد 3 ,I. II 186 ,p
— اشتیاق خداوند 32, 9 .1 ،293 .P. 3, p
4 در تشخیص شکنندگی خود ج. 7، ص 2، ص 370، اول
12. 5 رساله 3، 4 .n.

خدایا، و صلیب خود را با عیسی صبورانه حمل کن و هر روز بر روی صلیب برای نجات ابدی خود بمیری. زیرا هر مصیبت جسمی که با شکیبایی تحمل شود، داروی روح و رضایت گناهان و امید به سعادت و شکوه آینده است.

کسی که برای رنج میگریزد، او را دنبال میکند: زیرا زندگی پر از شکست و فشار است. چگونه-)

آیا با کمال میل از همه اشتیاق رها می شوید:

با این حال همیشه سفر شما نخواهد بود. پس اگر می خواهی خدا را خشنود کنی و سود زیادی کسب کنی، صبر کن. زیرا همه چیز به نفع تو تسلیم خواهد شد: اگر هر بدبختی را از دست خدا به عنوان سودی برای نفس بپذیری. راه درست بهشت، رنج کشیدن برای رضای خداست. در رنج افراد فرومایه: زندگی با فضیلت و حکمت بهشتی شناخته شده است 2.

من به شما می گویم که رنج بردن از ناملایمات از انجام کارهای خوب شایستگی بیشتری دارد. پس اگر در این دنیا مضطرب و افسرده هستید خدا را دشمن خود مپندار. بلکه شاد باشید که در اینجا متواضع و تازیانه می شوید تا پس از آن تا ابد با مسیح جلال پیدا کنید.

زیرا نیکوکاران بیشتر از بد ضرر میرسانند و زودتر فریب چاپلوسی را میخورند تا تلخی. سرزنش کردن

---

1 والیس لیلیورون ج. 6، نه 2. 2 در مورد زندگی صلح آمیز خوب ص 2، ص. 396, 1. 19. 3 در سه خیمه C. 3, n. I3. — موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 26، ص 3، ص. 232 متر مربع، 1. 28.

برادری از مسافری که از دور می آمد پرسید و گفت: به من بگو دوست خوب. چه خوبی در جاده شنیدی و دیدی؟ او پاسخ داد. شنیده ام که n عنایت به فقرا به اندازه کافی مورد ستایش بسیاری قرار گرفته است: اما من آن را مورد تقلید تعداد کمی دیده ام.
ده میشه 2

آیا شما برای مسیح چیزهایی را تحمل می کنید که برای شما سنگین است، در حالی که بسیاری از مردم دنیا چیزهای بی شمار سنگین تری را برای دنیا تحمل می کنند.
شایستگی خود را با بی صبری از دست ندهید، زیرا هر روز و ساعتی که می توانید با رنج های پرهیزگارانه ملکوت خدا و جلال ابدی را به دست آورید. در مصیبت و درد، مصائب عیسی مسیح را پیش روی خود قرار دهید، و تمام چیزهای سنگینی را که شما را سنگین می کند، تحمل خواهید کرد.

به عشق مسیح، بار صلیب مقدس را بپذیرید، که دروازه پادشاه آسمانی را به روی شما باز خواهد کرد. دیگه چی میخوای؟ راه سلطنتی برای آمدن به مسیح این است که بر اراده خود غلبه کنیم، I شکست را تحمل کنیم و به دنبال مزیت جسم نباشیم. او از طریق صلیب به نجات می رسد: از طریق مجازات به تاج می رسیم.

1 موعظه به مبتدیان 10 .1 ،I9, P. 6, p. I76.
2 در مورد زندگی صلح آمیز خوب ص 2، ص. 395. 12 .I. --
بیمارستان بینوایان ج. Io, D.3 4 باغ گل رز ج. 18، شماره 2. [3]
موعظه در مورد زندگی و 5

اشتیاق خداوند 22، ص 3، ص. 191، 1. 20.

کتاب سوم

DE

تسلی داخلی I

فصل اول

در مورد گفتار درونی مسیح به روح وفادار،

I. بگذار بشنوم که خداوند خداوند با من چه
می گوید. خوشا به حال جانی که سخنان خداوند را
در درون خود می شنود و از زبان او کلام تسلی می
گیرد. خوشا به حال گوشهایی که رگهای نجواهای
الهی را می پذیرند و به نجواهای دنیا توجهی
ندارند. به راستی خوشا به حال گوش هایی که
به صدای بیرون گوش نمی دهند، بلکه به
تعلیم حقیقت درون گوش می دهند. خوشا به حال
چشمانی که به ظاهر بسته اند، اما به باطن می
اندیشند. خوشا به حال کسانی که به باطن
نفوذ می کنند و با تمرینات روزانه، اسرار
آسمانی را بیش از پیش درک می کنند.

مطالعه می کنند تا خود را آماده کنند. خوشا به حال کسانی که خود را از خدا رها می کنند و از هر مانع دنیا می لرزند. ای جان من این چیزها را رعایت کن و درهای نفسانیات خود را ببند تا آنچه را که خداوند خدایت در درون تو می گوید بشنوی.

2. معشوق شما اینها را می گوید: من نجات و آرامش و زندگی شما هستم. خودت را با من نگه دار، آنگاه آرامش خواهی یافت. همه چیزهای گذرا را رها کن، به دنبال ابدی باش. چرا همه چیز موقتی است، اگر اغوا کننده نباشد؟
و اگر خالق شما را رها کرده باشد، همه مخلوقات چه فایده ای دارند؟ پس با کنار گذاشتن همه چیز، خود را پسندیده و نسبت به خالق خود وفادار کن تا بتوانی سعادت واقعی را درک کنی.

در نظر گرفتن.

من همان عیسی هستم که شما به دنبالش هستید.
اگر از من بپرسی: بدون همه چیز برو. زیرا تمام گنجینه های حکمت خدا در من پنهان است. و غیر از من هیچ نجاتی برای هیچ زنده ای نیست، و نه امیدی به زندگی جاودانی برای مردگان است.
پس چشمانت همیشه بر من باشد و دلت با من بماند و بالاتر از همه چیز

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 9، ص 3، ص. 9 .1 ،II8

تو مثل ستاره در من آرام می گیری زیرا من یهوه، خدای تو هستم که تو را آفرید و فطرت تو را پذیرفتم تا تو را به خود جلب کنم. با خیال راحت پیش من بیا: من برادر تو هستم، حتی حاضرم برای تو بمیرم. منتظر چی هستی؟ سریع بیا؛ و همه چیزهای بیگانه را رها کن، آنچه ممکن است مانع تو شود. اگر این کار را انجام دهی، معشوق خود را خواهی یافت که از او بیشتر شادی می کنی.

و همه بارها را راحت تر تحمل خواهید کرد.

"لذت من از بودن با پسران انسان است" (امثال 8: 31). هر که حکمت می خواهد به تعلیم من بیاید. کسی که به دنبال ثروت است، بیاید تا جاودانه و فساد ناپذیر را دریافت کند. بگذار کسی که بر افتخارات احاطه دارد، نامی جاودانی در بهشت به ارث ببرد. بگذار هر که خواهان خوشبختی است بیاید تا بدون ترس و خطر آن را تصاحب کند. کسی که به فراوانی همه چیزهای خوب طمع میورزد، بگذار نزد من بیاید تا خیر ابدی و عظیم را درک کند. این من هستم که همه ی کالاهای دنیوی را در دسترس قرار می دهم و بالاتر از آن، در ملکوت های بهشتی کالاهای ابدی عطا می کنم. و از عهد خود غافل نخواهم شد، در صورتی که [. عمل به اوامر من محقق شد.

اما کسی که در این دنیا مشروع جنگیده باشد در بهشت با شکوه بر سر خواهد گذاشت. [2].

---

1 Sernones در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 9، ص 3، ص 120 مربع، 1. 20، 2 تک گویی روح ج. 18 نه 5.

فصل دوم.

که حقیقت در درون بدون سر و صدای کلمات صحبت می کند.

I. صحبت کن، خداوند، زیرا بنده می شنود. من بنده تو هستم؛ مرا درک کن تا شما
شهادتهای تو را بدانم.
قلبم را به سخنان خود متمایل کن: بگذار مانند شبنم سخنانت جاری شود. بنی اسرائیل به موسی می گفتند: تو با ما سخن بگو و ما گوش خواهیم کرد. خداوند کمتر با ما صحبت نکند، مبادا بمیریم. چنین نیست، n خداوند، من چنین دعا نمی کنم، بلکه با سموئیل نبی متواضعانه و مشتاقانه التماس می کنم: خداوندا، سخن بگو، زیرا بنده تو می شنود. مبادا موسی یا هیچ یک از پیامبران با من صحبت کنند، بلکه تو سخن بگو، خداوندا، ای الهام دهنده و روشنگر همه پیامبران. زیرا تو به تنهایی میتوانی بدون آنها به من کاملاً نفوذ کنی. اما بدون شما هیچ پیشرفتی نخواهند داشت.

2. کلمات ممکن است واقعا به نظر برسند، اما روح را منتقل نمی کنند. حرف های قشنگ می زنند، اما با دل خاموش تو را آتش نمی زنند.
آنها نامه را تحویل می دهند، اما شما معنی را باز می کنید.
آنها اسرار را بیان می کنند، اما شما قفل درک مدلول را باز می کنید. دستور می دهند،

اما شما به تکمیل آن کمک می کنید. آنها راه را
نشان می دهند، اما شما تشویق می شوید که راه
بروید. آنها فقط در خارج عمل می کنند، اما تو
دلشان را دستور می دهی و روشن می کنی. آنها در
ظاهر آب می دهند، اما شما بارور می کنید. آنها با
کلمات فریاد می زنند، اما شما به شنیدن درک می
کنید.

3. پس موسی با من سخن نگوید، بلکه تو، ای
خداوند خدا، حقیقت جاودانی، مبادا بمیرم و بی ثمر
بمانم، اگر فقط از بیرون پند می گیرم و از درون ٢
برانگیخته نمی شوم. مبادا برای داوری من، سخنی
شنیده شود و انجام نشود، شناخته شود و دوست
نداشته شود، باور شود و حفظ نشود. پس ای
خداوند، سخن بگو زیرا بنده تو می شنود. زیرا
شما کلمات زندگی ابدی را دارید. برای تسلی روحم
و برای بهبود همه زندگی ام، اما برای حمد و جلال و
عزت ابدی با من سخن بگو.

در نظر گرفتن.

ای نازنین ترین خداوند عیسی!... چشمانم را باز کن و به
چیزهای شگفت انگیز شریعت تو خواهم اندیشید. n
همانا تو مؤسس شریعت هستی، تو الهام بخش و مربی
پیامبرانی هستی که سخنانشان شگفت انگیز است.

و شما به طرق مختلف پیش‌نمایش و پیش‌نمایش
بودید. اکنون آشکارا، اکنون مبهم.
آن بره عید قربان، که دستور داده شده بود هر سال
به یاد رهایی باستانی از مصر قربانی شود، شما را
پیش بینی می کرد. تو هم صخره ای که برای تشنگان
آب شیرین می ریزی:
تو مانا هستی که برای گرسنگان غذای شگفت
انگیز فراهم می کنی. مار برنزی سربلند شد و
بیماران مبتلا را از نیشش شفا داد: عصای کشیش
هارون که شکوفه می‌دهد و آجیل تولید می‌کند، تو را
به زیبایی جلوه می‌دهد. جای تعجب نیست که تو از
طریق خادمت موسی به آن قوم خیلی چیزها را گفتی
و از طریق خودت با ما آشکارتر.
زیرا به این ترتیب مطابق دستور عدالت بود،
بنابراین شریعت خوب و فیض بود... او بنی
اسرائیل را از سرزمین مصر بیرون آورد: شما
خود را از زندگی قدیمی، از اسارت شیطان، ازبرگزیدگان
زندان های جهنم آزاد کردید. او از طریق دریای سرخ
فرعون را غرق کرد، آنها را وارد سرزمین موعود کرد:
شما مؤمنان خود را با آب غسل تعمید خاموش می
کنید و گناه اصلی را خاموش می کنید، ملکوت را
برای ورود به عمارت بهشتی. او قانون ده فرمان را
که بر روی لوح های سنگی در کوه سینا نوشته
شده بود، گرفت و به مردم سپرد تا آن را نگه
دارند. تو، واسطه عهد جدید، قانون فیض را به
شاگردان در کوه موعظه کردی:

---

1 مراقبه در مورد تجسم مسیح ص 3، ص. 5 مربع 5. - Ib.
ص I3 Sq, 1. I4.

که با روح عشق بیشتر بر ذهن آنها تأثیر گذاشتی.

من خادم تو هستم، خداوندا مرا درک کن (مزمور 28: 125). چگونه می توانم بفهمم مگر اینکه کسی به من یاد بدهد؟ و چه کسی می تواند بهتر از تو، خداوند، در همه چیز تعلیم دهد؟

تو معلم من هستی، تو کتاب من هستی، زیرا بدون تو من بی سواد و برای همه چیز بی فایده هستم.

فصل سوم.

این که سخنان خدا با فروتنی شنیده شود و بسیاری آن را سنجیده نکنند.

1. بشنو ای پسرم، سخنان من، شیرین ترین سخنان، فراتر از همه دانش فیلسوفان و حکیمان این جهان. سخنان من روح و زندگی است نه با حس انسانی سنجیده شود. آنها نباید به خاطر رضایت بیهوده مورد توجه قرار گیرند، بلکه باید در سکوت شنیده شوند و با فروتنی و محبت فراوان پذیرفته شوند.

2. و گفتم: خوشا به حال کسی که خداوندا به او تعلیم خواهی کرد و از شریعت خود به او تعلیم خواهی کرد تا او را از روزهای بد نجات دهی و در زمین ویران نخواهد شد.

---

1 مراقبه در مورد تجسم مسیح ص 3، ص. 10 مربع 22، 2 دکترین جوانان 1 .C. 7، D،

3. خداوند می‌گوید، من از ابتدا به انبیا
تعلیم دادم و تا کنون از سخن گفتن با همگان
دست بر نداشته‌ام. اما بسیاری از صدای من
ناشنوا و سخت هستند. خیلی ها بیشتر از خدا
به دنیا گوش می دهند. آنها از خشنودی خدا راحت
تر از اشتهای بدن خود پیروی می کنند. او به
چیزهای دنیوی و کوچک وعده می دهد و با mun-
اشتیاق فراوان به او خدمت می کنند: من وعده
چیزهای بزرگ و جاودانه می دهم و دل های انسان ها
بی حس می شود. •

چه کسی در همه چیز با چنان دقتی از من خدمت می
کند و از من اطاعت می کند، همانطور که به دنیا و
اربابان آن خدمت می کند؟ خجالت بکش، صیدا، دریا
می گوید، و اگر دلیلی می جویی، بشنو چرا. راه درازی
برای تأمین اندک است. برای زندگی ابدی، بسیاری
به سختی پای خود را یک بار از روی زمین بلند می
کنند. به دنبال قیمت پایین است.

برای یک مدال منفرد گاهی اوقات به طرز شرم آور مورد
مناقشه قرار می گیرد. او از خستگی شبانه روز برای
وعده های بیهوده و کوچک هراسی ندارد.

4. اما، برای شرم! برای کالایی که قابل
مبادله نیست، با پاداشی غیر قابل تخمین،
با بالاترین افتخار و شکوهی که پایان
ناپذیر است یا برای مدتی به تأخیر می افتد.
پس خجالت بکش و از تنبلی و شکایت
بپرهیز، زیرا آنها برای هلاکت آماده‌تر از تو
برای زندگی هستند. آنها شادی می کنند

او بیش از شما به باطل وقف حقیقت است.
همانا آنها گاهی از امید خود ناامید می شوند، اما وعده من نه کسی را فریب می دهد و نه کسانی را که به من توکل می کنند خالی می فرستد.
آنچه را که قول داده ام خواهم داد.
آنچه را که گفته ام برآورده خواهم کرد. اگر کسی تا آخر به عشق من وفادار بماند. من پاداش دهنده همه خوبی ها و ثابت کننده قوی همه پارسایان هستم.

5. سخنان مرا در دل خود بنویس و با دقت از آنها عبور کن. زیرا آنها در زمان آزمایش بسیار ضروری خواهند بود. آنچه را که وقتی می خوانید متوجه نمی شوید، در روز ملاقات خواهید فهمید. من عادت دارم برگزیدگان خود را به صورت مضاعف ملاقات کنم، یعنی برای آزمایش و تسلیت. و من هر روز دو درس برایشان می خوانم: یکی سرزنش رذیلت هایشان و دیگری توصیه به فضیلت هایشان.
کسی که سخنان من را می پذیرد و آنها را رد می کند، کسی است که او را در روز آخر قضاوت می کند.

دعایی برای التماس فیض عبادت.

6. خداوندا، خدای من، تو همه دارایی من هستی. و من کی هستم که جرات کنم با تو صحبت کنم؟ من فقیرترین خدمتگزارم

وصیت شما، و یک کرم مرده، بسیار فقیرتر و حقیرتر از آن است که من می دانم و جرات می کنم بگویم. با این حال، پروردگارا، به یاد داشته باش که من هیچ هستم، هیچ ندارم و هیچ هستم. تنها تو خوب، عادل و مقدس هستی. شما می توانید همه چیز را انجام دهید، شما همه چیز را فراهم می کنید، همه چیز را انجام می دهید و تنها گناهکار را خالی می گذارید. رحمت خود را یاد کن و دلم را از لطف خود پر کن که نمی خواهی اعمالت بیهوده باشد.

7. چگونه می توانم خود را در این زندگی نکبت بار تحمل کنم، مگر اینکه با رحمت و لطف خود مرا تقویت کنی؟ رویت را از من برنگردان؛ بازدید خود را طولانی نکنید آسایش خود را نگیر، مبادا جان من برای تو مانند سرزمین بی آب شود. پروردگارا، به من بیاموز تا اراده خود را انجام دهم. به من بیاموز که با تو با متانت و فروتنی رفتار کنم. زیرا تو حکمت من هستي که مرا به حقیقت مي شناسي و قبل از ساخته شدن جهان و قبل از تولد من در جهان مرا مي شناسي.

در نظر گرفتن.

وقتی قرائت مقدس خوانده می شود، خداوند با شما صحبت می کند.
پس کلام خدا را با فروتنی بشنو

بسیار 1 کلمه حکمت ابدی را بشنو، از همه
خردمندان جهان برای تو مفیدتر است.
ای اسرائیل، احکام خداوند را بشنو و آنها را در دل 2
خود مانند کتاب بنویس. 0 کلمه شیرین و پند
مفید، محکم در قلب نهاده شده و پیوسته به
حافظه پرهیزگار ستایش شده است! 3 با غذای
فرشتگان تغذیه می‌شوید: کلام خدا غذای جان‌ها
است این نان حیات است که عیسی خداوند به شما
خواهد داد: در بیابان ناامید نشوید 4

اگر می خواهید کلمات مقدس را درک کنید، به
باطن روی آورید: و راه رفتن در روح را بیاموزید. ای
کاش همه عاقل باشند و بفهمند که تمرکز بر
تمرین های عبادی، مطالعه اسرار متون مقدس چقدر
لذت بخش است: تعمق در کلمات و آثار مسیح، اغلب
خواندن، اغلب دعا کردن، جویدن آنچه خوانده و
شنیده شده است. هر روز به یاد نعمت های خدا
باشید:

سپاسگزاری از خدا برای همه چیزهای خوب داده و آفریده شده،
حتی برای کوچکترین چیزها. همیشه برای بهتر شدن

---

1 باغ گل رز ج. 6، نه 3 .I .n ,2 .c ,2 Ib - .I دکترین جوان C. 4, n.
- .ص 3، ص. 162، 1، 9 ،I7 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند - .I
5 Ib. 15، ص 3، ص. I52، l. 29.

برای چیزهای بهشتی آه کشیدن و همه چیزهای زمینی را از دل دور کردن.

خداوند می گوید: گوسفندان من صدای مرا می شنوند. او صدای عیسی را می شنود که دنیا را طرد می کند، جسم را رام می کند، در برابر شیطان مقاومت می کند و بر رذایل او غلبه می کند و مجروحان را با تمام وجود دوست دارد و برای قدرت از او پیروی می کند.

کلام خداوند سپر جان با ایمان و تیری تیز در برابر دشمن است. بنابراین، اگر ناگهان ترسی بر شما هجوم آورد، دعا کنید و بخوانید: «ای خداوند، برای ما برج قوت در برابر دشمن باش» (مزمور 60، 4). اگر گوشت گندیده تحریک می‌کند، دعا کن و بخوان، زیرا از داوری‌های تو می‌ترسیدم.» (مزمور 118، 12o). اگر جلال بیهوده متورم شد، دعا کنید و بخوانید: «نه به ما، خداوندا، نه به ما، بلکه نام خود را جلال بده» (مزمور 23:9). رحم تو محافظ من هستی» (مزمور 70 و 56).

اگر خشم تو را آزار می دهد دعا کن و بخوان: پروردگارا صبر و آرامش عطا کن به بنده خود مبادا تاج جانم را در بهشت گم کنم. زیرا گفتی: "با صبر خود، جانهای خود را تسخیر خواهید کرد" (لوقا 21، 1g).

---

1 خطبه به نوآموزان 20، ص 6، ص. 2 - .5 .1 ,I84 دکترین جوان
بیمارستان [3] ج. 2، نه من
از بینوایان ج. I8.

دعای‌ی برای التماس فیض عبادت.

به یاد گدای بی‌چاره من، ای پدر خوب، در اعماق رحمتت، نان راستین را از بهشت، سخنی نیکو، سرشار از تسلی و فیض بفرست! ای تسلی دهنده عالی، میزبان شیرین روح، طراوت شیرین، که هر حیوانی را پر از برکت می کنی، دستت را بگشا و بر زمین خشکیده من برکتی از بهشت بریز. دستانم را به سوی تو دراز می کنم که برای تو سرزمین بی آب هستیم. خداوندا به سرعت به من گوش بده، زیرا روح من از بین رفته است. و من بدون تو کجا خواهم رفت؟ و به چه کسی پناه ببرم؟ خداوندا تو خدای من هستی، پس دعای مرا به سعادت بیشتری بپذیر. من روحم را به سوی تو بلند کردم، مرا از حقارت نگاه نکن. زیرا خودت گفتی و می‌خواهی به ما دلداری بدهی: «بیایید نزد من ای همه زحمتکشان و گران‌باران، تا شما را شاداب کنم.» و باز: «اگر کسی تشنه است نزد من بیاید و بنوشد». روح من تشنه تو بود، به همان اندازه که بدن من تشنه تو بود.

در سرزمینی متروک، صعب العبور و بی آب، مسکن من است، پروردگارا. تو به من زمین خشکی دادی، پروردگارا، بالا به من آب بده؟

---

1 تک گویی روح ج. 2 - IO، n. 8. بر سه خیمه ج. 3، نه 3.

فصل چهارم.

که باید با حق و تواضع در برابر خداوند مورد بحث قرار گیرد.

1. پسر، در پیشگاه من به راستی قدم بردار، و در سادگی دلت همیشه مرا جستجو کن. هر که پیش از من به راستی گام بردارد از حملات شیطانی در امان خواهد بود و حق او را از اغواگران و حقه بازان بدکاران نجات خواهد داد. اگر حقیقت شما را آزاد کند، واقعاً آزاد خواهید بود و به سخنان پوچ مردان اهمیت نمی دهید.

آقا این که شما می گویید درست است. پس لطفا با من تحمل کنید باشد که حقیقت تو به من بیاموزد، باشد که از من محافظت کند و مرا تا پایان مفید حفظ کند. او خودش مرا از هر محبت شیطانی و عشق بی نظم رهایی می بخشد. و من با شما در آزادی قلبی بزرگ قدم خواهم زد.

2. راست می گوید آنچه را که در پیشگاه من درست و پسندیده است به تو خواهم آموخت. به گناهان خود با ناراحتی و اندوه فراوان بیندیش. و هرگز گمان نکن که به خاطر کارهای خوب چیزی هستی. تو واقعاً گناهکار و تابع و درگیر هوس های بسیاری هستی. شما همیشه به هیچ چیز تمایل ندارید. به سرعت می لغزید، سریع شکست می خورید، سریع

شما آشفته هستید، به سرعت حل می شوید. شما چیزی ندارید که بتوانید از آن به خود ببالید، بلکه چیزهای زیادی ندارید که باید خود را از آن خوار کنید. زیرا شما بسیار ضعیف تر از آن چیزی هستید که توانایی درک آن را دارید.

3. بنابراین اجازه ندهید هیچ چیز در تمام کارهایی که انجام می دهید برای شما بزرگ جلوه کند. هیچ چیز بزرگ، هیچ چیز باارزش و قابل تحسین، هیچ چیز شایسته شهرت نیست. هیچ چیز عالی و هیچ چیز واقعاً ستودنی و پسندیده ای نیست، مگر آن چیزی که جاودانه است. باشد که حقیقت ابدی بیش از هر چیز برای شما خوشایند باشد، باشد که بزرگترین پستی شما همیشه برای شما ناخوشایند باشد. از هیچ چیز به اندازه زشتی ها و گناهان نباید ترسید، آنقدر سرزنش و دوری گزید، که باید از هر ضرری ناخوشایندتر باشد. برخی پیش از من با اخلاص قدم نمی گذارند، بلکه با کنجکاوی و غرور خاصی می خواهند اسرار من را بشناسند و ژرفای خداوند را درک کنند و از خود و نجات خود غافل شوند. اینها اغلب به دلیل غرور و کنجکاویشان، وقتی با آنها مخالفت می کنم، دچار وسوسه ها و گناهان بزرگ می شوند.

4. از قضای الهی بترسید، از غضب حق تعالی بترسید. ولی در مورد کارهای اعلی ها بحث مکن، بلکه گناهان خود را ببینی که چقدر تجاوز کرده اید و چه بسیار خوبی ها را نادیده گرفته اید. برخی فقط خود را حمل می کنند

ارادت در کتاب ها، برخی در تصاویر، و برخی در نشانه ها و اشکال ظاهری. بعضی ها مرا در دهان دارند، اما اندکی در قلب دارند. عده‌ای هستند که با عقل روشن و با محبت پاک شده‌اند، همیشه در آرزوی جاودانگی هستند، چیزهای زمینی را بشدت می‌شنوند، و با درد و رنج به نیازهای طبیعت خدمت می‌کنند. و اینها احساس می کنند که روح حقیقت در آنها چه می گوید. زیرا به آنها می آموزد که چیزهای زمینی را تحقیر کنند و چیزهای بهشتی را دوست داشته باشند، از دنیا غافل شوند و تمام شبانه روز در آرزوی بهشت باشند.

در نظر گرفتن.

مسیح حقیقت است و کسی که از مسیح پیروی می کند عاشق حقیقت و تمام فضیلت است. کسی که راست می گوید و از گناه بیزار است، در ملکوت آسمان بزرگ خواهد بود. کسی که گناه می کند و از حق بیزار است، در عذاب ابدی خواهد بود.

در حقیقت بایستید و حقیقت شما را از تمام دروغ ها و ناراستی هایی که در مورد شخص شما گفته شده رها می کند. در صدقه و صدقه بمان تا مورد قبول خدا و فرشتگان و مردم خواهی بود. و نترس شر می تواند برخی از چیزهای گذرا را از بین ببرد، اما خداوند موارد بسیار بزرگتر و ابدی را به صابران باز می گرداند.

---

1 باغ گل رز ج. 10، 3 2 .n.

صرف ایمان داشتن و اطاعت متواضعانه فیض
می‌یابد و اعتماد به خود، آنچه را که دارد از دست
می‌دهد. آیا لغزش های مکرر و اشتباهات آسان شما به
شما یاد می دهد که در مورد خود پست و ارزان فکر
کنید؟ و به هیچ وجه احساس تعالی نخواهید کرد،
بلکه شرمنده خواهید شد و خود را پست و بی
فایده خواهید خواند. خداوند به خدمت شما نیازی
ندارد، حتی اگر درست عمل کنید.

و او را به شایستگی خشنود نخواهی کرد، مگر اینکه خود را
بنده ای نالایق و بی فایده تشخیص دهی. هنگامی که آنچه را
که به تو دستور داده شده انجام دادی، می گوید:
آنها را برده های بی فایده نامید. اگر باید این را
بگویید، تمام دستورات را انجام داده اید و حق ندارید به
چیزی مباهات کنید. وقتی هر روز در خیلی چیزها
شکست می خورید و تخلف می کنید، چقدر باید احساس
بی ارزشی و بی ارزشی کنید: و تقریباً هیچ چیز را به
کمال نمی رسانید. وقتی یک روز یا یک ساعت توانستی،
مواظب باش که در برابر خدا و مردم رفتار کنی.

که نباید از هیچ یک از کارهایی که باید انجام می دادی، و
آن طور که شایسته بود، غفلت نکنی؟ ضعف انسان
چنان است که بدون سرایت نیست، حتی آنهایی که
قضاوت انسانی آنها را عادلانه ستوده است.
پس تمام خودراضی و تکبر بیهوده را کنار بگذارید
و به انبوه بیهودگی های خود توجه کنید. در مورد
انحراف و بی ثباتی افکار خود بحث کنید. و در

---

1 دره نیلوفرها ج. 21، شماره 3. 1b. ج 31، شماره 3.

خود را نه تنها برای چیزهای خوب بی فایده خواهید دید، بلکه
با ا در معرض بسیاری از بدی ها و مستحق غوغاها و مجازات
ها خواهید بود.

فصل پنجم

در تأثیر شگفت انگیز عشق الهی.

من تو را برکت می‌دهم، ای پدر آسمانی، پدر
خداوند من عیسی مسیح، زیرا تو به یاد
فقیران من افتخار کردی. ای پدر رحمتها و ای
خدای همه تسلیها، تو را سپاس می گویم که
تازه گاه با دلداری خود مرا نالایق از هر دلداری
می کنی. تو را همیشه برکت می‌دهم و تو را
با پسر یگانه و روح‌القدس تا ابدالاباد
جلال می‌دهم.

ای خدایا ای معشوق مقدس من وقتی به قلب
من آمدی تمام اندرونم شاد خواهد شد. تو جلال
مال من .r و شادی قلب منی. تو امید و پناه من در
روز سختی

مال من

2. اما چون هنوز در عشق ضعیف و از نظر
فضیلت ناقص هستم، بنابراین نیازمند
تقویت و تسلی تو هستم.
بنابراین اغلب به من سر بزنید و یاد بگیرید

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 20، ص 3، ص. I72
مربع، 1. I4.

رشته های مقدس مرا از هوس های شیطانی رهایی بخش، و یک قلب سالم از تمام عواطف نابسامان، تا شفا پیدا کنم و از درون پاک شوم، مناسب عشق باشم، قوی در رنج باشم، و پایدار باشم.

3. عشق یک چیز بزرگ است، یک خیر همه جانبه بزرگ، که به تنهایی همه بارها را سبک می کند و همه چیز را به یک اندازه تحمل می کند. زیرا او باری را بدون بار به دوش می کشد و همه چیز را تلخ و شیرین و گوارا می کند. in-

عشق شریف عیسی ما را به کارهای بزرگ سوق می‌دهد و ما را به آرزوی چیزهای کامل‌تر برمی‌انگیزد. عشق می‌خواهد بالاتر باشد و چیزهای پایین‌تری مانع از آن نشود. عشق می خواهد از همه محبت های دنیوی آزاد و بیگانه باشد، مبادا جلوه درونی آن گرفته شود. که نباید به هیچ وجه دچار عوارض موقتی شود و یا تسلیم ناراحتی نشود. هیچ چیز شیرین تر از عشق، هیچ چیز قوی تر، هیچ چیز عمیق تر، هیچ چیز گسترده تر، هیچ چیز شیرین تر، هیچ چیز کامل تر یا بهتر در بهشت و روی زمین نیست.

زیرا عشق از خدا زاده شده است و جز در خدا نمی تواند بر همه مخلوقات تکیه کند.

4. عاشق پرواز می کند، می دود و شادی می کند؛ رایگان است و محدود نمی شود. او همه چیز را برای آن می دهد

به همه چیز، و همه چیز را در همه چیز دارد.
زیرا در یک شخص برتر بیش از همه چیز می داند که همه خوبی ها از او سرازیر می شود و حاصل می شود. او به هدایا توجهی نمی کند، بلکه بیش از همه چیزهای خوب به هدیه دهنده روی می آورد.
عشق اغلب اندازه ای نمی شناسد، اما بیش از هر اندازه می جوشد. عشق باری احساس نمی کند، زحمات را در نظر نمی گیرد. بیش از ارزش آن تأثیر می گذارد. ناشی از عدم امکان نیست، زیرا فکر می کند همه چیز برایش ممکن و حلال است. بنابراین او قادر به انجام همه چیز است و بسیاری از چیزها را برآورده می کند و به ثمر می رسد، جایی که کسی که عشق ندارد کوتاه می آید و دروغ می گوید.

5. عشق تماشا می کند و نمی خوابد. آن که خسته است، خسته نیست، آن که مقید است، مقید نیست، از ترس ناراحت نمی شود. اما مانند شعله‌ای زنده و مشعل فروزان می‌ترکد و به سلامت می‌گذرد. اگر کسی دوست دارد، می داند که این صدا چه فریاد می زند.
فریاد بزرگ در گوش خدا، محبت سوزان روح است که می گوید: خدای من، عشق من، تو همه مال منی و من همه مال تو هستم.

6. مرا در عشق بسط ده تا چشیدن را با دهان باطن دل بیاموزم، چه شیرین است دوست داشتن و ذوب شدن و شنا کردن در عشق.
قبل از این، مرا با عشق نگه دار، بالای سرم برو

با شور و حیرت بیش از حد. ترانه ای از عشق بخوان، من به دنبال تو خواهم رفت محبوب من در اوج، بگذار روحم در ستایش تو ناکام بماند، شادی برای عشق. من تو را بیشتر از خودم دوست خواهم داشت، نه خودم را جز تو، و همه در تو که واقعاً تو را دوست دارند، همانطور که قانون عشق از تو می درخشد.

7. عشق سریع، خالصانه، پرهیزگار، پسندیده و پسندیده است; نیرومند، صبور، وفادار، محتاط، بلندمرتبه، مردانه و هرگز دنبال خود نیست. زیرا انسان در جایی که خود را می جوید، آنجا از عشق می افتد. این عشق محتاطانه، فروتن و راست است، نه نرم، نه سبک، و نه بیهوده به چیزها. هوشیار، پاکدامن، ثابت قدم، ساکت و به تمام معنا مراقب. se

عشق مطیع و مطیع مافوقان، ذلیل و حقیر برای خود، فداکار و شاکر خداوند، همیشه به او توکل و امید دارد، حتی اگر خدا برای خود دانا نباشد: زیرا عشق بدون درد زندگی نمی کند.

8. کسی که حاضر نیست همه چیز را تحمل کند، و بر اراده معشوق ایستادگی کند، شایسته نیست که عاشق خوانده شود. بر عاشق لازم است که به خاطر معشوق همه چیز را سخت و تلخ در آغوش بگیرد و حوادث خلاف آن را از او دور نسازد.

در نظر گرفتن.

خداوند از طریق صدقه به دنیا آمد. از طریق صدقه انسان را به بهشت بازگرداند. مسیح از طریق نیکوکاری بر انسان گناهکار نازل شد. از طریق صدقه و تحقیر صلیب به دست راست پدر صعود کرد و بزرگترین افتخار را به انسان داد.

فضیلت شریف صدقه است که بر همه فضایل اعم از علم و موهبت برتر است.
این خدا را در آغوش میگیرد و فرشتگان را با مردم شریک میسازد و پسران انسان را خدا و دوستان اولیاء میکند. این امر گناهکاران را صالح، بردگان را آزاد، دشمنان را دوستان، غریبه ها را شهروند، غریبه ها را آشنا، مغرور را فروتن، منحرف را حلیم، دمدمی گرم، غمگین را شاد، سرسخت را سخاوتمند، زمینی آسمانی و بی تربیت را خردمند می کند. صدقه همه این چیزها را انجام می دهد، که توسط روح القدس در قلب مؤمنان منتشر شده و از آسمان به آنها داده شده است.

صدقه که در مخلوقات می بیند و می شنود، اشاره به حمد و جلال خالق دارد.
زیرا هیچ چیز به این کوچکی و پستی در ذات اشیاء نیست که در آن خیر و صلاح موجود، کار صنعتگر، قدرت خالق، حکمت تنظیم کننده، و مشیتی که بر همه چیز عادلانه ترین حکمرانی دارد، درخشیده نباشد.

---

1 Hortulus rOSarumn c. 13, n. 2.

2 ترابایت نه من ——

هیچ کاری بزرگتر از این نیست که خدای خالق و نجات دهنده خود را با تمام قلب و با تمام روح و با تمام ذهن و با تمام قدرت دوست داشته باشید و ستایش کنید. تا زمانی که زنده هستید، احساس می کنید و درک می کنید، این کار را انجام دهید. این را با کار و گفتار، روز و شب، صبح، ظهر، عصر، هر ساعت و هر لحظه انجام دهید. عشق بورزید و دوست داشته شوید. خدا را ستایش کنید و ستوده خواهید شد. خدا را تسبیح گویید و از نظر جسم و روح توسط او جلال خواهید یافت.

صدقه هرگز بی‌کار نیست. زیرا او در امور بزرگ و متعالی کار می کند و با کمال میل به حقیر و مطرود می پردازد. از دست زدن به زخم‌های بیماران، شستن پاهای‌شان، گشودن رختخواب‌های‌شان، تمیز کردن لباس‌های‌شان و پاک کردن کثیفی‌ها دریغ نمی‌کند. او صبورانه سختی را تحمل می کند، در میان سرزنش ها شادی می کند. یوغ مسیح برای عاشقان شیرین است. Sweet Lesus همه چیز را شیرین و سبک می کند 8

همان گونه که آتش هیزم را می خورد، صدقه نیز زشتی ها را خاموش می کند. قلب با پشیمانی پاک می شود، با اعتراف شسته می شود، با دعا پاک می شود، با خواندن مقدس روشن می شود، با مراقبه عابدانه برافروخته می شود، روح را با عشق پر حرارت به خدا پیوند می دهد. در واقع، نیروی عشق نمی داند چگونه استراحت کند. اما او بی وقفه در مورد معشوقش پرس و جو می کند، پیام می فرستد، دعا می کند

---

2 باغبان 1 دره نیلوفرها ج. 26، شماره Ib 3 - .2 I. ج 8،

4 —— نه 2. —— گل رز ج. 13، 3 .n.

ج. 4 .I3، n.

به هم می پیچد، اما رهایش نمی کند، زیرا عشق می خواهد آنچه را که میل دارد، کاملاً تصاحب کند.
نفس پاك به سرعت و آزادانه به سوي خدا مي رود و بر همه چيزهاي دنيا پرواز مي كند كه در روي زمين هيچ برتري و افتخاري نمي خواهد.
او نمی داند چگونه خود را مهار کند، اما بیش از همه اشراف بهشتی آرزو دارد که تنها محبوب خود و بنیانگذار همه چیز را بیابد که بر همه چیز مسلط است، زیرا در او شادترین شادی و آرامش را داشته باشد.
عشق ابدی و بی اندازه عیسی این کار را انجام می دهد، به طوری که شما خود را ترک می کنید: و عیسی را بیش از هر چیز دوست بدارید. قلب خود را به او بسپارید و از او بخواهید شیرین ترین نام خود را در آن بنویسد.

هر چه داری به او بده: و تمام او باش، تا ابد

6

فصل ششم

در آزمون یک عاشق واقعی.

1. پسر، تو هنوز عاشق قوی و محتاط نیستی.

چرا پروردگارا؟

---

1 تک گوویی روح ج. 12، شماره 7. —— 2 باغبان
گل رز ج. 13، Ib - .5 .n. نه من —— 4 خطبه
در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 6، —— ص 3، ص. 92 متر مربع، 1. 30.
5 Ib. 16، ص 3، ص. I57, 1. I7. - 6 Ib. 6، 27 .1 ،92 .ص 3، ص.

زیرا به دلیل یک تناقض جزئی، شروع نمی کنید و بیش از حد مشتاقانه به دنبال تسلیت هستید. در امتحانات در برابر معشوق محکم می ایستد و اقناع هوشمندانه دشمن را باور نمی کند. همان گونه که در رفاه او را خشنود می کنم، در مصیبت نیز او را ناخشنود نمی سازم.]

2.عاشق عاقل، هدیه عاشق را به اندازه محبت بخشنده نمی داند.

او به جای ارزیابی، به احساس توجه می کند و همه داده ها را زیر دلخواه قرار می دهد. یک عاشق نجیب نه در یک هدیه، بلکه در من بالاتر از هر هدیه است. بنابراین، اگر گاهی اوقات نسبت به من یا مقدسان من کمتر از آنچه می خواهید احساس خوبی داشته باشید، همه چیز از بین نمی رود. آن محبت خوب و شیرینی که گاهی درك می‌اکنی، اثر فیض حالی است و به نوعی منادی مملکت بهشتی است که نباید زیاد به آن تکیه کرد، چون می‌آید و می‌رود. اما مبارزه با حوادث انگیزه های شیطانی ذهن، و رد پیشنهادات شیطان، نشانه فضیلت و شایستگی بزرگ است.

3. پس با خیال پردازی های عجیب و غریب در مورد هر چیزی که خورده اید، مزاحم نشوید. شاید هدف و نیت خود را مستقیماً نزد خدا نگه دارید. همچنین این توهم نیست که گاهی ناگهان به افراط و تفریط کشیده می شوید

فوراً به حماقت های معمول قلب برمی گردی.
زیرا با دعوت از آنها هنگام عمل بیشتر رنج می برید. و تا زمانی که آنها مخالفت کنند و شما مقاومت کنید، شایستگی است نه نابودی.

4. بدان که دشمن باستانی می‌کوشد مانع هوس تو در خیر شود و تو را از هر تمرین عبادی خالی کند.
یعنی از عبادت اولیاء، از خاطره پرهیزگار شور من، از یاد مفید گناهان، از نگهبانی قلب خود، و از هدف استوار ترقی در فضیلت.

او بسیاری از افکار شیطانی را می بلعد تا شما را خسته و وحشتناک کند: تا شما را از نماز و خواندن مقدس بازخواند. او از اعتراف متواضع بدش می‌آید، و اگر می‌توانست، باعث می‌شد که او را از اشتراک بازدارد. او را باور نکنید و به او اهمیت ندهید، هرچند او بارها برای شما دام های فریب قرار داده است. به خودش، وقتی پلیدی و ناپاکی می کارد. به او گفته شد: برو ای روح ناپاک، شرم کن، بدبخت، تو بسیار ناپاک هستی که چنین چیزهایی را به گوش من می آوری. از من دور شو، ای بدترین اغواگر، تو هیچ نقشی در من نخواهی داشت. اما عیسی مانند یک جنگجوی قدرتمند با من خواهد بود و شما گیج خواهید ایستاد. من ترجیح می دهم بمیرم و هر مجازاتی را تحمل کنم تا اینکه با تو موافق باشم. خفه شو و ساکت شو، نه

من دیگر به شما گوش نخواهم داد، اگرچه شما برای من مشکل بیشتری برنامه ریزی می کنید. خداوند نور و نجات من است، از چه کسی بترسم؟ اگر اردوگاه در مقابل من بایستد، قلبم نمی ترسد. خداوند یاور و نجات دهنده مهربان من است.

5. مانند یک سرباز خوب بجنگید. و اگر گاهی از ضعف افتادی، با اعتماد به لطف بیشتر من، قوی‌تر از قبل از سر بگیر، و از خودخواهی و غرور بیهوده بسیار مراقب باش. به همین دلیل، بسیاری به اشتباه و گاهی به کوری تقریباً غیرقابل درمان می لغزند. بگذار این سقوط مغروران و خودپسندان احمقانه، احتیاط و فروتنی همیشگی باشد.

در نظر گرفتن.

در بهشت همیشه شادی است، در جهنم همیشه اندوه وجود دارد. در دنیا هم برای مدتی برای اثبات مردان خوب و هم بد.
در تابستان روزها روشن‌تر و در زمستان تاریک‌تر می‌شود: با روح عابد چنین است.
وقتی لطف خدا می‌آید و او را نورانی می‌کند، آنگاه بسیاری از پنهان‌ها را می‌شناسد و می‌فهمد، با ارادت فراوانی که احساس می‌کند می‌خواند و شادی می‌کند. اما در فصل وسوسه که فیض عبادت برداشته می شود، در زمستان است

و در سردی، در تاریکی درک، و در وحشت ذهن. آنگاه صبر نزد خداوند لازم و مقبولتر است و فضائل در مصیبت ها رشد می کند و با صبر بر اجر ابدی افزوده می شود.

دوستدار واقعی خدا، خدا را محض دوست دارد، یعنی خدا را برای رضای خدا و تنها برای او لذت ببرند، نه برای سودی که از او حاصل شود، نه برای این که از آن منفعت شخصی و نه آسایش و پاداشی حاصل شود، بلکه تماماً و نهایتاً به خاطر خیر بیکران و کرامت عالی او.

عشق تو چگونه شناخته می شود، مگر اینکه غم هایت را با نرمی تحمل کنی؟* 0 روح پاکی شاد که خدا همه چیز اوست، که غیر از خدا هیچ چیز خوشایند و گرانبهایی را احساس نمی کند، اما همه چیز برایش تلخ و سنگین به نظر می رسد! خداوند چنین مردی را می خواهد، چنین مردی را دوست دارد که به خاطر عشقش خود و همه چیز را رها می کند و دلیرانه می جنگد و دلش را پاک نگه می دارد.

تا زمانی که در کالبد گناه باقی می مانید، نه امنیت از وسوسه ها دارید، نه آرامشی از آن

---

1 دره نیلوفرها ج. 3، نه من -؟ Ib. ج 4، نه 3 - .I باغ گل رز
4 تک گوی C. 5, n. 2.
روح ج. 17، شماره 9. - باغ گل رز ج. 13، 5 .n.

جرات می کنی به خودت قول سختی بدهی، اما مثل یک سرباز قوی، از خطاهایت مطمئنی. بنابراین، زره خدا را بپوشید و برای آماده شدن برای نبرد بایستید، زیرا در برابر شما، جسم، جهان و شیطان، که از مبارزه شبانه روز با بیگناهان دست بر نمی دارید و می خواهید مسیح را خدمت کنید، جنگ های بسیاری وجود دارد. اما از آنها نترس، به حرفشان گوش نده، باورشان نکن و با پیشنهادهای زیبا و نادرستشان موافقت نکن، زیرا با فریب با تو حرف می زنند، تا تو را بگیرند و فریب دهند و از خدا دور کنند و در نهایت تو را به همه بدی ها بکشانند. به ندرت چیزی به این خوبی وجود دارد که شما می خواهید انجام دهید، بدون اینکه شیطان تلاش کند از آن جلوگیری کند، و همیشه آن را به بدی بکشاند. به آنها توجه نکنید، آنها را به حساب نیاورید، بلکه همه آنها را سرگین رد کنید. برگرد، شیطان ای سرباز مسیح، این کلمات را در برابر تمام خیالات شیطانی بیان کن! 3

بنابراین این یک هنر بزرگ، یک فضیلت بزرگ است که از خوبی و بدی به خوبی استفاده کنیم. پس جان من، خداوند را در همه حال برکت بده. ای صهیون، روز و شب، خدای خود را ستایش کن، و اجر تو از هر دو طرف خدا در آسمان و زمین بسیار خواهد بود، و همه چیز تو را به سعادت خدمت خواهد کرد و

---

1 گفتگوی مبتدیان C. 3, n. 3 4. 2 بیمارستان فقرا ج. 6، نه 2. - Manual of Minors C. 6, n 3. من

خوب و بد، شاد و غمگین. از این رو رسول می گوید (رومیان 8:28): "برای کسانی که خدا را دوست دارند، همه چیز با هم برای خیر عمل می کند."[1]

فصل هفتم.

در پنهان کردن فیض در زیر گارد تواضع.

1. پسرم، برای تو مفیدتر و ایمن‌تر است که فضل عبادت را پنهان کنی و خودت را سربلند نکنی و زیاد آن را نگویی و سنگینی نکنی. بلکه از این می ترسد که به خود به حقارت نگاه کند و از اینکه بی لیاقت به حساب آید. نیازی به چسبیدن بیشتر به این محبت نیست، که می تواند به سرعت به عکس تبدیل شود. به لطف فکر کنید که بدون لطف چقدر بدبخت و درمانده خواهید بود. پیشرفت زندگی معنوی نیز فقط در او نیست، آن هم در صورتی که از فیض تسلی برخوردار باشید.

اما هنگامی که متواضعانه و با انکار خود، ترک آن را تحمل کنید، تا از خواندن نماز بی حس نشوید، و اجازه ندهید که بقیه کارتان از انجام آن دور شود، بلکه آنچنان که بهتر می توانید و درک می کنید، آنچه را که در خود دارید با میل و رغبت انجام می دهید، نه به دلیل خشکی یا خشکی

---

1 والیس لیلیورون ج. 3، نه 2.

اضطراب ذهنی را که احساس می کنید کاملاً نادیده می گیرید.

2. زیرا بسیاری هستند که وقتی همه چیز برایشان خوب پیش نمی‌رود، بلافاصله بی‌اصبر یا مأیوس می‌شوند. زیرا راه او همیشه در اختیار انسان نیست، بلکه خداست که هر وقت بخواهد و هر قدر که بخواهد و به هر که بخواهد بدهد و دلداری بدهد و نه بیشتر. عده ای به خاطر فیض عبادت خود را از روی غفلت نابود کردند، زیرا می خواستند بیش از آنچه که می توانستند، بدون در نظر گرفتن میزان کوچکی خود، بلکه به دنبال عواطف دل باشند، نه عقل. و چون چیزهای بزرگتر از آنچه قضاوت مورد رضایت خدا بود فرض می کردند، به سرعت لطف خود را از دست دادند.

تهی دست و رها شده اند که لانه خود را در بهشت نهاده اند تا فرومایه و فقیر یاد بگیرند که بر بال خود پرواز نکنند، بلکه زیر پرهای من امیدوار باشند. کسانی که هنوز در راه پروردگار تازه کار و بی تجربه هستند، مگر اینکه با نصیحت دانا هدایت شوند، به راحتی می توان فریب خورد و از آنها دوری کرد.

3. اما اگر آنها بیش از آن که بخواهند باور کنند که توسط دیگران تربیت شده است، از احساس خود پیروی کنند، اگر نخواهند از تصور خود کناره گیری کنند، عواقب خطرناکی برای آنها خواهد بود. به ندرت برای خودش

خود خردمندان متواضعانه از بال های پادشاه رنج می برند. داشتن اندکی خرد همراه با فروتنی و اندکی فهم بهتر است تا گنجینه ای بزرگ از دانش با لذتی بیهوده. برای شما بهتر است کمتر از داشتن چیزهای زیادی که بتوانید به آن افتخار کنید.

او به اندازه کافی با احتیاط عمل نمی کند، کسی که خود را کاملاً به شادی می سپارد، ناتوانی سابق خود و ترس خالصانه از خداوند را فراموش می کند، کسی که می ترسد فیض ارائه شده را از دست بدهد. او از نظر فضیلت به اندازه کافی عاقل نیست که در مواقع سختی و سختی بیش از حد ناامیدانه رفتار می کند و کمتر از آنچه که باید در مورد من فکر می کند و احساس می کند.

4. کسی که تصمیم می گیرد در زمان صلح بیش از حد امن باشد، اغلب در زمان جنگ بسیار افسرده و ترسناک خواهد بود. اگر می دانستی چگونه همیشه متواضع و متواضع باشی. استقامت کنید، و همچنین روحیه خود را به خوبی تنظیم و کنترل کنید، مبادا به این سرعت در معرض خطر و آزار قرار بگیرید. این یک برنامه خوب است که با روحیه پرشور مراقبه کنید، پس از خروج نور چه خواهد شد. در حالی که این اتفاق افتاده است، دوباره فکر کنید که آیا نوری که برای احتیاط شما، اما برای جلال من، برای مدتی پس گرفتم، می تواند بازگردد یا خیر.

5. چنین اثباتی اغلب مفیدتر از این است که اگر همیشه برای اراده خود موفق بوده اید.

از کتب مقدس، یا در سطح بالاتری قرار می گیرد: in
اما اگر او بر تواضع واقعی بنا شده باشد و سرشار از عشق الهی باشد. اگر همیشه به طور خالص و کامل به دنبال عزت خدا باشد. اگر خود را هیچ قدر نمی داند و در حقیقت تحقیر می کند و از تحقیر و تحقیر شدن توسط دیگران بیشتر خوشحال می شود تا اینکه مورد احترام قرار گیرد.

در نظر گرفتن.

برای مغزهای متدین، هر مکان مخفی مناسب و آرام است و هر زمان برای تمرینات معنوی کوتاه است. شاید گاهی آن را متفاوت تجربه می کنند و همه شیرینی و سبکی برایشان تبدیل به تلخی و ملال می شود. پس وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، به این دلیل، اموال پیشین خود را کنار نگذارند و گمان نکنند که مقصود مقدس خداوند را ناخشنود می‌سازد، بلکه فکر کنند که چقدر مفید است، که گاهی ممکن است اندکی آزار و اذیت و آزمودن ارواح خبیثه شوند و از صبر، ثمرات نیک به بار آورند.

بگذارید با این چیزها بقیه را نیز به آنها یادآوری کند تا برای تحمل ناملایمات بیشتر مضطرب شوند. زیرا نه تنها در صلح، بلکه در مصیبت ها و وسوسه های عشق به خدا و

برای ستایش، به راستی که راه کمال به سوی حیات جاویدان شکوهمندتر است،

ولی اگر به فضل خاصی مورد زیارت خداوند قرار گرفتی و مست شدی; بدان که تو یک مرد هستی نه فرشته، که هنوز بار جسم را بر دوش می کشی نه ردای روح: فیض داده شده را به خاطر بسپار، نه ذاتی. پس مراقب باشید که نمی خواهید عاقل تر از آنچه باید باشید. و همچنین تصور نمی کنید که بالاتر باشید:

مبادا پس از آن، تحقیر شده، ناامید شوید.
وقتی فیض ارادت داده می شود، خورشید از آسمان می تابد و روح روشن می شود و چنان شاد می شود که گویی در توانگران است. اما اگر متکبر و متکبر باشید به طرز بدی فریب خواهید خورد. اما هنگامی که فیض پنهانی دریغ می‌شود و از ناسپاسان سلب می‌شود، واقعاً فقیر و ضعیف هستید و کمی تحمل می‌کنید و از دعا خسته می‌شوید. اما این را به عنوان یک موهبت تلقی کنید که خدا شما را فقیر می کند و با برگزیدگان خود فروتن می کند و به خاطر زیاده خواهی های پنهان و غفلت های روزانه تان با عصای فرزندانتان پشت شما را می زند، تا در مورد خود بد باشید و هرگز نسبت به خودتان زیاده روی نکنید، همانطور که پولس مقدس به رومیان توصیه می کند: «عمیق فکر نکنید، بلکه بترسید». این سود بزرگی است که نفس نسبت به خود احساس حقارت کند و همه خوبی ها را به خدا نسبت دهد. 3

---

1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 1، I5 I4 .n.
2 در نظم و انضباط صومعه ج. 9، ص 2، ص. 302 متر مربع، 1. 30.
3 دره نیلوفرها ج. 2، نه 2.

فصل هشتم.

اعتماد به نفس پایین در چشم از خدا

1. با پروردگارم سخن خواهم گفت وقتی که خاک و خاکستر باشم. اگر بیش از این به خودم فکر کنم، ببین، تو در مقابل من می ایستی و می گویند که من شاهد واقعی گناهانم هستم و نمی توانم با آنها مخالفت کنم. اما اگر خود را خوار و ذلیل کنم و خود را به هیچ اندازم و عزت نفس را کنار بگذارم و چنان که هستم پودر شوم، لطف تو بر من خواهد بود و نور تو بر قلبم نزدیک است. و هر تخمینی هر چند کوچک در وادی نیستی من غوطه ور می شود و برای همیشه نابود می شود. در آنجا به من نشان می دهی که من چه هستم، چه بوده ام و به کجا آمده ام، زیرا من هیچ هستم و آن را نمی دانم.

اگر آن را به خودم بسپارم، هیچ چیز و همه ضعف را ببین. اما اگر ناگهان به من نگاه کنی، بلافاصله قوی می شوم و سرشار از شادی جدید می شوم. و بسیار تعجب آور است که من به این ترتیب از شما که همیشه با وزن خودم به ته دل می نشیند، آرام می شوم و با مهربانی خوشحال می شوم.

2. عشق شما این کار را می کند، آزادانه به من هشدار می دهد و از راه های زیادی به من کمک می کند

ضروریات، و من را از خطرات شدید و شرهای بی‌شمار، همانطور که واقعاً می توانم بگویم، محافظت می کند. در واقع، من خودم را با دوست داشتن بد از دست دادم. و تنها با جستجوی تو و نصیحت محض تو، خود را و تو را یکسان یافتم و از عشق عمیق تر به هیچ فرو رفتم. زیرا تو ای نازنین، با من بیش از هر شایستگی، و بالاتر از آن چیزی که من جرأت امیدواری یا درخواست آن را دارم، با من داری.

3. خوشا به حال خدای من، زیرا اگرچه من لایق همه چیزهای خوب هستم، اما شرافت و نیکی بی‌کران تو هرگز از نیکی کردن به ناسپاسان و دور از تو باز نمی ماند. ما را به سوی خودت برگردان تا شاکر و متواضع و فداکار باشیم، زیرا تو نجات و قوت و قوت ما هستی.

در نظر گرفتن.

افسوس، این چگونه می تواند باشد: چیزی که می خواهیم استفاده کنیم چیزی است. با این حال ما در حقیقت چیزی نیستیم: اگرچه به نظر می رسد برای خودمان چیزی هستیم. " ای فروتنی، قدرت مسیح، چقدر گیج می کنی

---

1 در مورد زندگی صلح آمیز خوب ص 2، ص. 396، 1. 3.

غرور بیهودگی خود را، که مایلیم به خاطر چیزهای
خوب کوچک مورد تمجید قرار بگیریم و نمی خواهیم
ما را به خاطر بسیاری از بدی ها سرزنش کنند. 0
عیسی ای خوب، تو برای ما بدی های فراوانی را :
متحمل شدی که انجام ندادی و برای ما کالاهای بی
شماری آوردی که ما لیاقت نداشتیم و لیاقت
داشتن آن را نداریم. خدای عزیز همیشه ازت ممنونم
اما وای بر ما که به خاطر لطف و وعده‌های بی‌شمار
شما بی‌عوض، ولرم و مغرور هستیم. ما به سرعت
انفاق بزرگ شما را فراموش می کنیم: که در شور
مبارک خود به ما نشان دادید 2

بیهوده، زمین و خاکستر ارزان، در خودت شکوه مکن، در
حالی که برای تو خوب بوده است. زیرا نمی دانی که روز آینده
چه خواهد شد، آیا می ایستی یا سقوط می کنی.

روح وفادار با شکنندگی خود، که با آن فقط به این
نقطه پایین فشار می آورد، در می یابد که بدون
فیض مسیح به هیچ وجه نمی تواند ایستادگی کند،
اما نمی تواند خود را به چیزهای بهشتی برساند. و
بنابراین، او نیاز دارد که بیشتر اوقات از طریق
ملاقات روحانی و تسلی درونی، توسط مسیح عیسی
حمایت شود، تا هیچ لذتی دنیوی او را جذب نکند، یا
با پیشنهاد فریبنده شیطان از هدف مقدس خود دور
نشود.

بنابراین، هنگامی که فیض مسیح او را ملاقات می کند، به
زودی شادی جدیدی در او متولد می شود و ابدی است

---

1 کتابچه راهنمای کودکان ج. 2، 2 موعظه در مورد زندگی و
اشتیاق خداوند 21، ص 3، ص. 181، 1. 3.
3 بیمارستان فقرا ج. 12، شماره 1

پرورش یافته با امید؛ شادی می کند و در آرزوی دل و با تمام محبت قوای درونی خود به چشیدن این شیرینی روی می آورد. و برای اینکه با کلام باطنی که در آن به این شیرینی میل می‌کند، قوی‌تر شود، دهان می‌گشاید و نفس خود را می‌کشد و می‌گوید: خدای اسرائیل چه نیکو است برای راست‌دلان. خدای من، خدای من، نه فریبنده با شیرینی، طراوت بخش تنها با شیرینی، قوت و زیبایی جانم، چه خوب است در این وقت دیدار.

من این ساعت را نه به شایستگی‌های خود، نه به آرزوهایم، بلکه به نیکی‌های تو نسبت می‌دهم، خداوندا، که تسلی‌دهنده واقعی و یگانه جانهایی هستی که ماتم می‌گیرند و به تو اهمیت می‌دهند.

فصل نهم

همه چیز باید به خدا ارجاع شود، به عنوان غایت نهایی.

I. پسر، اگر واقعاً آرزوی خوشبختی را داری، من باید غایت عالی و نهایی تو باشم. از این نیّت، محبت تو پاک می‌شود، غالباً به سوی خود و مخلوقات متمایل می‌شود. زیرا اگر در هر چیزی به دنبال خود باشید، بلافاصله شکست می خورید و در خود خشک می شوید.

---

1 خطبه 3 به برادران، 4 3 .n.

شما بای‌د بی‌شتر گزارش دهی‌د، زی‌را من کسی هستم که همه چی‌ز را دادم. بنابرای‌ن، هر چی‌ز را از عالی تری‌ن خی‌ر سرچشمه می گی‌رد. و بنابرای‌ن همه چی‌ز بای‌د از نظر منشأ به من بازگردانده شود.

2. از من کوچك و بزرگ و فقیر و ثروتمند آب زنده مانند از چشمه زنده بگیر. و کسانی که با کمال می‌ل و رای‌گان به من خدمت می کنند، فی‌ض در مقابل فی‌ض دری‌افت خواهند کرد. اما کسی که بخواهد در خارج از من فخرفروشی کند ی‌ا از خی‌ر شخصی لذت ببرد، در شادی واقعی استوار نخواهد شد و قلبش بزرگ نخواهد شد، بلکه بارها مانع و مضطرب خواهد شد. پس نبای‌د به خود چی‌ز خوبی نسبت دهی و به هی‌چ مردی فضی‌لت قائل نباشی. اما همه چی‌ز را به خدا بسپاری‌د که انسان بدون او چی‌زی ندارد. من همه آن را داده ام، همه آن را می خواهم و با سپاس فراوان از شما می خواهم.

3. ای‌ن حقی‌قتی است که باطل جلال به وسی‌له آن به پرواز درآمده است. و اگر فی‌ض بهشتی و صدقه واقعی وارد شود، نه حسادت و انقباض در قلب وجود خواهد داشت و نه عشق خصوصی فراگی‌ر خواهد شد. اشغال خواهد کرد زی‌را او بر همه چی‌ز پی‌روز می شود

شراب خی‌ری‌ه و گسترش تمام قدرت های روح.

اگر راست می گوی‌ی‌د تنها از من خوشحال می شوی‌د

تو فقط به من امیدوار خواهی بود زیرا هیچ کس نیکو نیست، مگر خدای یگانه که باید بر همه چیز ستوده شود و در همه چیز برکت یابد.

در نظر گرفتن.

تنها خداوند پاک، مقدس، ابدی، بی اندازه و ستودنی است و بیش از هر چیز برای همیشه.
پس تمام امید و شادی شما به خدا باشد. در تمام فکر و گفتار و کردار خود همیشه نیت درست و پاکی نسبت به خداوند داشته باشید تا برای حمد و جلال و عزت خداوند و تربیت همسایه خود هر کاری انجام دهید. او عامل همه نیکوکاران و بخشنده ثواب جاودانه است. او باید آغاز و پایان همه کارهای شما باشد تا ثمره زحماتتان را از دست ندهید. 2 همه چیز بیهوده، لغزنده و مضر است، مگر اینکه همه چیز را از خدا که همه خوبی ها و همه چیزها در او زندگی می کنند و تشکیل شده است، بگیرید. تا زمانی که به اوج خوبی ها نرسید و سرانجام به پایان نرسید، نمی توانید استراحت کنید.

وقتی این مشخص شد و پیدا شد، حرکت $ شما متوقف می شود.

---

2 دره —— 1 بیمارستان فقرا C. 4, n. من

- Ib. لیلی ج. 31، شماره 1، -3 Ib. C. 30, n. 4.

نه 3. تک گوی نفس ج[5]. 12، شماره من

«خدا را بطلب تا جان تو زنده شود» (مزمور 68:33). هیچ چیز بهتر نیست، هیچ چیز برای روح شادتر نیست.
کسی که به دنبال چیز دیگری باشد چیزی در آن به دست نخواهد آورد.
اگر جز خدای خالص به دنبال چیز دیگری باشید، لعنت خواهید دید: زحمت خواهید کشید و آرامش نخواهید یافت.
خداوندا، بگذار هر کاری که می کنم، می خوانم، می نویسم، هر آنچه فکر می کنم، می گویم و می فهمم در خدمت تو باشد. بگذار تمام کارهای من با تو آغاز شود و از طریق تو و در تو به پایان برسد. ای خوب بیش از 0mne bom، ای پایان بی پایان، کی از تو لذت ببرم بی راه و بی پایان؟ من چیزهای خوب زیادی اینجا پیدا می کنم، اما چیزهایی که تغییر می دهند، نه چیزهایی که راضی کننده هستند. یک چیز دیگر لازم است. من این یکی را می خواهم، دلم برای این یکی تنگ شده است. به دلیل Lnum همه چیز و همه چیز در یک. اگر این را داشته باشم، راضی خواهم بود. و اگر غلبه نکنم، همیشه تزلزل می کنم،

فصل X

آنچه در تحقیر دنیا شیرین است، بندگی خداست.

من اکنون دوباره سخن خواهم گفت، خداوندا، و ساکت نخواهم شد. در گوش خدای خود، پروردگارم و پادشاهم که در اوج است خواهم گفت. ای چه تعداد زیادی از روح

1 دره نیلوفرها ج. 33، شماره من . —— 2 عدد آلفای کوچک
راهبان خواندن 21، ص 3، 3 تک گویی —— ص 321، 1. 7
روح ج. 25، شماره I. - [4] Ib. ج. I2، n. من

ای خداوند، از محصول خود را که از ترسان تو پنهان داشتی! اما شما عاشقان چی هستید؟
در مورد کسانی که با تمام وجود به شما خدمت می کنند چطور؟ شیرینی واقعا وصف ناپذیر تعمق خود را که به کسانی که دوستت دارند عطا می کنی.
در این کار شیرینی عشقت را به من نشان دادی، زیرا در زمانی که نبودم، مرا ساختی و چون از تو دور شدم، مرا به خدمت خود بازگرداندی و به من امر کردی که تو را دوست داشته باشم.

2. ای چشمه عشق جاودانه، از تو چه بگویم؟ چگونه می توانم تو را فراموش کنم که سزاوار یاد من بوده ای، حتی پس از سقوط و هلاکتم؟ تو بر بنده خود رحمتی بیش از هر امیدی نشان دادی و فضل و دوستی بیش از هر شایستگی نشان دادی. من در برابر این لطف به شما چه جبران کنم؟ زیرا به همه داده نشده است که از تمام دنیا دست بردارند و زندگی رهبانی را در پیش گیرند.

آیا عالی است که من به تو خدمت کنم که هر مخلوقی باید به او خدمت کند؟ به نظر من نباید خدمت شما عالی باشد:
اما این به نظر من بسیار عالی و شگفت‌انگیز می‌آید که شما مایل هستید که چنین مرد فقیر و نالایق را به عنوان خدمتکار بپذیرید و او را با بندگان محبوب خود پیوند دهید.

3. بنگر، هر چه دارم از توست و از آنجا به تو خدمت می کنم. با این وجود، از سوی دیگر، شما بیشتر از اینکه من به شما خدمت کنم، به من خدمت می کنید. بنگر، آسمان و زمینی که تو برای خدمت به انسان آفریده ای، آماده است و هر روز هر آنچه را که دستور داده ای انجام می دهد. و این کافی نیست، زیرا شما فرشتگان را نیز برای خدمت به انسان منصوب کرده اید. اما همه اینها فراتر از آن است، زیرا شما خود به انسان خدمت کرده اید و قول داده اید که خود را به او بسپارید.

4. برای این هزار کالا به شما چه بدهم؟ کاش می توانستم تمام روزهای عمرم را در خدمت شما باشم! اگر فقط یک روز برای ارائه خدمات شایسته کافی بود! شما واقعاً شایسته همه خدمات، همه افتخارات و ستایش های ابدی هستید. به راستی تو پروردگار منی و من بنده فقیر تو هستم که با تمام قوا به خدمت تو هستم و هرگز نباید از ستایش تو خسته شوم. بنابراین من می خواهم، بنابراین من آرزو دارم. و هر چه من کم دارم، تو سزاوار خواهی بود.

5. خدمت به تو و خوار شمردن همه چیز به خاطر تو افتخار بزرگی است، افتخاری بزرگ. زیرا آنانی که داوطلبانه خود را تسلیم مقدس ترین خدمت شما می کنند، از فیض عظیم برخوردار خواهند شد. آنها شیرین ترین روح را خواهند یافت

تسلی قدیسان که به عشق تو تمام لذت های نفسانی را کنار زدند.

آنانی که در راه تنگ نام تو وارد می‌شوند و از همه چیزهای دنیوی غافل می‌شوند، به آزادی فکر بزرگی دست خواهند یافت

کورانم.

6. ای بندگی دلپذیر و دلنشین خداوند که انسان را به راستی آزاد و مقدس می سازد! ای حکومت مقدس مذهبی جشن گرفته شده، که انسان را برابر با فرشتگان، راضی کننده در برابر خدا، وحشتناک برای شیاطین و ستودنی برای همه مؤمنان می سازد! آه، خدمتی که در آغوش گرفته شود و همیشه آرزو شود که به وسیله آن بالاترین خیر به دست آید و شادی به دست آید که بی پایان خواهد ماند!

در نظر گرفتن.

C آه، چقدر محبت پدر بزرگوار است. چقدر محبت پسر یگانه خدا بزرگ است: چه بزرگ مهربانی روح القدس در تمام نسل بشر. به این روح من چی میگی؟

آیا شما ناسپاس خواهید بود؟ یا می توانید از این همه صدقه غافل باشید؟ چگونه می توانید او را نادیده بگیرید; توسط چه کسی اینقدر مجدانه از شما پرسیده شد؟ چطور تونستی دوباره عاشقش نباشی چه کسی شما را اینقدر عاشقانه دوست داشت؟ عاشق و کسی که تو را به شدت دوست دارد دوست بدار. برای انتخاب کردن

متحمل مرگ شدن: از هلاک شدن. این عشقی بود که هیچکس بزرگتر از آن نداشت
پروردگارا به بنده ات رحمت فراوان کردی ولی من متأسفانه آنگونه که شایسته تو بوده سپاسگزاری نمی کنم. بنابراین من گرفتار عذابها و دردهای قلبی هستم، زیرا نمی توانم لطفهای بسیار و بسیار بزرگ شما را اجابت کنم. آیا می توانم حداقل یک بار با وقار و کامل از شما بابت همه این موارد تشکر کنم!؟ اکنون از شما خواهش میکنم که خدمت ضعیف مرا بهعنوان شکرگزاری که میخواهم به شما خدمت کنم و از روی محبت مدیون آن هستم، بپذیرید، و بدهی خدمت من بهطور ریشهای پیش برود و در نهایت به خشنودی و افتخار شما منتهی شود، و هرگز قلبم از محبت شما دور نشود. اما بگذار روح و جسم من هر دو شکوفا شوند و به مقدس ترین خدمت تو ادامه دهند، تا زمانی که روح در روده من است و من بر خودم مسلط هستم و می توانم شما را به یاد بیاورم. نیکیل بنده من است حتی اگر همه آنچه را که تو دستور داده ای انجام دهم.

C آه، چقدر با تقوا، چه شیرینی نسبت به کسانی که به تو اهمیت می دهند، چه خوب، چه خوب کسانی که طعم تو را می چشند! کسانی که شیرینی شما را تجربه کرده اند، بهتر می دانند چگونه از آن فکر کنند و بهتر صحبت کنند. زیرا شیرینی شما بر همه شیرینی ها غلبه دارد و آن را شیرین تر می کند

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 21، ص 3، ص. 174 متر مربع، 1.2 لیتر. - تک گویی نفس ج. 25
نه من .Ib 4 —— نه Ib, n. II .4.

همه تلخی 1، از عشق خدمت به تو دلپذیرترین و آسایش زحمات است؟

C اوه، چه شیرین است عشق تو، مسیح.

چقدر خوب صدا می کند، چقدر آرام وارد می شود، چقدر محکم می گیرد و سفت می شود! ای کاش مرا به بندگی همیشگی تو بسپارد، مرا کاملاً بپذیرد، مرا کاملاً به خود تسلیم کند و مرا از آن خود سازد. زیرا در آن صورت آزادترم، زمانی که اسیر عشق تو شوم و از همه اموال محروم و بیگانه شوم. تو بند عشق را نگه داری و بیچاره خدمتم پابرجاست!

و نمی دانم، زیرا خدمت من برای شما چیزی به ارمغان نمی آورد، اما اگر کاری را انجام دهم که مورد قبول شماست، باز هم سودمند است. کسی که خدا را بندگی کند در هیچ کار خیری کوتاهی نمی کند.

فصل یازدهم.

خواسته های قلبی را باید بررسی و کنترل کرد.

1. پسر، هنوز باید چیزهای زیادی یاد بگیری که هنوز خوب یاد نگرفتی.

1 Ib. C. II, n. 3. — 2 Ib. 25 .ج، a2. 3 Ib.
نه 3. - Ib. نه 4. — 5 باغ رز 2 .C،
نه 1، - 6 22 Parvumn alphabetum nonachi lect.، ص 3، ص 321، اول. 19. 7 2 .Hospitale pauperum c. 4 D.

پروردگارا اینها چیست؟
تا آرزوی خود را کاملاً مطابق رضای من تنظیم کنی و دوستدار خود نباشی، بلکه رقیب مشتاق اراده من باشی. آرزوها اغلب شما را ملتهب می کنند و شما را تحریک می کنند.

اما فکر کن که بیشتر برای عزت من متاثر شده ای یا به نفع خودت. اگر من در این موضوع باشم، شما راضی خواهید بود، هر چند ممکن است آن را سفارش دهم.
اما اگر چیزی از جست و جوی شما پنهان است، ببینید این همان چیزی است که شما را مانع و سنگین می کند.

2. پس مواظب باشید که زیاد به یک میل از پیش تعیین شده تکیه نکنید، من مشورت نکرده ام:
مبادا پس از آن از آنچه در ابتدا خوشحالش می کرد پشیمان یا ناراضی شود و گویی شما برای چیز بهتری غیرت دارید. زیرا هر محبتی که خوب به نظر می رسد نباید فوراً دنبال شود. اما نباید ابتدا از هر محبت مخالفی اجتناب کرد. گاهی مصلحت است که از خویشتنداری استفاده کنید، حتی در مطالعات و خواسته های خوب، مبادا با مزاحمت، دچار حواس پرتی ذهنی شوید، مبادا با بی انضباطی باعث آزار دیگران شوید یا حتی با مقاومت دیگران، ناگهان دچار مشکل شوید و زمین بخورید.

3. اما گاهی باید خشونت کرد و مردانه بر خلاف اشتهای حساس رفت و متوجه نشد که گوشت چه می خواهد و چه نمی خواهد; بلکه بیشتر تلاش کند تا حتی مشمول روح ناخواسته شود و باید برای مدتی طولانی مورد عذاب و بندگی اجباری قرار گیرد تا اینکه برای همه چیز آماده شود و یاد بگیرد که به چند نفر قناعت کند و از ساده دل خوش کند و در برابر چیزهای ناپسند غر نزند.

در نظر گرفتن.

جستجو در پنهان دل: اگر خشم، اگر حسد، اگر هوس، اگر بخل، اگر بی تابی، یا غم: به حرکت درآمده و بر تو چیره شده است. ; . si
به طور خلاصه، شما عزت خدا را به سادگی و محض اگر با پشتکار از ستایش طلبید:
انسانی اجتناب کردی، اگر به سرعت اراده خود را انکار کردی. اگر خودت را بر هیچ کس ترجیح نمی دادی: اگر صبورانه اصلاحات را دریافت کردی!. بنابراین، در هر کاری که باید در داخل یا خارج انجام شود، رضای خدا را بجویید: و عزت او را بر همه مصالح خود مقدم دارید.

او همه جا با خیال راحت و شاد می رود. او گرفتار مصیبت خواهد شد: هر که توسط زمینی مورد آزار و اذیت قرار گیرد. لازم است

---

1 کتاب تمرین معنوی ج. Ib 2 - .4 .1 ،351 .10, P. 2, p. ج
8، ص 2، ص. 345, .1 .16 Ib 8.
ص 346، .1 9

برای تنبیه بدن، مبادا متورم شود و بر روح هوس کند، و مبادا روح را فریب دهد و چیره شود و آن را به جهنم بکشاند.

اول از همه تمرینها و مفیدترین آنها برای تهذیب ذهن، شناخت مصائب رذیلت است و علاج آنها را با ناله و اشک از خداوند طلب می کند. برای فقیران بیمار و مبتلا به جراحات بدنی:

با دعای سوگوارانه از عابران کمک می خواهند. اما پروردگار مهربان و پرهیزکار دعای روح پشیمان را خوار نخواهد کرد: برای نجات ابدی ناله ها.

[3] • کسی که به چیزهای کوچک اهمیت نمی‌دهد، به چیزهای (بدتر می‌افتد. کسی که از حلال دوری کند از حرام در امان است (خیلی ها شهوتران هستند، اندکی به عده کمی راضی می شوند. هیچ کس کاملاً راضی نیست مگر اینکه از بالاترین امتیاز 5 به طور کامل لذت ببرد

فصل دوازدهم.

بر اطلاعات صبر و مبارزه با غرض ورزی.

1. خداوندا، همانطور که می بینم، صبر برای من بسیار ضروری است. زیرا بسیاری از چیزهای مخالف در این زندگی اتفاق می افتد. برای چگونه

کتاب تمرینات — 1 دره نیلوفرها ج. 14، 2-3 .n
معنوی ج. 3 - .2 .1 ،I, P. 2, P. 332 باغ گل رز ج. 6 ,I2, n. *
lb. C. 4, n. 1، - 5 En-chiridion 4 .از راهبان ج ،n، 2

بعد از اینکه دستور صلح دادم، زندگی من بدون جنگ و درد نیست.

2. پسرم همینطور است. اما از شما میخواهم که به دنبال آرامشی نباشید که از وسوسهها رها شوید یا هیچ مخالفتی احساس نکنید، بلکه در آن زمان که در مصیبتهای مختلف آموزش دیدهاید و در مصیبتها آزمایش شدهاید، باور کنید که آرامش یافتهاید. اگر بگویی نمی توانی زیاد رنج بکشی پس چگونه آتش برزخ را تحمل می کنی؟ همیشه یک انتخاب بین دو بدی کوچکتر وجود دارد. برای اینکه بتوانید از عذاب های ابدی آینده بگریزید، سعی کنید بدی های کنونی را به خاطر خدا با قاطعیت تحمل کنید. به نظر شما مردم این عصر رنج کمی دارند یا هیچ؟ و شما این را پیدا نمی کنید، حتی اگر به دنبال ظریف ترین آنها باشید.

3. اما، شما می گویید، آنها لذت های زیادی دارند و از خواسته های خود پیروی می کنند. و از این رو سختی های خود را اندک می سنجند.

4. چنین باشد تا هر چه می خواهند داشته باشند. اما فکر می کنید چقدر طول می کشد؟ در جهان از بین می رود و هیچگر که چگونه فراوانی دود یادی از شادی های گذشته نخواهد بود. اما حتی زمانی که آنها هنوز زندگی می کنند، نه بدون تلخی re-

با خستگی و خستگی و ترس در آنها آرام می گیرند.
زیرا از همان چیز، از آنجا لذت را برای خود تصور می
کنند، از آنجا. از درد
مکرراً پذیرفته می شوم برای‌شان اتفاق poen
می افتد که چون بی اندازه دنبال خوشی می :
گردند و به دنبال آن هستند، بدون سردرگمی و
تلخی آن را برآورده نمی کنند. آه، چه کوتاه، چه
دروغین، چه بی نظم و زشت همه! با این حال، به
دلیل مستی و کوری نمی فهمند، اما مانند
حیوانات گنگ، به دلیل ذائقه کوچک زندگی
فاسد، مرگ روح را متحمل می شوند. پس تو ای
پسرم به دنبال شهوات نرو و آنها را از اراده خود
دور کن. از خداوند لذت ببرید و او خواسته های
دلتان را به شما خواهد داد.

5. همانا اگر واقعاً می خواهی بیشتر از من
خشنود و تسلی پیدا کنی، اینک در تحقیر همه
چیزهای دنیوی و در قطع همه لذات پست، برکت تو
خواهد بود و تسلی فراوان به تو باز می گردد.

سلام و هر چه بیشتر
خود را از آسایش همه مخلوقات کنار بکشی، در من
شیرین تر و نیرومندتر می شوی.
چیزهایی را برای شما آرامش می بخشد. اما در tioı
ابتدا بدون اندوه و زحمت به این مبارزات نخواهید
رسید. به طور غیر منتظره متوقف می شود

سفارشی، اما با عرف بهتر غلبه خواهد کرد. جسم غر خواهد زد، اما روح با شور و حرارت مهار خواهد شد. مار قدیمی شما را تحریک و خشمگین خواهد کرد، اما با دعا رانده خواهد شد. علاوه بر این، و با کار، دسترسی مفید به او تا حد زیادی مسدود خواهد شد.

در نظر گرفتن.

اعتراف می کنم که به صبر زیادی نیاز دارم. چرا که زندگی من جز یک بدبختی طولانی از روز تولدم تا روز دفن من چیست؟

زیرا من علت خود را برای شما آشکار کردم. حالا من آرزوی استراحت دارم و تو مرا سر کار گذاشتی. من مشتاق چیزهای بالا هستم، اما شما چیزهای پست را پیشنهاد می کنید. من به دنبال فراوانی تجمل هستم، اما شما فقدان فقر را پیشنهاد می کنید. ای خداوند، خدای من، آیا این نقشه و کلام توست؟

البته.

و چگونه آن را مجبور کنم که در من کامل شود؟

مرا دوست بدار (خداوند می‌گوید) و در خود مضطرب نخواهی شد. هر باری که صدقه به ما می دهد سبک است. کار برای کسی که با نان صدقه قوت یافته باشد سخت نخواهد بود؟

---

1 بر سه خیمه ج. 3، نه من — 2 Ib.

n. 1 2 ج. من،

و اگر بدن ضعیف زمزمه کند، روح باید آماده تحمل همه چیز باشد.

خداوندا خوب صحبت کردی. از تو می خواهم که همانطور که گفتی، انجام شود. او که نصیحت کرد، بیاور و کمک کند. بگذارید همه چیز شیرین شود، هر آنچه برای بدن سنگین به نظر می رسد، و باری سبک، که قبلاً به نظر می رسید آن را به دوش می کشید 2.

کسی که هیچ چیز را در دنیا دوست ندارد سختی ها را راحت تر تحمل می کند. همه عاشقان او فریب خورده اند و به هیچ چیز اعتماد ندارند. هر لذت جسمی عذابی به همراه دارد.» لعنت ستمکاران را در نظر بگیرید، عذاب آنها چقدر خواهد بود.

انگشتت را در شعله آتش بگذار و شاید به سختی بتوانی آن را تحمل کنی. اگر تمام بدن در آتش جهنم افکنده شود چه اتفاقی می افتد؟ پس از کسی که بدن را می کشد نترسید و از کسی که بدن فقیر را تازیانه می زند خشمگین مباش. اما از او بترسید، زیرا پس از کشتن او قدرت دارد که هم جسم و هم روح را در جهنم از بین ببرد. من می گویم از این بترسید، در این فکر کنید، اغلب به این فکر کنید، خواهید دید که همه مشکلات ابر است. شما

که همه , در مصیبت خود به یاد داشته باشید

---

1 در تشخیص شکنندگی خود ج. 7، ص 2، ص. 370، بر سه خیمه ج. 1، 4 2 .I9 .1

نه 2. —— $ Ib. 3 .ج، n I4 I5. ——

اما n ,4 .C. من

درد و رنج در مدت کوتاهی به پایان می رسد، اما پاداش ابدی و فراوان با من در بهشت خواهد بود.

چه چیزی شایسته تر است؛ چگونه دوست خدا باشیم؟ چه خوش شانس تر است؛ از اینکه در میان فرزندان خدا شمرده شوید؟ چه چیزی غنی تر است؛ چگونه در ملکوت مسیح سهم داشته باشیم؟ چه خوشایندتر؛ چقدر به شادی فرشتگان علاقه مندید؟ نجیب تر چیست؟ چگونه در پیشگاه خداوند و در نزد همه اولیای الهی تاج گذاری کنیم؟ 2

فصل سیزدهم

در مورد اطاعت رعایای فروتن از نمونه عیسی مسیح.

1. پسری که میکوشد خود را از طاعت باز دارد، خود را از فضل باز میدارد.

و کسی که به دنبال داشتن چیزهای خصوصی است، آنچه را که رایج است از دست می دهد. کسی که با میل و اختیار خود را تسلیم مافوقش نکند، نشانه آن است که گوشتش کاملاً از او اطاعت نمی کند، بلکه اغلب لگد می زند و زمزمه می کند.
بنابراین، اگر میخواهید بدن خود را تسلیم کنید، به سرعت یاد بگیرید که خود را به مافوق خود تسلیم کنید. برای بیرونی سریعتر تسخیر می شود

---

1 بر سه خیمه ج. 3، نه 2 - I4, موعظه به مبتدیان I9, P. 6,
p. 168 30 .1 ،متر مربع.

دشمن، اگر درون انسان بیشتر ویران نمی شد. هیچ دشمنی دردسرسازتر و بدتر از خودت برای روح وجود ندارد که با روح موافق نباشد. اگر میخواهید بر گوشت و خون پیروز شوید، کاملاً ضروری است که حقیقت تحقیر خود را فرض کنید. از آنجایی که شما همچنان خود را بیش از حد غیرعادی دوست دارید، می ترسید کاملاً خود را تسلیم اراده دیگران کنید.

2. اما چه چیز بزرگی است اگر تو که خاکی و هیچی، خود را به خاطر خدا به انسان بسپاری، در حالی که من قادر و متعال هستم. موش که همه چیز را از هیچ آفرید، آیا من به خاطر تو خود را فروتنانه تسلیم انسان کردم؟ من از همه فروتن تر و پست تر شدم تا با فروتنی من بر غرور خود غلبه کنی. اطاعت را بیاموز، خاک کن. بیاموز که خاک و گل خودت را فروتن کنی و زیر همه چیز خم شوی. یاد بگیرید که اراده خود را بشکنید و خود را به همه اطاعت ها بسپارید.

3. بر ضد خود شعله ور شو و برای زیستن در تو متورم نشو، بلکه خود را چنان فروتن و کوچک نشان ده که همه بر تو راه بروند و مانند گل و لای کوچه ها قدم بردارند. از چی شکایت داری مرد خالی؟ چه گناه کثیفی

آیا می توانی با کسانی که تو را مسخره می کنند مخالفت کنی که بارها خدا را آزار داده اند و بارها مستحق جهنم شده اند؟ اما چشم من از تو در امان ماند، زیرا روح تو در نظر من گرانبها بود: تا محبت من را بشناسی و همیشه قدردان منافع من باشی و پیوسته خود را به تسلیم و فروتنی واقعی بسپاری و تحقیر خود را صبورانه تحمل کنی.

در نظر گرفتن.

تا کی این موضوع در انسان خواهد بود: تا کی در اراده خود باقی خواهد ماند!. آن که می خواهد به سرعت به کمالات عالی نزدیک شود: بیش از هر چیز برای حفظ اطاعت تلاش کند، امن ترین راه به بهشت ایستادن در اطاعت است.
و تحت انضباط زندگی کردن: و نه استفاده از آزادی خود. کسی که خود را به خاطر خدا کاملاً تسلیم انسان می کند. خداوند در زمان حال به او فیض ویژه خواهد بخشید و او را در جلال مقدسین سرافراز خواهد کرد.
آنچه برای شما یک بار بررسی می شود: پس سعی کنید آن را رها کنید تا نیازی به بار دوم نباشد. که

---

1 کتاب تمرین معنوی ج. 354 .I2, P. 2, P:
1. I2. 2 در مورد نظم و انضباط صومعه ج.4، ص 2، ص.
284, I. Io. 3 354 کتاب تمرین معنوی ج. 12، ص 2، ص.،
6 .1

به تو گفته می شود، آن را به نیکی بگیر: و همیشه از آن بهتر
خواهی بود! کسی که به سرعت کارهایی را که باید انجام می دهد: بعد از آن شادتر می شود. 2-کسی که دنبال کارهای مشترک می رود و از چیزهای منحصر به فرد دوری می کند، بیشتر مورد محبت قرار می گیرد و زودتر به عاقبت به خیر می رسد.

بدون اطاعت و محبت برادرانه، کارهای ما یا کوچک است یا وجود ندارد. و اما
اطاعت خاضعانه: خداوند خشنود است حتی از اطاعت کم و ارزانی که از برادران می شود. 4.
اوه، عیسی چه علامت شگفت انگیزی انجام داد: C زمانی که خود را به عنوان نمونه ای از فروتنی واقعی به همه معرفی کرد! اوه شگفتی بیش از همه شگفتی؛ که قدوس‌ترین قدیسان و بالاترین از همه اربابان، پست‌ترین خدمتکار در میان تمام بندگانش می‌شود: که اعلی‌حضرت به میل خود خم شد و گفت که مردان ساده و فقیر همراهان او هستند. من در میان شما هستم مانند کسی که خدمت می کند (لوقا 22، 27). زیرا برای خدمت نیامده ام: 1
بلکه خدمت کردن (متی 20:28). اگر من پروردگار و استاد شما هستم، پاهای شما را شسته ام و شما باید پاهای یکدیگر را بشویید (یوحنا 13:14) 5.
خداوند، او را بنده مردان قرار دادند و

---

1 یادآوری مختصری از تمرین معنوی ص 2، ص. 427، 1. 3. 2 راهب الفبای کوچکی را خواند. 16، ص 3، ص. ص 319 متر مربع 31 .Ib $ .320، l. 3
4 خطبه به نوآموزان 7، ص 6، ص. 55، 1. 20.
5 Ib. 27، متر مربع 265 .ص 6، ص. I. 27.

انسان هنوز تابع انسان یا بهتر است بگوییم خدا نیست.

عیسی خوب، مرا یاری کن و روح من نجات خواهد یافت.

آیا بنده شما هستم؟ من خواهش‌های نفسانی را تحقیر می‌کنم، تمام اعمال و نقشه‌های شیطانی روح شیطانی را دور می‌ریزم، خود را به خدمت تو عهد می‌بندم، می‌خواهم تمام روزهای عمرم را به تو بچسبم، و اکنون قصد دارم این کار را با عبادت انجام دهم. اما با این حال، برای اینکه بتوانم اراده شما را به طور کامل تر انجام دهم، آماده هستم تا با اطاعت واقعی که موظفم به نفع خود به شما ارائه دهم، اراده خود را بشکنم. زیرا با صدای او اطاعت می کنم، من واقعاً از شما اطاعت می کنم،

اگر می‌خواستی با من به عدالت رفتار کنی، باید با اهل جهنم منصوب می‌شدم. اما رحمت تو مرا امان داد، خداوندا، و به من مکانی عیش و نوش دادی تا مبادا مانند پسر هلاکت ابدی شوم.

من بنده تو هستم، پروردگارا، مال تو، می گویم، چون مرا خریدی. من با کمال میل مال شما هستم و از اینکه مال شما هستم خجالت نمی کشم. من نمی خواهم خودم باشم؛ به من کمک کن تا از تمام دارایی ها رها شوم 5.

---

2 کوتاه 1 در سه خیمه C. 2, n. 2. -- توصیه به تمرین معنوی ص 2، ص. 428، 1. 12 —

3 Orations on the Passion of Lord i, P. 3, P. 338 sq., — 1، 25- — 4 Soliloquium animae c. 25، شماره II.

5 Ib. 3 نه.

فصل چهاردهم.

در نظر گرفتن قضاوتهای پنهانی خداوند، مبادا در نیکی ها سربلند شویم.

1. ای خداوند، احکام تو بر من شنیده میاشود و تمام استخوانهایم از ترس و لرز میالرزند و جانم به شدت ترسیده است. من متحیر می ایستم و می اندیشم، زیرا آسمان ها در نظر تو جهان نیستند. اگر در فرشتگان ظلم و ستمی یافتی و در عین حال به من رحم نکردی، چه بر سر من می آید؟

ستارگان از بهشت افتاده اند و من خاکم، چه گمان کنم؟ کسانی که آثارشان قابل ستایش بود به پایین ترین حد افتادند و کسانی که از نان فرشتگان خوردند، دیدم که از پوسته خوک مسرور شدند.

2. پس، خداوندا، اگر دستت را پس بگیری، قداست نیست. اگر از حکومت دست برداری، عقل فایده ای ندارد. شجاعت هیچ فایده ای ندارد اگر از حفظ آن دست برداری.

اگر از آن محافظت نکنی عفت امنی وجود ندارد.

مراقبت از خود فایده ای ندارد مگر اینکه مراقب مقدس شما باشد. زیرا هنگامی که رها می شویم غرق می شویم و هلاک می شویم، اما هنگامی که ما را ملاقات می کنند، زنده می شویم. زیرا ما ناپایدار هستیم، اما به وسیله تو تقویت می شویم. ما دمتون گرم ولی از شما دلگرمیم

3. آه، چقدر باید نسبت به خودم احساس حقارت و نفرت داشته باشم! چگونه به هیچ چیز بچسبیم، اگر به نظر می رسد چیز خوبی دارد! آه، چه عمیقاً باید خود را تسلیم قضاوت C های افتضاح تو کنم، پروردگارا، جایی که خود را چیزی جز هیچ و هیچ نیستم! ای وزن بی اندازه! ای دریای صعب العبور که از خودم چیزی نمی یابم، چقدر هیچ! پس مخفیگاه جلال کجاست؟ اطمینان در فضیلت کجاست؟

همه لاف های بیهوده در فراوانی قضاوت های تو بر من فرو خورده است.

4. این همه گوشت در نظر شما چیست؟ آیا خاک رس در برابر قالبگیر میبالد؟ چگونه می توان او را با سخنان بیهوده برانگیخت که قلبش به راستی مطیع خداست؟ تمام جهان او را که حق به خود مسخ کرده است، برنمی انگیزد. و از زبان همه ستایش کنندگان او که تمام امید خود را به خدا بسته است متاثر نخواهد شد. برای حتی کسانی که صحبت می کنند، اینک همه آنها هیچ هستند.

زیرا آنها با صدای کلمات شکست می خورند.
اما حقیقت خداوند تا ابد باقی می ماند.

در نظر گرفتن.

بسیاری از مردان قوی به این دلیل سقوط کرده اند که بیش از حد به خود فکر می کردند. بسیاری از موارد ضعیف

آنها قوی بودند، زیرا بر خدا توکل کردند و او را صدا زدند. واقعاً شماره 2، ما شکننده و ناپایدار هستیم. و تا زمانی که خداوند به لطف خود همیشه ما را یاری نکند، نمی توانیم بایستیم و استقامت کنیم، نه در برابر دشمنان و نه در برابر بدی ها مقاومت کنیم.

ای خدا، تو تنها قدوسی، تو تنها خداوندی، تنها تو اعلی، عیسی مسیح. تو پیش از همه و در میان همه هستی، تو بر همه فرشتگان و مقدسین، تا ابد مبارک. از این رو، خداوندا، دعا می کنم که روح مرا شفا بده، زیرا به تو گناه کرده ام. دلی پاک در من ایجاد کن و همه گناهانم را محو کن تا کاملاً پاک و کاملاً از آن تو و پسندیده و مقبول تو باشم، اما برای من در نظر من پست و مطرود شوم تا اکنون و همیشه در حضور تو و همه مقدسات تو، عیسی مسیح پرهیزکار، فیض و رحمت بیابم.

لرزیدم و ترسیدم، زیرا خداوند نه فرشتگان و نه مردان مغرور را دریغ نکرد. وای بر من اگر اینطور بالا بروم. و وای بر من اگر فرود نیایم.

وقتی

به روز و ساعت آخر فکر می کردم، می لرزیدم. زیرا در آن صورت خدا تحت تأثیر دعا قرار نخواهد گرفت، بلکه قاضی عادل همه خواهد بود.

---

2 بیمارستان — 1 باغ گل رز C. 9, n, 2.

Ib. [4] — از بینوایان ج. 12، شماره 2. - Ib 8. ج 8، n، 2

[5] — بر سه خیمه C. 2, n. 3. ج. 2 ،n ،I2.

خدای قدوس، ای منجی مقدّس، مقدس و مهربان، مرا به مرگی تلخ رها مکن. اما جای توبه بده تا قبل از اینکه در این نور بمیرم به گناهانم احترام بگذارم!

فصل پانزدهم.

چگونه در هر امر مطلوبی بایستیم و صحبت کنیم.

1. پسر، در همه چیز این گونه بگو: خداوندا، اگر تو را پسندید، چنین باشد. پروردگارا، اگر عزت توست، بگذار این کار به نام تو انجام شود. پروردگارا، اگر آن را برای من مصلحت می دانی و فایده اش را ثابت می کنی، به من عطا کن تا از آن برای عزتت استفاده کنم.

اما اگر می دانی که برای من زیان آور است و برای نجات روح من مفید نیست، چنین آرزویی را از من دور کن. برای همه نه

این خواسته روح القدس است، حتی اگر برای انسان درست و خوب به نظر برسد.

قضاوت برای حقیقت دشوار است، اینکه آیا یک روح خوب یا بیگانه شما را وادار می کند که این یا آن را بخواهید، یا اینکه آیا شما تحت تأثیر روح خود هستید. بسیاری در

---

1 تک گویی روح ج. 2، نه 4.

در نهایت آنها فریب خوردند، که در ابتدا روحیه خوبی به نظر می رسید.

2. پس با محبت خدا و خضوع دل، باید همواره هر مطلوبی را که به ذهن خطور می کند آرزو کنیم و بخواهیم و مخصوصاً با استعفای خود، همه را به من بسپاریم و بگوییم: پروردگارا، تو می دانی که نامه بهتر است; بگذار هر طور که می خواهی این یا آن انجام شود. آنچه را که می خواهید و چقدر می خواهید و زمانی که می خواهید بدهید. با من چنان کن که می دانی و آن چنان که بیشتر خوشت می آید و عزتت بیشتر است. مرا در جایی که می خواهی قرار ده و در همه چیز با من آزادانه معامله کن. من در منانو تو هستم، گرد و گرد می گردم. a-

اکنون بنده تو هستم، برای همه چیز آماده ام، زیرا نمی خواهم برای خودم زندگی کنم، بلکه برای تو: امیدوارم شایسته و کامل باشد.

دعایی برای رضای خدا.

3. به من ای عیسی مهربان، فیض خود را عطا کن که با من باشی و با من کار کنی و تا آخر با من استقامت کنی. به کودک همیشه چیزی را که برای شما مقبولتر و عزیزتر است، بخواهد و آرزو کند. بگذار اراده تو از آن من باشد و بگذار اراده من همیشه از اراده تو پیروی کند

و خیلی بهش میاد بگذار یک چیز را بخواهم و آن را با تو نخواهم و نتوانم چیزی بخواهم یا بخواهم، جز آنچه تو می خواهی و نمی خواهی.

4. به هر آنچه در دنیاست مرا بمیران تا به خاطر تو محکوم شوم و در این دنیا شناخته نشم. بیش از همه آرزوهایم به من عطا کن که در تو آرام بگیرم و دلم را در تو آرام بخشم. تو آرامش واقعی دل هستی، تنها تو آرام می گیری: بیرون از تو همه چیز سخت و ناآرام است. در این آرامش در همان چیز، یعنی در تو، یک خیر ابدی عالی، می خوابم و آرام می گیرم.

آمین

در نظر گرفتن.

اگر می خواهی بنده خوب و کامل خدا باشی، به خواست خودت عمل نکن، بلکه خواست خدا را در هر کاری انجام بده. دستور او را با قلبی متواضع انجام دهید، همه چیز برای شما آماده خواهد شد. نخواه اراده یا اختیار تو در این یا آن که غالباً مالکانه و ناعادلانه است برآورده شود، بلکه بگو: هر طور که پروردگار می خواهد، چنین باشد. زیرا بهتر است این کار را انجام دهیم! پدر، نه آنطور که من می خواهم، بلکه همانطور که تو می خواهی. ای پدر، بگذار خیر تو انجام شود، نه شر من.

---

1 در مباشر وفادار ج. من، § 27. -؟ C Hlospi-tale pauperum. من .n ,20

دعا برای برکت خداوند

0 خداوندا، به من بیاموز که همیشه از اراده تو پیروی کنم و انجام دهم و از اراده خود چشم پوشی کنم، زیرا این برای تو پسندیده و برای امنیت جانم برای من مفید است. پروردگارا، مبادا هرگز برای من اتفاق نیفتد که فکر یا آرزو کنم یا کاری را انجام دهم که تو را ناراضی کند یا به دیگری آسیب برساند.
پروردگارا، تو همه چیز را می دانی. شما می دانید چه چیزی برای من بهترین است اینک من بنده تو هستم.
2. باشد که در نظر شما لطفی بیابم و خدمت ضعیفم شما را خشنود سازد. در حقیقت، هیچ چیز نزد بنده تو عزیزتر از این نیست که در نظر تو لطف داشته باشی و در میان فرزندانت شناخته شوی، که حتی شایسته نیست که بنده تو نامیده شوند. خداوندا، هر چه می گویم، هر چه می خواهم، اینک، من کاملاً در دست تو هستم، مطابق قولت، مطابق با رضایت خود با من رفتار کن. بر اساس دستور تو و بر اساس تمام اراده تو

فصل شانزدهم

تسلی واقعی را تنها در خدا باید جستجو کرد.

1 هر آنچه می توانم برای راحتی خود آرزو کنم یا فکر کنم، نه اینجا

[1] Valley of the lilies C. 9, n. 2. . —— 2 از قبایل
پناهگاه ها ج. 3، نه 15. - بر مباشر وفادار ج. 3، 7 دلار

منتظرم ولی برای آینده اما اگر همه ی راحتی های دنیا را به تنهایی داشتم و می توانستم از همه ی لذت ها لذت ببرم، مسلم است که آنها نمی توانستند زیاد دوام بیاورند. از این رو، جان من، نمی توانی به طور کامل آرام شوی و یا کاملاً شاداب شوی، مگر در خداوندی که تسلی دهنده فقیران و حاملان فرومایه است. اندکی صبر کن جانم، منتظر وعده الهی باش که از همه خوبی ها در بهشت فراوان خواهی داشت. اگر این حضور را بیش از حد بی نظم بخواهید، چیزهای ابدی و بهشتی را از دست خواهید داد. بگذارید آنها در استفاده موقتی و در آرزوی ابدی باشند. شما نمی توانید به هیچ خوبی دنیوی راضی باشید، زیرا آفریده نشده اید که از این چیزها لذت ببرید.

2. حتی اگر همه کالاها را آفریده بودید، نمی : توانستید خوشبخت و سعادتمند باشید; اما در خدای که همه چیز را آفرید، تمام سعادت و I خوشبختی شما شامل آن چیزی نیست که دوستداران احمق جهان آن را می بینند و ستایش می کنند، بلکه آنچه را که وفاداران نیکوکار مسیح انتظار دارند و گاه روحانیان و دنیویانی که گفتگویشان در آسمان است، از پیش تجسم می کنند. همه تسلی های انسان بیهوده و کوتاه است. تسلی شاد و واقعی که در درون با حقیقت درک می شود. مرد عابدی تسلی دهنده مجروح خود را همه جا با خود می برد و می گوید:

به او: خداوندا، در هر مکان و زمانی نزد من حاضر باش. این تسلی من باشد که با کمال میل از تمام آسایش انسانی محروم می شوم. و اگر تسلی تو کم بود، اراده و دلیل عادل تو برترین تسلی من باشد. زیرا نه برای همیشه عصبانی خواهید بود و نه برای همیشه تهدید خواهید شد.

در نظر گرفتن.

چه فایده ای می تواند به انسان آسایش کوتاه و خالی در بیرون بدهد؟

مگر اینکه از طریق مخلوق بخواهد به بانی عروج کند، روحش زحمت می کشد و راضی نمی شود. زیرا او می تواند گرسنگی روح را برطرف کند، مگر خدای یگانه که آن را آفریده است. غیر از خدا، هر لذتی منحرف است، هر شادی بیهوده است، همه فراوانی چیزها نیاز است.

کسی که بیرون از ابر آرامش زمینی را جستجو می کند:
او هیچ چیز را در موجودات بی اندازه دوست ندارد. او به زودی آرامش درونی و عشق مسیح را احساس خواهد کرد:
و تمام سختیها که از هر طرف میآیند و مسیح را در درون تقویت میکند و به او کمک میکند، او به راحتی تحمل خواهد کرد، جلال و ثروت بندگان خدا، مسیح، پادشاه آسمان.

---

1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 1، n. 16. 2 Hor-tulus
3 خطبه به مبتدیان — .ج. 8، نه rosarumn 3
I3، 1 ،94 .ص ،6 .ص I

خداوندا، خدای نجات من، پایان خوبی به زندگی من عطا کن. تا زمانی که اینجا هستم، غریبه بیچاره ای هستم. نمی توانم بگویم: برای من کافی است، زیرا در حال حاضر از هیچ خیری راضی نیست، اما خیر من که به دنبال آن هستم، تو هستی که به او ایمان دارم. آنگاه که جلال تو ظاهر شود و مرا پر کند، آنگاه به تو اعتراف خواهم کرد، زیرا اکنون برای من کاملاً کافی است. آنگاه که دهانم را از ستایش جاودان پر کنی و شادی کند

قلب و روح من با اولیای شماست

در شکوه تو؟

اندکی صبر کنید و زمانی که آخرین شیپور به صدا در آید شگفتی های بزرگی را خواهید دید. آنگاه به قدیسان خود برای همه کارها و دردهایشان آرامش خواهم داد. و زندگی ابدی دیگه چی میخوای؟

مطلقا هیچی. تنها تو برای من کافی ست ای خدای من که به دوستداران و مداحان تو حیات جاودانی می بخشد، برای کوچکترین ها، بزرگ ترین، برای پست ترین ها، جاودانه ها، برای هلاک شدگان 2.

فصل شانزدهم.

که همه مراقبت ها باید در خدا باشد.

1. پسر، آنچه را که من می خواهم با تو بدون من انجام بده. من می دانم چه چیزی برای شما بهترین است. شما

---

1 تک گویی روح ج. 5، نه 3. -- سوسن ج. 26، شماره 3.

2 دره

شما مانند یک مرد فکر می کنید، در بسیاری از چیزها احساس می کنید، همانطور که احساسات انسانی نشان می دهد.

2. آقا این حرف شما درست است.
نگرانی شما نسبت به من بیشتر از تمام توجهی است که من می توانم برای خودم داشته باشم. زیرا او بیش از حد معمولی می ایستد، که تمام نگرانی خود را به دوش شما نمی اندازد.
پروردگارا، تا زمانی که اراده من نسبت به تو درست و استوار است، هر چه می خواهی با آن بکن.
m این فقط می تواند خوب باشد، هر کاری که m.
در مورد من انجام دهید. اگر می خواهی در تاریکی باشم، خوشا به حال و اگر می خواهی در روشنایی باشم، دوباره برکت باد. اگر میخواهی با من همنشینی کنی، خوشبخت باش، و اگر میخواهی که من در رنج باشم، همیشه به همان اندازه خوشبخت باش.

3. پسرم، اگر می خواهی با من راه بروی، باید اینگونه بایستی. شما باید به همان اندازه که برای شادی آماده رنج باشید.
پس با کمال میل باید درمانده و فقیر باشید، به همان اندازه کامل و ثروتمند.

4. خداوندا، من با کمال میل برای تو رنج خواهم برد، هر چه بخواهی بر من بیایی. میخواهم خوب و بد، شیرین و تلخ، شادی و غم را بیتفاوت از دست تو دریافت کنم و برای هر چیزی که مرا تحت تأثیر قرار میدهد سپاسگزاری کنم. مرا از هر گناهی حفظ کن و

در حالی که- من از مرگ و جهنم نمی ترسم.

فقط مرا برای همیشه بیرون نکن، و مرا از کتاب .r
زندگی محو مکن، هر مصیبتی که به من برسد،
به من آسیبی نمی رساند.

در نظر گرفتن.

تمام نگرانی های بیهوده در مورد چیزهای گذرا را کنار بگذارید و کاملاً خود را با نتایج آینده مشغول کنید. اما افکار خود را بر خداوند بیفکن و در چیزهای آسمانی فکر کن. نه

طمع به مایحتاج زندگی: تا در آیندگان زیاد شود. I بیشتر برای روح خود تلاش کنید تا فیض حاصل شود تا اینکه گوشت خوب سیر شود و کرم خورده شود. مواظب باشید که در امور دنیوی زیاد خرج نکنید و در تمرینات معنوی از خود غافل شوید. خوب است که به دنبال خیر عمومی باشیم: اما معنوی به جای زمینی. خوردن نان در عرق صورت خوب است: اما نان بهشتی را فراموش نکن.

خود را کاملاً به خدا بسپارید؛ و آنچه برای تو سنگین است به سرعت قابل تحمل می شود 2. خدا را همیشه با دل و زبان شکر کن: هر طور که در غم و درد برایت پیش بیاید. زیرا خداوند همه چیز را در جهان به طور مشیته اداره می کند: با داوری راستین و عادلانه از ازل،

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند I7, P. 3, p.
161، 1.5 .- راهب الفبای کوچکی خواند. 19، ص 3، ص 320، l
.l 7، بخوانید 7، ص 3، ص. 318 .Ib $ .25 .1

ای پدر، اراده تو انجام شود، پدر، نه آنطور که من می خواهم، بلکه همانطور که تو می خواهی. تمام قضاوت های تو درست و درست است. تو این یکی را تواضع می کنی و این یکی را بزرگ می کنی. خداوندا تو عادل هستی و داوری تو درست است. در تمام اعمالت وفادار و مقدس. همه چیز در اراده شما قرار می گیرد و کسی نیست که بتواند در برابر شما مقاومت کند. زیرا که آسمانها و زمین و دریاها و هر چه در کره آسمان است را آفریدی. تو پروردگار عالم هستی. پس روح خود را به دست تو می سپارم، زیرا تو نجات دهنده من هستی. وقتی فقیر باشم تو را ستایش خواهم کرد. وقتی غمگین باشم تو را می ستایم. وقتی خوشحال باشم تو را ستایش خواهم کرد. هر جا که باشم، همیشه تو را می ستایم!

فصل هجدهم.

بدبختی های دنیوی را باید با سرمشق مسیح تحمل کرد.

I. پسر، من برای نجات تو از آسمان نازل شدم. بدبختی هایت را نه از روی ناچاری، بلکه با کشیدن عشق به عهده گرفتم تا بردباری بیاموزی و بدبختی های گذرا را بی ارزش تحمل نکنی. زیرا من از ساعت قیام تا خروج از صلیب کم نداشتم

1 بر سه خیمه ج. 3، نه I5.

تحمل درد من کمبود شدید چیزهای گذرا داشتم، اغلب از خود شکایت می‌شنیدم، سردرگمی و سرزنش‌ها را با مهربانی تحمل می‌کردم، ناسپاسی برای لطف، کفر برای معجزات، توبیخ برای آموزه دریافت می‌کردم.

2. خداوندا، زیرا تو در زندگی خود شکیبا بودی، در این که دستور پدرت را به بهترین نحو به انجام رساندی. و تا خودت بخواهی، بار زندگی فاسد برای نجات من. زيرا حتي اگر زندگي کنوني سنگين باشد، از فضل تو بسيار سزاوار شده است و با الگوي تو و قدمهاي اولياي تو، ضعيفان قابل تحمل تر و درخشان تر مي شوند.

اما بسیار راحت‌تر از زمانی بود که در شریعت قدیم وجود داشت، زمانی که دروازه‌های بهشت بسته بود، و راه به بهشت حتی تاریک‌تر به نظر می‌رسید، زمانی که عده کمی به دنبال ملکوت بهشت بودند. اما او انکار کرد که کسانی که در آن زمان عادل و نجات یافته بودند می توانند قبل از رنج شما و بدهی مرگ مقدس شما وارد ملکوت آسمانی شوند.

.

3. ای چقدر من به تو مدیونم که به من و همه ؛ وفاداران راه درست و نیکو به سوی پادشاهی ابدی خود را نشان دادی؟ زیرا زندگی تو راه ماست و با صبر مقدس بسوی تو که تاج ما هستی گام برمی داریم.

اگر قبل از ما نرفته بودی و به ما یاد نمی دادی، چه کسی اهمیت می داد که از ما پیروی کند؟ افسوس که اگر به نمونه های عالی شما نگاه نمی کردند چقدر عقب مانده بودند! ببینید، ما هنوز گرم هستیم، زیرا بسیاری از نشانه ها و آموزه های شما را شنیده ایم:
چه اتفاقی می افتد اگر ما آنقدر نور برای دنبال کردن شما نداشته باشیم؟

در نظر گرفتن.

دستها و پاهایم را ببین که برای تو مصلوب شدم. دستهایت را دراز کن و جای ناخنهای من را بشناس.
زخم هایم را احساس کن و ببین که از کنارم خون و آب جاری است. درِ قلبم را باز کردم؛ وارد آن شوید باعث سوراخ شدن کناره نیزه شدم، خود را در آن پنهان کنید 1.
لطفا برای من کمی رنج بکشید. خیلی برات تحمل کردم من با مثال خود آن را سبک و قابل حمل ساختم تا از صلیب که می بینید نترسید.

---

1 بر سه خیمه ج. 3، نه 9. - Ib. n 2

خداوندا عیسی مسیح، که آمد تا رنج بکشد، مصلوب شود و برای نجات ما بمیرد، به من عطا کن I که اغلب با قلبی دردناک به اشتیاق تو فکر کنم و بتوانم دائماً از آن تقلید کنم. و مبادا در مورد این غیرممکن قضاوت کنم، هزاران نمونه از مقدسین را برای من گذاشتی که مشتاقانه از گام های تو پیروی کرده اند.

تا حد مرگ وفادار باش و تاج حیات به تو داده خواهد شد. با این تاج چه چیزی بهتر و شایسته‌تر برای خیال خود می‌توان فهمید. از خداوند مجروح خود ما مسیح، بخشنده جلال ابدی؟ زیرا او پاداش اساسی و تاج همه مقدسین است: آغاز و پایان همه چیزهای خوب. او برترین خوشبختی است، بالاترین لذت: زیبایی عالی

---

1 سخنرانی در مورد مصائب خداوند 2، ص 3، ص. 339، 1.
مراقبه در مورد تجسم مسیح ص 3، ص. 56، 1. — 2-25
2. $ در انضباط صومعه ها ج. 10، ص 2، ص. 305، 1. 20. 4 I
گفتگوی نوآموزان ج. 4،
آقای 9

تودو، بالاترین شیرینی. او خود حقیقت ابدی است، حکمت ابدی: خیر ابدی، عظمت ابدی. او دلپذیرترین منبع زندگی است; که همه اهل بهشت را با حضور خود شاد و سرمست می کند: در رحمت نجات می دهد و تاج می گذارد.

به لطف او توجیه و روشنگری می کند. از طریق جلال او را شاد می کند و راضی می کند. او همه چیز را به سوی خود می کشاند، همه چیز را به تنهای‌ی پر می کند، آنها را بر همه چیز برتری می بخشد، و به آنها پاداش می دهد. به هر یک از آنها یک سکه طلا برای چند کار می دهد: و برای مبارزه ای کوتاه یک تاج طلای‌ی که در زندگی ابدی با فرشتگان تملک می شود.

برای داشتن این تاج باید همه تلاش کنیم و برای پیروزی بجنگیم. همانطور که تمام مقدسین قبل از ما انجام دادند و پیروز شدند. که فقط با مسیح سلطنت می کنند

فصل نوزدهم

تحمل صدمات، و اینکه چه کسی رنجور واقعی است باید ثابت شود.

1. پسرم این چه حرفیه که می‌زنی؟ ترک شکایت با توجه به علاقه من و سایر اولیای الهی. شما هنوز خونریزی را متوقف نکرده اید. در قیاس با کسانی که رنج می برید، چیز کوچکی است

---

1 خطبه به نوآموزان 27، ص 6، ص. 249 مربع 1، 21.

آنها بسیار رنج کشیدند، به شدت وسوسه شدند، بسیار سخت گرفتار شدند، بارها مورد آزمایش و تمرین قرار گرفتند. پس لازم است بار دیگران را به ذهن خود بازگردانید تا جانوران کوچک خود را سبک کنید. و اگر به نظر شما کوچک نمی آیند، ببینید که بی صبری شما نیز این کار را نمی کند. چه کوچک باشند و چه بزرگ، سعی کنید همه چیز را با صبر و شکیبایی تحمل کنید.

2. هر چه بهتر خود را برای رنج آماده کنید، عاقلانه تر عمل می کنید و درآمد بیشتری کسب می کنید. شما نیز با تمرین، سبک دل خواهید بود و برای این منظور آماده خواهید شد. و نگویید: من نه می‌توانم از چنین مردی این چیزها را تحمل کنم و نه این‌ها را تحمل کنم.
زیرا او آسیب بزرگی به بار آورد و به من توهین کرد که هرگز به آن فکر نکرده بودم.
اما من با کمال میل از دیگری رنج خواهم برد و او را به عنوان یک پا-تیندا خواهم دید. چنین فکری احمقانه است که نه فضیلت صبر را در نظر می گیرد و نه با آن تاج گذاری می کند، بلکه افراد و آزارهای وارده بر آن را می سنجد.

3. دردمند واقعی نیست که نمی خواهد رنج بکشد، مگر به اندازه ای که صلاح بداند و از هر که بخواهد. اما بیمار واقعی توجه نمی کند، از کدام شخص، چه الف

خواه توسط شخصی همتراز یا پست تر از مافوق خود، چه توسط یک انسان خوب و مقدس، چه توسط یک فرد منحرف و نالایق. اما با بی تفاوتی نسبت به هر موجودی، هر چقدر هم که اتفاق ناگواری برای او بیفتد، با شکرگزاری این امر را از دست خدا می پذیرد و آن را منفعتی عظیم به شمار می آورد، زیرا هیچ چیز نزد خدا، هر چند کوچک، بدون شایستگی برای خدا نمی گذرد.

4. بنابراین، اگر می خواهید پیروزی داشته باشید، برای نبرد آماده باشید. بدون مبارزه نمی توانید به تاج استقامت برسید. اگر نمی خواهید رنج بکشید، از تاج گذاری امتناع می کنید. اما اگر می خواهید تاج گذاری کنید، مطمئن باشید که به عنوان یک مرد، صبور باشید. بدون زحمت به استراحت نمی رود و بدون مبارزه به پیروزی نمی رسد.

5. خداوندا، آنچه را که ذاتاً برای من غیرممکن به نظر می رسد، به فیض برای من ممکن کن. شما می دانید که من می توانم کمی رنج بکشم و به راحتی سرکوب می شوم e: در برابر ناملایمات فزاینده بگذار هر مصیبت برای من برای نام تو دوست داشتنی و پسندیده باشد، زیرا رنج و مصیبت برای تو برای روح من بسیار سالم است.

در نظر گرفتن.

بهترین آموزش: صبر در مصیبت!
بگذار شر همیشه ناخوشایند باشد: تحمل شر خوشایند باشد. تا زمانی که اینجا زندگی می کنید، باید با خودتان بجنگید و از دشمن حمایت کنید. در این کار، اگر آنچه را که برای خدا آزار دهنده است، تحمل کنید، شایستگی شما افزایش می یابد. به خاطر مسیحی که برای شما مصلوب شد، با صبر و حوصله آنچه را که شما را آزار می دهد تحمل کنید

حالا چه کار خواهی کرد جان من؟ بگو صبرت کجاست؟ شما مقصر هستید و عیسی برای شما در مجازات است. تو گناه کردی و او تازیانه خورده است. در برابر تمام آنچه به شما می دهد چه چیزی به او خواهید داد! 5ای برادر فقیر، پست و حقیر، در مصیبت و درد شکست نخورید، زیرا با مسیح بر روی صلیب و با شهدا در زندان و زندان امتحان می شوید.
پس اندکی صبورانه و با کمال میل تحمل کنید، که نمی توانید شادی زیادی را تحمل کنید، همانطور که بسیاری از مقدسین انجام داده اند. آنچه شما برای مسیح در خدمت خدا انجام می دهید و رنج می برید در مقایسه با مقدسین و سایر فدائیان چیزی نیست.

---

1 در تشخیص شکنندگی خود ج. 4، ص 2، ص. 365, 1, 21, ،ص 366، 1. 7. 8 در مورد زندگی صلح آمیز خوب ص 2 .Ib. 2 -] ص. 396, 1. 15. - 5 4 - .15 .1 Valley of the lilies C. I8, n. 2. بر سه خیمه 8 .C. 3, n.
8 بیمارستان فقرا ج. 10، نه 3. - 7 33 .Vallis liliorum c، شماره 8.

ترجیح دهید که سنگین‌ترها را حمل کنید: در این صورت می‌توانید وزن‌های کوچک‌تر را راحت‌تر تحمل کنید.

ستایش های مردم را که بیهوده است آرزو نکنید و از ملامت هایی که مانعی ندارد، بلکه روح را پاک و فروتن می کند نترسید. زیرا اگر به درستی عاقل و با ملاحظه باشید: از آن سود خواهید برد.

اگر رقیب خوبی برای فضیلت باشید چه کسی می تواند به شما آسیب برساند؟ اینک، تمام ناله‌های تو شمرده شده است، و تو هیچ رنجی به این کم نمی‌کشی، که به خاطر آن تاج نخواهی داشت. هنگامی که در مصیبت قرار می گیرید، به یاد داشته باشید که این راه مقدسین است که از طریق آن به ملکوت آسمان می روند.

مگر نه این است که اگر خوب قضاوت کنی، کسی که مشروع به نظر نمی رسد، شایسته تاجگذاری نیست؟ در واقع، او خود را یک سرباز خوب در جنگ نشان می دهد. دست از کشمکش های آزمایش ها و کشمکش های آزمایش ها بردارید و پیروزی حاصل نخواهد شد. و اگر پیروز نباشد، حق است که ثواب C0r Ona مدیون کسی نباشد

، 4.

هیچ کس شایسته تعالی نزد خداوند نیست، مگر کسی که می داند چگونه برای خدا سرزنش شود. زیرا همانطور که) تو، خداوندا، برای من رنج کشیدی، من نیز باید برای تو رنج بکشم و تا آنجا که می توانم از تو پیروی کنم.

— ص 395، 1. 6 1 در مورد زندگی صلح آمیز خوب ص 2،
3 یک آلفای کوچک — 2 دره نیلوفرها ج. 17، شماره 2.
— ص. 318، 1. 22. راهبان آیو، ص 3، 4 را در سه خیمه ج. 3،
نه 12. '

زیرا به سنت پیتر گفتی: مرا دنبال کن.
اما افسوس برای من، خداوند، زیرا من برای تو رنج بسیار کمی کشیدم. من اغلب نشان می دهم و به سختی یکی از ده را تمام می کنم. حرف زیاد است اما عمل کم. همه اینها تقصیر من است و هیچ بهانه ای نیست. پس چه چیزی باقی می ماند که درباره این چیزها بگوییم و فکر کنیم، جز استغفار و دعا: گناه کردم، پروردگارا، به من رحم کن!
همه اولیا و دوستان خدا برای من دعا کنید که ضعیفم

فصل XX

در اعتراف به ضعف خود و بدبختی های این زندگی.

من به ظلم خود در حق خود اعتراف خواهم کرد، پروردگارا به ضعف خود اعتراف خواهم کرد. این Ո اغلب یک چیز کوچک است که من را پایین می آورد و غمگینم می کند. من پیشنهاد می کنم که جسورانه عمل کنم. اما وقتی کمی وسوسه می شود، ناراحتی بزرگی به سراغم می آید.
گاهی اوقات این یک چیز بسیار ارزان است که از آن یک وسوسه جدی می آید. و در حالی که فکر می‌کنم تا حدودی ایمن هستم، وقتی آن را احساس نمی‌کنم، گاهی اوقات می‌بینم که نسیم خفیفی بر خودم غلبه می‌کند.

---

1 دره نیلوفرها ج. 17، شماره 2.

2. پس پروردگارا، به فروتنی و شکنندگی من که از هر سو برای تو شناخته شده است، بنگر. رحم کن و مرا از منجلاب نجات ده تا غرق نشم و تا ابد رانده نمانم. این همان چیزی است که اغلب در من طنین انداز می شود و من را پیش از تو گیج می کند، زیرا من آنقدر ضعیف و ضعیف هستم که در برابر احساساتم مقاومت کنم. و اگر نه به طور کامل به توافق، با این حال دخالت آنها نیز برای من دردناک و جدی است، و من از زندگی در این راه هر روز در یک اختلاف بسیار خسته شده ام. از این رو نقطه ضعف من برای من مشخص می شود، زیرا خیالات نفرت انگیز همیشه بسیار راحت تر از آن که خارج می شوند، وارد می شوند.

3. خدای توانا اسرائیل، غیور ارواح مؤمن، به زحمات و دردهای بنده خود بنگرد و او را در همه چیز، هر چه می‌خواهد یاری کند. مرا با قوت آسمانی تقویت کن، مبادا پیرمرد، گوشت بیچاره ای که هنوز کاملاً تحت تسلط روح قرار نگرفته، غالب شود تا بر او مسلط شود، تا زمانی که در این زندگی فلاکت بار نفس می کشد، با آن مبارزه کند. افسوس که این چه زندگی است که در آن مصیبت و بدبختی کم نیست و همه چیز پر از آب و دشمن است! زیرا هنگامی که یک مصیبت یا وسوسه فروکش می کند، دیگری نزدیک می شود. بلکه همچنین

هنوز در جریان درگیری قبلی، افراد بیشتری و به طور غیرمنتظره ای آمدند.

4. و چگونه می توان زندگی را با داشتن این همه تلخی، دستخوش این همه مصیبت و بدبختی دوست داشت؟ زندگی را چگونه می نامند که این همه مرگ و میر و بلا ایجاد می کند؟ و با این حال آن را دوست دارند، و بسیاری به دنبال لذت بردن از آن هستند. دنیا به دلیل فریبکاری و بیهودگی اغلب مورد سرزنش قرار می گیرد، اما به راحتی نمی توان آن را رها کرد، زیرا شهوات نفسانی بیش از حد غالب است. اما برخی چیزها منجر به عشق می شود، برخی دیگر به تحقیر. آنها میل جسمانی، میل چشم ها و غرور زندگی را به عشق دنیا می کشانند.
اما مجازات ها و بدبختی ها به دنبال آن ها نفرت از دنیا و خستگی را به وجود می آورد.

5. اما لذّت به جای درد بر ذهن منحرف داده شده به دنیا غلبه می کند و آن را لذتی در زیر حواس می داند، زیرا شیرینی خدا و خوشایند فضیلت درونی را نه دیده و نه چشیده است. اما کسانی که دنیا را کاملاً تحقیر می‌کنند و می‌خواهند تحت انضباط مقدس خدا زندگی کنند، شیرینی الهی را که به کسانی که حقیقت را انکار می‌کنند، نمی‌دانند. و با وضوح بیشتری می بینند که جهان چقدر اشتباه می کند و به گونه های مختلف فریب می خورد.

در نظر گرفتن.

اغلب چیز کوچکی است که به خاطر آن هدیه ای می دهم، برای مرد سردرگمی بزرگ ایجاد می شود. ناتوانی من زیاد است، به گونه ای که ایستادن سخت و مستعد تسلیم شدن در برابر بدی ها و بلاهای روحی است.

از کسانی که بالاتر از من هستند می خواهم بیایند و همیشه در دسترس نیستند. این چیزها را که خداوند در زیر قرار داده است، آرزو می کنم که آنها بروند و بخواهند در کنار من بمانند، بدون اینکه خوانده نشوند.
دسته دسته نزد من می آیند و با آنها افکار مختلف، برخی از دنیا، برخی از جسم، بسیاری از شیطان و اطراف من از هر سو می گویند: ما دهان و گوشت شما هستیم. بگذارید کمی با شما بمانیم. با ما هم عقیده باش، دوستمان باش و بنشین

اینجا نیز با ما آنها با حیله گری با چاپلوسی و وعده های بزرگ در کمین من نشسته اند.
در مورد من، از آنجایی که من مردی فانی و ضعیف برای [مقاومت هستم، آنچنان که باید، به اندازه کافی با اقناع و اصرار آنها مخالفت نمی کنم. و با این حال، اگر چنین کنم، چنان که می گویند، اشتباه می کنم، زیرا آنها با من به نیرنگ صحبت می کنند، و این شوق از جانب خدا نیست، بلکه از طرف شیطان است. کسانی که در خدا دانا هستند به هر روحی ایمان نمی آورند، بلکه آن را ثابت می کنند

---

1 رساله 2، د 4. 2 در مورد پشیمانی واقعی

n. 10

همه چیز، چه روح از جانب خدا باشد و چه از دنیا، کسی را می شنوند، ولی قبول نمی کنند و می گویند: نمی دانیم اهل کجایی. برو، زیرا تو از پدرت شیطان هستی و حقیقت در تو نیست.

درگیری پرهیزگاران چنین است; و خداوند که به همه چیز توجه دارد، می داند که زحمت همه آزمایش ها چیست. این زندگی پر از درد و فشار است، آنهایی که از جام تلخی آن نوشیده اند به خوبی می دانند. جانم از جانم خسته است و درد من هر روز تازه می شود 2 ای گل ای گل تا کی به من می چسبی؟ ای تاریکی و لغزندگی، تا زمانی که من در دام تو هستم

3 ؟

همانا گمراه می‌شوید و خود را فریب می‌دهید که هنوز دنیا برایشان شیرین و زندگی کنونی برایشان خوش است. زیرا هیچ چیز خوشایند در این زندگی وجود ندارد که چیزی تلخ به آن متصل نباشد. هیچ چیز در خلقت آنقدر گرانبها و نیکو و لذتبخش نیست که بتواند روح انسان را راضی و شاداب کند و از هر بدی رهایی بخشد و آن را از همه خوبی ها پر کند و همیشه او را [شاد کند.

هنگامی که بنده مسیح تلاش نمی کند تا حاضران را تحقیر کند، سزاوار است کمی از تسلی الهی درک کند. پس بگذار در آنجا آرامش بجوید، جایی که فقط حقیقت و ابدیت است

---

1 Ib, n. 11 2, - 2 Ib. 34 .ج. 4 دره نیلوفرها ،ن، 16 - 3 آیب، ن، آیو، 4 دره نیلوفرها ج. شماره 2.

پر بودن است و از چشمه‌ای که فرو می‌ریزد، برای خنک کردن یا تسلی روحش، نوشیدنی آب می‌خواهد، زیرا یک قطره شیرینی الهی از چاهی پر از لذت‌های زمینی ارجمندتر است.

فصل بیست و یکم.

اینکه در خدا باید بالاتر از همه چیزهای خوب و موهبت ها استراحت کنیم.

1. بیش از همه چیز و در همه چیز، جان من، همیشه در خداوند آرام خواهی گرفت، زیرا تا ابد در قدیسان آرام خواهی گرفت. به من، شیرین ترین و عاشقانه ترین مجروح، عطا کن تا در تو آرام بگیرم، بالاتر از همه خلقت:
بالاتر از همه سلامتی و زیبایی، بالاتر از همه شکوه و شرافت، بالاتر از همه قدرت و شرافت، بالاتر از هر دانش و ظرافت، بالاتر از هر ثروت و مهارت، بالاتر از همه شادی و سرور، بالاتر از همه شهرت و ستایش، بالاتر از همه شیرینی و تسلی، بالاتر از همه امید و وعده، بالاتر از همه شایستگی و آرزو، بالاتر از هر هدیه و هدایایی که می توانید ببخشید و ببخشید.

1 Serno 1 به برادران n. 2.

بر تمام شادی ها و شادی های‌ی که ذهن می تواند درک کند و احساس کند، سرانجام بر فرشتگان و فرشتگان، و بر تمام لشکر آسمان، بر همه چی‌زهای مرئی و نادی‌دنی، و بر هر چی‌زی که تو نی‌ستی، خدای من.

2. زی‌را تو ای خداوند، خدای من، از همه چی‌ز بهتری، تنها تو بالاتری‌ن، تنها تو قدرتمندتری‌نی، تنها تو کافی و کامل تری، تنها تو شی‌ری‌ن تری‌ن و آرامش بخش تری‌نی، تنها تو زی‌باتری‌ن و دوست داشتنی تری‌نی، تنها تو نجی‌ب تری‌ن و با شکوه تری‌ن بی‌ش از همه هستی، که همه چی‌زهای خوب همزمان و به طور همزمان در اوست، و همی‌شه در مورد من بوده و ی‌ا بوده ای وعده، کمتر و ناکافی است آن را به طور کامل دری‌افت کنی‌د: زی‌را در واقع قلب من نمی تواند واقعاً آرام بگی‌رد، و نه کاملاً راضی باشد، مگر ای‌نکه در شما آرام گی‌رد، و از همه هدای‌ا و همه آفری‌نش ها فراتر رود.

3. ای محبوب تری‌ن همسر من، عی‌سی مسی‌ح، ؛ پ‌اک تری‌ن عاشق، استاد همه خلقت، که بال های آزادی واقعی را به من می دهی تا در آن پ‌رواز کنم و (آرام بگی‌رم.

شما آه، کی به من داده می شود که کاملاً آرام شوم و ببینم چقدر شیرین هستی، خدای من؟ چه زمانی خود را به طور کامل در تو جمع کنم تا در برابر عشق تو خود را احساس نکنم، بلکه فقط تو را بیش از هر حس و روشی که برای همه معلوم نیست احساس کنم؟ اما اکنون اغلب ناله می کنم و ناراحتی خود را با درد تحمل می کنم.

زیرا در این وادی مصائب، بدی‌های بسیاری رخ می‌دهد که غالباً مرا آزار می‌دهد، غمگین و ابری می‌سازد. غالباً مانع و منحرف می‌شوند، جذب می‌کنند و در هم می‌گیرند تا دسترسی آزاد به شما نداشته باشم و از آغوش دلپذیری که همیشه در دسترس ارواح مبارک است لذت نبرم. باشد که آه های من تو را به حرکت درآورد و ویرانی در زمین بسیار.

4. ای لسوس، شکوه جلال ابدی، آرامش روح سرگردان، دهانم بی صدا با توست و سکوت من با تو سخن می گوید. ارباب من چقدر در آمدن تأخیر می کند؟ بگذار پیش من بیاید و بیچاره اش را خوشحال کند. بگذار دست خود را بفرستد و فقیر را از هر تنگی نجات دهد.

من بدبختم و به تعبیری در زندان و غل و زنجیر هستم تا اینکه مرا به نور حضورت برگردانی و آزادی را به من عطا کنی و چهره دوستانه خود را نشان دهی.

5. بگذار دیگران به دنبال چیز دیگری برای تو باشند، هر چه می خواهند: در این میان، هیچ چیز دیگری مرا راضی نمی کند و نمی خواهد، مگر تو ای خدای من، امید من، رستگاری ابدی. تا زمانی که فیض تو برگردد و از درون با من صحبت کنی، دریغ نمی‌کنم و دست از دعا بر نمی‌دارم.

6. اینک، کباب شده، اینک، من نزد تو می آیم، زیرا تو مرا خوانده ای. اشک های تو و اشتیاق روحت، ذلت و قلبم مرا متمایل کرد و به سوی تو رساند.شکسته شدن

7. و گفتم: پروردگارا، من تو را صدا زدم و خواستم از تو لذت ببرم، حاضرم به خاطر تو همه چیز را رد کنم. زیرا تو ابتدا مرا بیدار کردی تا تو را جستجو کنم. متبارک باش ای خداوند، که به نسبت کثرت رحمتت این مهربانی را به بنده خود کردی. بنده تو در برابر تو چه بگوید جز این که در برابر تو بسیار فروتن کند و همواره به ظلم و پستی خود فکر کند؟ زیرا او در تمام شگفتی های آسمان و زمین مانند شما نیست. کارهاتون خیلی خوبه

قضاوت های واقعی، و همه چیز توسط مشیت شما اداره می شود. پس تو را ستایش و جلال، ای حکمت پدر، بگذار دهان من تو را تسبیح و برکت دهد، جان [من و همه آفریده‌ها با هم.

در نظر گرفتن.

نفسی که خدا را دوست می دارد، حرارتی بی وقفه دارد تا از رؤیت خود بهره مند شود، زیرا رؤیت خداوند بالاترین سعادت و سعادت کامل است. بنابراین، اشتهای این سعادت، تا آنجا که تمام اشتهای او که تا آخرش متحد شده، راضی و آرام می شود، زیرا او هرگز نمی تواند به هیچ خیر فعلی راضی باشد. زیرا او به تجربه مکرر آموخته است که هر چه از سعادت بهشتی دورتر باشد، ناخشنودتر و ناآرام تر است، زیرا هیچ چیز در آفرینش پایدار و بادوام به نظر نمی رسد که بتوان محبت هایش را به وسیله آن تعدیل کرد. زیرا آن که روح را آفرید، خودش است که امیال آن را در چیزهای خوب برآورده می کند. زیرا چنان محبتی را در او تلقین کرده است که وقتی تحت تسخیر آن شد، هیچ خیری وجود ندارد که بتواند از آن راضی باشد، و هیچ لذتی وجود ندارد که بتواند با خیال راحت از آن لذت ببرد. ای جان من اینجا نایست، زیرا اینجا آرامگاه تو نیست، بلکه بالا برو و نزد کسی که تو را ساخته است برو.

این عشق آنقدر بزرگ است که نمی توان آن را با کلمات توضیح داد، زیرا غیرقابل توصیف است. همینطور

1 تک گویی روح ج. 19، 2 1 .n

او از همه مخلوقات والا و برتر است، به طوری که همیشه نامفهوم است. قدرت و شکوه او بی پایان است.

بیایید بپرسیم: خداوندا، اگر تو هستی، مردم درباره چه کسی آواز می خوانند و همه چیز در تمام اعصار به او خدمت می کنند؟

البته من همانی هستم که هستم و غیر از من دیگری وجود ندارد. من اولین و آخرین هستم که همه چیز را می آفرینم و حکومت می کنم. من به دنبال چنین روحی هستم که مشتاق دیدن من است و مرتباً به من فکر می کند. کسی که به دنیا فداکار است نمی تواند مرا از دست بدهد. امّا آن که تمام مشغله های دنیا را دور می زند و از مشغله های دل می گریزد، باطن خود را به یاد می آورد، در آرزوی جاودانگی، از حضور بیزار است: او خود التماس می کند که در روز دیدار من و ساعت ورود قدوس القدس، حضور باشکوه پادشاه آسمانی، عجله کند و می گوید:

پروردگارا، من با آرامش به دیدارم آمدم تا در حضور تو با قلبی کامل شادی کنم. آرزوی دلم آمده است: نور چشمانم و آرامش.

تو امید من، انتظار اسرائیلی. من به تو امید داشتم ' که مرا از انتظارم گیج نکنی، زیرا با اشتیاق جان خود را به سوی تو بلند کردم.

برای چنین روحی که اینگونه مشتاق است و روز به روز خود را می جویم، به زودی ظاهر خواهم شد: و خود را آشکار خواهم کرد. زیرا من یهوه خدای او هستم. در انبیا سخن گفته ام. و غیره

---

1 Ib. 1 ج. n. 10 II.

اکنون من با همه صحبت می کنم: اما به طور خاص. هنوز به دوستان وفادارم؛ اما منحصراً برای کسی که بیشتر از بقیه بر من تأثیر می گذارد و می خواهد با احترام بیشتری دریافت کند و او را به خودش برساند. و اکنون من نزدیکم، خدا کمتر می گوید. زمان من اکنون به پایان رسیده است: من بیش از این درنگ نخواهم کرد. من به قولی که گفتم عمل می کنم. عهد خود را برآورده می کنم: آرزوی نفس را به تأخیر نمی اندازم; این همان چیزی خواهد بود که او خواسته است:

آنچه او می خواست انجام می شود، زیرا من خودم گفته ام ببین،

"اما برای من خوب است که به خدا بچسبم" (مزمور 72: 28). ای کلمه ی کوتاه و شیرین، خدا را در آغوش گرفته و جهان را از هستی طرد می کند.

0 خدای من، تو تنها خوبی، تنها خوب و شیرین منی. گفتن از تو با عاشقی شیرین است، اندیشیدن به تو با عابدی که دلش در دنیا نیست، اما در بهشت با تو پنهان است، شیرین است تا تو تنها آرامش واقعی او باشی.

فصل XXII.

از یاد نعمت های متعدد خداوند.

1. ای خداوند، قلب مرا به شریعت خود باز کن و به من بیاموز که احکام خود را دوست بدارم

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 2، ص 3، ص. 67 متر مربع، 1. 18. - ? تک گویی روح ج. 1، 1 .n.

شیر دادن به من عطا کن تا اراده تو را درک کنم و با احترام فراوان و توجه مجدانه عنایات تو را عام و خاص به خاطر بسپارم تا شایستگی تشکر از شما را داشته باشم.

من حقیقت را می دانم و اعتراف می کنم که برای کوچکترین نقطه ای قادر به جبران حمد و قدردانی که به حق است نیستم. من نسبت به همه چیزهای خوبی که در حقم شده اند پست تر هستم. و وقتی به بزرگی تو می اندیشم از عظمت روحت کوتاه می آید

مال من

2. آنچه در روح و جسم ماست و آنچه در ظاهر و باطن و به طور طبیعی و ماوراء طبیعی داریم، از فواید توست و تو را به نیکوکاران و نیکوکاران و نیکوکارانی که همه خوبی ها را از او دریافت کرده ایم، می سپاریم. و اگر یکی بیشتر دریافت کرده باشد، دیگری کمتر، با این حال همه چیز مال توست و بدون تو حتی کمترین چیزی را نمی] توان داشت. کسی که بزرگتر را دریافت کرد، نمی تواند به شایستگی خود ببالد، نه خود را بر دیگران برتری می بخشد و نه به کوچکتر توهین می کند. زیرا او بزرگتر و بهتر است که کمتر به خود نسبت می دهد و در شکرگزاری فروتن تر و عابدتر است. و آن کس که خود را از همه پست تر می داند و خود را نالایق تر می داند، برای درک چیزهای بزرگتر مستعدتر است.

3. اما آن که کمتر گرفت، نه غمگین شود و نه با غضب تحمل کند و نه بر ثروتمندتر غبطه بخورد، بلکه به تو توجه کند و نیکویي تو را بیش از هر چیز ستایش کند، که هدایاي خود را اینچنین آزادانه، آنچنان آزادانه و بدون پذیرش افراد، هدیه مي دهي. همه چیز از شماست و از این رو در هر چیزی قابل ستایش هستید. شما می دانید چه چیزی باید به هر یک داده شود. و اینکه چرا این یکی کمتر دارد و آن یکی بیشتر، تشخیص این با ما نیست بلکه با شماست که محاسن هر توسط چه کسی مشخص می شود. , کدام

4. از این رو، خداوندا، برای لطفی که آن نیز بزرگ شمرده می شود، کم داشتن، از آنجا ظاهراً و به زعم مردم ستایش و جلال ظاهر می شود: به طوری که وقتی فردی به فقر و پستی شخص خود توجه می کند، نه تنها جاذبه یا غم و اندوه یا افسردگی را از آن متصور می شود، بلکه تسلی و نشاط بزرگی را نیز متصور می شود. زیرا تو ای خدا فقیر و پست و مطرود این دنیا را به خانواده و اهل بیت خود برگزیده ای. شما رسولان خود هستید که آنها را بر تمام زمین به عنوان امیران منصوب کرده اید. با این حال، آنها در دنیا بدون هیچ شکایتی آگاه بودند، بسیار متواضع و شبیه

بدون هر گونه کینه و فریبکاری، تا می توانند به خاطر نام تو با شادی مورد اهانت قرار گیرند. و آنچه را که دنیا از آن بیزار است، خود آنها با محبت فراوان در آغوش می گیرند.

5. پس هیچ چیز نباید معشوق و دانای تو را چنان شاد کند که اراده تو در او، و خشنود از خلقت ابدی توست: که با آن راضی باشد و دلداری دهد که با c کمال میل، کمترین باشد، و در آخر آن چنان آرام و خشنود باشد، که در وهله اول، از نامحب و ناموستر باشد، و چنان آرام و راضی. و در جهان بزرگتر است. زیرا اراده و عشق شما به عزت شما باید از همه بیشتر باشد و او را بیشتر از همه نعمتهایی که به او داده یا داده اید تسلی دهید و خشنود کنید.

در نظر گرفتن.

فواید خداوند در آسمان و زمین آنقدر زیاد است که هیچ کس نمی تواند آنها را توضیح دهد یا برشمرد. بنابراین همه چیز باید به خدا بازگردانده شود و همیشه باید حمد و ستایش توسط همه انجام شود.

---

1 بیمارستان فقرا ج. 20، نه 3.

همانطور که گل در دست سفالگر است، ما نیز در دست او هستیم. اگر او ما را کوچک و حقیر و آخرین در میان برادرانمان قرار داده است، چندان به این امر اهمیت نمی‌دهیم، مشروط بر اینکه سزاوار رضایت او باشیم. پس به مصلحت نیست که کسی به نابرابری شایستگی ها و تقسیم مناصب به ناحق نسبت به کسی که به هر جهت مطرود و پست تر از بقیه مردم این دنیاست فکر کند. فقیر بودن در این دنیا به خاطر مسیح و داشتن پست ترین جایگاه، هدیه بزرگ خداست.

اینک این شیرین ترین داماد و عزیزترین دوست من، خداوند من عیسی مسیح، عاشق ارواح مقدس، که نمی تواند از عشق دست بکشد، مرا به سوی خود کشانده است.

و وقتی نبودم به من داد تا باشم، زندگی کنم، عاقل باشم و از این نور مشترک لذت ببرم. او به من کمک کرد تا از طریق فیض تعمید به دنیا بیایم و دوباره متولد شوم و من را به شکوه عالی ترین شایستگی ها ملبس کرد. از آن پس که خود را با گناهان بسیار زشت کرده بودم و سزاوار فدیه نبودم، زشتی های من نمی نگریست، بلکه به به آغوش رحمت خود می نگریست. در واقع، همانطور که من بیشتر سرگردان بودم، او مرا به لطف خود صدا زد و نگذاشت در این سن 3 سالگی هلاک شوم.

---

1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 1، 3 .n. الفبای کوچک راهب را بخوانید. 12، ص 3، ص. 318 متر مربع، I. 30.
3 تک گویی روح ج. 15، نه 3.

و به من گفت: اگر بخواهی و به من گوش کنی، همه [خوبی ها را خواهی دید. اگر آنچه را که من می گویم انجام دهید، دوست من خواهید بود. اگر مرا برگزیدید و بیش از هر چیز مرا دوست بدارید، از جانب پدرم برای شما انجام خواهد شد، چه و چه زمانی که بخواهید. اما اگر اجازه بدهید بروم، این یک مانع برای شما خواهد بود. و هنگامی که به دنبال دیگری می روید، برای مدت طولانی شما را خشنود نمی کند، بلکه به ملال و تلخی تبدیل می شود، زیرا من نجات و حیات روح هستم.

و به نظر شما او چگونه مرا روی شانه هایش حمل کرد؟ او این کار را انجام می داد، هرگاه به ضعف من نگاه می کرد، اما نه من را طرد می کرد و نه به تحقیر می نگریست، اما صبورانه و طاقت فرسا مرا خسته می کرد. او نیز هنگامی که در بال هایش نفس می کشید مرا بر دوش خود حمل می کرد و به من جرأت می داد که از ناتوانی ها و آنچه در من مذموم بود رنج ببرم. او هنوز شخصی بسیار عزیزتر را بر روی شانه های خود حمل می کرد، هنگامی که در حالی که صلیب برای خود حمل می کرد، به جایی که Calvaria نامیده می شود، جایی که در آنجا مصلوب شد، رفت. زیرا من از او بیشتر از خود صلیب به آنجا بردم. و گناهان من بارهای سنگین تر از این چوب صلیب بر دوش او بود. O
چه بسیار بالاتر از همه چیز، او باید مورد محبت و احترام من قرار گیرد، که به واسطه شایستگی و لطف او چنین خواسته و رستگار شده ام!

---

1 Ib. 4 نه. — 2 Ib. 7 نه. — 3 Ib. 8 نه. —
4 دره نیلوفرها ج. 27، شماره 4.

فصل XXIII

از چهار مورد مهم

صلح

1، پسر، من اکنون راه صلح و آزادی واقعی را به تو خواهم آموخت.

2. خداوند، آنچه را که می گویید انجام دهید، زیرا شنیدن آن برای من خوشایند است.

3. پسرم سعی کن به خواست دیگری عمل کنی تا اراده خودت. انتخاب کنید، همیشه کمتر داشته باشید، نه اینکه بیشتر داشته باشید. همیشه به دنبال یک مکان پایین تر باشید و تابع همه باشید.

همیشه امیدوار باشید و دعا کنید تا خواست خدا در شما محقق شود. ببینید چنین مردی وارد مرزهای آرامش و آرامش می شود.

4. آقا، این سخنرانی کوتاه شما حاوی کمالات بسیار است. از نظر بیان کوچک، اما پر معنا و سرشار از میوه است. زیرا اگر بتوانم با وفاداری از آن محافظت کنم، نباید به این راحتی مضطرب شوم. برای هر بار که احساس ناراحتی و سنگینی می کنم، متوجه می شوم که از این دکترین کنار کشیده ام. اما تو که می توانی همه کارها را انجام دهی و همیشه پیشرفت روح را دوست می داری، بر فیض بیشتری بیافزای تا من سخن تو را کامل کنم و رستگاری خود را) کامل کنم.

دعا در برابر افکار شیطانی

5. خداوندا، خدای من، از من دور مباش. خدای من، به یاری من نگاه کن، زیرا افکار مختلف و ترس های بزرگ در من به وجود آمده است که روحم را آزار می دهد. چگونه سالم بگذرم؟ چگونه آنها را بشکنم؟

6. او می گوید که من پیش روی تو خواهم رفت و جلالان زمین را فروتن خواهم کرد. درهای زندان را باز خواهم کرد و اسرار اسرار را برایت فاش خواهم کرد.
7. خداوندا، کاری کن که حرف بزنی، و بگذار همه افکار نادرست از چهره تو بگریزند.
این تنها امید و دلداری من است، آگهی
te به هر گرفتاری پناه ببرم، به تو اعتماد کنم، تو را از صمیم قلب بخوانم و صبورانه منتظر آسایشت باشم.

دعایی برای روشن شدن ذهن.

8. ای خیر مجروح من را با درخشندگی نور درونی روشن کن و همه تاریکی ها را از خانه قلبم بیرون آور. از سرگردانی های زیاد و تلاش برای دور کردن خود اجتناب کنید. برای من شجاعانه بجنگ، و بر جانوران بد، یعنی شهوات فریبنده، پیروز شو: تا در قدرت تو آرامش باشد، و ستایش فراوان تو در تالار مقدس طنین انداز شود، این در وجدان است.

فرمان پاک بادها و طوفان ها.
به دریا بگو: آرام باش. و به سمت شمال: نوزید;
و آرامش بزرگی وجود خواهد داشت.
9. نور و حقیقت خود را بفرست تا بر زمین
بدرخشند. زیرا من زمینی خالی و تهی هستم تا
اینکه مرا روشن کنی. اف.
فیض را از بالا بریز قلبم را با شبنم بهشتی
غرق کن؛ آبهای ارادت را خدمت کنید تا روی زمین را
آبیاری کنید و میوه های خوب و عالی به دست
آورید.
ذهن مظلوم از انبوه گناهان را بلند کن و تمام
آرزوهایم را به چیزهای بهشتی به حالت تعلیق
درآور تا با چشیدن شیرینی سعادت بهشتی از فکر
کردن به چیزهای زمینی بی میل باشد.
1. مرا رها کن و از تمام آسایش طاقت فرسا
آفرینش نجات ده، زیرا هیچ آفریده ای قادر نیست
اشتهای من را کاملاً آرام و آرام کند. مرا با پیوند
ناگسستنی عشق به خود ببند، زیرا تنها تو
برای عاشقی کافی و بدون تو همه چیز بیهوده
است.

در نظر گرفتن.

کسی که چیزهای زیادی دارد از مراقبت بسیار رنج می
برد. کسی که می داند چگونه به اندکی راضی باشد، آرام تر
است. مراقب اغتشاشات باشید: و اغتشاشات

---

1 بیمارستان فقرا ج. 4، نه من

چیزهای بریده شده شما هیچ چیز عمیق، هیچ چیز ظریف، هیچ چیز کنجکاو، هیچ چیز گذرا نمی خواهید: و بزرگترین بی قراری را قطع کرده اید! آنچه را که دوست دارید و آنچه را دوست ندارید از قلب خود بیرون بیاورید: و هیچ چیز شما را مجبور نخواهد کرد. در خانه ات را ببند، آرامش خواهی داشت.

هیچ آرامشی جز در خدا و انسان نیکوکار نیست که همه کارها را به خاطر خدایی که دوستش دارد به خوبی انجام می دهد. دل خود را از هر گونه بدخواهی پاک کن، و در آرامش خواهی بود.

3.

دعا در برابر افکار ذهنی.

خدایا، تو افکار آدمیان را زمانی که بیهوده هستند می دانی (مزمور 93، 2). اینک من خود را در قلبم به نشانه عهد و پیمانی میان خود و تو عرضه می دارم که هیچ موجودی را به خاطر عشق شریف و گرانبهای تو دوست نخواهم داشت، بلکه همه چیز را تحقیر می کنم و خود و همه چیز را به یک اندازه رها می کنم. و پس از این امور، افکار این دنیا، مرتبط و همجوار با جسم گناهکار، چنان شیرین به قلبم می‌آیند که گویی شادی در آن‌ها وجود دارد، و گویی می‌خواهم آنها را از دست بدهم.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند I5, P. I54
در زندگی صلح آمیز خوب ص 2، ص 395، 1 2 - .3I .1 ,sq]
I7. —— 8 باغ رز C. II, n. من ——
4 دره نیلوفرها ج. &، 2 .n.

اگر آنها را تحقیر کنم چه فایده ای دارد؟ پس غالباً مرا از هدفم منحرف می‌کنند و در نهایت مرا به‌کلی گمراه می‌کنند. 0 چقدر در این گناه کردم که به همه چیزهایی که تنها به تو موکول شده پای‌بند نبودم 1

به من اعتماد کن و نترس، زیرا خداوند می گوید که من با تو هستم تا تو را نجات دهم. قوی و قوی باشید، زیرا با ما بیشتر از ما هستند. خداوند می‌گوید: من پیشاپیش شما خواهم رفت و برای شما می‌جنگم و هر جا که بروید با شما خواهم بود.

دعایی برای روشن شدن ذهن.

خداوندا عیسی مسیح ای نور حقیقی، جاودانه و تغییرناپذیر، که برای روشن کردن تاریکی جهل بشری، تو ذوق زدی که در زندان این جهان فرود آیی، تا راه را به کشور روشنایی ابدی به ما نشان دهی، جایی که تو همیشه بدون نقص در برابر فرشتگان مقدس حضور داری، دعای خضوع من را بشنو و آن نور الهی را در سراسر امت بریز که به جهانیان موعظه کردی. دنیا، با فضل بخشنده قلبم، تا در سرزمین زیارتم راه تو را بشناسم، زیرا که از بیهودگی دنیا رها شده و از دغدغه های نفسانی رانده شده، در رکاب عشق از تو ای خالق و رستگارم پیروی خواهم کرد.

---

1 تک گویی روح ج. 6, 2 - .3 2 I ,n یادآوری مختصری از تمرین معنوی ص 2, ص. 430، 1. 14.

تا آخر عمر، در کمال فقر و فروتنی، در صبر و بردباری، در ایمان و امید و انفاق، در متانت، در عفت و اطاعت کامل.

خدای من، نور حقیقی، تو می توانی تمام تاریکی های قلبم را روشن کنی و تمام نقاط آن را در روح شور و قضاوت بسوزانی. سالها و روزهای طولانی فقر با یک لغزش ساده به وفور آرامش می یابد.

C آه، گرمای بی اندازه خورشید واقعی، به اندازه گرمای زایمان در یک عاشق. بگذار دلم با آرزوی ابدیت گرم شود. و به یاد چیزهای ابدی و اشتیاق به بهشتی، سنگینی عمل خود آدمی سنگین است: هر چه در چیزهای زمینی می بینم خیلی خسته کننده می شود. او از تمام آسایش انسان بیزار است. و برای درد خود چاره ای نمی یابم: مگر اینکه قلبم با تو کاملاً متحد شود.

فصل XXIV

در مورد پرهیز از تحقیق کنجکاو در زندگی دیگری.

1. پسرم کنجکاو نباش و دغدغه های توخالی نداشته باش. این یا آن برای شما چه معنایی دارد؟ تو منو دنبال کن برای تو چه می شود، خواه او چنین باشد، یا چنین باشد، یا این

---

1 در اعتلای ذهن ج. 2، n. 3 ,C. 3 n. I. - Soliloquy of the soul.

3 Ib. 19 ج، n. 3.

4 در مورد رشد ذهن ص 2، ص. 408، 1. I5.

آیا او چنین و چنان رفتار می کند یا صحبت می کند؟ شما نیازی به پاسخگوویی به جای دیگران ندارید، بلکه باید پاسخگوی خودتان باشید. پس شما درگیر چه چیزی هستید؟ اینک من همه چیز را می دانم و همه چیزهایی را که زیر آفتاب انجام می شود می بینم. و من می دانم که او با هر یک چگونه است، به چه فکر می کند، چه می خواهد، و به چه هدفی می خواهد. بنابراین همه چیز باید به من متعهد باشد: اما شما خود را در آرامش نگه دارید و اجازه دهید که) تحریک کننده تا آنجا که می خواهد تحریک کند. هر کاری که او انجام دهد یا بگوید به او خواهد رسید، زیرا او نمی تواند مرا فریب دهد.

2. نگران سایه نام بزرگ و آشنایی خیلی ها و محبت خصوصی مردم نباشید. زیرا اینها باعث ایجاد حواس پرتی و تاریکی بزرگ در قلب می شوند. من با کمال میل سخنم را با تو می گویم و پنهانی ها را آشکار می کنم، اگر آمدنت را با دقت مشاهده کنی و در دلت را به روی من بگشایی. در نماز خود کوشا و مراقب باشید و در همه چیز فروتن باشید. ،

،

در نظر گرفتن.

هرکس بار کافی برای خودش دارد.

پس چه فایده ای دارد که خود را از کارهای دیگران پر می کنی و بیش از توانت می بری؟

چطور هستی چقدر بیشتر در خارج از کشور گسترش یافته است: `
2. اگر نمی خواهید حواس شما پرت شود و صدمه ببیند: درگیر مسائل دیگران نشوید. آنچه به تو متعهد نیست: بگذار در این باره سکوت کند دهان تو 3 او بسیار احمق است که از دهان خود غافل شود و خود را با چیزهای دیگر درگیر کند. به همین دلیل باید بسیار کوشا باشیم و به موقع به باطن بازگردیم. تا آنجا که مسیح آمد و در را زد و بلافاصله به روی او باز شد. اگر راز را دوست داشته باشید اغلب با عیسی خواهید بود. در آنجا در خداوند شادی خواهید کرد و با او صحبت خواهید کرد و او به شما پاسخ خواهد داد. نور او به قلب شما نزدیک می شود و حقیقت برای شما آشکارتر می شود. وقتی مسیح بیاید، فضای داخلی خانه شما روشن خواهد شد.

شما با نور جدید پاک خواهید شد و در روشنایی آن تمام درون شما خواهد رقصید،

فصل XXV.

که آرامش قلبی و پیشرفت واقعی شامل آرامش است.

I. فلی، من صحبت کرده ام: آرامش را به شما می گذارم، آرامش خود را به شما می دهم: نه

- 2 خطبه 1 باغ گل رز C. II, n. 3.
به مبتدیان 3، ص 6، ص. 21، 1. 18. S Libellis Spiritualis
ص 2، ص. 337، 1. 6. 4 در نظم و انضباط صومعه exercitii c. 4،
نشین ج. I, P. 2, P. 269, 1. 30.
5 خطبه به نوآموزان 30، ص 6، ص. 303، I. I4.
6 درباره تنهایی و سکوت ج. 1، n. 5.

همانطور که دنیا می دهد، من به شما می دهم.
همه آرزوی صلح دارند: اما همه به چیزهایی که به صلح واقعی تعلق دارند اهمیت نمی دهند. درود بر فروتنان و حلیم دل. آرامش شما در صبر بسیار خواهد بود. اگر به من گوش دهید و صدای من را دنبال کنید، می توانید از آرامش بسیار لذت ببرید.

2. اونوقت چیکار کنم؟

3. در هر کاری به خودتان توجه کنید، چه می کنید و چه می گویید. و تمام توجه خود را به این معطوف کن تا تنها از من خشنود شوی، و هیچ چیزی را از من بخواهی یا بخواهی. اما هیچ چیز را تصادفی در مورد گفتار یا کردار دیگران قضاوت نکنید و خود را درگیر مسائلی نکنید که به شما متعهد نیست. و ممکن است کم یا به ندرت دچار مشکل شوید. اما هرگز احساس ناراحتی و ناراحتی قلبی یا جسمی نگرفتن، مربوط به زمان حال نیست، بلکه حالت آرامش ابدی است. پس گمان مبر که آرامش واقعی یافته‌ای، اگر جاذبه‌ای احساس نمی‌کنی، و نه آن‌گاه که همه چیز خوب است، اگر از هیچ دشمنی رنج ندهی. و نه این که اگر همه چیز طبق محبت شما انجام می شد، عالی بود. در این صورت اگر از خود گذشتگی زیادی داشتید، خود را چیزی بزرگ یا محبوب نمی‌دانید

و با شیرینی: زیرا در اینها عاشق واقعی فضیلت معلوم نیست; پیشرفت و کمال انسان نیز در اینها نیست.

4. پس خداوندا در چه؟

5. در تقدیم خود با تمام وجود به اراده الهی،

نه در جستجوی آنچه که مال توست، نه در کوچک و نه در بزرگ، نه در زمان و نه در ابد. تا با یک چهره مساوی به شکرگزاری نیک و بد ادامه دهید و همه چیز را به نحوی عادلانه سنجید. اگر آنقدر قوی بودی و ما آرزوی امید داشتیم که دلت را با تسلی درونی حتی برای تحمل بیشتر آماده کردی و خود را توجیه نکردی که گویی نباید از اینها و این همه رنج بکشی، اما مرا در همه حالات توجیه کردی و قدیس را ستودی. آنگاه در راه راستین و درست صلح گام خواهی برد و امید بی شک خواهد بود که چهره مرا دوباره در شادی ببینی.

اما اگر به تحقیر کامل خود رسیدید، بدانید که در آن صورت از آرامش فراوانی که بر اساس امکان شما ساکن است، لذت خواهید برد.

در نظر گرفتن.

اگر می خواهید آرامش و وجدان داشته باشید، فروتنی، بردباری و اطاعت را حفظ کنید.

نفرت علاقه من به صبر، تحمل بدی ها، تحقیر
شادی های دنیوی است. هر چه انسان صبورتر باشد،
از آرامش بیشتری برخوردار خواهد شد. 2. همیشه در
شادی و آرامش است که هر ساعت بر خود غلبه کند و
انکار کند و غارت کند و ذلیل کند و داوطلبانه در راه
خدا و نایب و دل و جانش به اطاعت تن دهد.

آرامش روح وفادار در این زندگی، به تحمل ناملایمات
بسیاری برای عشق به خدا و نام مسیح.
4. کسی که احساس می کند و متفاوت می اندیشد،
فریب خورده و خطا می کند. بنابراین سعی کنید راه
صلیب مقدس را حفظ کنید. و تصویر دردناک عیسی
مصلوب را در دل داشته باشیم و بتوانیم مردانه او را
در بدن نحیفش تقلید کنیم. با کمال میل خود را مجدداً
امضاء کنید و با اعتماد همه چیزهای خود را به اراده
الهی بسپارید. به همه چیزهای دنیا و به همه شادی
های بهشتی: ارادهٔ خدا ترجیح داده می شود.

در تمام تغییرات زمانی، خواه از طریق ما اتفاق
بیفتد یا از طریق دیگران، ما باید مرتبه عالی را در
نظر بگیریم و برای چنین نظمی خاضعانه به خدا
سجده کنیم و از او بخواهیم که به ما عطا کند.

---

1 باغ گل رز C. I0, n. 3. 2 بر سه خیمه ج. 3،
نه 13. - 3 4 Hospitale pauperum C. 5, n, 2.
5 — Vallis liliorum c. 30، شماره من
موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 22، ص 3، ص. I4 .I94, 1.
6 در مورد زندگی مرگبار ص 2، ص. 392، 1. 5 —

که به نظر می رسد برای نجات ما مفیدتر است.
از این جا، بنده خوب خدا می درخشد، زیرا او همه چیز را به نیکی می پذیرد، زیرا می داند که کمال، بیگانگی از همه اراده اوست.

فصل بیست و ششم

در ذات یک ذهن آزاد که سزاوارتر از یک سخنرانی ساده است تا یک سخنرانی.

1. آقا این کار یک انسان کامل است که هرگز خیال خود را از نیّت بهشتی راحت نکند و از میان دغدغه های فراوان گذر کند، گویی از روی بی خیالی، نه به شیوه ی کسل کننده، بلکه به نوعی حق عقل آزاده، به هیچ موجودی با عاطفه ی آشفته نچسبد.

2. ای پرهیزگارترین خدای من، از تو می خواهم که مرا از غم و اندوه این زندگی حفظ کن، مبادا زیاد درگیر شوم. از نیازهای فراوان بدن، مبادا گرفتار لذت شوم. از همه موانع روح، مبادا از گرفتاری ها بشکنم.
من نمی گویم: از این چیزها که باطل دنیوی با همه محبت احاطه دارد، بلکه از این بدبختی هاست که روح بنده مشترک تو را آزار می دهد. I

---

1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 1، 3 .n.   2
مباشر وفادار ج. 1، 27

با نفرین فنا، او را مجازات می‌کنند و سرعتش
را کم می‌کنند، تا روح نتواند هر چند وقت
یکبار که بخواهد وارد آزادی شود.

3. ای خدای من، با شیرینی وصف ناپذیر، همه
تسلی های نفسانی را برای من به تلخی تبدیل
کن، که مرا از حب جاوید دور می کند و با دیدن خیری
لذت بخش به سوی خود می کشاند. نه، خدای من،
مبادا گوشت و خون بر من غلبه کند، مبادا دنیا و
مرا فریب دهد، مبادا شیطان و حیله‌شکوه مختصر آن
گری او جانشین من شود.

به من قدرت مقاومت، صبر برای تحمل،
استقامت برای استقامت عطا کن.
برای تمام آسایش های دنیا شیرین ترین مسح
روحت را ببخش و برای عشق جسمانی نامت را
جاری کن

بی شکل

4. ببینید، غذا، نوشیدنی، پوشاک و سایر
ظروف مربوط به حفظ بدن، برای روح پرشور
سنگین است.

سعی کنید از چنین سوخت هایی در حد اعتدال استفاده
کنید، نه اینکه زیاد درگیر میل شوید. دور انداختن
همه چیز جایز نیست، زیرا طبیعت باید حفظ شود; اما
شریعت مقدس تمایل به چیزهای اضافی و چیزهای
خوشایندتر را منع می کند، زیرا در غیر این صورت بدن
در برابر روح گستاخ خواهد بود.

بین این چیزها، لطفا دست مرا راهنمایی کند و به من بیاموز که هیچ اتفاق زیادی نمی افتد.

در نظر گرفتن.

سعی کنید راه سلطنتی را حفظ کنید. به طوری که نه بیش از حد شل به گوشت، و نه بیش از حد سفت و سخت در اثر شور، ممکن است قبل از پایان سقوط کنید. اگر میخواهید نظم پایداری از زندگی خوب را حفظ کنید: از راه میانی بین دو نقطه افراطی قدم بزنید. به طوری که با تکبر چیزی فراتر از توان خود انجام ندهید.

زمانی که ظاهراً کار کرده اید و کارهای لازم را انجام داده اید. به طور کامل در چیزهای قابل مشاهده فرو نروید، بلکه با مراقبه های مکرر خود را به سوی خدا بالا ببرید. در نظر بگیرید که چرا این چیزهای بیرونی ساخته و اعمال می شوند. زیرا آنها باید به بندگان خدا کمک کنند نه اینکه مانع آنها شوند. تا در کار کردن از قدرت احتیاط و در اوقات فراغت عطای خرد برخوردار شوید. بهتر است این را با دعای عابدانه و متواضعانه از خدا بخواهید به دست آورید:

از اعتماد به صنعت یا نیروی کار خود،

خداوندا، ای پدر مقدس که همه چیز را به تعداد و وزن و اندازه داری، از تو می خواهم

---

[1] در نظم و انضباط از cloistered ج. 9، ص 2،، ص. 301، ص 303، 1. Ib. 8 .1. 8. 2 :

تو انجام دادی که دوست داری هر موجود عاقل به عنوان
خدمتکار به تو معرفی شود. اعمال خود به خودی مرا به
خشنودی خود هدایت کن و حرکات سرکش جسمم را به
فرمان خلقت ابدی خود منعکس کن: به من عطا کن که
اراده خود را کاملاً بشکنم. همه محبت هایم را این گونه
سفارش کن تا بدی را از ابتدا رد کنم. خوب را محکم می
گیرم، پاکان را دوست خواهم داشت و یاد خواهم گرفت که
بدون تخیل بدنی به تو فکر کنم. آنقدر قدرت و
عملیاتم را از نظر ظاهری تعدیل کن که ممکن است کاملاً
به پایین ترین ها وابسته نباشم. اما من همیشه می
توانم خودم را به درونی تبدیل کنم: و بدون تأخیر زیاد
می توانم به چیزهای بهشتی صعود کنم. مرا در آرزوهای
ابدی، در عشق به فضائل مقدس، در بهره مندی از
چیزهای بهشتی نگه دار: همانطور که تو

خدایا از آن عزت بزرگتری نصیبت باد: n
و من دوره سالم تری را طی خواهم کرد. مبادا پای غرور
از دیدار تو به سراغم بیاید:
و مبادا طاعون جلال بیهوده به من مبتلا شود. نگذار
فریب توهم شیطان را بخورم، شیرینی کاذب مرا
فریب ندهد، و با عبادت خصوصی از اجتماع کناره
بگیرم، و با یک تمرین بی رویه شکسته شوم. اما
به من عطا فرما که در همه چیز با احتیاط عمل کنم و
بدون مشورت ماهرانه هیچ انتظاری نداشته باشم: با
ترس و لطافت عظمت در نزد تو، پاکیزه و آزادانه،
بدون هرگونه شور و اشتیاق و فساد.

با محبت راه رفتن به او روحی فروتن و آرام بدهید.
هرگز لبریز و بی بند و بار نباشم: به محبت های
شیطانی هیچ موجودی بچسبم، اما تنها به تو که
قلبم را پاک و آرام نگه دارم. تا همیشه در ذهنم به
بهشت بلند شوم و در خفا به تو فکر کنم، خدای من،
تا گرفتار هیچ چیز مشهودی نگردم.

اما من یک نفرت انگیز واقعی از جهان خواهم ماند.
پس بر حسب مکان و زمان، خارجات را به طور متواتر
تکمیل نمایید: تا زیانی بر باطن من نباشد; اما تمام
کارها و اقدامات انجام شده برای شما: برای در امان ماندن
از حالت پست ابری، آنها به من کمک و راهنمایی می
کنند.

فصل XXVII

این عشق خصوصی مانع از رسیدن به عالی ترین خیر می شود.

1. فلی، باید همه چیز را در قبال همه بدهی،
و از آن خودت نباشی. بدان که عشق به خودت از
هر چیز دیگری در دنیا برای تو زیان آورتر است.
بسته به عشق و علاقه ای که دارید، هر چیزی
کم و بیش می چسبد. اگر عشق شما خالص،
ساده و منظم باشد، خواهید بود

1 در نظم و انضباط صومعه ج. IO، ص 2، ص. 303 متر مربع، 1. 24.

بدون تصاحب اشیا به چیزی که اجازه ندارید آن را داشته باشید طمع نکنید. چیزی نداشته باشید که مانع شما شود و آزادی درونی را از شما سلب کند. جای تعجب است که تو با تمام آنچه می خواهی یا داشته باشی از ته دل خود را به من متعهد نمی کنی.

2. چرا در غم و اندوه بیهوده فرو رفته اید؟ چرا از زنده ماندن خسته شدی؟ به رضایت من بایست و ضرری نکش. اگر به دنبال این و آن باشید و برای آسایش و آسایش خود بخواهید اینجا یا آنجا باشید، هرگز آسوده نخواهید بود و از اضطراب رهایی نمی‌یابید، زیرا در هر چیزی نقصی پیدا می‌شود و در هر جایی مخالفت می‌کند.

3. بنابراین، هر چیزی که در ظاهر به دست می آید یا زیاد می شود کمک نمی کند، بلکه آزمایش شده و از دل بریده می شود. شما نه تنها از جمع آوری پول و ثروت، بلکه از محیط شرافت و میل به ستایش بیهوده نیز می فهمید که همه اینها با دنیا می گذرد. یک اتاق کوچک دفاع می کند، اگر روح شور و اشتیاق می خواهد. و نه آن آرامشی که از بیرون به دنبال آن است، برای مدت طولانی پابرجا نخواهد ماند، اگر از شالوده واقعی حالت قلب خالی باشد، یعنی اگر در من بایستی. می توانید مبادله کنید

اما نه برای بهبود زیرا هنگامی که مناسبت پیش بیاید و
پذیرفته شود، آنچه را که از آن فرار کرده اید و موارد دیگر را خواهید
یافت.

دعا برای طهارت قلب و حکمت ملکوتی.

4. خداوندا، مرا به فیض روح القدس تقویت کن. شهامت عطا کن تا در درون انسان قوی شوم و دلم را از هر اضطراب و اندوه بیهوده خالی کن و به آرزوهای گوناگون به هیچ چیز اعم از ارزان و گرانبها کشیده نشوم. بلکه به همه چیز گذرا بنگریم و همزمان با آنها بگذریم، زیرا در زیر خورشید هیچ چیز دائمی نیست، جایی که همه چیز باطل و رنج روح است. 0 چه خردمند است کسی که چنین می اندیشد!

5. ای خداوند حکمت آسمانی را به من عطا کن تا بیاموزم که تو را بالاتر از هر چیز بجویم و I بیابم و بیش از هر چیز بدانم و دوست بدارم و بقیه را طبق حکم حکمت تو بدانم که هستند.

بگذارید عاقلانه متملق را رد کند و خصم را با صبر و شکیبایی تحمل کند، زیرا این حکمت بزرگی است که نباید با هر باد سخنی تکان بخورد و به آژیر بد چاپلوسی گوش ندهد. زیرا به این ترتیب تعهد با خیال راحت انجام می شود.

در نظر گرفتن

ایمن بودن را از دست ندهید زیرا اشتیاق هرگز کافی نخواهد بود: و نه میل با قیمت چیزها خاموش می شود. آنها اندک یا به ندرت به باطن روی می آورند: و در درون بسیار بی احساس می شوند. قلب خود را بالا ببرید: به جانوران زمینی نچسبید. . .. پروردگار خوب و پرهیزگار که وعده ابدی را داده است منکر موقت نمی شود. شما به دنبال چیزهای بهشتی هستید و او بدون شک تا زمانی که در این زندگی هستید موارد ضروری را اضافه می کند.

بگذارید دیگران به دنبال چیزهای بسیار و متنوع در خارج باشند. شما به دنبال یک خیر درونی هستید و آن برای شما کافی است. ببین، یکی دنبال مزرعه می گردد، دیگری دنبال کارش می رود. دیگری نقره و طلای زیادی جمع می کند، دیگری شادی ها و افتخارات را احاطه می کند. عده کمی به دنبال یک چیز و برای یک چیز صرفا و ساده هستند. و بنابراین آنها نه آرامش پایدار می یابند و نه قدردان لطف درونی هستند.

پس اکنون، جان من، خیری منحصر به فرد و عالی را جستجو کن. تا زمانی که در جسم زندگی می کنید، از جستجو دست نکشید، زیرا یافتن آنچه در کمال است کافی نیست.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 17، ص 3، 8 سل- — ص. 161 Ib 2 .29 .sq., I. ص 162، 1. 4
گفتار روح ج. 12، شماره 2.

نمی توان گرفت. اما زمانی که ساعت لذت فرا رسد، جستجو به پایان خواهد رسید. زیرا در آن صورت او در همه چیز، خودش به تنهایی، برای همه و هر یک کافی خواهد بود.

چه شاد و مقدس است روحی که تنها از محبت خدا تغذیه می شود و از حب فضائل مقدس که تنها هدفش تحقیر مرئی و لبریز شدن از نادیدنی ها و الهی است کشیده می شود. عاقلانه بودن چنین چیزی به وضوح نشان داده می شود، زیرا برای چیزهای اندک بسیار زیاد است، برای چیزهای گذرا جاودانه است، برای چیزهای ارزان قیمت است، برای زشتی ها زیبا هستند، برای بدبختی ها خوشایند، برای تلخی ها شیرین هستند، و (که عالی تر و واقعی تر است) همه چیز با هیچ معامله می شود.

دعایی درباره پشیمانی اشکبار گناهان.

ای مهربان ترین خدایی که فطرتت خیر و کار تو رحمت است، دومین کثرت رحمتت را به من عطا کن تا از گناهانم پشیمانی کامل داشته باشم، تا در باطن از درد دل بشکنم. باشد که بتوانم به شدت گریه کنم و همه جنایات و بدکاری هایم را با عذابی شایسته به زور بگیرم و بتوانم آنها را با غسل مقدس توبه بشویم و پاک کنم.

---

1 Ib. 4 .نه —— .n. 3 2 خطبه 1 به برادران ——
8 در بلندای ذهن ص 2، ص. 414، 1. 6

بارها به من سر بزن، ای مهربان ترین عیسی، و مرا
در عشق خود به شدت بسوزان. تا یاد بگیرم همه
چیزهای پست و مخلوق را تحقیر کنم:
و تو را فقط خیر ابدی و مخلوق خالصانه بجویم و
مهمتر از همه به خاطر تو صادقانه دوستت داشته
باشم. انزجار همه آرزوهای زمینی را ابدی، عشق به همه
خوبی ها را دستیابی به همه فضیلت ها، شناخت
بالاترین حقیقت را ثمره سعادت ابدی بده. قلبم را از
هر موجودی و از هر چیزی که مانع و تاریکم می کند خالی
کن. بله ساده خالص و همه 1n شما fhxus و معلق.
آرامش واقعی درونی و الهی را عطا کنید و ذهنی آرام و
بدون هیچ مزاحمتی داشته باشید. تحت تأثیر هیچ
چیز موقتی قرار نگیرید، و نخواهید توسط مردم
شناسایی شوید، یا مورد توجه قرار بگیرید، یا احمقانه
مورد محبت قرار بگیرید، زیرا همه فریفته و فریفته
کسانی هستند که چیزی خارج از شما را بی اندازه می
خواهند یا دوست دارند. کاری کن که با چاپلوسی یا
اطاعت، هیچ کس را به سوی خود نکشم، بلکه عاقلانه
همه را از من دور کن و با سلامتی به سوی خودت هدایت
کن، و در انسان و هیچ موجودی جز آنچه مال توست و برای
آنچه آفریده شده اند، نگاه نکن و دوست نداشته
باشم؟

---

1 در بلندای ذهن ص 2، ص. 403، 1..6. -- 2 Ib. ص 416
متر مربع، 1.3.

فصل بیست و هشتم.

در برابر زبان تهمت پردازان.

1. پسرم، اگر عده ای از آن احساس ناراحتی می کنند و می گویند نمی خواهی آن را بشنوی، جدی نگیر. : te
شما باید بدترین احساس را نسبت به خودتان داشته باشید و باور داشته باشید که هیچکس ضعیفتر از شما نیست. اگر از درون راه بروید، وزن زیادی به کلمات پرنده نمی دهید. احتیاط کمی نیست که در روزگار شیطانی و درون گرا سکوت کنی و به من روی آوری و قضاوت آدمی برایت آشفته نشود.

2. صلح تو در دهان مردم نباشد.

زیرا چه خوب و چه بد تفسیر شده باشد، پس تو مرد دیگری نیستی. صلح واقعی و شکوه واقعی کجاست؟ آیا در من نیست؟ و کسی که مایل به خشنود ساختن مردم نباشد و از نترسد، از آرامش بسیار برخوردار خواهد خوشایندی بود. از عشق نابسامان و ترس بیهوده همه بی قراری های دل و حواس پرتی ناشی می شود.

در نظر گرفتن.

"با صبر خود، جانهای خود را تصرف خواهید کرد" (21:19). بنابراین، وقتی کسی با شما تند لوقا صحبت می‌کند یا به ناحق توبیخ می‌کند، فوراً عصبانی نشوید و پاسخ تند نگیرید.
اما ساکت باش یا با فروتنی صحبت کن و تحمل کن

مانند عیسی صبورانه. زیرا هنگامی که بسیاری او را متهم می کردند، سکوت می کرد و هنگامی که او را تازیانه می زدند، زمزمه نمی کرد.

یا اگر صحبت لازم است و مفید است، با مهربانی پاسخ دهید و عاقلانه آموزش دهید، همانطور که مسیح وقتی سیلی سختی به او زده شد، با کلماتی صاف و ملایم به خادم پاپ پاسخ داد. زیرا به این ترتیب دیگران را بیشتر تربیت می کنید و خود را از سردرگمی رها می کنید.

آن کس که خود را عمیق تر فروتن کند و او را با حرارت بیشتر دوست بدارد، خشنودتر است. خوشا به حال کسی که خود را از همه پستتر بداند و از هر چیزی که خدا را ناخوشایند می داند دوری کند. او که برای رضای خدا خالی از ستایش و افتخار نیست.
ستایش و تکریم را رد می کند. او نیز بدون آسایش الهی نیست که همه شادی های این جهان را هیچ می شمارد و به خاطر مسیح با میل و رغبت هر چیزی را که بر خلاف او است تحمل می کند و هر روز آرزو دارد در بهشت با او باشد.

فصل بیست و نهم

چگونه می توان خدا را در میان مصیبت خواند و برکت داد؟

1. نام تو، خداوند، تا ابد متبرک باد، که خواستی این وسوسه و مصیبت بر من بیاید.

من نمی توانم از آن فرار کنم، اما باید

---

1 دره نیلوفرها ج. 22، شماره 1b -- .I. ج 4، نه 2.

3 Ib, c. 31، 4 شماره-

باید به تو پناه ببرم تا مرا یاری کنی و مرا به سوی خیر برگردانی. آقا من فقط گرفتارم و به دلم خوش نیست، اما از این رنج کنونی خیلی رنجیده ام. و حالا پدر عزیز چه بگویم؟ در دوراهی گیر کردم. مرا از این ساعت نجات بده اما به همین دلیل است که من به این ساعت آمده‌ام تا شما روشن شوید، در حالی که من توسط شما با قدرت فروتن و رهایی یافته‌ام. خداوندا تو را خشنود کن که مرا نجات دهی، زیرا من فقیر هستم، چه کنم و بدون تو به کجا بروم؟ خدایا حتی این بار هم به من صبر بده خدایا کمکم کن و هرچقدر بر من سنگینی شده نترس.

2. و حالا در میان این چیزها چه بگویم؟

پروردگارا، بگذار اراده تو انجام شود. من به خوبی سزاوار این بودم که دچار مشکل و بار سنگینی شوم. استفاده ازش لازمه تا طاقت بیارم و امیدوارم تا طوفان بگذره و خوب بشه صبور باشه! دست توانای تو قادر است حتی این وسوسه را از من دور کند و هجومش را نرم کند تا کاملاً تسلیم نشوم، همانطور که بارها با من کردی، خدای من، رحمت من. و هر چه برای من سخت تر باشد، این تغییر دست راست بالا برای تو آسان تر است.

در نظر گرفتن.

یاد بگیرید خداوند را در مصیبت ستایش کنید.

تا شایستگی تو زیاد شود و عذاب گناهان کم شود. شما می خواهید علیه خدا زمزمه کنید.
چون او شما را تازیانه می زند و محاکمه می کند؟ این برای شما مصلحت نیست، بلکه بیشتر دعا کنید که از شر شما دریغ نکند. پس نزد خداوند اعتراف کنید که او در عطای خود نیکو است، همچنین اقرار کنید که او در راههای شما عادل است. خوبی های او بدون محاسن شما چیزهای خوبی برای شما به ارمغان آورد. اما گناه شما جز آفت چه سزاواری داشت؟ پس به او بگو در حال سجده در نماز. خداوندا، من از خودم چیزی جز رنج کشیدن و تازیانه نگرفتم.
من لایق این نیستم که حتی کوچکترین تسلی از شما دریافت کنم، زیرا در بسیاری چیزها شما را آزرده ام.
پس در همه چیز متبرک باش که مرا در آن رنج می دهی و می سوزانی. اگر کمتر است: بیشتر اضافه کنید.
این کمی از همه چیزهایی است که من به دست آورده ام.
محبت من ستایش و جلال تو باد. زیرا من باید اینگونه بر روی صلیب دو جلال بگیرم
عیسی مسیح کوچک من درد من پایدار و قوي باد: هر n چقدر که تو را خشنود کند. مرا از ستایش خود پر کن زیرا می دانم که هیچ غلطی نمی توانی بکنی.

---

1 در تشخیص شکنندگی خود ج. 7، ص 2 :
ص 369 متر مربع، 1. 10.

ای خداوند، صبر عطا کن و همه مصیبتها و ناراحتیها را پسندیده و بیش از هر تسلی به من خوش آمد.
مرا در گفتار خود تقویت کن تا در راه شکست نخورم. شادی نجات دهنده خود را به من عطا کن. 2 تو خداوند توانا و توانا و مهربان هستی که مرا از هیچ آفریدی و ناتوانی و سقوط انسان را از ابتدا پیش بینی کردی، با بزرگواری تمام تعهداتم را رها کن و اعاده کن، از دست رفته را بازگردان، از کبود شدگان مراقبت کن و تمام حالات ذهنم را به بهتر شدن تغییر دهی، تا چیزی از مقصود سابق باقی نماند، بلکه برای هر موقعیتی که برای بدکاران به کار می افتم تواضع کنم. این تغییر دست راست حق تعالی است، این زیارت بهشتی است، این سهم چند برابر تقوای الهی است.

فصل 30

در مورد درخواست کمک الهی و اطمینان در بازیابی فیض.

1. پسر، من خداوند هستم که در روز مصیبت قوت می بخشم. وقتی حالت خوب نیست بیا پیش من این چیزی است که بیش از همه اهمیت دارد

! در بلندای ذهن ص 2، ص. 417 متر مربع، 29 .I.
2 بیمارستان مستضعفان ج. 8، نه 2، من — 3 سل-
کلمات روح C. 25, n. من

مانع تسلی بهشتی می شود، زیرا آهسته تر به دعا روی می آورید. نان، قبل از اینکه جدی از من بپرسی، در این میان تسلی های فراوانی طلب کن و خود را در امور خارجی شاداب کن.
و بنابراین اتفاق می افتد که همه چیز کم است، تا زمانی که متوجه شوید که من کسانی هستم که به من امیدوارند، و هیچ کمکی قوی در بیرون از من وجود ندارد، نه نصیحت مفید، بلکه هیچ درمانی پایدار. اما اکنون که پس از طوفان روحیه خود را به دست آورده است، در پرتو همدردی های من بهبود خواهد یافت.
خداوند میگوید، زیرا من نزدیکم تا همه چیز را بازگردانم، نه تنها به طور کامل، بلکه به وفور و جمع.
2. آیا چیزی برای من سخت است؟ یا مانند سخنگو باشم نه عمل کننده؟ ایمانت کجاست؟ محکم بایستید و استقامت کنید. صبور و قوی باشید: تسلی به موقع به شما خواهد رسید. منتظر من باش، صبر کن؛ من می آیم و از تو مراقبت خواهم کرد. وسوسه ای است که تو را عذاب می دهد و ترسی بیهوده که تو را می ترساند. منظور از اضطراب از پیشامدهای آینده چیست جز اینکه غم بر غم دارید؟ بگذار کینه توزی او برای روز کفایت کند. بیهوده و بیهوده است که نگران باشیم یا به خودمان به خاطر آینده ای که ممکن است هرگز محقق نشود، تبریک بگوییم.

3. اما این انسان است که با چنین تصوراتی فریب خورده و همچنان نشانه ای از یک ذهن کوچک است که اینقدر سبک به پیشنهاد دشمن کشیده شود. زیرا برای او اهمیتی ندارد که با حقایق فریب دهد و فریب دهد یا باطل، با عشق به حال سر تعظیم فرود آورد یا ترس از آینده. . پس دلت مضطرب نشود و نترس. به من ایمان بیاور و به رحمت من اعتماد کن. وقتی فکر می کنی از من دوری، من اغلب نزدیک ترم. وقتی تخمین می زنید که تقریباً همه چیز از دست رفته است، اغلب سود بیشتری به دست می آید. وقتی برعکس اتفاق می افتد همه چیز از بین نمی رود.

شما نباید بر اساس آنچه در حال حاضر احساس می‌کنید قضاوت کنید، و تا زمانی که تمام امید به ظهور از بین رفته است، نباید به آن بچسبید و از کسی، از هر کجا که آمده است، بپذیرید.

4. گمان مبر که کاملاً رها شده‌ای، هر چند برای مدتی مصیبت‌های بد یا حتی تسلی دلخواه را از تو برداشته‌ام، زیرا از این طریق به ملکوت آسمان می‌رود. و این بدون شک برای شما و بقیه بندگان من برای ورزش در برابر ناملایمات مصلحت‌تر از آن است که همه چیز را به میل خود داشته باشید. من می دانم

افکار پنهان، زیرا برای سلامتی شما هزینه زیادی دارد، گاهی اوقات شما را بی مزه رها می کند، مبادا به موفقیت خوبی برخیزید و آرزو کنید خود را در چیزی که نیستید خشنود کنید. آنچه را که داده ام، می توانم بردارم و هر وقت بخواهم آن را بازگردانم.

5. وقتی می دهم، مال من است، وقتی آن را پس می گیرم، مال تو را نگرفتم، زیرا هر خیری که داده شده از آن من است و هر هدیه ای کامل شده است. بله. گرانش یا هر مخالفتی را به تو اعتراف خواهم کرد تا خشمگین نشوی و قلبت فرو نریزد: می توانم به سرعت آن را بلند کنم و هر باری را به شادی تبدیل کنم. با این حال، من وقتی این کار را انجام می دهم بسیار عادلانه و قابل توصیه هستم

با شما

6. اگر عاقل هستی و به حقیقت می نگری، هرگز نباید از مصیبت اینقدر غمگین شوی، بلکه شادی کن و شکر کن، نه، این را تنها شادی بدان که تو را به دردها مبتلا نمی کند.

بلکه از صبر و شکیبایی به ثمر نشستن. این
جملات رو یادت باشه پسرم

در نظر گرفتن.

من منبع زندگی هستم که نمی توان آن را تخلیه کرد. هر که تشنه است نزد من بیاید و بنوشد. هر که مریض است بیاید و شفا یابد. آن که ولرم است بیاید تا شعله ور شود. هر که می ترسد بیاید تا قوی شود. هر که غمگین است بیاید تسلی یابد. آن که خشکیده است بیاید تا روحش پر از فربه و فربه شود. کسی که گرفتار خستگی است بیاید تا از شادی سرزنده شود.

من نگران تو هستم تا خوب شوی. بنابراین من نمی خواهم که شما به من بچسبید. من واقعاً می دانم که شما چقدر می توانید رنج بکشید. و بنابراین من نوبت هایم را تعدیل می کنم، مبادا بیش از توانت تلاش کنی و شکست بخوری. من نادان نیستم که در این میان تو در غم هستی. اما اینکه به طور ناگهانی ضعیف شوم و تمام امیدم را از دست بدهم، انگار که قرار نیست برگردم، قطعاً برایم خوشایند نیست. ایمان شما کجاست ایمان بزرگ در این بخش از شما بیشتر مورد نیاز است. زیرا با وجود اینکه مرا نمی‌بینی، باز هم در نزد من دیده می‌شوی، کسی که باید به خود و هر آنچه مال توست اعتماد کنی. زیرا گرچه شما از قضاوتهای من بی اطلاع هستید، اما ایمان راسخ می گوید: خوب است که خداوند ترتیب و عمل می کند.

غمگین مباش، انگار خدا او را رها کرده است.
نترسید، گویی توسط دشمنان احاطه شده اید. خیر

---

[1] تک گویی روح ج. 18، شماره 5-

من نه تو را ترک کردم و نه تو را ترک کردم. اما من شما را به طرق مختلف آزمایش خواهم کرد و شما را در آزمایش های مختلف هدایت خواهم کرد و شما را مانند طلا در آتش تصحیح خواهم کرد.
و در هنگام مصیبت بر تو ظاهر می‌شوم و با حضور خود به تو آرامش می‌بخشم و تو را به فیض ارادت می‌آزمایم و نخست با شراب ندامت می‌نوشم و سپس به روغن شادی می‌مالی. ناامید مباش، هر مصیبتی که نزدیک است و از همه تسلی انسانها عقب نشینی کن. من عادت ندارم که غمگین را از دست بدهم و نمازگزار را طرد نکنم، بلکه با مهربانی صدای کسی را بشنوم که با ناله بر من گریه می کند.
من ثابت می کنم مدعی است، crownb0 پشتکار.
به معشوق اجازه می دهم که اندکی رنج بکشد و در حالی که او خود را کمتر می داند یا خود را لایق آسایش نمی داند، ناگهان ظاهر می شوم و نادان را روشن می کنم. پس با شنیدن این مطالب، خود را برای فیض عبادت آماده کن; صبورانه صبر کن تا دوباره بیایم و قلبت را زیارت کنم و تو را از هر مشکلی رهایی بخشم و تو را در حالت شادی تازه ای قرار دهم.

فصل XXXI

غفلت از هر موجودی، تا آفریننده پیدا شود.

1. خداوندا، اگر بخواهم به جایی که هستم برسم، به فیض بیشتری نیاز دارم

---

1 تک گویی روح ج. 17، شماره 4 5.

هیچ کس و هیچ موجودی قادر به جلوگیری از آن نخواهد بود.
تا زمانی که چیزی مرا عقب نگه می دارد، نمی توانم آزادانه به سوی تو پرواز کنم. می خواست آزادانه پرواز کند که گفت: کی می دهد؟
آیا بالهایی مثل کبوتر داشته باشم و پرواز 11
کنم و استراحت کنم؟ چه چیزی با چشم ساده ساکت تر است؟ و چه چیزی آزادتر از نخواستن هیچ چیز روی زمین؟ پس لازم است از هر موجودی گذشت و خود را به کلی رها کرد و در فزونی عقل ایستاد و دید که تو ای مؤسس همه چیز با مخلوقات اشتراکی نداری. و تا انسان توسط همه مخلوقات آماده نشود، نمی تواند آزادانه به امر الهی توجه کند. به همین دلیل تعداد کمی متفکر دیده می شوند، زیرا تعداد کمی می دانند که آنها کاملاً توسط فناپذیرها و موجودات محصور شده اند.

2. برای این فیض بزرگ لازم است که روح را بالا می برد و آن را بالاتر از خود می برد. و تا انسان از لحاظ روحی بالا رفته و از همه مخلوقات رهایی یافته و کاملاً به خدا متحد نشده باشد، هر چه بداند، هر چه دارد، اهمیت چندانی ندارد.
I او برای مدتی طولانی کوچک خواهد بود و در زیر
زمین قرار می گیرد، کسی که برای هر چیز بزرگ ارزش قائل است، به جز یک خیر عظیم و ابدی. و آنچه خدا نیست، هیچ و برای هیچ است

باید محاسبه شود. بین درایت یک انسان روشن فکر و متدین با علم یک روحانی باسواد و اهل مطالعه تفاوت بسیار است. آموزه‌ای که از بالا با نفوذ الهی جاری می‌شود، بسیار شریف‌تر از آن چیزی است که با هوش پرتلاش انسانی به دست می‌آید.

3. بسیاری در تفکر ناتوان یافت می شوند. اما آنها برای تمرین آنچه برای آن لازم است مطالعه نمی کنند. مانع بزرگی است، زیرا مبتنی بر نشانه ها و چیزهای معقول است و از هلاکت کامل کم گفته شده است. نمی‌دانم چه چیزی است، با چه روحی هدایت می‌شویم، و به چه چیزی تظاهر می‌کنیم، به نظر می‌رسد که روحانی نامیده می‌شویم، زیرا ما برای چیزهای گذرا و پست بسیار زحمت می‌کشیم و بیشتر نگران چیزهای گذرا و پست هستیم و به ندرت با حواس کاملاً دوباره جمع‌شده به درون خود فکر می‌کنیم.

4. افسوس! بلافاصله پس از جمع شدن مجدد کمی از هم جدا می شویم و زحمات خود را با معاینه کامل وزن نمی کنیم.

توجه نکنیم که عاطفه های‌مان کجاست و ناله نکنیم که چقدر همه چیز ناپاک است.

زیرا همه انسانها راه خود را فاسد کرده بودند، و بنابراین سیل عظیم در پی داشت. پس وقتی عواطف درونی ما بسیار فاسد شد،

نیروی لازم است عمل زیر یعنی شاخص کمبود
درونی خراب شود.
از دل پاک ثمره یک زندگی خوب می آید.

5. سؤال می شود که فلانی چقدر کار کرده است; اما از قدرت عظیمی که او با آن عمل می کند، او را چندان مجدانه نمی سنجند. اگر قوی، ثروتمند، زیبا، ماهر، یا نویسنده خوبی بود، خواننده خوبی بود.
یک کارگر خوب، مورد بررسی قرار می گیرد. چقدر روحش فقیر است، چقدر صبور و حلیم، چقدر عابد و درونی است، خیلی ها او را ساکت می کنند.
طبیعت به ظاهر انسان می پردازد، لطف به باطن. او اغلب در اشتباه است. او به خدا امیدوار است که فریب نخورد.

در نظر گرفتن.

محبت دنیا نابودی است: عشق عیسی رستگاری روح است. من حماقت جسم را می دانم: عشق با خرد زخمی می شود. عشق به مخلوق، عشق خالق را کاهش می دهد: عشق خالق به همه مخلوقات اجازه خروج می دهد." آزادی ذهن بسیار زیاد، چیزی برای طمع چیزهای جهان وجود ندارد. 2 شاگرد واقعی عیسی کیست؟ او که به طور کامل از همه چیزهای زمینی چشم پوشی می کند: و اراده خود.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 16، ص 3، ص. I57, I. I.
Rose Garden C. 8, n. 3.

20 تقلید از توماس کمپیس. اد. 3.

او "." خود را ترک می کند، بنابراین به جهان امیدوار باشید:
و بهشت را بدست خواهی آورد مخلوقات را رها کن: و خالق را خواهی یافت. چیزهای موقتی را متوقف کنید، و آنها به شما ابدی داده خواهند شد.

او با خدا در نور راه می‌رود که از این دنیا چیزی نمی‌خواهد، اما در بهشت دلش به خدا بسته است. زیرا در آنجا گنج پنهان روح وجود دارد، خداوند عیسی مسیح، که همه چیزهای خوب در او وجود دارد. هر چه از خدا نیست باطل است و هیچ به حساب نمی آید.

من با خوشحالی از تو پیروی می‌کنم، عاشق عیسی، بر روی زمین،
اما با خوشحالی بیشتر تو را در بهشت دنبال خواهم کرد.
تو گنج من هستی، عزیزتر از هر موجودی، که در دست راست پدر هستی، تو آن محبوبی هستی، که آرزوی دیدن او را دارم. برایم مهم نیست که به آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنهاست نگاه کنم.
تا بتوانم حداقل یک بار به تو نگاه کنم. همه چیز
آنها بر من تنگ و در برابر تو کوچکند: تا اینکه سزاوار n
دیدن و لذت بردن تو باشم

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 31، ص 3،
ص. 288, 1. 4. 2 Ib. i5، ص 3، ص. 21 .I53، l.
3 دره نیلوفرها ج. 7، نه I. باغ گل سرخ 5 موعظه در مورد
زندگی و اشتیاق پروردگار 219، 6 .25 .I — ج 8، نه 3.
تک گویی روح -7 خطبه در مورد زندگی و 26، ص 3، ص.
شور 3، ص. من 17، 1. 24. ج. I2، n. 7.
دومینی 9، پی.

فصل 32

از خود انکار و چشم پوشی از هر خواسته.

1. پسر، تو نمی‌توانی از آزادی کامل برخوردار شوی، مگر این‌که به‌طور کامل عدالت‌خواهی را انکار کنی. همه صاحبان و خوددوستانی که حریص، کنجکاو و ولگرد هستند، که همیشه به دنبال چیزهای نرم هستند، نه عیسی مسیح، بلکه اغلب تظاهر می کنند و آن را می سازند، که نمی ماند، مانع می شوند. زیرا هر چیزی که از خدا سرچشمه نگرفته از بین خواهد رفت.

کلمه را کوتاه و دقیق نگه دارید:

همه چیز را رها کن و همه چیز را خواهی یافت. آرزوها را رها کن تا آرامش خواهی یافت.

با این تفکر و هنگامی که آن را برآورده کردید، همه چیز را خواهید فهمید.

2. پروردگارا، این نه کار یک روز است و نه بازی کودکان. در واقع در این مختصر تمام کمالات دینی گنجانده شده است

از SO

3. پسر، تو نباید به یکباره روی‌گردان شوی، و نباید به یکباره رانده شوی، زیرا راه کامل را (شنیدی. بلکه برانگیخته شدن به چیزهای والاتر، و آه کمترین برای این چیزها از روی میل. ای کاش با تو اینطور بود و به این نقطه می رسیدی که معشوق خودت نبودی و سر تکان می دادی

*20

شما در من و پدری که پیش روی شما قرار داده‌ام، پاک می‌ایستید، آنگاه برای من بسیار خوشایند خواهید بود و تمام زندگی شما در شادی و آرامش خواهد گذشت. شما هنوز چیزهای زیادی برای ترک دارید: تا زمانی که به طور کامل به من امضا نکنید، آنچه را که می خواهید به دست نخواهید آورد.

به تو توصیه می کنم که از من طلای سوخته بخر تا ثروتمند شوی، یعنی حکمت بهشتی را زیر پا بگذارد. خرد زمینی، همه انسانیت و خودخواهی را کنار بگذارید.

الف. گفتم: برایت کالای ارزان‌تری بخر برای چیزهایی که گرانبها و دارای ارزش‌های انسانی است. زیرا به نظر می رسد حکمت واقعی بهشتی بسیار ارزان و کوچک و تقریباً فراموش شده است. نه مرد عاقلی که از خود بلند است و نه در پی بزرگ شدن بر روی زمین است.

اما او یک مروارید گرانبها است که از بسیاری پنهان است.

در نظر گرفتن.

عشق به خود، پر از ترس و اندوه: انکار نفس، فداکاری ناگفتنی. عشق به خود یک شر باطنی است: که به ندرت بر آن غلبه می شود مگر اینکه خدا به طور کامل دوست داشته شود. تحقیر امنیت او؛ و چون از تحقیر در

شروع می شود: در عشق عیسی تکمیل می شود. 1. وقتی کسی به چنان عمقی از انکار خود رسید که اراده خود را در کارهای بزرگ و کوچک، نه در مصیبت و نه در رفاه، جستجو نکرد، به درستی نیز می تواند درباره خود بگوید: تمام شد. این است: چه فضیلتی، چه کمالی و چه رفتار معنوی، در این یک کارکرد، یعنی در انکار کامل از خود به جا آورده ام؟

هر شادی که از بهشت نیست، زود از بین می رود، لکه دار می شود و زخمی می شود. کسی که جان خود را دوست دارد آن را از دست خواهد داد (یوحنا 12:25). عاشق ترین عیسی این چیزها را می گوید: می خواهد شما را از نگرانی ها و وسوسه های دنیا جدا کند. بین عشق و نابودی کلام ابدی پدر چنین می گوید; این شما را فریب نمی دهد، اما برای نجات شما مفید است. شما می خواهید روح خود را نجات دهید: اکنون زندگی فعلی را تحقیر کنید. همه چیزهای دنیوی بیهوده هستند، هر چند زیبا باشند.

فقط در خدا همه چیزهای خوب پر و بی پایان هستند.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 16، ص 3، ص. I57, 1. 7. -- 2 § .از مباشر وفادار ج. 3، —
4 موعظه در مورد — 3 رز گاردن C. 5, D. 2
ص 3، ص. 156 متر مربع زندگی و اشتیاق خداوند 16، I. 26. 5 Ib.
6 باغ گل رز — ص 28 .I57, 1.
ج. 9، n. 2.

اگر از عیسی پیروی کنید و از همه چیز چشم پوشی کنید، همه چیز را در او به ارث خواهید برد.

در اینجا ای پروردگار عزیز، مرا شریک فیض خود قرار ده. و مرا در نیازهایم رها مکن، زیرا من هنوز چیزهای بیشتری برای غلبه دارم. من هنوز خودم را به پایین رها نکرده ام. من نه کاملاً برای خودم مرده ام: نه از همه چیزهای آفریده شده و محبت های چسبنده رها و تهی شده ام. اما طبیعت هنوز در من قوی است و نقش خود را انجام می دهد و به من می فهماند که یبوسا هنوز در سرزمین من ساکن است. به لطف خودت خوب کن، پروردگار عزیز:

زیرا در قدرت تو همه دشمنان من به زودی نابود خواهند شد

فصل 33

از بی ثباتی قلب و نیت نهایی که در دیون برگزار می شود.

I. پسر، به محبت خود اعتماد نکن. کسی که الان هست به زودی به چیز دیگری تبدیل خواهد شد. تا زمانی که زنده هستید، دستخوش تغییر هستید، حتی ناخواسته: گاهی شاد باشید، گاهی غمگین، گاهی آرام، گاهی مضطرب، حالا عابد، حالا عابد، حالا اهل مطالعه، ۱

---

[1] I -De morti - .3 بیمارستان مستضعفان ج. 18، شماره ficata vita P. 2, p. 390،). 19.

ممکن است اکنون خود را خشن، اکنون سنگین، اکنون سبک بیابید. اما او بر این دگرگونی ها می ایستد، عاقل و با روحیه تحصیل کرده، به آنچه در درون خود احساس می کند، یا باد ناپایداری در کدام سمت می وزد، توجه نمی کند، بلکه تا تمام نیت ذهنش به سوی غایت شایسته و مطلوب پیش برود. زیرا به این ترتیب یک نفر و همان شخص قادر خواهد بود بدون تزلزل ادامه دهد، با چشمی از نیت ساده که از طریق بسیاری از رویدادهای مختلف به سمت من معطوف شده است.

2. و هر چه چشم نیت پاکتر باشد، بین طوفان های مختلف پیوسته تر می شود. ولی در بسیاری از امور، چشم نیت خالص کدر است; زیرا او به سرعت به چیزی لذت بخش که ملاقات می کند نگاه می کند. زیرا به ندرت پیش می آید که یک کتاب کامل با شبستان جستجوی خود او پیدا شود.
بنابراین، لیدیاییها یک بار به بیتانی نزد مارتا و مریم آمدند، نه تنها به دلیل آسیب دیدگیاشان، بلکه برای دیدن ایلعازار. پس چشم نیت باید پاک شود تا ساده و مستقیم باشد و فراتر از همه ابزارهای مختلف به سوی من معطوف شود.

در نظر گرفتن.

قلب نمی تواند برای مدت طولانی استراحت کند. زیرا یا خیر تصور می شود یا بد، یا غم سنگینی می کند

یا با شادی میچرخد، مثل آسیابی که باد آن را به
حرکت در میآورد، وقتی دل انسان از عالیترین خیر
بیرون میرود. آنگاه در پست ترین چیزها لذت می
جوید: و آرزوهای گوناگون به این سو و آن سو می روند.
و کسی که به موقع مقاومت نکند:
او اسیر می شود و غلبه می کند. هیچ چیز سخت تر از
این نیست که دل را از سرگردانی و تصورات شرورانه
ای که از چیزهای معقول به دست می آید حفظ کنیم. 1
دل آدمی شریر و ناشناخته است و از جوانی به بدی
گرایش داشت؟
برای اینکه بلاها ناگهان به شما هجوم نیاورند
و شما را لکه دار نکنند، کلمات مقدس مانند دانه در
دل خود بکارید و با دقت به غذا تبدیل کنید.

"اما برای من خوب است که به خدا بچسبم و به خداوند
امید داشته باشم" (مزمور 72:27).
همانطور که اراده در بهشت انجام شد، چنین باشد. من
هیچ چیز دیگری نمی خواهم، من چیزی نمی خواهم، جز تو،
خداوند، برای تمام زحمات و پاداش من در بهشت 8.
او بیهوده زحمت می کشد که نه خدا را در هر کاری
که می کند و نه فکر می کند مقدم دارد و نه او را
تی خوشا به حال خالص می جوید و می خواهد.
کسی که تمام کارهای نیک خود را با نیت خالص و
مبارک، صرفاً برای ستایش خداوند انجام دهد.
برای خیر که در همه حال قلبش

---

1 کتابچه راهنمای کودکان ج. 6، نه 2. —— 3 خطبه
به مبتدیان 13، ص 6، ص. 89، 1. 17 —— 3 دفترچه راهنما
کودکان ج. I. - دره نیلوفرها ج. n ،30. من

او اراده خدا را هدایت می کند و در نهایت به دنبال هیچ مزیت شخصی نیست. خوشا به حال کسی که تمام بت های ناپاک دشمن باستانی را از خود دور می کند و با فروتنی به آغوش مسیح مصلوب پناه می برد و دعا می کند. او به خوبی پیش می رود و با عیسی به همه جا از طریق دریا و خشکی می رود تا اینکه با او به کشور می رسد.

فصل XXXIV

که خداوند در دوست داشتن بالاتر از همه چیز و در همه چیز حکیم است.

1. بنگر، خدای من و همه. چه می‌خواهم و چه می‌خواهم خوش‌تر، ای کلمه شیرین و خوش طعم![1]

اما به کسی که کلام را دوست دارد، نه جهان و نه چیزهایی را که در جهان است. خدای من و همه چیز. از بس به عاقل گفته اند و برای عاشق مکرر تکرار آن خوشایند است. برای خودت همه چیز در زمان حال خوش است.

اما وقتی غیبت می کنی همه چیز تو را منزجر می کند. شما دل آرام و آرامش را شادی و جشن بزرگ می کنید. خوب است که خود را در مورد همه چیز و در همه چیز تحسین کنید و هیچ چیز بدون شما نمی تواند برای مدت طولانی خشنود باشد.

---

[1] کتابچه راهنمای کودکان ج. 12، شماره من

اما اگر مقبول باشد و به خوبی درک شود، لازم است که لطف تو حضور داشته باشد و چاشنی حکمت تو باشد.

2. برای کسی که عاقل باشی، چه چیزی برای که عاقل نیستی، چه او عاقل نیست؟ و کسی چیزی می تواند برای او خوشایند باشد؟ اما دانایان جهان در حکمت شما ناکام می‌مانند، و آنانی که در جسم دانا هستند، زیرا که باطل بسیار است و در اینجا مرگ یافت می‌شود. اما کسانی که از طریق تحقیر چیزهای دنیوی و زوال جسم از شما پیروی می کنند، به راستی حکیم شناخته می شوند: زیرا از باطل به حقیقت و از جسم به روح منتقل می شوند.

خداوند بر اینها حکیم است و هر خیری در مخلوقات یافت می شود همه را به ستایش خالق خود گزارش می دهند. با این حال، بر خلاف طعم خالق و مخلوق، از ابدیت و زمان، نور مخلوق و نور روشن.

3. ای نور ابدی، فراتر از همه نورهای آفریده شده، برقی که از تعالی می درخشد در تمام باطن ترین قسمت های قلب من نفوذ می کند. روح مرا با قدرتی که در افراط و تفریط به تو می چسبد، تطهیر کن، شاد کن، جلال ده و زنده کن.

C آه این ساعت مبارک و پسندیده کی می رسد که حضور تو مرا بس کند و

آیا شما در همه چیز برای من هستید؟ تا زمانی که
این داده نشود، شادی کامل وجود نخواهد داشت.
هنوز هم متأسفانه پیرمرد در من زندگی می کند،
کاملاً مصلوب نشده است، کاملاً نمرده است.
هنوز هم شدیداً علیه روح میل می کند، در روده ها
به جنگ برمی انگیزد و اجازه نمی دهد ملکوت
روح ساکت شود.

4. اما تو که بر قدرت دریا فرمانروایی می کنی
و حرکت امواج آن را تعدیل می کنی برخیز، به من
کمک کن. ملت هایی را که خواهان جنگ هستند
پراکنده کنید. آنها را در قدرت خود له کنید.
عظمت خود را نشان بده و دست راستت جلال
یابد زیرا امیدی نیست

من جز به تو پناهی ندارم پروردگارا

خدای من

در نظر گرفتن.

"همه استخوانهای من خواهند گفت: پروردگارا،
چه کسی شبیه تو است؟" (مزمور 34:10) او یکی
است و مانند او نیست. او خدای من است و همه چیز در
برابر او هیچ است. محبوب ترین و وفادارترین
دوستی که هرگز معشوقش را رها نمی کند، بلکه
با کمال میل خود را با معشوق یکی می کند! از این رو
مزمور سرا در ستایش خداوند اغلب می گوید و تکرار
می کند: «به خدا توکل کن

---

1 تک گوویی روح ج. 2، n. من

کمتر، چون خوب است»؛ و گفتن به عاشق شیرین است 1

تو زیبا هستی عزیزم و بسیار دوست داشتنی، نه از نظر جسمی، بلکه از نظر ذهنی، نه از نظر چشم و هیچ حسی، بلکه از نظر روح مؤمنی که قلبی دنیوی دارد و خود را به امور نامرئی و معنوی منتقل می کند. پس او که می‌خواهد از طریق احساس ارادت با شما متحد شود، باید تمام محبت‌های نفسانی را در خود بمیراند و از پاکی وجدان مراقبت کند.

زیرا برای شما ناخوشایند است، اگر کسی برای التماس آسایش به سراغ موجودات شکننده برود.
از این رو مرا در درون به دوست داشتن خود می خوانی و به من فرمان می دهی که منتظر تو باشم، زیرا در آن صورت تو را خواهم یافت، هر زمان که خود را به تعویق انداختم و هر طور که تو بخواهی، من نیز بخواهم.

اما من که از شما دور شده‌ام، اغلب با دوست داشتن چیزها به گونه‌ای دیگر هلاک می‌شوم، نه آنطور که باید باشد، و نه به پایانی که مناسب است ۲.
به همین دلیل اغلب برای آهنگی از نوحه و «در حالی که به من می گویند» استفاده می کنم که خدای تو کجاست؟ (مصور ۴۱:۴)، روح من آشفته‌تر است. زیرا در تعلیق می اندیشم که خیر من و شادی کامل قلب من کجاست؟ کجا استراحت می کنید و استراحت می کنید؟ کجاست این همه کالای ناگفتنی جز در خدای من؟ پس خدا کجاست؟

---

[1] 1 دره نیلوفرها ج. 4، نه 1 (ر.ک. مزمور 15:1؛ 106:1.
II7, 1; 135, 2 .من ،n. من). تک گویی روح ج

مال من که خیلی دوستش دارم و در عین حال نمی بینمش، عشقش اغلب زخمی نمی کند، نبودنش غمگین می کند، اما دیدارش گاهی طراوت می بخشد. کجاست خدای من که این همه درد و رنج را تحمل می کنم، یادش شیرین، اما حالش عزیزتر، همه عظمت را از دل می زند؟ امید و جلال من کجاست؟ 1

من هنوز به طور کامل نمرده ام برای دنیا، اما پیرمرد هنوز در من زندگی می کند، در من کشمکش ها و آرزوهای بسیار بد را در من ایجاد می کند، شب های تلخ و روزهای خسته را می سازد؟ دل باید آزاد و از هر گونه محبت I آشفته پاک باشد. ذهن باید از همه سروصداها و تخیل بدن ها خالی باشد: اگر باید چیزی از نور نامحدود ابدی را درک کند که تمام جهان را روشن می کند. خداوندا به من عطا کن تا در نور تو نور ببینم.

نه نور آسمان، نه نور زمین، نه نور فرشته ای، نه نور انسانی، بلکه نوری جاودانه، مخلوق، عظیم، غیرقابل وصف، غیرقابل درک، مافوق ذاتی و تغییرناپذیر. آه، چه سنگین است بار جسم بر من، چه سنگین است قانون گناه در اعضای من: که مانع و دور از دید نور آسمانی است. از وجه جلال خدا از طعم سعادت جاودانه از در ورودی

---

1 ترابایت ج 20، شماره 6. - 2 Ib. ج 8، نه من

شهروندان بهشتی: که شادی ابدی آنها را احاطه کرده و پر می کند. عیسی را اغلب، با مهربانی، ملاقات کنید و به شدت در عشق خود بسوزید. تا بتوانم یاد بگیرم که به همه چیز پستتر و مخلوق نگاه کنم و فقط به دنبال خیر ابدی و مخلوق خالصانه تو باشم، و مهمتر از همه به خاطر تو صادقانه دوستت داشته باشم.

CAPUT 35

این امنیت از وسوسه در این زندگی نیست.

1. باش، تو هرگز در این زندگی در امان نیستی، اما تا زمانی که زنده هستی، همیشه به سلاح معنوی نیاز داری. شما توسط دشمنان محاصره شده اید و از سمت راست و چپ به شما حمله می کنند. بنابراین، اگر سپر به کار نگیرید، دیری نخواهید صبر را از هر طرف داشت که زخمی نداشته باشید.
بعلاوه، اگر دلت را بر من دوخته نباشی، صرفاً به خاطر من از همه چیز رنج ببری، نه می‌توانی این داغ را تحمل کنی و نه به کف دستان سعادت می‌رسی. پس بر تو واجب است که از همه چیز مردانه بگذری و از دستی قدرتمند بر ضد دشمن استفاده کنی، زیرا منّا به پیروزمندان داده می‌شود و بدبختی بسیار به مصیبت‌زده واگذار می‌شود.

---

1 در بلندای ذهن ص 2، ص. 402 مربع، 1. I3.

2. اگر در این زندگی به دنبال آرامش باشید، چگونه به آرامش ابدی خواهید رسید؟ خودتان را r. زیاد در معرض استراحت قرار ندهید، بلکه صبر و شکیبایی زیادی به خود اختصاص دهید. آرامش واقعی را نه در زمین، بلکه در آسمانها، نه در انسانها و نه در دیگر مخلوقات، بلکه فقط در خدا جستجو کنید. برای محبت خدا باید همه چیز را با کمال میل متحمل شوید، یعنی زحمات و دردها، آزمایش ها، آزارها، نگرانی ها، نیازها، ناتوانی ها، آسیب ها، سرزنش ها، سرزنش ها، تحقیرها، سردرگمی ها، اصلاحات و تحقیرها. اینها به شجاعت کمک می کنند، اینها بنده مسیح را ثابت می کنند، اینها یک تاج آسمانی می سازند. من برای یک کار کوتاه پاداش ابدی و برای سردرگمی گذرا جلال بی نهایت خواهم داد.

3. آیا فکر می کنید همیشه برای اراده خود تسلی روحی خواهید داشت؟
اولیای من همیشه چنین چیزهایی نداشته اند، بلکه سختی های فراوان و وسوسه های گوناگون و ویرانی های بزرگ را داشته اند. اما آنها با صبر و حوصله در همه چیز از خود حمایت کردند و بیشتر به خدا اعتماد کردند تا به خود، زیرا می دانستند که مصائب این زمان شایسته ارتقای شکوه آینده نیست.

می دهم آیا می خواهی همان چیزی را داشته باشی که بسیاری پس از اشک های فراوان و تلاش های فراوان به سختی به دست آورده اند؟ منتظر خداوند باشید، مردانه عمل کنید و تقویت کنید. بی اعتماد نشوید، دور نشوید، بلکه جسم و روح را دائماً برای جلال خدا آشکار کنید. تاوانت را کامل خواهم داد، در هر مشکلی با تو خواهم بود.

در نظر گرفتن.

ما در این زندگی با دشمنان درگیر هستیم و از هر طرف باید با بدی ها جنگ کنیم. هر روز ما مورد آزمایش و چالش قرار می گیریم. اکنون واقعاً به آرامی، اکنون شدیداً ، اما همیشه خطرناک و شتابزده: شیطان همه جا در کمین است و به ما حمله می کند. در واقع، تا زمانی که روح در بدن باقی می‌ماند، هیچ موجود زنده‌ای کاملاً از وسوسه‌ها و گرفتاری‌ها مبرا نیست: اما هر کس حتی ناخواسته مجبور است سنگینی روز و گرما را تحمل کند. پس هیچ کس بی‌کار نباشد. هیچ کس به عقب نشینی از اردوگاه خدا فکر نمی کند: هیچ کس قبل از پایان جنگ اسلحه خود را زمین نمی گذارد. سلاح‌های جنگ جسمانی نیست، بلکه هدایایی معنوی از .[1] ما بیرون، از درون است
بگذار سرباز جدید در شور روح با شمشیر جدیدی بسته شود تا با شرارت شیطان مبارزه کند.

---

[1] خطبه به نوآموزان 18، ص 6، ص. I2 .1 ,I43.

[2] بیمارستان مستضعفان ج. 16، شماره 2.

او با شمشیر دولبه قدرتمندانه می جنگد و ترس و عشق به خدا را در ذهن خود دارد.
او بدون شک از طریق مبارزات قوی به شادی های ابدی می رود تا در پایان به فاتحان پرداخت شود. از این رو مسیح، از طریق یوحنای مبارک در آخرالزمان صحبت می کند، به سرباز وفادار خود توصیه می کند که شدیدا بجنگد: و از طریق دعاها و مطالعات مقدس در برابر بدی های شیطان مراقب باشید. او میگوید تا حد مرگ وفادار باش و من به تو تاج حیات خواهم داد (Apc 2:1o). و دوباره در همان: من مانای پنهان را به وینسنت خواهم داد (مکاشفه 2:17).

پس از زحمات و مشکلاتی که برای نجات ما در دین به وجود آمده و قبلاً از آن غافل بودیم اجتناب نکنیم. اما بیایید محکم بایستیم، مطمئن باشید مردانه، سریع اطاعت کنید:
بیایید اغلب دعا کنیم، مجدانه کار کنیم، بیایید با کمال میل سکوت کنیم. بیایید به خاطر مسیح صبورانه صبر کنیم، همانطور که همه مقدسین انجام دادند: کسانی که چیزهای سخت تری را تحمل کردند، اکنون در بهشت شادی می کنند و می گویند از آتش و آب گذشتیم و ما را به طراوت ابدی رساندی (مزمور 65:12). پس هنگام وزش بادها به عقب برنگردیم، بلکه دستهای خود را دراز کنیم تا آنها را از بین ببریم. بیایید سلاح های روحانی خود را برداریم، روحیه غمگین خود را بالا ببریم و از نو شروع کنیم: و بسیار قوی تر از

---

[1] خطبه به نوآموزان 18، ص 6، ص. 143 مربع، 1. 26.
2 Ib. I5، ص 6، ص. I21 Sq, 1. 29.

ما این کار را انجام داده ایم تا علیه جسم، علیه جهان، و علیه شیطان مبارزه کنیم. زیرا هر چه نبرد سخت تر باشد، تاج با شکوه تر است.

فصل 36

در برابر قضاوت های بیهوده انسان ها.

1. پسر، دلت را در خداوند محکم کن و از قضاوت انسان نترس، جایی که وجدان تو را پارسا و بی گناه می کند. [1]
رنج کشیدن در این راه خوب و خوشحال کننده است و برای دل متواضع و توکل بر خدا بیش از خود باری نخواهد بود. بسیاری از مردم زیاد صحبت می کنند و بنابراین ایمان کمی لازم است. اما ممکن نیست که برای همه کافی باشد. اگرچه پولس می کوشید همه را در خداوند خشنود کند و همه چیز را برای همه تبدیل کرد، اما در کمترین ها نیز رهبری کرد، زیرا در روز انسان داوری شد.

2. به اندازه ای که در خود بود و توانست برای تربیت و نجات دیگران به اندازه کافی تلاش کرد; اما او نمی توانست خود را مهار کند که مبادا گاهی مورد قضاوت بال ها قرار گیرد یا مورد تحقیر قرار گیرد. بنابراین او همه را به خدایی که همه چیز را می دانست، سپرد. و صبر و تواضع بر لبان کسانی که به ناحق یا حتی بیهوده سخن می گویند و

---

1 خطبه به نوآموزان 5، ص 6، ص. 38 مربع، 1. 27.

او از خود در برابر کسانی دفاع می کند که به دروغ فکر می کنند و به میل خود به همه چیز می بالند.
او پاسخ داد، اما گاهی اوقات، مبادا با سکوت او در برابر ضعیف، رسوایی ایجاد شود.

3. تو کی هستی که از مرد فانی بترسی!
امروز هست و فردا ظاهر نخواهد شد. از خدا بترسید و از وحشت مردم نمی ترسید.
چه کسی می تواند با شما در کلام و یا همسر خود انجام دهد؟ او بیشتر به خود آسیب می رساند تا شما. او نمی تواند از قضاوت خدا بگریزد، هر که باشد. خدا را در برابر چشمان خود نگه دارید و با سخنان تهمت آمیز مجادله نکنید. اما اگر فعلاً خود را در حال تسلیم و گرفتاری میابینی، که لیاقتش را نداشتی، از این خشمگین مباش و تاج و تخت خود را با بیاشکیبایی کم نکن، بلکه در بهشت به من نگاه کن که میاتوانم از هر آشفتگی و آسیب رهایی بخشم و به هر کس مطابق کارهایش بدهم.

در نظر گرفتن.

اگر هر وقت حریفی قیام کرد و به تو گفت که تو با رغبت به آن گوش نمی دهی، صبور باش و سکوت کن.
خداوند به بدی های وارده پاسخ خواهد داد.
کینه توزی چه ضرری می تواند به تو برساند، اگر بر تو برانگیخته شود، اگر تو را زیان کند، اگر تو را سرزنش کند؟
بیشتر به خودش خیانت می کند، چون خوب نیست.

زیرا اگر خوب بودی و صبور بودی، ضرری برایت نداشت، بلکه بر شایستگی تو افزود.
رفت هیچکس از انحراف دیگری
آسیبی نمی بیند، از حرف توهین آمیز هیچ کس آسیب نمی بیند، تا زمانی که خودش متقی و بی حرکت باشد.
هر انسانی همان طور که در باطن است، در ظاهر نیز هست. مصیبت وجود خواهد داشت؛ زیرا اگر خوب و ساده و درستکار باشی و از خدا بترسی که امتحان شوی، هیچ کس نمی تواند خیر و عدالت و آرامش را از تو سلب کند، مگر اینکه با اختیار آن را ترک کنی!
هیچ صبر بزرگی وجود ندارد که یک چیز کوچک را آزار دهد. لااقل یاد بگیرید که در هنگام ظلم سکوت کنید، زیرا عاقلانه است که در زمان بد سکوت کنید.
به زخم فکر کنید، نه جراحت، و اینکه چگونه می توانید شخص دیگری را درمان کنید، نه اینکه چه کاری می توانید انجام دهید
برعکس، گویی از شوق عدالت، پاسخ می دهد. اگر ¢ او نبخشد، تو ببخش. زیرا کسی که با دیگری عصبانی است بیشتر از کسی که از عصبانیت رنج می برد مقصر است. مال فقیران است که شکایت کنند و ناشکیباها زودتر جابه جا شوند و اسباب خود را بر بال بگذارند.
پس با میل و رغبت مقصر باش تا در پیشگاه خدا بی گناه باشی.

البته، خود پولس رسول، ظرف انتخاب، که مکرراً به اسرار بهشت می‌خورد، وسوسه‌هایی داشت. او از آزار مردم رنج می برد.

---

1 رساله 1، n. 7. - 2 Ib, n. 8.

او اغلب آن را می شنید و حمایت می کرد. با این حال، به دلیل مصائب نامطلوب، او از خدمت و عشق مسیح دور نشد، و نه سرد شد: بلکه خود را مردانه تر نشان داد تا همه چیز را تحمل کند. و دیگران را با او در مبارزه برای تاج جلال تقویت کرد، که مسیح به بندگانش وعده داد که دشمنان زیادی را برای او تحمل خواهند کرد. و پولس مبارک در درک پاداش های آینده در بهشت بسیار شادتر و مطمئن تر شد: چقدر بیشتر از آشنایان و غریبه ها به عنوان مردی حقیر در جهان رنج می برد.

•

در انجام نیکی کوشا و در تحمل بدی ها شکیبا باش و در زندگی خود خوشبخت می شوی و هر ساعت خدا را حمد می کنی 2

فصل 37

بر استعفای خالص و کامل نفس برای به دست آوردن آزادی دل.

1. پسر، تو را رها کن، و مرا خواهی یافت.
بدون انتخاب و تمام شایستگی بایستید و همیشه پیروز خواهید شد. زیرا به محض اینکه استعفا دهید و از سر نگیرید، لطف بیشتری به شما اضافه خواهد شد.

2. پروردگارا، چند وقت یکبار استعفا بدهم و در چه کسی خود را رها کنم؟

---

1 خطبه به مبتدیان I5, P. 6, p. II4 sg, 2 باغ رز ج. 5،
نه 2. —— 1. I6.

3. همیشه و در هر ساعت: همانطور که در کوچک، همچنین در بزرگ. من هیچ چیز را قبول ندارم، اما می خواهم تو را برهنه در همه چیز پیدا کنند. در غیر این صورت، چگونه می‌توانی مال من باشی و من مال تو، مگر اینکه از درون و بیرون خودخواهی از تو گرفته شده باشد؟ هر چه سریعتر این کار را انجام دهید، بهتر خواهید بود و هرچه کاملتر و صادقانه تر باشید، بیشتر مرا راضی خواهید کرد و سود بیشتری خواهید برد.

خود استعفا می دهند 4. برخی به ظاهر از خود استعفا می دهند، اما از برخی موارد: زیرا آنها به خدا اعتماد کامل ندارند، بنابراین برای تأمین معاش خود تلاش می کنند.

سازمان بهداشت جهانی-

حتی در ابتدا همه چیز را تقدیم می کنند، اما پس از آن وسوسه شده، به خود باز می گردند و بنابراین در فضیلت پیشرفت نمی کنند. اینها به آزادی واقعی یک دل پاک و فیض آشنای دلپذیر من نخواهند رسید، مگر اینکه ابتدا استعفای کامل و خودسوزی روزانه کرده باشند.

بدون آن یک اتحادیه ثمربخش پابرجا نیست و نخواهد بود.

5. بارها به شما گفته ام و حالا دوباره می گویم: خود را رها کنید، استعفا دهید و از آرامش درونی عالی برخوردار خواهید شد. کل را برای کل بده. هیچ چیز را جستجو نکنید، هیچ چیز را تکرار نکنید. خالصانه و بی دریغ در من بایست و مرا خواهی داشت. در قلبت آزاد خواهی بود و تاریکی تو را پایمال نخواهد کرد. برای امتحان کردن این، این دعا، این

آرزو دارد که از همه اموال محروم شوی و برهنه مجروح را دنبال کنی تا برای تو بمیرم و برای من جاودانه زندگی کنی. آن وقت تمام خیالات بیهوده، سردرگمی های ناعادلانه و مراقبت های غیر ضروری شکست خواهند خورد.
سپس ترس بی بند و باری از بین خواهد رفت و عشق بی بند و باری خواهد مرد.

در نظر گرفتن.

"کسی که از تمام دارایی خود چشم پوشی نکند، نمی تواند شاگرد من باشد" (Le 14:33).

خداوندا، این کلام تو سخت به نظر می رسد و چه کسی می تواند آن را برآورده کند؟
پسرم گوش کن و من به تو یاد خواهم داد و انجام آنچه گفتم دشوار و غیر ممکن نخواهد بود:
مرا دوست بدار و خودت را ببند که مرا در هر مکان و زمانی پیدا کنی. من خوب ترین و خواستنی ترین روح تو هستم. بیا جلوی در قلبت می ایستم و در می زنم. به روی من باز کن و من نزد تو خواهم آمد، زیرا من نجات و زندگی تو هستم. من در همه چیز و بالاتر از همه باید دوست داشته باشم و ستایش کنم. من همه مال تو هستم، اینجا و همه جا حاضرم. اما نابینا مرا نمی بیند و کر نمی شنود و احمق این چیزها را نمی فهمد.
پس همه مال من باش و تو را در هیچ چیز نمی جویم و خدایت بیش از همه نسبت به تو حکیم خواهد بود.

آقا آنچه شما می گوی‌ید درست است. من هر چی
می‌گی دوست دارم بنابرای‌ن به خاطر شما سری‌ع مرا
ترک می کنم، مبادا شما را دی‌ر پی‌دا کنم.
تو در من و من در تو از طری‌ق عشقی که در من ای‌جاد می
کنی. شما به تنهای‌ی برای من کاملاً و کاملاً کافی
هستی‌د. پس من چی‌زی جز تو را نمی خواهم و نمی خواهم،
که پی‌ش از همه و بالاتر از همه و در همه خداوند تا ابد
مبارک. آمی‌ن

فصل 38

در مورد حکمرانی خوب در امور خارجی و توسل به خدا در
خطرات.

1. پسر، تو بای‌د با جدی‌ت به ای‌ن امر بپردازی، تا در هر مکان و عمل ی‌ا شغل بی‌رونی، درونی تری‌ن آزاده و توانا باشی، و همه چی‌ز زی‌ر دست تو باشد، و تو زی‌ر آن نباشی، تا تو ارباب اعمالت و فرمانروا باشی، نه برده و نه مزدور، بلکه از فرزندان معاف و راستی‌ن خدای‌ان و عبرانی‌ان، که در می‌ان خدای‌ان و عبرانی‌ان راستی‌ن می ای‌ستند. و ابدی را تماشا کن که با چشم چپ به چی‌زهای گذرا می نگرد و با چی‌زهای راست بهشتی می نگرد: چی‌زهای دنی‌وی به پای‌بند بودنشان نمی کشند، بلکه خودشان بی‌شتر می کشند.

---

1 دکتری‌ن جوان ج. 2، 2 1 .n

برای خدمت به آنها، همانطور که از طرف خدا دستور داده شده و توسط کارفرمای عالی تعیین شده است، که هیچ اختلالی در کار او باقی نگذاشته است.

موجود

2. اگر حتی در هر واقعه ای نه در ظاهر بایستید و نه با چشم نفسانی که دیده یا شنیده شده است، بلکه بلافاصله با موسی برای مشورت با پروردگار وارد خیمه شوید: گاهی جواب الهی می شنوید و از بسیاری از چیزهای حال و آینده آگاه خواهید شد. زیرا موسی همیشه برای حل مسائل مشکوک به خیمه پناه می برد و برای رفع خطرات و ناهنجاری های مردم به کمک دعا می گریخت. پس شما نیز باید به راز دل پناه ببرید و از رای الهی بیشتر التماس کنید. به همین دلیل بنی اسرائیل فریب جبعونیان را خوردند.

et

زیرا آنها در برابر دهان خداوند پرس و جو نکردند، بلکه با سخنان شیرین بسیار زودباور بودند و فریب تقوای دروغین را خوردند.

در نظر گرفتن.

برای آرامش و محافظت از قلب ارزش زیادی دارد، اگر به بیرون خود با احتیاط دستور دهید، و چه

من تمرینات معنوی را با شما انجام خواهم داد. تا بدانید چه زمانی باید بخوانید، چه زمانی دعا کنید، چه زمانی کار کنید، چه زمانی مراقبه کنید: چه زمانی باید ساکت باشید، چه زمانی صحبت کنید، چه زمانی تنها باشید، چه زمانی با دیگران باشید. تا همه‌ی کارها را در زمانش، با تفکر خوب انجام دهی، و هیچ وقت از کار مقدس و تمرین تقوای الهی

شما آزاد هستید[1].

این مال شماست تا خود را شایسته خدا رفتار کنید و در امور بیرونی ذهن خود را از چیزهای بالاتر منحرف نکنید، بلکه همیشه آرزوی تازه ای داشته باشید تا آن اسرار را بچشید. عبری واقعی که از دریای سرخ می گذرد کیست؟ کسی که از حس نفس به حلاوت روح می‌آید و آنچه را که پشت سر است فراموش می‌کند، خود را به چیزهای قبلی می‌سپارد. پسر واقعی ابراهیم کیست؟

کسی که از ترس بندگی به آزادی فرزندان خدا می رود. چه کسی شایسته است که در چهره مسیح تأمل کند و در اسرار بهشت نفوذ کند؟ کسی که دلش پاک و در نماز پرشور است و تماماً وقف امور داخلی خود است.

در هر مصیبت و وسوسه‌ای به دعا روی بیاورید، چون پناهگاهی برای روح است و از خداوند کمک بخواهید. هر چه زودتر بهتر؛ هر چه کندتر، بهتر

---

[1] من در مورد نظم و انضباط صومعه ج. 5، ص 288 — 7: § ص 2، 1. 5. 2 از مباشر وفادار ج. 3، 8 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 31، ص 287 مربع، ص 3، 28. 1.

بدتر هرچه بیشتر، مفیدتر باشد. هر چه پرشورتر باشد، نزد خداوند مقبول تر است. خدای وارسته و مهربان می خواهد از او خواسته شود، برای دعا دلیل می آورد، امید به اجابت می دهد، می گوید: «بخواهید و به شما داده خواهد شد» (متی ۷: ۷):

؛ S1 ،شما نمی توانید همیشه با دهان، دهان با روح و ذهن دهان با اشتیاق و نیتی پرهیزگار فریاد بزنید. کسی که نماز نمی خواند، نمی جنگد. و کسی که نمی جنگد و مقاومت نمی کند به سرعت شکست می خورد و تاج خود را از دست می دهد.

فصل 39

اینکه یک مرد نباید در تجارت ناراحت باشد.

1. پسرم، همیشه هدفت را به من بسپار، و من به موقع آن را به خوبی ترتیب خواهم داد. منتظر هماهنگی من باشید، از آنجا پیشرفت را احساس خواهید کرد.

2. پروردگارا، من با کمال میل همه چیز را به تو می سپارم، زیرا تفکر من می تواند پیشرفت کمی داشته باشد. ای کاش زیاد دلبسته اتفاقات آینده نبودم، اما بی دریغ خودم را به خوشبختی [شما تقدیم می کردم!

3. پسر، غالباً مردی چیزی را که میل دارد به شدت تحریک می کند. اما وقتی

---

1 باغ گل رز C. I2, n. 3. —— 2 Ib. نه من

وقتی به او می رسد، شروع به احساس متفاوتی می کند: زیرا علاقه به یک چیز ماندگار نیست، بلکه از چیزی به چیز دیگر منتقل می شود. بنابراین، حتی در کوچکترین چیزها، خود را رها کردن حداقل نیست.

4. پیشرفت واقعی انسان انکار نفس است و انسانی که خود را انکار کرده بسیار آزاد و امن است. اما دشمن باستانی که با همه چیزهای خوب مخالفت می کند، دست از وسوسه بر نمی دارد. اما روز و شب نقشه‌های قبر می‌کشد، اگر تصادفاً بی‌احتیاطان را در دام فریب بیاندازد. خداوند می گوید مراقب باشید و دعا کنید تا در وسوسه نشوید.

در نظر گرفتن.

مهم نباشید: اما همه چیز را با آرامش انجام دهید. هر چه از حد فراتر رود و اختیار نداشته باشد، نه خدا را خشنود می کند و نه طولانی می ماند. کسی که گستاخانه و بی ملاحظه عمل می کند، به آسانی توهین می کند: و خودش هم چون آزرده شود، اندوهگین می شود. [3].

مواظب خودت باش که چون توانایی کمتری داری، چیز مهمی نخواهی. و در حالی که شما یک توصیه کوتاه از

---

[1] تمرین معنوی احساس می کنید ص 2، ص. 431، 1. 13. -
2 در نظم صومعه ها ج. 9، ص. 302، 1. 3 .I6 کتاب ص 2،
تمرین معنوی ج. ، ص 2، ص. 333، 1. 4

اما برای اینکه در درخواست خود پیشرفت کمی داشته باشید، با هیچ
بی حوصلگی خود را آزار ندهید، اما به یاد داشته باشید:

0 کشور شاد، برآورده کننده خواسته های اولیای الهی
و ناآگاه از نارضایتی فقرا .[1]

عشق به خود، دل را تیره می کند، نزاع ایجاد می کند و
پیشرفت را از بین می برد. اما به خاطر عیسی خود را انکار
می کند: آزاد و در صلح می شود .[2]

این ضعف انسانی است که بیش از حد نگران آینده
باشد. اجازه ندهید ایمان شما به دلیل از بین رفتن
منابع زمینی شکست بخورد. زیرا شما به مشیت خداوند .
اطمینان زیادی دارید. کسی که وعده های بهشتی و ابدی را
داده است، چیزهای دنیوی را انکار نخواهد کرد.
با این حال، او همیشه مطابق میل ما نمی دهد تا در دنیا زیاد
نباشیم و در نتیجه چیزهایی را که در بهشت است کمتر
آرزو کنیم. خوشا به حال کسی که منتظر حکم خداست.

و همه چیز را از دست خود دریافت می کند.

فصل 40

آن انسان هیچ چیز خوبی از خود ندارد و نمی تواند به هیچ چیز ببالد.

1. خداوندا، انسان چیست که او را در نظر داشته
باشی، یا پسر انسان که او را ملاقات کنی؟ آنچه را که
مرد به دست آورده است، باید آن را بدهید

---

1 در مباشر وفادار ج. 1، § 23. —— 2 خطبه
در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 16، ص 3، ص. IS7، 1. 13. ——
3 در مورد مباشر وفادار 6 § ،C. I —— 4 آگهی کوتاه
توصیه تمرین معنوی ص 2، ص. 431، 1. 24.

لطف شما به او پروردگارا، چه شکایت کنم اگر مرا
ترک کنی. یا اگر آنچه را که من می خواهم انجام
ندهید، چه حقی می توانم به دست بیاورم؟ یقیناً
می توانم به این حقیقت فکر کنم و بگویم:
پروردگارا، من هیچ هستم، هیچ کاری نمی توانم
انجام دهم، هیچ خیری از من ندارم.
اما در همه چیز شکست می خورم و همیشه به هیچ می افتم.
من گرایش دارم و اگر در درون از جانب تو یاری و آگاه
نبودم، همه ولرم و آرام می شدم.

2. و ای خداوند، تو همیشه همان هستی، و تا ابد
خوب، عادل و مقدس، خوب، عادلانه و مقدس هستی که
همه چیز را انجام می دهی، و در حکمت ترتیب می دهی.
اما من که بیشتر مستعد شکست هستم تا
پیشرفت، همیشه در یک حالت نمی مانم، زیرا روزگار
همیشه بر من تغییر می کند.

با این حال، به زودی خوب می‌شود، آن‌گاه که مرا
خوشنود می‌سازد، و تو دست یاری دراز می‌کنی، زیرا به
تنهایی می‌توان بدون رای انسانی کمک کرد و آن‌قدر
قوی شد که دیگر چهره‌ام به چیزهای مختلف تبدیل
نمی‌شود، بلکه در تو دلم به یکی می‌گردد و آرام
می‌گیرد.

3. بنابراین، اگر خوب می دانستم که همه
تسلی های انسانی را دور بریزم، یا به خاطر
کسب ارادت، یا به خاطر

ضرورتی که به موجب آن ناگزیر از طلب تو هستم، زیرا هیچ مردی وجود ندارد که بتواند مرا تسلی دهد، پس من به انصاف می توانم به لطف تو امیدوار باشم و از هدیه تسلی جدید خوشحال باشم.

4. با تشکر از شما، از آنجا که همه چیز آمده است، هر بار آن را به خوبی برای من موفق است. اما من در برابر تو غرور و هیچ چیز نیستم، مردی ناپایدار و ضعیف. پس چگونه می‌توانم به خود ببالم، یا چرا می‌خواهم مورد احترام باشم؟
در مورد هیچی نیست؟ و این بیهوده ترین است. جلال واقعاً تهی یک آفت است، بزرگترین باطل: زیرا جلال را از حقیقت می‌گیرد و فیض آسمانی را از آن می‌رباید. تا زمانی که انسان خود را خشنود می کند، شما را ناخشنود می سازد: در حالی که از ستایش انسانی پر شده است، از فضایل واقعی بی بهره است.

5. اما جلال واقعی و شادی مقدس آن است که به تو جلال دهیم نه به خود، شادی به نام تو، نه به قدرت خود، و نه از هیچ موجودی لذت ببریم مگر به خاطر تو. بگذار نام تو ستوده شود، نه نام من. بگذارید کار شما بزرگ شود، نه من. نام مقدس تو متبارک باشد، اما از ستایش مردم چیزی به من نسبت داده نشود. تو جلال منی، تو شادی قلب منی. تمام روز در تو تجلیل و شادمانی خواهم کرد. اما برای من چیزی نیست، مگر در ناتوانی هایم.

6. یهودیان به دنبال جلال باشند که از یکدیگر است. من این را می خواهم که فقط از جانب خداست.
در واقع، تمام جلال انسانی،
تمام افتخارات دنیوی، تمام قدهای دنیوی، در مقایسه با جلال ابدی تو، باطل و حماقت است.

O

حقیقت و رحمت من، خدای من، تثلیث مبارک، ستایش، عزت، قدرت، جلال، برای اعصار بی پایان از آن تو باد.

در نظر گرفتن.

چون چرا به چیزهای خوب طبیعت می بالید، فانی هستید و به زودی کرم ها شما را می جوند؟ کسی که فخر می کند: در خداوند جلال دهد. پس مواظب و مواظب باش که همه خوبی ها را به ستایش خداوند برسانی و هیچ چیز را بیهوده به خود نسبت ندهی. زیرا هدایای خداوند همه آن چیزی است که شما دارید، یعنی بودن، زندگی کردن، درک کردن، فکر کردن، صحبت کردن و کار کردن. خدای خود را شاد و ستایش کنید که شما را آفرید و فدیه داد. زیرا شما به خاطر مزایای بسیار و عظیم و اموال روزانه که به شما عطا شده است مدیون هستید و برای همه آنها برای شکر کامل و شایسته خدا کافی نیستید، حتی اگر فرشته ای مقدس باشید.

---

1 دره نیلوفرها ج. 7، نه 2. —— 2 موعظه به
مبتدیان 17، ص 6، ص. 5 .1 ،I36 —— گروه کر 10، 17 2
3 بیمارستان فقرا ج. 7، نه 2. —— 4 زنبق دره
C. 26, n. 2.

هنگامی که خوشحال هستید و به خوبی موفق شده اید، تحسین کنید و سپاسگزاری کنید. زیرا پروردگار پرهیزکار اراده کرده است که به شما آرامش دهد تا در راه شکست نخورید.

در هنگام غمگینی یا ضعف، ستایش و شکر کن، زیرا خداوند تو را زیارت می کند و می آزماید و پاک می کند تا نسبت به خود مغرور و مغرور نشوی. هنگامی که سالم و قوی هستید، تمجید و شکر کنید، زیرا خداوند به شما نیروی کار و خدمت به دیگران داده است.

در برابر مردم به هیچ چیز خوب فخر مکن. زیرا در درونت عیب های فراوانی داری که خدا می داند و آنها را آن گونه که باید نمی بینی و نمی سنجید. کدام یک از ما می داند که خداوند هر کلمه، فکر و کار را در شبانه روز چگونه می سنجد و قضاوت می کند: آیا آنها را می پذیرد یا رد می کند؟ یک مرد حتی نمی داند، هر چقدر هم که خوب و عابد باشد، تا کی چنین خواهد ماند: بهتر می شود یا بدتر. الحمدلله: نه مردی ضعیف. اما کسی که خود را راضی کند، احمق را خشنود می کند و خدا را ناراضی می کند.

---

1 رز گاردن C. 18, n. 4.

2 کتاب راهنما ——

3 موعظه به نوآموزان 4 در مورد —— از راهبان ج. 8، نه من

به رسمیت شناختن طرفدار 5 —— I36، 1. 13. ص 6، ص I7،

Vallis —— شکنندگی قبلی ج. 2، ص 2، ص. 362، 1. 28.

از نیلوفرهای ج. 7، نه 2.

22 تقلید از توماس کمپیس. اد. 3.

فصل 41

در مورد تحقیر تمام افتخارات دنیوی.

1. پسر، اگر دیدی که دیگران را مورد عزت و تعالی قرار می دهند، اما تو را حقیر و تحقیر می کنی، جذب خودت مکن. دلت را در آسمان به سوی من بلند کن تا از تحقیر مردم روی زمین غمگین نخواهی شد.

2. پروردگارا، ما در کوری هستیم و به سرعت در بیهودگی گمراه می شویم. اگر به خودم درست بنگرم هرگز از هیچ موجودی ظلم نشده ام که حق ندارم از شما شکایت کنم. اما از آنجا که من بارها و بارها در حق شما گناه بزرگی کرده ام، هر موجودی سزاوار بر ضد من مسلح است. سردرگمی و تحقیر عادلانه برای من است. اما ستایش و عزت و جلال از آن توست. و تا زمانی که خود را برای این آماده نکنم که با کمال میل مورد تحقیر و رها شدن هر موجودی قرار می گیرم، و مطلقاً بر هیچ چیز تسخیر نمی شوم، نمی توانم در باطن آرامش و استقرار داشته باشم، نه از لحاظ روحی روشن شوم و نه کاملاً با شما متحد شوم.

در نظر گرفتن

اگر مورد تحقیر مردان قرار می گیرید و دیگران بر شما ترجیح داده می شوند، زیاد غمگین نباشید. زیرا تواضع با حلیم بهتر و ایمن تر است

با ساده لوحان، تا ای‌نکه توسط خدا با ثروتمندان و
بلندمرتبه ها طرد شوی‌د.

اگر جانت را در دهان مردان بگذاری؛ !

تو فقط چی‌زی خواهی بود، فقط ی‌ک مه: اما هرگز آزاد و
ساکت نی‌ستی. او تنها با کلمات متاثر نمی شود،
بلکه به آنچه خدا را خشنود می کند توجه دارد.
مردها اغلب چی‌زهای‌ی را ستای‌ش می کنند که خدا از آن ناراضی است.
خی‌لی وقت ها خداوند می پذی‌رد که مردان سرزنش و
تحقی‌ر کنند. پس او شای‌سته ستای‌ش است: او را که
خداوند به همه چی‌ز داناست، ستای‌ش می کند، پس
تحت تأثی‌ر حمدهای انسانی قرار نگی‌ری‌د. هی‌چ کس را
بی‌هوده تمجی‌د نکنی‌د زی‌را نمی دانی‌د روز آی‌نده چه
خواهد شد. اغلب آخری‌ن ها اولی‌ن هستند و اولی‌ن ها
آخری‌ن. او به خوبی می ای‌ستد و راست می رود که خود را
بر تواضع استوار می کند و تمام افتخارات دنی‌ا را
هی‌چ می داند.

اگر آسی‌بی به تو رسی‌د: آن را در نظر بگی‌ر زی‌را !
شای‌سته آن بوده ای. بدان که تو ضعی‌ف و گناهکار
هستی و به زودی خواهی مرد، پس در ساعت مرگ آشکار
خواهد شد که ای‌ن همه لطف دنی‌ا چقدر فری‌بنده بود.
چقدر شادی احمقانه است، ستای‌شی که مردم به دنبال آن
هستند. 6 خداوند همه چی‌ز را تأمی‌ن خواهد کرد و شما می
توانی‌د بسی‌ار بهتر از خود فکر کنی‌د.

I Valley of the Lilies c. 31، در 2 .4 شماره
تشخی‌ص شکنندگی خود ج. 2، ص 2، ص. 363، 1. 5. 3 Ib.
ص 362، 1. 22. 4 باغ گل رز ج. 12، 7 ،n
5 کتاب تمری‌ن معنوی ج. 8، ص 2، ص. 346، 1. 17. 8 در
شناخت شکنندگی خود ج. 2، ص 2، ص. 363، 7 .20 .I کتاب
تمری‌ن معنوی ج. 8، ص 2، ص. 346، 1. 15.

فصل 42

این آرامش در انسان قرار نمی گیرد.

1. پسر، اگر با هر شخصی صلح کنی، به خاطر احساس و همزیستی خود، ناپایدار و پیچیده می شوی. اما اگر به حقیقت همیشه زنده و پایدار متوسل شوید، از دوستی که می رود یا در حال مرگ است ناراحت نمی شوید.

عشق

یک دوست باید در من وجود داشته باشد و به خاطر من باید هر کسی را که به نظر شما خوب و در این زندگی بسیار عزیز به نظر می رسد دوست داشته باشید. بدون من دوستی نه معتبر است و نه ماندگار و هیچ عشق واقعی و خالصی وجود ندارد که آن را گرامی نداشته باشم. تو باید آنقدر با محبت های مردان عزیز مرده باشی، که تا آنجا که به تو مربوط می شود، آرزو می کنی که بدون همنشینی انسانی باشی. انسان به همان نسبت به خدا نزدیکتر می شود که از هر آسایش زمینی کناره می گیرد.

هر چه بیشتر به سوی خدا عروج می کند، بیشتر در خود فرود می آید و خود را خوارتر می کند.

2. اما کسی که به خود خیری نسبت می دهد، مانع از آمدن فیض خداوند به او می شود، زیرا دل فروتن همواره در پی فیض روح القدس است. اگر می دانستی که کاملا غرق می شدی

و برای خالی کردن خود از تمام عشقهای آفریده شده، باید با فیض عظیم در تو سرازیر شوم.
وقتی به مخلوقات نگاه می کنی، نگاه خالق از تو دور می شود.
بیاموز که به خاطر خالق در همه چیز بر خود غلبه کنی، آنگاه به علم الهی خواهی رسید. هر چقدر هم که کوچک باشد، اگر بی اندازه مورد محبت و حقارت قرار گیرد، از بالا سرعتش را کم می کند و فاسد می شود.

در نظر گرفتن.

امید و آرامش خود را به انسان و هیچ موجودی از آسمان و زمین مباش، اگر نمی خواهی گمراه شوی و مضطرب نشوی.
نجات تنها در خدای زنده، در واقع، ابدی و خیر عالی، که همه چیز را از نیستی آفرید و با داوری عادلانه حکومت می کند 1

هیچ دوست وفاداری جز در خدا نیست.

عشق به خدا دوست وفادار می سازد: بدون خدا هیچ دوستی پایدار نخواهد بود. به راستی او دوست شماست که نجات جان شما را دوست دارد، نه کسی که در خارج از کشور چاپلوسی می کند و کف می زند. او نزد شما عزیز است که غمگین می شود و برای مشکلات شما دعا می کند. که از رفتنت خوشحال می شود: و در صدقه سرزنش می کند.

---

1 بیمارستان فقرا ج. 13. - در تشخیص شکنندگی خود ج. 3، ص 2، ص. 364, 1. 5 .3 1. 27 ،363 .Ib, p.

اما کجاست چنین مردی که در همه چیز صادقانه عمل
می کند؟ 0 چه گرانقدر چنین کسی: که سرشار از محبت
خداست. عشق دنیوی به سرعت از بین می رود:
و در ناچاری خلأ به جا می گذارد. از خدا بترسید و
دوستی با وفا به شما خواهد پیوست. نام خود را
حفظ کنید، یک شریک خوب پیدا خواهید کرد.
و هنگامی که آن را یافتید، عاقلانه از آن استفاده کنید: و آن را
مانند خودتان دوست بدارید. بسیاری از دوستان در موفقیت:
در سختی به ندرت یکی می چسبد، نه

اگر خدا را همیشه در برابر چشمان خود نگه دارید، ›
شما ویران خواهید شد. اگر خدا را راضی نکنی: دوستان
فانی تولید نمی شوند. اگر عادل و پرهیزکار یافتی،
بیشتر از توانا دوست بدار. حمایت از سخنان یک
دوست؛ و به یاد داشته باشید که انسان مانند
شماست، زیرا تنها خدا خطا نمی کند و گناه در او
نیست

بیاموزید بدون آسایش انسان زندگی کنید: حتی
زمانی که تسلی دهنده های زیادی وجود دارد. اعتماد به
راحتی در مردان یا شادی بیش از حد از حضور آنها ضعیف و
غیرقابل تحمل است.
یا غصه خوردن از نبودن زیرا نه شما برای مدت
طولانی در اینجا خواهید بود و نه آنها برای مدت
طولانی با شما خواهند ماند.

من در مورد تشخیص شکنندگی خود ج. 3، ص 2، ص. 364
؟ یادآوری مختصری از تمرین معنوی —— متر مربع، 20 .I.
ص 2، ص. 431 متر مربع، 1. 26.

و فقط فضل او را می خواهد که فقرا را تقویت می کند و
در نهان به تبعیدیان آرامش می بخشد. کن-

فصل 43

در برابر باطل و علم دنیوی.

1. پسر، از سخنان زیبا و ظریف مردان متاثر نشو. زیرا پادشاهی خدا در گفتار نیست، بلکه در قدرت است.

به سخنان من توجه کن که دلها را روشن می کند و دلها را روشن می کند و دلسوزی می کند و آسایش های گوناگون را القا می کند.
هرگز یک کلمه از آن را نخوانید، تا ممکن است دانشمندتر یا عاقل تر به نظر برسید. زوال رذیلت ها را مطالعه کن، زیرا این کار بیشتر از علم به چیزهای مختلف سود می برد.
یک سری سوال

2. وقتی چیزهای زیادی خوانده اید و یاد گرفته اید، همیشه باید به یک اصل برگردید. من کسی هستم که به انسان دانش می آموزم و به کودکان درک روشن تری از آنچه که انسان می تواند بیاموزد می دهم.
کسی که با او صحبت می کنم به زودی عاقل خواهد شد و از نظر روحی بسیار موفق خواهد شد. وای بر کسانی که چیزهای کنجکاو زیادی را از مردان و در مورد راه می جویند

---

1 در مباشر وفادار 25 § ،1 .n.

آنها برای خدمت به من اهمیت چندانی ندارند. زمانی خواهد رسید که مسیح، معلم معلمان، پروردگار فرشتگان، که به درس های همه گوش خواهد داد، ظهور خواهد کرد، یعنی وجدان هر یک را بررسی خواهد کرد. و آنگاه اورشلیم در نورها جستجو خواهد شد و چیزهای پنهان تاریکی آشکار خواهد شد و برهان زبانها خاموش خواهد شد.

3. این من هستم که ذهن فروتن را به حدی رساندم تا بتواند جنبه های بیشتری از حقیقت ابدی را درک کند تا زمانی که کسی ده سال در مدارس درس خوانده باشد. من بدون هیاهوی کلمات، بدون آشفتگی عقاید، بدون غرور افتخار، بدون تضاد بحث ها تدریس می کنم. این من هستم که یاد می دهم زمینی را تحقیر کنم، حال را تحقیر کنم، به دنبال امر ابدی باشم، تا ابد دانا باشم، از افتخارات دوری کنم، از رسوایی رنج ببرم، تمام امید را به خودم بگذارم، چیزی بیرون از خودم آرزو نکنم، و مهمتر از همه عاشقانه خود را دوست داشته باشم.

4. برای برخی، با محبت صمیمانه، چیزهای الهی آموخت و چیزهای شگفت انگیزی گفت. او در رها کردن همه چیز بیشتر از مطالعه ظرافت ها پیشرفت کرد. اما با برخی از بال ها به طور مشترک صحبت می کنم، برای برخی دیگر خاص. برای برخی در نشانه ها و اشکال شیرین ظاهر می شوم، اما برای برخی دیگر اسرار را در نور بسیار آشکار می کنم.

یک جلد کتاب، اما همه را به یک اندازه آگاه نمی‌کند: زیرا در درون من معلم حقیقت، جستجوگر دل، درک افکار، مروج اعمال هستم، و هر کدام را که شایسته قضاوت می‌کنم توزیع می‌کنم.

در نظر گرفتن.

انسان عاقل اعمال را بیشتر از گفتار می سنجد. کار خوب انجام شده خود را تحسین می کند. کسی که فقط از کلمات پیروی کند چیزی نخواهد یافت. فضیلت ساخته شده در خدا: از خدا جلال خواهد یافت. حکمت دنیا باطل است و نزد خدا حماقت محسوب می شود.

به دنبال حکمت واقعی باشید که مسیح تعلیم داد و با مثال خود نشان داد. حکمت واقعی از کلمات پنهان و اعمال مقدس مسیح به دست می‌آید که ما را تشویق می‌کند از دنیا بپرهیزیم، از لذت بگریزیم، جسم را رام کنیم، رنج بکشیم، زحمات را تحمل کنیم، فضایل را دوست بداریم.

عشق عیسی حکمت است

---

1 در مورد تشخیص شکنندگی خود 2 .C. 2, FP،

ص 363، I .l. -- باغ گل رز ج. 3، نه 2. —

$ در مورد تنهایی و سکوت ج. 1، 4 .4 .n باغبان 5 توصیه

فروتن - موعظه در مورد زندگی — گل رز ج. 3، نه 1 2

ه 6 — از ایالت ص 2، ص. 378، 6 .I

ص 2 .1 ،I57 شور خداوند I6، ص 3،

یک مرد واقعاً عاقل از گناه متنفر است، راست می گوید و عدالت را انجام می دهد. کسی که متانت و پاکدامنی و پرهیزگاری و فروتنی و پرهیزگاری زندگی کند و از خطر وسوسه دوری کند، عاقل و خشنود است. او شهرت خوبی دارد، وجدان را حفظ می کند، و غالباً از خداوند شادی دل می گیرد که جهان آن را نمی داند و نمی داند.

همچنین ممکن است مجروح عزیز به طرق دیگر خود را به گونه ای شگفت انگیز برای اشتیاق یک روح عاشق آشکار کند: و از مقدس ترین زندگی و مرگ گرانبها و شکوه رستاخیزش به طور کاملتر آگاه شود. چه انجیل های مقدسی را که آنها تعلیم می دهند و در ظاهر با کلمات منتشر می کنند: او که با روح عیسی از نظر روحانی و زیرکانه آمده است، در درون خود بدون سر و صدای کلمات، با روشنایی بسیار از بالاترین حقیقت، می گشاید تا حتی جلال خدایان را تسخیر کند. همانطور که گاهی اوقات به ذهن های پاک داده می شود که در روح افراطی تسخیر شوند.

فصل 44

در مورد عدم جذب چیزهای بیرونی به سمت خود.

1. پسر، تو باید در خیلی چیزها نادان باشی و خودت را مرده ای بر روی زمین بدانی که تمام دنیا به صلیب کشیده شده است.

---

2 خطبه ص. –– 1 رز گاردن C. 3, n. من

I37، 1. 7 در مورد زندگی و اشتیاق پروردگار دوم، ص 3،

ثابت شود خیلی چیزها باید به گوش ناشنوا منتقل شود و باید بیشتر به چیزهایی فکر کنید که برای شما مفید است. این مفیدتر است که چشمانمان را از چیزهای ناخوشایند دور کنیم و هر یک را به حال خود رها کنیم تا اینکه با گفتمان های ستیز به ما خدمت کنیم. اگر با خدا خوب بایستی و به قضاوت او نگاه کنی، بار را راحت‌تر به دوش می‌کشی.

2. پروردگارا، تا کجا پیش رفته ایم؟ اینک زیان دنیوی تمام می شود، برای سودی اندک کار می کند و می دود و زیان معنوی به فراموشی می رود و به سختی برمی گردد. به این توجه می شود که کم یا هیچ چیز تولید نمی شود. و آنچه لازم است غفلت می شود، زیرا کل انسان به خارج نزول می کند; و مگر اینکه به سرعت بهبود یابد، با کمال میل در بیرون دراز می کشد.

در نظر گرفتن.

دل خود را به بیرون نریزید:

اما یاد بگیرید که با دستان خود کار کنید و با قلب خود دعا کنید.

با همت فراوان دست به باطن برسان و آنچه را که پشت سر است و این دنیا را فراموش کن و به سست و ضعیفان نگاه نکن، بلکه به آنچه رسیده ای و چه باید بکنی توجه کن. بنده متبرک بر چند hdelis 1 یادآوری کوتاهی از تمرین

معنوی ص 2، ص. 426، 1. 21. 2 گفتگوی نوآموزان ج. 3، نه 2.

و مرد عاقلی که تمام وقت خود را صرف سود می کند و در برابر چیزهای اضافی که به او مربوط نیست سکوت می کند، اما گویی برای رضای خدا کر و لال شده است، با آرامش از هیاهوی دنیا می گذرد و همیشه روح خود را در دستان خود پیش روی خود می برد.

ای خدای ازلی، برترین و بی اندازه، خالق و فرمانروای همه. من ساخته شده ام که تو را دوست داشته باشم و فقط می خواهم تو را دوست داشته باشم و نمی توانم، آنقدر که می خواهم. من در بند عشقی بیهوده و محبتی درونی به چیزهایی هستم که می لغزند، که در حالی که سعی می کنم خود را رها کنم، به ندرت می توانم بدون درد شدیدی یا اصلاً نتوانم. 0 مجروح، زندگی واقعی، زندگی که نمی داند چگونه بمیرد، به من عطا کن که برای عشق بمیرم تا بر گوشت من مسلط نشود. آه، کی اتفاق می افتد که می توانم با اطمینان بگویم: اما من خود را مرده بر روی زمین می دانستم 4

فصل 45

چیزی که برای همه قابل باور نیست و در مورد لغزش آسان کلمات.

1. خداوندا، از مصیبت به من کمک کن، زیرا نجات انسان بیهوده است. چگونه

تک گوی Ib. [2] —— 1 دره نیلوفرها ج. 17، شماره من

ج 8، نه من 4 —— 3 پوند 4 ،n. - روح C. 9, n. 2.

من اغلب ایمان را در آنجا پیدا نکرده ام، جایی که
فکر می کردم آن را دارم؟ چقدر خود را در آنجا یافتم،
جایی که کمتر گستاخی دارم، پس امید به
انسانها بیهوده است، اما به تو سوگند نجات،
خدایا. خداوندا، خدای من، در هر اتفاقی که برای ما
می افتد، متبرک باش. ما ضعیف و ناپایدار
هستیم، به راحتی فریب می خوریم و
ما تغییر می کنیم

2. کیست کیست که بتواند در همه کارها با
مراقبت کند که گاه دچار احتیاط و احتیاط از خود
فریب و حیرت نشود؟ اما کسی که به تو
اعتماد دارد، پروردگارا، و از دل ساده طلب می کند،
به این راحتی نمی لغزد.

و اگر مصیبتی پیش آید، به هر نحوی که
گرفتار شود، زودتر به وسیله تو نجات پیدا
می کند، یا به وسیله تو تسلی می یابد، زیرا
او را که به تو امیدوار است تا آخر رها نخواهی
کرد. یک دوست وفادار نادر، استقامت در فشار
همه دوستان. پروردگارا، تو از همه امین‌اتر
هستی و غیر از تو چنین نیست.

3. چه خوب چشید آن روح مقدس که گفت: عقل
من در مسیح استوار و استوار شده است. اگر در
مورد من اینطور بود، نه به این راحتی ترس
هیمنیک درگیرم می شد و نه تیرهای کلمات مرا
تکان می داد.

چه کسی می تواند همه چیز را پیش بینی کند، چه کسی برای جلوگیری از بدی های آینده کافی است؟ اگر آنها اغلب به موارد پیش بینی شده آسیب می رسانند، اگر به شدت ضربه بزنند، چه غیرمنتظره ای وجود دارد؟ چرا به این راحتی دیگران را باور کردم؟ اما ما انسان هستیم و انسان های شکننده ای بیش نیستیم، حتی اگر خیلی ها به ما احترام بگذارند و فرشته بخوانیم.

چه کسی را باور کنم پروردگارا؟ به کی جز تو شما حقیقتی هستید که فریبش نمی‌دهید و نمی‌توانید فریبش دهید.

و باز هم: هر مردی دروغگو و ضعیف و ناپایدار و ناپایدار است، به ویژه در کلامش، به طوری که یک دفعه به سختی می توان آن چیزی را که در ظاهر به نظر می رسد، باور کرد.

4. چقدر احتیاط کردی که مردم آن را بخورند و دشمنان انسان اهل بیت او هستند. اگر کسی بگوید: اینجا را ببین یا آنجا را ببین.

؛

من به زیان خودم آموخته ام، و ای کاش برای احتیاط بیشتر بود، نه برای حماقت من. یکی گفت مواظب باش مواظب باش هرچی بهت میگم نگه دار. و در حالی که من سکوت می کنم و به آنچه پنهان است ایمان می آورم، او نیز نمی تواند ساکت شود، زیرا او می خواهد که ساکت شود، اما بلافاصله به من و من و رفته است. پروردگارا مرا از ایخودش خیانت می کند و گونه افسانه ها و مردان بی احتیاط حفظ کن که مبادا به دست آنها بیفتم

من هرگز مرتکب چنین کارهایی نمی شوم.
سخنی راست و استوار در دهانم بگذار و زبان زرنگی را از من دور کن.
آنچه را که نمی‌خواهم تحمل کنم، باید از هر نظر مراقب باشم.
0.5 چقدر خوب و مسالمت آمیز است که در مورد دیگران سکوت کنی، همه چیز را بی تفاوت باور نکنی، از چیزهای آسان غرق نشویم، خود را به عده ای معدود نشان دهیم، همیشه تو را به عنوان بازرس قلب بجوییم، با هر باد حرفی درگیر نباشی، بلکه باطنی و بیرونی همه چیز را مطابق میل خود انجام دهی! برای حفظ فیض بهشتی، چه بی خطر است که از ظواهر انسانی دوری کنیم، و به چیزهایی که ظاهراً تحسین برانگیز است، تمایل نداشته باشیم، بلکه با تمام کوشش به دنبال چیزهایی باشیم که باعث پیشرفت و شور زندگی می شود! چه بسیارند که به فضیلت شناخته شده و بسیار مورد ستایش قرار گرفته اند!
چه به یقین فیض سکوت محفوظ در این زندگی ضعیف که پر از آزمایش و جنگ است، سود برده است!

در نظر گرفتن.

درست و درونی به خود نگاه کنید و زبان های خارجی و گزارش های بادی را به راحتی باور نکنید.
او را دیدم که در چهره از شریک زندگی خود تعریف می کند و پشت سر او را تحقیر می کند. استدلال یکی از دوستان را در صدقه جدی در نظر گرفتم

و علناً از او عذرخواهی کرد، ناآگاهانه.
مردم رفتار می کنند و اغلب مانند مردم صحبت می کنند.
و همیشه آنچه آنها می گویند درست نیست:
اگر تمجید یا سرزنش کنند، نباید خیلی اهمیت بدهند.
در هر زمان و مکان از شر و رسوایی بر حذر باشید و خداوند شما را از سخنان نادرستی که در مورد شما به دروغ گفته می شود نجات خواهد داد.
آنچه نمی خواهید شناخته شوید: به هیچ کس نگویید. کلمه ای سخت و نادر برای پنهان کردن. پس رجوع به راز شود: تا وقتی کشف شد شرمنده نشوید، کسی که نمی داند چگونه سکوت کند: او دوستی را برای مدت طولانی حفظ نخواهد کرد، وقتی چیزهای زیادی شنیده و خوانده اید. بنابراین می توانید این را حفظ کنید تا بدانید چه زمانی باید صحبت کنید و چه زمانی سکوت کنید: خوب یاد می گرفتید.
باشد که خداوند این خیر بزرگ را عطا کند، زیرا این موهبت واقعاً عالی است که عده کمی دارند: این که بدانند چگونه صحبت کنند، چه موقع و چگونه و با چه کسی لازم است.

فصل 46

در مورد اعتماد به خدا، هنگامی که تیرهای کلمات بلند می شود.

1. پسرم، محکم بایست و به من اعتماد کن.
چرا کلمات جز چیست؟ آنها در هوا پرواز می کنند، اما به سنگ آسیب نمی رسانند.

---

1 Enchiridion نصیحت به - .I از راهبان ج. 9، نه 2 سر- مبتدیان 14، ص 6، ص. 106، 1. 25. 3 در به رسمیت شناختن شکنندگی خود ج. 3، ص 2، ص. 365، 1. 6

اگر مقصر هستید، فکر کنید که با کمال میل جبران خواهید کرد. اگر از چیزی آگاه نیستی، در نظر بگیر که با کمال میل این را برای خدا تحمل می کنی.
اندکی بس است که گاهی تحمل کلماتی را داشته باشی که هنوز توان تحمل ضربات محکم را ندارند. و چرا خیلی چیزهای کوچک به دلت می گذرد، مگر اینکه هنوز نفسانی هستی و بیش از آنچه باید به مردان توجه می کنی؟ زیرا چون از ترس های خود تحقیر شده اید، نمی خواهید به خاطر افراط و تفریط مورد سرزنش قرار بگیرید و پناهگاه بهانه می جویید.

2. اما بهتر به خود بنگرید و متوجه خواهید شد که هنوز هم عشق دنیوی و بیهوده به خشنودسازی مردان در شما وجود دارد. زیرا هنگامی که به عقب برگردید و از شکست های خود شرمنده شوید، آشکار است که نه واقعاً فروتن هستید، نه واقعاً برای دنیا مرده اید و نه در برابر خود مصلوب شده اید. اما به حرف من گوش کن و ده هزار کلمه برایت مهم نیست، مرد. بنگر، اگر همه چیز علیه تو گفته می شد، که می شد به بدترین شکل تصور کرد.
اگر به آنها اجازه عبور بدهی و بیش از یک فسکیو آویزان نکنی چه بلایی سر تو می آورند؟ آیا آنها می توانند حتی یک مو را برای شما بکشند؟

3. اما کسی که در درونش دل ندارد و خدا را در مقابل چشمانش ندارد، به آسانی با کلمات متاثر می شود.

سرزنش، اما کسی که به من اعتماد کند، و
نمی‌خواهد بر قضاوت خود بایستد، بی‌ترس
انسانی خواهد بود. زیرا من داور و دانای همه اسرار
هستم.
من می دانم که کارها چگونه انجام شد. من قسم دهنده و
این حامل را می شناسم.
سخن از من آمده است و به اذن من این اتفاق
افتاده است تا افکار دلهای بسیاری آشکار
شود. من مجرم و بی گناه را قضاوت خواهم کرد، اما
می خواستم هر دو را قبلاً با یک محاکمه پنهانی
ثابت کنم.
4. شهادت مردان اغلب با شکست مواجه می شود.
قضاوت من درست است، پابرجا خواهد ماند و
سرنگون نخواهد شد. معمولاً پنهان است و فقط
تعداد کمی مشخص است. با این حال او هرگز
اشتباه نمی کند و نمی تواند اشتباه کند، حتی
اگر به نظر حماقت درست نباشد. بنابراین
باید در هر قضاوتی به سوی من بدوید و به
اختیار خود تکیه نکنید. زیرا عادل، هر چه از
جانب خدا به او برسد، مضطرب نخواهد شد.
حتی اگر ظلمی به او وارد شود، چندان اهمیتی
نخواهد داد.
اما اگر دیگران او را معقول کنند، بیهوده شادی نمی
کند. زیرا او می اندیشد، زیرا من جست و جوگر دل ها و
دل ها هستم که بر اساس صورت و ظاهر انسان
قضاوت نمی کنم. برای اغلب در چشمان من

او در مورد آنچه که در قضاوت مردم قابل ستایش است مقصر شناخته می شود.

5. خداوندا، قاضی عادل، قوی و صبور، که ضعف و انحراف انسانها را می‌دانی، قوت و تمام اطمینان من باش، زیرا وجدان من برای من کافی نیست. تو می دانی که من نمی دانم؛ و بنابراین من مجبور بودم خودم را فروتن کنم و در هر انتقادی فروتنانه تحمل کنم.

همچنین هر گاه این کار را نکردم با آرامش بیشتری مرا ببخش و دوباره به من فیض عذاب بزرگتر عطا کن. زیرا رحمت فراوان تو برای من، برای دستیابی به عیش و نوش، از عدالت فرضی من، برای دفاع از وجدان پنهان بهتر است. و اگر از هیچ چیز آگاه نباشم، با این حال نمی توانم خود را در این امر توجیه کنم: چون رحمت تو از بین رفته است، هر موجود زنده ای در نظر تو عادل نخواهد بود.

در نظر گرفتن.

حاضر باش که صدماتی را که از جانب هر کس به آن وارد کردی ببخشی تا خداوند بار دیگر همه گناهانت را ببخشد. اما

---

[1] کتاب تمرین معنوی ج. 8، ص 2، ص. 346

I. I8.

با برادر ضعیف مدارا کن و بی انضباط را با عقل بیاموز! کسی که با گفتار یا عمل به دیگری صدمه می زند، مسیح را آزار می دهد. مال خود را از دست بدهی بهتر از این است که خدا را آزار دهی و برادرت را مجروح کنی و صدقه را بشکنی 3

بسیار مسلم است که در مقایسه با دردها و سرزنش های مسیح، ناراحتی های شما بی ارزش است.

پس برای شما خوب است که مرتباً اینجا را زیر نظر داشته باشید. و در رنج دردناک مسیح تسلی طلبید. ای رحمت شگفت انگیز خداوند؛ ای صبر غیرقابل تخمین مسیح: که با این همه صدمات نمی توان آن را تکان داد یا با مجازات ها بر آن غلبه کرد. زیرا در این مقاله او بهترین و قویترین مثال آرامش را برای همه کسانی که آسیب میبینند بیان کرد. تا حداقل چند کلمه پرواز را تحمل کنند.

پروردگار عادل اجازه نخواهد داد هیچ سخن زیانباری بدون مجازات بماند. خداوند حق است و اجازه نمی دهد دروغگویان برای مدت طولانی به حاشیه بروند. 7. پس چه خواهید کرد و به چه چیزی اعتماد و امید خواهید داشت؟ نه در تو و نه در انسان، بلکه در زمین

---

1 کتاب تمرین معنوی ج. 8، ص 2، ص. 346، 1. 20.
2 رز گاردن C. I5, n. من — 3 Ib. —
ج 9، نه I. - موعظه های شهر و شور خداوند 26، ص 3، ص. 219، 1. 10. 5 Ib. 223 ص، l. I9. —
6 رساله 1، 7 .7 .n باغ گل رز ج. 10، 2 ،n.

خدای خالق تو که تو را آفرید و تو و همه چیزها را با هم در دست و قدرت خود نگه داشت. پس بگو و با داوود در مزمور دعا کنید (24:15): چشمان من همیشه به خداوند است، زیرا او پاهای مرا از دام خواهد کشید.

فصل 47

که برای زندگی ابدی باید تمام سختی ها را تحمل کرد.

1. پسرم، مبادا زحماتی که به خاطر من متحمل شده‌ای، تو را بشکنند و مصیبت‌ها تو را از هر جهت زیر پا نگذار. اما وعده من شما را در هر اتفاقی تقویت و تسلی می بخشد. من برای جبران بیش از هر اندازه و اندازه کافی هستم. شما در اینجا مدت زیادی کار نخواهید کرد و همیشه زیر بار دردها نخواهید بود. اندکی صبر کنید و عاقبت شرارت را به سرعت خواهید دید. ساعتی فرا می رسد که تمام زحمت ها و هیاهوها از بین می رود.
هر چیزی که با زمان می گذرد کوچک و کوتاه است.

2. بیا، چه می کنی. در تاکستان من صادقانه کار کن و من پاداش تو خواهم بود. بنویس، بخوان، بخوان، گریه کن، سکوت کن، دعا کن، مخالفت های مردانه را تحمل کن: او شایسته همه این چیزها است.

I Valley of the Lilies c. 31، شماره من

زندگی ابدی در نبردهای بزرگتر صلح در یک روز خواهد آمد که خداوند آن را می شناسد.
و در این زمان نه روز خواهد بود و نه شب، بلکه نور دائمی، روشنایی بی‌پایان، آرامش استوار، و استراحت مطمئن خواهد بود. آیا نمی گویید: چه کسی مرا از بدن این مرگ نجات می دهد؟ گریه هم نخواهی کرد: افسوس بر من که سکونت من طولانی شد! زمانی که مرگ به سرعت فرو می‌رود و سلامتی بی‌دریغ، بدون اضطراب، لذت سعادت‌آمیز، همراهی شیرین و دوست‌داشتنی وجود خواهد داشت.

3. آه، اگر تاج‌های همیشگی مقدسین را در بهشت می‌دیدی، اکنون چه جلال می‌کنند، که زمانی برای این دنیا حقیر و مانند خود زندگی بی‌ارزش می‌شمردند. یقیناً تو به یکباره خودت را فروتن خواهی کرد و به جای این که مسئول یکی باشی، بیشتر تحت تأثیر همه قرار می گیری. به روزهای خوش این زندگی هم طمع نمی‌کنید، بلکه ترجیح می‌دهید که برای خدا رنج بکشید و در میان انسان‌ها هیچ شمرده شوید، بیشترین سود را به همراه خواهد داشت.

4. آه، اگر این چیزها برای شما عاقلانه بود و به اعماق قلب شما می رسید، چگونه جرأت می کردید حتی یک بار شکایت کنید؟ آیا تحمل همه چیز برای زندگی ابدی دشوار نیست؟ از دست دادن یا به دست آوردن چیز کمی نیست

پادشاهی خدا پس صورت خود را به سوی آسمان بلند کن. اینک من و همه مقدسینم با من که در این دنیا مبارزه بزرگی داشته‌ایم، فقط شاد باشید، راحت باشید، فقط سلامت باشید، فقط استراحت کنید، و آنها در پادشاهی پدرم بی‌پایان با من ادامه خواهند داد.

در نظر گرفتن.

قویاً اصرار کنید، با اشتیاق دعا کنید، سخت کوشید، اغلب مطالعه کنید، با میل سکوت کنید، صبورانه تحمل کنید. در اندک وفادار باش تا ده هزار استعداد در ملکوت آسمانی به دست آوری.

مطمئناً برای یک کار کوچک آرامش ابدی، برای یک کشور پست و پست ترین مکان، عزت ابدی خواهید داشت

ای مرد فقیر و ضعیف، اندکی دردهای بدن و کمبود خوراک و لباس را تحمل کن، زیرا دیری نخواهی بود و درد می کشی.

در خداوند شاد باش، ای برادر ایلعازر، که به تازگی از زخم های بسیار پر شده است. زیرا آرامش ابدی برای شما برای غذای کم و ارزان و غذای بد تهیه و برای درد کوتاهی در بدن برای شما آماده شده است.

با ورود به جای چیزهای کوچکی که شما را انکار کرده اند، در ضیافت بهشتی غذاهای عالی خواهید داشت.

---

1 هورتولوس روزارون ج. 14، شماره 2. --- 2 Ib. ج i8

دره نیلوفرها ج. 20، شماره من 3- .2 .n

از پادشاه و شما همیشه نان بهشت را از سفره
عیسی مسیح در پادشاهی پدرش خواهید خورد.

"من فقیر و رنجور هستم" (مصور 68:30).
خدایا کمکم کن این صدای فقیران و ضعیفان است که
برای ملکوت خدا به سوی خدا آه می کشند.
بیا، خداوند عیسی، بیا و درنگ نکن.
جنایاتم را راحت کن، زنجیرهایم را باز کن، مقیدان را از
خانه زندان، از دریاچه بدبختی و از خاکریز بیرون
بیاور. دیگر مرا با قرن رها مکن. صورتت را که
فرشتگان همیشه می بینند به من نشان بده. صدای
تو در گوشم می پیچد که بدون وقفه می شنوند.
خداوند عیسی بیا و مرا از سرزمین بیگانه ببر. رانده
شده را به کشور فراخوانده و آن را به درجه سقوط
قبلی بازگرداند. بیا ای نجات دهنده خوب، مرا در جلال
ابدی خود شریک کن. من از زندگی موقت خسته شده ام.

فقط روز جلال ابدی مرا خوشحال می کند. لسو خوب،
شیرین، بهترین، به من شادی رخسارت عطا کن و مرا از
اولیای محبوبت طرد مکن، بلکه کناره گیری کن یا یاد
کن ای فرزند خدا که با خون گرانبهایت از دشمن

---

1 تسلی مستمندان و ناتوانان n. 4.
3 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 26، ص 3، ص 232، .
3 دره نیلوفرها ج. 20، نه 1 — .23

تو مرا فدیه دادی ستایش و جلال تو را که حیات زندگان، امید مردگان، نجات و آسایش همه کسانی که نزد تو می آیند.

فصل 47

از روز ابدیت و تنگی این زندگی.

I. ای مبارک ترین عمارت شهر بهشتی! 0 روشن ترین روز ابدیت، که شب آن را تاریک نمی کند، اما بالاترین حقیقت همیشه می درخشد. یک روز همیشه شاد، همیشه امن، و هرگز وضعیت خود را برعکس تغییر نمی دهد! ای کاش آن روز طلوع کرده بود و همه این امور موقت به پایان رسیده بود! به راستی که با درخششی همیشگی بر اولیای الهی می درخشد، اما فقط از راه دور و از طریق آینه برای ساکنان زمین.

2. شهروندان بهشتی می دانند که چقدر خوشحال کننده است. تبعیدیان فرزندان حوا از تلخ و کسل کننده است. روزهای این روزگار کوچک و بد، پر از غم و اندوه است: جایی که انسان آلوده به گناهان بسیار است، گرفتار احساسات بسیار، در بند ترس های بسیار، نگرانی های بسیار است.

1 تک گویی روح ج. 7، نه 3.

او دراز شده است، کنجکاوی های زیادی حواسش را پرت می کند، گرفتار بیهودگی های فراوانی می شود، در محاصره خطاهای فراوان، فرسوده از مشقات فراوان، سنگینی وسوسه ها، برانگیخته لذت ها، عذاب خواری.

3. آخه این بدی ها کی تموم میشه؟

چه زمانی از بردگی رقت بار رهایی خواهم یافت؟ ای خداوند چه زمانی تو را به یاد خواهم آورد، چه زمانی به تو شادی کامل کنم؟

وقتی بدون هیچ مانعی و بدون هیچ بار ذهنی در آزادی واقعی باشم

et بدن؟ چه زمانی صلح مستحکم، صلح بیانقص و مطمئن، صلح درون و بیرون، صلح پایدار در همه طرفها وجود خواهد داشت؟ عیسی خوب، کی باید برای دیدن تو بایستم؟

کی جلال پادشاهی تو را ببینم؟

کی برای من همه چیز خواهی بود؟ ای کی در تو که از ازل برای محبوبت آماده کرده پادشاهی ای با تو باشم! من فقیر و پناهنده در سرزمینی متخاصم ماندم، جایی که جنگها هر روز است و بدبختیها بزرگ.

4. غربت مرا راحت کن، دردم را آرام کن، زیرا تمام آرزوهایم برای تو آه می کشد. زیرا تمام بار با من است، هر آنچه که این دنیا برای راحتی ارائه می دهد. من مشتاق لذت بردن از تو هستم، اما نمی توانم آن را درک کنم.

امیدوارم به آن پایبند باشید

چیزهای بهشتی است، اما چیزهای دنیوی و هوس های
جاودانه را افسرده می کنند. با ذهن می خواهم از
همه چیز زنده بمانم، اما با جسم مجبورم که
تسلیم دعوت شوم. بنابراین من که مردی ناراضی
هستم، با خودم کشتی می‌گیرم و برای خودم
سنگین شده‌ام، در حالی که روح می‌خواهد بالا باشد
و گوشت پایین.

5. آه در درونم چه عذابی می کشم در حالی که در ذهنم
با امور بهشتی سر و کار دارم و به زودی انبوهی از
انسانهای نفسانی با نمازگزار ملاقات می کنند! خدایا از
من دور مباش و از خشم بنده ات فرو نشین.
رعد و برق خود را بتابان و آنها را پراکنده کن.
تیرهایت را رها کن و تمام دشمنان خیالی تو
مضطرب خواهند شد. حواسم را نزد تو جمع کنم؛ مرا
فراموش کن همه چیزهای دنیوی را سریع به دور
انداختن و نکوهش واهی رذیله. کمک کنید

r. برای من، حقیقت ابدی، تا هیچ بیهودگی مرا به
حرکت در نیاورد. ای شیرینی بهشتی بیا و همه
ناپاکی ها از چهره تو بگریزد. من را نیز ببخش و
هر گاه در دعا به غیر تو متوسل شدم، با رحمت مرا
عنایت کن. در واقع، باید اعتراف کنم، زیرا قبلاً
بسیار حواس‌پرتی بودم. برای بسیاری از اوقات
من آنجا نیستم، جایی که به صورت فیزیکی
ایستاده یا نشسته ام. اما من بیشتر آنجا
هستم، زمانی که افکارم مرا می برد. من آنجا هستم،
جایی که فکر است

افکار من اغلب آنجاست، جای‌ی که . آن مال من است
هست، دوستش دارم. خی‌لی سری‌ع به ذهنم رسی‌د که
طبی‌عتاً من را خوشحال می کند ی‌ا از تمری‌ن آن را دوست
دارم.

6. راستی، از آنجا به صراحت گفتی: آنجا که
گنج توست، قلب تو نی‌ز آنجاست. اگر بهشت را
دوست دارم با کمال می‌ل به بهشتی فکر می کنم.
اگر دنی‌ا را دوست دارم از شادی دنی‌ا شادم و بر
ناملای‌ماتش غمگی‌نم. اگر من جسم را دوست دارم،
اغلب چی‌زهای جسمانی را تصور می کنم. اگر من روح
را دوست دارم، از فکر کردن به چی‌زهای معنوی لذت
می برم. برای هر چی‌زی که دوست دارم با کمال می‌ل
در مورد آنها صحبت می کنم و به آنها گوش می دهم
و تصاوی‌ر چنی‌ن چی‌زهای‌ی را با خودم به خانه می
برم. اما خوشا به حال آن مردی که به خاطر تو،
پروردگارا، به همه موجودات اجازه خروج می دهد، که
طبی‌عت را به خشونت می اندازد و شهوات
نفسانی را با شور روح به صلی‌ب می کشد، تا با
وجدانی آرام، دعای خالصانه برای تو بخواند، و
شای‌ستگی شرکت در گروه کر فرشتگان را از
درون و بی‌رون زمی‌ن داشته باشد.

در نظر گرفتن.

C ای کشور مبارک که در آن شادی همی‌شگی، آرامش
عالی، معرفت روشن خداوند وجود دارد: صدقه کامل و
سعادت کامل. اونجا بهتره

یک روز به عنوان اینجا هزار هزار است. زیرا هیچ
کمبودی وجود ندارد: اینجا بدبختی بسیار است، آرامش
نادر، دانش اندک. آه، آن روز خواهد آمد، آه، آن روز خواهد آمد.

C آه اگر آن روز طلوع می کرد، چه خوشی های بهشتی
مرا می برد! آن وقت چقدر خوشحال می شدم، و چقدر خود را
خوشحال می کردم، مطمئناً در صلح پایدار چقدر خوشحال
خواهم بود! اما عمرم در شب می گذرد و از این رو اگر چشمم در
میان غبار جلال تار شود، نباید تعجب کنم. با این حال،
چشمان خود را بلند خواهم کرد و از دور خیره خواهم شد و
به آن شهر مقدس اورشلیم سلام خواهم کرد که در آسمان
ها از سنگ های زنده ساخته شده است، یعنی فرشتگان
و مردان مقدس، همیشه سرشار از حمد و شادی می خوانند و
خدا را بی پایان ستایش می کنند.

خداوند رو در رو، آشکار و بدون معما، نه ناگهانی یا
ساعتی، بلکه بدون پایان روشن بر شما ظاهر می شود.
بی به عنوان یک تثلیث مبارک و باشکوه و وحدتی
جدایی ناپذیر شناخته می شود که مورد ستایش و
ستایش و برکت همه شهروندان بهشتی است. او
تنها معشوق است، گرانبهاتر از همه ثروتها،

I De disciplina clostraliun P. 2, p. 318، 1. 23-2 موعظه
مورد زندگی و شور دونیئوس 7، ص 3، ص. 99، 1. 26. — در
تک گویی روح ج. 21

نه 2.

گنجی مطلوب، خداوند من عیسی مسیح، داماد کلیسا، جاودانه، که در او همه گنجینه های حکمت و معرفت خداست که از جهان پنهان است، اما برای خود سعادتمندان آشکار است 1

C چه خوشایند همه اولیای الهی در برابر قدوس الاقدس که مایه و منشأ نجات آنهاست. حالا هرجا بره می رود دنبالش می روند. زیرا از او جدایی نخواهد بود، اما کسانی که در خداوند شادی می کنند تا ابد شاد خواهند شد. به راستی که این مکان مقدس است و خداوند در آن است. در اینجا صلح و شادی همیشه فراوان است. اینجا هجوم همه چیزهای خوب، فقدان همیشگی همه بدی ها 2

بدبختان چه می توانند از سعادت بهشتی صحبت کنند، انسان های فانی چه می توانند حقایق ابدی و زندگی جاودانی را درک کنند. مگر اینکه تحت نوعی تاریکی و پرده ای از کتاب مقدس قرار گیرد؟ روح وفادار دنیایی که در تاریکی احاطه شده است، برای شادی های نور ابدی، برای همراهی کشور بهشتی ناله می کند. بی وقفه چشمان ذهن را به سمت بالا بالا می برد: جایی که مسیح در جلال پدر است و در تمام اعصار ابدی سلطنت می کند.

3

---

[1] n. 3 5 6. - S تک گویی روح ج. 21، شماره 3. -- 2 پوند، در انضباط صومعه ها ج. 16، ص 2، ص 318 مربع، 1. 29.

فصل 49

از آرزوی زندگی جاودانی، و چه بزرگ است چیزهای خوب وعده داده شده به کسانی که تلاش می کنند.

1. پسر، آنگاه که آرزوی سعادت ابدی را از بالا سرازیر کردی، و خواهان خروج از خیمه بدن خواهی شد، تا در روشنایی من بدون سایه بلاها بیندیشی: قلبت را بزرگ کن و این الهام مقدس را با تمام میل دریافت کن. از نیکی بهشتی که با تو با وقار رفتار می‌کند، با مهربانی به دیدارت می‌آید، با شور و حرارت برانگیخته می‌کند و با قدرت بالا می‌برد، تا زیر بار خود به زمین نلغزی، سپاسگزاری کن. زیرا شما این را با فکر یا تلاش خود نمی‌بینید، بلکه فقط با اغماض از لطف الهی و احترام الهی: تا آنجا که در فضایل و فروتنی بیشتر پیش می‌روید و خود را برای مبارزات آینده آماده می‌کنید و با تمام محبت قلبی و اراده‌ای پرشورتان در خدمت من می‌کوشید.

2. پسرم، آتش اغلب می سوزد، اما شعله بدون دود بالا نمی رود. به همین ترتیب، هوس های برخی از مردم به چیزهای بهشتی می سوزد، اما محبت های آنها از وسوسه جسمی خالی نیست. بنابراین به هیچ وجه صرفاً برای هو-

آنها به علم خدا عمل می کنند که با اشتیاق از او می خواهند. خواسته مکرر شما نیز چنین است، که به آن اشاره کردید که بسیار مهم است. زیرا این خالص و کامل نیست، که به راحتی خود آلوده است.

3. نه آنچه را که برای تو پسندیده و راحت است، بلکه آنچه را که برای من پسندیده و محترم است، بپرس: زیرا اگر به درستی قضاوت کنی، باید دستور مرا بر خواسته خود و هر آنچه می خواهی ترجیح دهی و پیروی کنی. من آرزوی تو را می دانم و ناله های مکرر تو را شنیده ام. آیا دوست دارید در آزادی جلال فرزندان خدا باشید. خانه ابدی و کشور بهشتی شما در حال حاضر شما را خوشحال می کند، سرشار از شادی، اما آن ساعت هنوز فرا نرسیده است: اما زمان دیگری وجود دارد، یعنی زمان جنگ، زمان کار و آزمایش. شما می خواهید با چیزهای خوب پر شوید، اما نمی توانید آن را به دست آورید. من هستم: خداوند می گوید: منتظر من باشید تا پادشاهی خدا بیاید.

4. هنوز باید در بسیاری از کشورها محاکمه شوید و آموزش ببینید. گاهی به شما تسلیت داده می شود، اما رضایت فراوان جایز نیست. پس قوی باش و قوی باش، هم در عمل و هم در رنج

برخلاف طبیعت، باید مرد جدیدی بپوشید و به مرد دیگری تبدیل شوید. اغلب باید کاری را انجام دهید که نمی خواهید. و آنچه را که می خواهید، باید ترک کنید. چه بال لطفا، یک فرآیند خواهد داشت. آنچه شما را خوشحال می کند بیشتر از این پیش نخواهید رفت. آنچه دیگران می گویند شنیده خواهد شد. آنچه شما می گویید به عنوان هیچ به حساب می آید. دیگران می پرسند و دریافت می کنند.

شما درخواست می کنید و دریافت نمی کنید.

5. چیزهای بزرگی در دهان مردم خواهد بود، اما آنها در مورد شما سکوت خواهند کرد. این یا آن به دیگران سپرده خواهد شد، اما قضاوت خواهید شد که هیچ فایده ای ندارید. به این دلیل گاهی اوقات غمگین خواهد شد; و عالی است اگر آن را در سکوت تحمل کنید. در این موارد و بسیاری موارد مشابه، معمولاً بنده وفادار خداوند مورد آزمایش قرار می گیرد که چگونه می تواند خود را انکار کند و در همه چیز بشکند. به ندرت چنین چیزی وجود دارد که در آن به اندازه‌ای نیاز به مردن داشته باشید، تا چیزهایی را که برخلاف میل خود ببینید و رنج ببرید.

اما مهمتر از همه، وقتی دستور داده می‌شود که کارهای ناپسند و کارهایی که به نظر شما کمتر مفید است انجام شود. و چون جرات مقاومت در برابر قدرت برتر را که تحت قاعده مستقر شده است را ندارید: ؛ بنابراین برای شما سخت به نظر می رسد که به دستور دیگری راه بروید و خودتان را احساس کنید حذف کردن

24 تقلید از توماس کمپیس. اد. 3.

6. اما پسرم، ثمره این زحمات را پایانی سریع و پاداشی بسیار بزرگ در نظر بگیر. و شما هیچ باری از آن نخواهید داشت، جز آسایش صبر بسیار قوی شما. زیرا حتی برای این اراده بزرگ، که اکنون با کمال میل آن را ترک می کنید، همیشه اراده خود را در بهشت خواهید داشت. زیرا در آنجا هر چیزی را که می خواهید، هر چیزی را که می توانید آرزو کنید، پیدا خواهید کرد. در آنجا شما تمام فرصت ها را برای خیر و بدون ترس از دست دادن آن خواهید داشت. در آنجا اراده تو همیشه با من یکی خواهد بود، هیچ چیز برای غریبه و محروم نخواهد بود.

در آنجا هیچ کس در مقابل شما مقاومت نخواهد کرد، هیچ کس برای شما نخواهد جنگید، هیچ کس مانع شما نخواهد شد، هیچ چیز مانع شما نخواهد شد.

اما تمام خواسته های شما در همان زمان حاضر خواهد شد و تمام محبت شما را تازه و برآورده خواهد کرد. در آنجا جلال را در برابر دشنام‌های متحمل شده، جامه‌ای ستایش برای اندوه، و به مکانی جدید که جایگاه پادشاهی تا ابدالاباد خواهد بود. در آنجا ثمرات اطاعت ظاهر می شود، کار توبه شادی می کند و تسلیم فروتنانه تاج جلال خواهد داشت.

7. پس اکنون با فروتنی زیر دست همه تعظیم کنید. و به شما مربوط نباشد که چه کسی این را گفته یا دستور داده است. اما این بسیار مورد توجه قرار می گیرد، به طوری که یا برتر یا کوچکتر یا

اگر همتای شما چیزی را افشا کرد یا از شما تلقین کرد، همه آن را خوب فرض کنید و با اراده ای خالصانه برای تحقق آن تلاش کنید. یکی این را بخواهد، دیگری آن را، در آن جلال پیدا کند و او در آن و هزار بار ستایش شود.
اما تو، نه در این و نه در آن، بلکه در لذت تحقیر خودت، و تنها به نفع و افتخار من. شما باید این را بخواهید، تا خدا همیشه در شما جلال یابد، چه از طریق زندگی و چه از طریق مرگ.

در نظر گرفتن.

آرزوی منحصر به فرد و منحصر به فرد قدیسان در این زندگی این بود که هیچ وجه اشتراکی با این جهان نداشته باشند، بلکه همواره به حضور مسیح و همراهی فرشتگان از طریق تحقیر چیزهای زمینی تمایل داشته باشند. از آنجا که پولس مبارک، عاشق پرشور مسیح، همه چیزهای زمینی را کاملاً تحقیر کرد و به چیزهای آسمانی مشتاق بود. من آرزو دارم که منحل شوم و با مسیح باشم (فیلیپیان 1:23).

همه چنین تمایلی ندارند: اما از کامل ترین هایی که می توانند بگویند، گفتگوی ما در بهشت است. زیرا تعداد بسیار کمی به این صورت برهنه یافت می شوند که تمام محبت خود را به سوی ابدی می برند و هیچ چیز از ثروت و افتخارات زمینی نمی خواهند. خوشا به حال روحی که چنین آرزویی دارد و هر روز

شور را به شور می افزاید. از دعا و فریاد به سوی
مسیح دست نکشید تا اینکه دروازه بهشت به روی
او گشوده شود و ملکوت خدا که به همه مؤمنان وعده
داده شده است وارد شود.
ای پادشاه بلندمرتبه، ای خدای ستوده، خالق همه
چیز، فرشتگان و انسانها، تا کی در زمین بمانم و از تو
و از همه فرشتگان مقدست در آسمانها دور باشم؟

ای بیچاره و بدبخت من تا کی نان زمینی
را با مردان نان زحمات و درد بخورم و از نان فرشتگان
که شیرینی هر طعمی را در خود دارد بی بهره باشم؟
خداوندا، چه زمانی صدای ستایش تو را از دهان
فرشتگانت در بهشت بشنوم، چنانکه یحیی
رسول مبارک، که به تبعید تبعید شده بود،
صدای بسیاری از فرشتگان را شنید که با هم آواز
می خوانند:

مقدس، مقدس، مقدس 2،
خداوندا، صورت من و خدای من را حفظ کن، کی مرا در
پادشاهی خود با چهره درخشان خود شاد خواهی کرد؟ 0
کی تمام تاریکی های من را با روشنایی نور ابدی روشن
خواهی کرد؟ کی تمام موانع من را از باطن قلبم
برمیداری، آرامش واقعی، شادی عالی و خوشبختی کامل؟
آه، پروردگارا، کی به سلامت و آزادانه دنبالت خواهم آمد،
هر کجا بروی؟ اوه کی

---

[1] در نظم و انضباط از cloistered ج. 16، ص 2، ص. 317 مربع،
18 .1 —— 2 Vallis liliorum c. 27، D. I 2.

من تو را به وضوح با چشمانم بدون آینه، بدون معما، بدون مثل، بدون شکل، بدون سوال، بدون شک، بدون نظر، بدون سوال از معلمان خواهم دید؟

0 چه زمانی همه آنچه را که به کتب مقدس اعتقاد دارم و در کتابهای مختلف می خوانم و با گوش خوانندگان در بسیاری از جاها از خوانندگان می شنوم در مورد خدای خود، در مورد فرشتگان و همه گروه های همخوانی فرشتگان، از شکوه و سعادت کشور بهشتی، از آرامش و شادی وصف ناپذیر شهروندان بهشتی بدانم؟ 0 من کی آنجا خواهم بود؟ کی می آیم و در حضور تو ظاهر می شوم و چهره شاد و جلال پادشاهی تو را با کروبیان و سرافیم و همه مقدسین می بینم؟ اما آن ساعت فرا نرسید. دروازه بهشت هنوز به روی من بسته است.

از این رو، تا زمانی که اینجا هستم، با دل و زبان ناله می‌کنم تا به سوی تو بیایم، خدای من.

فصل L.

چگونه یک انسان متروک باید خود را به دست خدا بسپارد؟

1. خداوندا، ای پدر مقدس، ان شاالله اکنون و برای همیشه برکت داشته باشی، زیرا هر چه می خواهی، انجام می شود، و آنچه انجام می دهی نیکوست. بگذار بنده تو به تو شادی کند نه به خود.

1 آیب، ج. 26، شماره 4.

و نه در هیچ چیز دیگری; زیرا تنها تو شادی
حقیقی، تو امید و تاج منی، تو شادی و افتخار ۱
منی پروردگارا.
بنده تو جز آنچه از تو دریافت کرده است، حتی
بدون لیاقتش چه دارد؟ هر چه داده ای و هر چه کرده
ای مال توست. من فقیر هستم و از جوانی در حال کار
هستم: و روح من هرگز تا حد اشک غمگین نمی شود و
حتی گاهی به دلیل رنج های قریب الوقوع نه
خود را ناراحت می کند.

2. آرزوی شادی آرامش دارم، برای آرامش کسانی .
که در پرتو تسلیت از تو سیر می شوند گریه
می کنم. اگر آرامش بخشید، اگر شادی مقدس را
القا کنید، روح بنده شما سرشار از هماهنگی و در
ستایش شما خواهد بود. اما اگر خود را کنار
بکشی، چنان که اغلب می کنی، نمی تواند در راه
دستورات تو بدود، بلکه زانوهایش خم می شود
تا سینه اش را بزند: زیرا مانند دیروز و روز سوم
نیست که چراغ تو بر سرش می درخشید و زیر
سایه بال های تو از وسوسه های شتابان در امان
بود.

3. پدر عادلانه و همیشه مورد ستایش، ساعت
امتحان بنده تو فرا رسیده است. پدر

ای عزیز، سزاوار است که بنده تو در این ساعت
ای پدر در برای تو رنجی بیاورد.
ستایش همیشگی، ساعتی فرا رسیده است که
از ازل پیش بینی می کردی که خواهد آمد تا مدتی
غلام تو در بیرون تسلیم شود، اما در درون
همیشه با تو زندگی کند.
بگذار در برابر مردم اندکی توهین، متواضع و
ضعیف باشد، با اشتیاق و کسالت، تا در طلوع
نوری جدید با تو برخیزد و در آسمانها روشن شود.
پدر مقدس، تو چنان دستور دادی و چنین خواستی. و
این همان طور که خود شما امر فرمودید انجام شد.

4. زیرا این موهبتی است برای دوست شما،
رنج کشیدن و رنج کشیدن در جهان برای عشق
خود، هر زمان و هر کجا که اجازه دهید این اتفاق
بیفتد. بدون برنامه ریزی و طرفداری
دید شما و هیچ چیز روی زمین بدون دلیل اتفاق نمی افتد.
خداوندا برای من خوب است که تو مرا فروتن
کردی تا توجیهات تو را بیاموزم و تمام بلندی
های دل و گمان ها را از بین ببرم. برای من خوب
بود که گیجی صورتم را پوشانده بود. که من
به تو نیاز دارم تا مردان که مرا آرام کنند.

من نیز از این قضاوت غیرقابل فهم شما آموختم که
بترسید: کیست که عادل را با شریر مبتلا می
کند، اما نه بدون انصاف و عدالت.

5. از تو سپاسگزارم، زیرا تو به شروران رحم نکردی، بلکه مرا با تازیانه های محبت آمیز خود زدی و درد و رنج را به بیرون و درونت فرستادی. هیچ کس نیست که مرا از هر آنچه در زیر بهشت است تسلی دهد، جز تو ای خداوند من، طبیب آسمانی ارواح: که می زنی و شفا می دهی، به عالم اموات هدایت می کنی و برمی گردی. تادیب تو بر من است و عصای تو به من تعلیم خواهد داد.

6. بنگر ای پدر عزیز، من در دست تو هستم، زیر عصای اصلاح تو تعظیم می کنم. به پشت و گردنم بزن تا کجی خود را به خواست تو خم کنم. مرا شاگردی پرهیزکار و فروتن قرار ده، چنان که می خواهی نیکو کنی، تا به هر فرمان تو عمل کنم. بدن در اینجا بهتر از آینده است. تو همه چیز و همه چیز را می دانی و در دانش بشر چیزی بر تو پوشیده نیست. قبل از اینکه اتفاق بیفتند، می دانید چه چیزی در راه است:

و نیازی نیست که کسی به شما یاد بدهد یا درباره آنچه روی زمین می گذرد هشدار دهد. تو می دانی چه چیزی برای پیشرفت من مصلحت است و چه زحمتی برای پاک کردن زنگار از رذایل است. انجامش بده

آرزوی خوشبختی تو را از من دارم و زندگی گناه آلود من را که هیچ کس بهتر و واضح تر از خودت نمی شناسد، تحقیر مکن.

7. خداوندا، به من عطا کن تا آنچه را که باید دانست، ؛ دوست داشته باشم، آنچه را که باید دوست داشته باشی، ستایش کنم، آنچه تو را بیشتر خشنود می کند. آنچه را که در نظر شما گرانبها به نظر می رسد ارج نهاده، [آنچه را که در نظر شما کثیف است ملامت می کند.
به من اجازه نده که بر حسب دید چشمان بیرونی قضاوت کنم و نه به شنیدن گوش جاهلان. اما در قضاوت بین امر مرئی و معنوی تمایز قائل شوید و مهمتر از همه همیشه خواستار رضایت شما را جویا شوید.

8. حواس انسان ها اغلب در قضاوت اشتباه می شود; عاشقان دنیا نیز فریب خورده اند و جز دیدنی ها را دوست دارند. چه کسی بهتر است، زیرا انسان او را بزرگتر می داند؟ فریبکار فریبکار، بیهوده بیهوده، کور کور، ضعیف ضعیف را فریب می دهد، در حالی که او را تعالی می بخشد. و در حقیقت بیشتر گیج می‌کند و بیهوده مدح می‌کند. حقیر می‌گوید به اندازه‌ای که هر کدام در چشم شماست، آنقدر است و نه بیشتر
سنت فرانسیس

در نظر گرفتن.

0 مقدّس مقدّسین، خداوندا، خدای من، گوش خود را به دعای بنده فقیر خود متمایل کن. به من کمک کن و نجات خواهم یافت.

C پروردگارا، که همه چیز را در آسمان و زمین با فرشتگان و انسانها و همه مخلوقات روزی می دهی و به عدالت ترتیب می دهی، برای حمد و خشنودی بزرگ خود همه مصیبت ها و ناراحتی های دلم را که در پشیمانی واقعی از گناهانم به تو تقدیم کردم، c بپذیر. برای جلال نام خود و نجات ابدی روح من، همه بدی ها را برای من به نیکی و نیکی را همیشه به بهتر تبدیل کن.

C ای عیسی عزیز، به من کمک کن تا بار خود را تحمل کنم: چون بدون تو هیچ کاری نمی‌تونم بکنم تو وفادارترین دوست و بهترین یاور هستی: آنگاه که اقتضای امر از بین برود. آنطور که به نظر شما بهتر است انجام دهید: زیرا من خودم را عمیقاً درک نمی کنم. شما به تنهایی می دانید چه چیزی برای من مفیدتر است. من خودم را به تو می سپارم: با من مطابق با ارزشمندترین اراده خود رفتار کن.

خداوندا، با خشنودی، عصای تو را به واسطه فیض تو حمل خواهم کرد و هر چه رنج خواهم برد

---

[1] دره نیلوفرها ج. 17، شماره 3. - Ib. ج 32، شماره من —

3 در مورد زندگی مرگبار ص 2، ص. 389، 1. Ib - .I.

.8 .1 ,388 ص — D Ib. 2 .1 ,390 .ص

این برای نجات ابدی من است. زیرا پیوستن به نیکان و برگزیدگان بسیار بهتر و سبکتر از آن است که پس از آن با شر در آتش ابدی سوزانده شوید.

فصل ششم

کار فرومایه را باید ادامه داد، در صورتی که از اعلی کم باشد.

1. پسر، تو نه همیشه میتوانی در شدیدترین آرزوهای فضایل بایستی و نه در مرتبهای بالاتر از تفکر، بلکه باید گاهی به دلیل فساد اولیهات، به پایینترها فرود بیایی و بار فاسد زندگی را حتی با دعوت و خستگی به دوش بکشی. تا زمانی که بدن فانی را به تن می کنید، احساس خستگی و سنگینی دل خواهید کرد.

بنابراین، لازم است که اغلب در مورد بار جسم ناله کنید، زیرا نمی توانید پیوسته به مطالعات معنوی و تفکر الهی بچسبید.

2. آنگاه مصلحت است که به کارهای خاشعانه و ظاهری پناه ببری و در کارهای نیک شاداب شوی و با اطمینان راسخ و غربت و خشکی خود منتظر آمدن من و دیدار بهشتی باشی.

---

1 در تشخیص شکنندگی خود ج. 7، ص 2، ص 370، 1، 21.

تا در ذهنت صبورانه رنج ببری تا ای‌نکه دوباره به دی‌دار من بی‌ای و از همه نگرانی ها رها شوی. زی‌را من باعث می شوم که مشکلاتت را فراموش کنی و از آرامش درونی لذت ببری. چمنزارهای کتب مقدس را پی‌ش روی تو خواهم گسترانی‌د تا با دلی بزرگ، راه احکام من را بدوی. و خواهی گفت: مصائب ای‌ن زمان شای‌سته جلال آی‌نده ای نی‌ست که در ما آشکار خواهد شد.

در نظر گرفتن.

اگر نمی توانی‌د کارهای بزرگتر انجام دهی‌د: آن را با کمال می‌ل انجام دهی‌د. اگر نمی توانی‌د با ی‌حی‌ی انجی‌ل به امور متعالی و الهی بی‌ندی‌شی‌د، با مری‌م مجدلی‌ه به پای عی‌سی بی‌فتی‌د، با فروتنی طلب آمرزش کنی‌د و برای گناهان خود گری‌ه کنی‌د، تا حتی بسی‌اری از گناهان را که اغلب به آنها آزرده خاطر کرده ای‌د، بخشی‌ده شوی‌د. اگر نمی توانی‌د با سنت پولس به آسمان سوم پرواز کنی‌د، با او در مصلوب شدن با عی‌سی بمانی‌د، نه ای‌نکه در جسم تجلی‌ل کنی‌د، بلکه بدن را با رذی‌لت ها و شهواتش مصلوب کنی‌د.

اگر بال های عقابی نداری‌د که به سوی ستاره های بهشت پرواز می کند، بای‌د بال های ی‌ک کبوتر ساده را داشته باشی‌د که روی صخره ای لانه کرده و هر روز روی زخم های مقدس مراقبه کند. [2].

---

[1] کتاب تمری‌ن معنوی ج. 7، ص 2، ص. 345، 1. 7.؟
خطبه 28 به برادران، 8 .n.

در سکوت بمانید و برای آسایش به خدا بیندیشید
تا با استقامت در کار نیک از خستگی کار نیک رها شوید.
هر کار نیکی که در خداوند انجام شود، سزاوار فیض بزرگتر است، ذهن را شاد می کند و کارگر را شاد می کند.

آه، چقدر به بنده مؤمن در این زمان اطمینان می دهد و در بررسی نهایی کلام خداوند که فرمود: آفرین، ای بنده نیکو و امین، چون در اندک وفاداری کردی، در شادی پروردگارت وارد شو» (مت 25 و 23). پروردگار پرهیزکار که همیشه به خدمتگزاران او پاداش می دهد، شیرینی پنهان شیرینی خود را از شما دریغ نمی کند، زیرا شما به راحتی خود را اسیر کارهای ظاهری و خادمانه کرده اید.

فصل سوم.

آن مرد خود را مستحق تسلیت نمی داند، بلکه خود را مقصر کتک زدن می داند.

خداوندا، من لایق تسلی تو و دیدار روحانی نیستم.

و از این رو با من به عدالت رفتار می کنی، آنگاه که مرا بی پناه و بی پناه رها کنی. برای اگر

نامه 6 [2] —— 1 باغ گل رز ج. 14، 1 .n.

نه 5.

می توانستم مثل دریا اشک بریزم، اما لایق دلداری تو نبودم.
بنابراین من سزاوار چیزی جز تازیانه و مجازات نیستم، زیرا شما را به سختی و اغلب آزرده خاطر کرده ام و در بسیاری از چیزها بسیار گناه کرده ام.
بنابراین، وقتی حقیقت سنجیده می شود، کمترین سزاوار تسلیت نیستم. اما تو ای خدای بخشنده و مهربان که نمی خواهی آثارت از بین برود تا غنای نیکی خود را در ظروف رحمت نشان دهی، حتی جدای از همه شایستگی های خود، این شایستگی را می کنی که بنده خود را از عالم بشریت برتر بدانی. زیرا دلداری های شما مانند پچ پچ انسان نیست.

2. خداوندا، چه کرده ام که به من تسلی ؛ آسمانی عطا کند؟ یادم نمی‌آید که کار خوبی انجام داده‌ام، اما همیشه مستعد خطا بوده‌ام و دیر پیشرفت کرده‌ام. این درست است و من نمی توانم آن را انکار کنم. اگر غیر از این می گفتم، شما در مقابل من می ایستادید و کسی نبود که از آن دفاع کند.
جز جهنم و آتش جاویدان چه سزاوار گناهانم بود؟ من به راستی اعتراف می کنم که شایسته هر گونه تمسخر و تحقیر هستم و شایسته نیستم که در میان ارادتمندان شما ذکر شوم. و اگر چه من این را با درد می شنوم، اما به خاطر من علیه من است

به گناهانم به حق اعتراف خواهم کرد تا راحتتر مشمول رحمت تو شوم.

3. چه بگویم گناهکار و پر از سردرگمی؟ من زبانی برای گفتن ندارم، جز این یک کلمه: گناه کردم، خداوندا، گناه کردم. به من رحم کن، مرا ببخش، پیش از آن که به زمین تاریکی که از غبار مرگ پوشیده شده است بروم، اندکی مرا رها کن تا در غم خود عزاداری کنم. از گناهکار و بدبخت چه می خواهی جز اینکه او را به خاطر جنایاتش خرد و تحقیر کنند؟ در شکستگی و فروتنی واقعی دل امید بخشش زاده می شود، وجدان آشفته آشتی می یابد، فیض از دست رفته باز می گردد، انسان از خشم آینده مصون می ماند و خداوند و روح توبه کننده در بوسه ای مقدس یکدیگر را ملاقات می کنند.

4. شکستن حقیر گناهان برای تو پسندیده است، ای خداوند، قربانی که در نظر تو بسیار خوشبوتر از بخور دادن است. این هم آن مرهم مقبولی است که می خواستی در پاهای مقدست بریزی، زیرا هرگز دل شکسته و فروتن را تحقیر نکردی. آنجا پناهگاهی است از خشم دشمن. در آنجا تصحیح می شود و شسته می شود، آنچه از جای دیگر منقبض و آلوده شده است:

در نظر گرفتن.

صدای دلنشینی شنیدم که با کسانی که در اندوه و ماتم هستند صحبت می کرد. "خوشا به حال سوگواران، زیرا آنها تسلی خواهند یافت" (متی 5: 5). و دوباره: «توبه کن. زیرا ملکوت آسمان نزدیک خواهد شد» (متی 4:17). ای جان من، خود را با اطمینان بالا برخیز، زیرا خداوند سخن گفته است.

بهترین نصیحت و شاید کمک از بهشت به شما داده شده است. برنامه به گونه ای است که با عزت توبه کنید و با اشک از گناهان خود انتقام بگیرید و به این ترتیب برای صلح با خدا آشتی کنید.

پروردگارا، ای پدر مقدس عزیزم، من شایسته تسلی و دیدار تو نیستم، بلکه شایسته عذاب با ضربات سخت و تازیانه هستم. سختی‌های فراوانی به‌دست آورده‌ام، و در مصیبت‌های گوناگون، گناه بزرگی کرده‌ام، و از مزایای بی‌شمار شما ناسپاس بوده‌ام. 2. من در نماز برای تو سجده می کنم و با تمام وجود گریه می کنم

خداوندا، ای پدر مقدس، من به آسمان و تو گناه کردم و شایسته نیستم که پسر تو خوانده شوم. اما ای پدر، مرا یکی از مزدوران خود قرار ده. اگر مرا از چشم خود دور کنی، عدالت می کنی. اما شما این کار را با مهربانی انجام می دهید و از افراد نالایق با هر لطفی استقبال می کنید. با اطمینان از این رحمت، به پای تو می افتم، اشک می ریزم، گام های تو را می پرستم و عابدانه می بوسم، 2 De ele-

---

1 در مورد مجازات واقعی 4 3 .n.

vatione mentes P. 2, p. 417, 1. 9

دوباره I با قلبی متواضع و شکسته از شما التماس می کنم.
من را ببخش، مثل مریم مجدلیه، که زمانی گناهکار بودم،
به سرعت به پای تو می آیم. از تو می خواهم که هر
زیانی را که به بنده ات وارد شده ببخش و نام مرا از
کتاب زندگان محو مکن، بلکه به شمار برگزیدگانت مرا
بنویس تا در ستایش و جلال نام مقدست یافت شوم.

فصل 53

که لطف خدا با خردمندان زمینی آمیخته نشود.

1. پسرم، لطف من گرانبهاست، به خود اجازه [1]
نمی دهد که با چیزهای اضافی یا با تسلی های
زمینی آمیخته شود. بنابراین لازم است که اگر می
خواهید تزریق آن را دریافت کنید، همه موانع را دور
بریزید. حریم خصوصی بخواهید، دوست داشته
باشید که با شما تنها زندگی کنید، نیازی به
گفتگو با کسی نداشته باشید: بلکه دعای را
به خدا اختصاص دهید تا ذهنی پشیمان و وجدانی
پاک داشته باشید.
تمام دنیا را ابر در نظر بگیرید. تعطیلات خدا را بر
همه چیزهای بیرونی مقدم داشته باشید.
زیرا شما نمی توانید در عین حال به من رحم کنید
و از گذرنده لذت ببرید. از آشنایان و الف

1 در مورد پشیمانی واقعی 6 5 .n.

عزیز باید بیگانه باشد و خاطره از هر آسایش موقتی محفوظ بماند.
بنابراین، پطرس رسول متبرک التماس می‌کند که وفاداران مسیح بتوانند خود را در این جهان به‌عنوان غربت و غربت نگه دارند.

2. آه، چقدر به مرد در حال مرگی که محبت های هیچ چیز دنیا او را عقب می اندازد، اطمینان خواهد داشت. اما برای داشتن قلبی تا این حد منزوی از همه، انسان بیمار هنوز ذهن را درک نمی کند و انسان حیوانی نیز آزادی درون انسان را نمی داند.
اما اگر واقعاً می‌خواهد روحانی باشد، باید از دور و نزدیک آن را رها کند و از هیچ کس بیش از خود حذر کند. اگر به طور کامل بر خود ترس غلبه کنید، دیگران را راحت‌تر تسلیم خواهید کرد.

پیروزی کامل به معنای پیروز شدن بر خود است. زیرا کسی که خود موضوع را چنان نگه می دارد که نفسانیت از عقل اطاعت کند و عقل در همه چیز از من اطاعت کند، او به راستی فاتح خود و صاحب جهان است.

3. اگر می خواهید به این قله صعود کنید، باید مردانه شروع کنید و تیشه را از ریشه بگذارید تا گرایش نابسامان پنهان به خود و به همه خیرات خصوصی و مادی را ریشه کن کنید و از بین ببرید. از این رذیله، آن انسان خود را بیش از حد بی اندازه، تقریباً به طور کامل دوست دارد

به هر چیزی که باید به طور ریشه ای غلبه شود بستگی دارد: هنگامی که شر غلبه کرد و تحت انقیاد قرار گرفت، بلافاصله صلح و آرامش زیادی برقرار خواهد شد. اما از آنجا که تعداد کمی تلاش می کنند تا کاملاً برای خود بمیرند، و کاملاً به بیرون از خود تمایل ندارند، بنابراین در خود درگیر می مانند و نمی توانند از نظر روحی از خود بالاتر بروند. اما کسی که می‌خواهد آزادانه با من راه برود، باید تمام محبت‌های انحرافی و بی‌نظم خود را از بین ببرد، و شهوترانه به عشق خصوصی هیچ موجودی بچسبد.

در نظر گرفتن.

زیرا بسیاری به دنبال تسلیت بیهوده هستند و به امور بیرونی روی می آورند، لذا فیض عبادت را احساس نمی کنند و مستحق دریافت نور آسمانی نیستند. اگر می خواهی با قدرت او تقویت شوی: اگر می خواهی با عشق او شعله ور شوی 2. اگر می خواهی بهشت تسلی یابد: از مردان و شایعات دنیا فرار کن. با رغبت با خداوند خلوت کنید و در دعاهای عبادی و مراقبه های مقدس آرامش را در درون خود جستجو کنید

3.

1 گفتگوی تازه کارها ج. 2، نه 3. -؟ موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 34، ص 3، ص. 301، 1. 27.
3 خطبه به نوآموزان 28، ص 6، ص. 288، 1. I0.

مرد عابد و باطنی راز را دوست دارد:
تا با خدا آزادانه تر خرج کند. هر چه دانسته و یا نگه داشته شود: چیزی نیست مگر اینکه خدا به عهد وفادار باشد، 2خداوند به نذر اوست: که خود را به کلی رها کرده است، اگر می خواهی لایق خدا زندگی کنی.
باید خودت را به او بسپاری
بزرگترین پیروزی انسان غلبه بر آنچه او را خشنود می کند، حمله به آنچه او را می ترساند، رنج ملایم چیزی است که او را به شدت آزار می دهد. او کار بسیار بزرگی انجام می دهد: کسی که در راه خدا از خود کناره گیری کند و در همه چیز پیروز شود. برای کسی که بر خود فاتح است:
او پروردگار جهان و وارث بهشت است. کسی که در چیزهای کوچک بر خود غلبه نمی کند; چه زمانی بر بزرگترها غلبه خواهد کرد؟
8

فصل زنده

از حرکات مختلف طبیعت و فیض.

1. پسر، به حرکات طبیعت و فیض دقت کن، زیرا این حرکات بسیار خلاف و لطیف حرکت مي کنند و به سختي قابل تشخیص هستند، مگر توسط انسان روحاني و باطنا روشن.
همه در واقع آرزوی خیر دارند و دیگران

---

[1] سفارش تواضع ص 2، ص. ساعت 38، 1. 30. —
[3] دی — 2 در مورد زندگی صلح آمیز خوب ص 2، ص. 395، 1. 23. تشخیص شکنندگی خود ج. 6، ص 2، ص. 369، 1. 5. - در مورد زندگی صلح آمیز خوب ص 2، ص. 395، 1. 3. —
[5] باغ رز C. 3, n. 4. — 6 در تشخیص شکنندگی خود ج. 6، ص 2، ص. 368 متر مربع، 1. 29.

در گفتار یا کردارشان چه خوبی نشان می دهند؛
بنابراین بسیاری در پوشش خیر فریب خورده اند.

2. فطرت حیله گر است و بسیاری را می کشد و فریب می دهد و فریب می دهد و همیشه خود را به پایان می رساند: اما فیض به سادگی راه می رود، از هر ظاهر بدی دور می شود، تظاهر به فریبکاری نمی کند و همه چیز را صرفاً برای رضای خدای انجام می دهد که سرانجام در آن استوار است.

3. فطرت می خواهد با دعوت بمیرد، نه تحت ستم قرار گیرد، نه مغلوب شود، و نه تحت سلطه قرار گیرد و نه داوطلبانه تحت سلطه قرار گیرد. اما فیض به زوال خود میل می کند، در برابر نفسانیات مقاومت می کند، به دنبال تسلیم شدن است، میل به تسخیر شدن دارد، و نمی خواهد در آزادی خود عمل کند. او دوست دارد تحت نظم و انضباط قرار گیرد، و نمی خواهد تحت سلطه کسی باشد، بلکه همیشه می خواهد زندگی کند، بایستد و تحت فرمان خدا باشد. و به خاطر خدا هر موجود انسانی با فروتنی آماده تعظیم است.

4. طبیعت به نفع خود تلاش می کند و در نظر می گیرد که چه سودی ممکن است از دیگری به دست آورد. اما فیض، نه آنچه برای خود مفید و راحت است، بلکه آنچه را که به نفع بسیاری است، بیشتر در نظر می گیرد.

5. طبیعت با خوشحالی مورد احترام و احترام قرار می گیرد: اما فیض با وفاداری تمام عزت و جلال را به خدا نسبت می دهد.

6. طبیعت از سردرگمی و تحقیر می ترسد: ؛
اما فیض از توهین به نام عیسی خوشحال می شود.

7. طبیعت اوقات فراغت و استراحت بدنی را دوست دارد: در واقع، لطف نمی تواند خالی باشد، اما با خوشحالی کار را در آغوش می کشد. .

8. طبیعت به دنبال داشتن چیزهای کنجکاو و زیباست، از ارزان و درشت متنفر است، اما لطف از ساده و فروتن لذت می برد، نه از خشن بیزار است و نه از لباس کهنه می گریزد.

9. طبیعت به چیزهای دنیوی احترام می گذارد، از دست آوردهای زمینی شادی می کند، از دست دادن اندوهگین می شود، از سخن یک آسیب خفیف آزرده می شود: اما فیض به امور ابدی توجه می کند، به چیزهای دنیوی نمی چسبد، از نابودی اشیا آشفته نمی شود، و سخنان تندتر آن را تلخ نمی کند. زیرا او گنج و شادی خود را در بهشت استوار کرده است، جایی که هیچ چیز از بین نمی رود.

I. طبیعت طمع است و بیشتر از آنچه می دهد دریافت می کند، خصوصی و خصوصی را دوست دارد: اما فیض پرهیزگار و رایج است، از جزییات دوری می کند، به اندک قناعت می کند، در دادن به قضاوت بیشتر از دریافت با برکت است.

II. طبیعت به موجودات، به بدن خود، به باطل و حواس پرتی میل می کند، اما فیض به سوی خدا می کشد و

به فضائل دست می کشد، از مخلوقات می گریزد، از دنیا می گریزد، از هوس های نفسانی متنفر است، سرگردانی خود را مهار می کند، از ظاهر شدن در ملاء عام شرم دارد.

I2. طبیعت دوست دارد کمی آسایش بیرونی داشته باشد. که در آن او از حواس لذت می برد، اما فیض می خواهد که تنها در خدا تسلی یابد، و از عالی ترین خیر بالاتر از همه چیزهای آشکار لذت ببرد.

I3. طبیعت هر کاری را برای منفعت و منفعت خود انجام می دهد، هیچ کاری نمی تواند بکند، اما امیدوار است که برای کارهای نیکش یا برابر، یا بهتر، یا ستایش یا لطف به دست آورد، و آرزو دارد که اعمال و مواهبش بسیار سنگین شود. او دیگر به نیازهای دنیوی نمی‌خواهد، مگر به اندازه‌ای که این نیازها برای دستیابی به نیازهای ابدی در خدمت او باشد.

I4. طبیعت از داشتن دوستان زیاد و صمیمی خوشحال می شود، او به مکان اصیل و ظهور یک نژاد افتخار می کند. او به قدرتمندان لبخند می زند، ثروتمندان را چاپلوسی می کند، امثال او را تشویق می کند: اما فضل دشمنان را دوست دارد و از انبوه دوستان برتری ندارد، نه مکان و نه

او ظهور ولادت را به حساب می آورد، مگر اینکه در آنجا فضیلتی بزرگتر بود. او از فقرا بیشتر از ثروتمندان حمایت می کند، با بی گناهان بیشتر از قدرتمندان همدردی می کند. برای راستگویان خوشایند است نه فریبکار. او همیشه تشویق می شود که با کاریزمای بهتر از خوبی ها الگوبرداری کند و در فضایل خود مانند پسر خدا باشد.

I5. طبیعت به سرعت از کمبود و مشکل شکایت می کند: فیض دائماً فقر می آورد.

16. طبیعت همه چیز را به خود منعکس می کند، برای خود مجادله و استدلال می کند: اما فیض همه چیز را به خدا باز می گرداند، از آنجا که در اصل از آن سرچشمه می گیرند.

او هیچ خیری را به خود نسبت نمی دهد و از روی متکبرانه نمی پندارد. او مخالفت نمی کند و نظر خود را بر دیگران ترجیح نمی دهد. اما به تمام معنا و درک خود را تسلیم حکمت ابدی و امتحان الهی می کند. طبیعت مایل به دانستن رازها و شنیدن چیزهای جدید است. او می خواهد در ظاهر ظاهر شود و چیزهای زیادی را از طریق حواس تجربه کند. می‌خواهد شناخته شود و به آن عمل شود، ستایش و تحسین از آنجا شروع می‌شود: اما فیض به درک چیزهای جدید یا عجیب اهمیتی نمی‌دهد. زیرا همه اینها از قدمت فساد ناشی شده است، زمانی که هیچ چیز جدید و ماندگاری در زمین وجود ندارد. بنابراین، مهار حواس، رضایت بیهوده و نمایش را می آموزد

پرهیز، ستایش و تحسین شدن، لشکرکشی بشری پنهان و در هر امری و در هر دانشی به دنبال ثمره سود و حمد و عزت خداوند باشد. او نمی‌خواهد که خود یا قومش موعظه شود، بلکه می‌خواهد خدا را در عطای‌ای خود برکت دهد، که همه چیز را صرف صدقه می‌دهد.

17. این فیض نوری ماوراء الطبیعه و موهبت ویژه خداوند و به درستی مُهر و ودیعه نجات ابدی برگزیدگان است: که انسان را از زمینی به ملکوتی می رساند تا مورد محبت قرار گیرد و او را از نفسانی روحانی می کند. بنابراین هر چه فطرت بیشتر تحت فشار و تسخیر قرار گیرد، فیض بیشتری تزریق می شود; و هر روز با دیدارهای جدید، درون انسان مطابق تصویر خدا اصلاح می شود.

در نظر گرفتن.

در اینجا هیچ دارویی یافت نمی شود که همه بیماری های رذیله را به طور کامل درمان کند. به طوری که هیچ حرکتی احساس نمی شود:
زیرا این هدیه خوشبختی آینده است
خداوند می توان احساسات پس از وعده اما با کمک sa شیطانی را کنترل کرد. و از مواقع معصیت پرهیز شود و لکه عقد هر روز توبه شود.

شیطان اغلب خود را با غرایز شیطانی شستشو می دهد:
او فدائیان را حتی در پوشش خیر 2 فریب می دهد

گوشت پایین میآید، روح بالا میآید.
او بدنبال گوشتی است که نرم و لطیف باشد. روح در برابر سخت و خشن توصیه می کند. نفسانیات به دنبال چیزهای بیرونی است، میل به لذتهاست، به حال می نگرد، آینده را نادیده می گیرد، هر جا که می تواند فرار می کند، تلخ و خشن، که البته اغلب برای روح سالم است. از این رو او به روح اجازه نمی دهد که در سکوت و ساکت عمل کند، بلکه خیالات مختلفی را به او می آورد که به ندرت می توان از آنها صحبت کرد، اما در حقیقت هیچ چیز قابل توجهی نیست. اما کسی که از فیض قوت روحانی برخوردار است، میتواند به سرعت حرکات غیرعادی بدن را تحت الشعاع قرار دهد، و در کلام قدرت الهی آواز بخواند: "خداوند یاور من است، من از آنچه بدن من با من می کند نمی ترسم" (مزمور 117، 6). بنابراین، اگرچه نفسانیّت جنگ را برمی انگیزد و صدای نفس برای او زمزمه می کند، اما به راحتی رضایت نمی دهد، زیرا قدرت محبت خدا بیشتر است که در باطن او را تقویت می کند.

طبیعت همیشه آنچه را که متعلق به خودش است، به طرق مختلف در بیرون و درون، در چیزهای بزرگ و کوچک میجوید: و او با کمال میل میخواهد بمیرد و خودش.

من در مورد نظم و انضباط صومعه ج. 5، ص 2، ص. 290، [1]
1. 6. - 2 خطبه به نوآموزان 17، ص 6، ص. 3 3 .1 ,I41
اول - 4 تک گویی روح ج. 8، نه .3 .Hospitale pauperun c. 3. n
2 1

با این وجود، باید مرد و بر آن غلبه کرد: استعفا دهد
اگر روح آرام بگیرد و با خدا متحد شود.

این کلمه واقعاً آسمانی است: مردن برای گناه، و انجام قدرت طبیعت. صلح درونی واقعی پیش از این نیز یافت نشده است. مگر اینکه انسان برای خود مرده و پاک باشد: و هر روز خود را ترتیب می دهد تا از نو بمیرد. در هر ساعت و هر فصلی . . .

باید تلاش کنم تا از خودم بیرون بیایم و به خاطر مسیح خود را به ته دل بسپارم: و در عشق او عشق خود I را انکار و باطل کنم. زیرا من به همان اندازه سود می برم که به خاطر مسیح رها کنم. و من فقط به همان اندازه پیشرفت می کنم که از خودم بیرون بیایم. جایی که خودم را رها می کنم، آنجا خودم را می بینم:
و آنجا که خودم را جستجو می کنم، در آنجا خودم را گم می کنم. جایی که خودم را به نفع خود وانمود می کنم: آنجا به خودم آسیب می زنم.
من هنوز چیزهای زیادی دارم که برای خودم بمیرم:
من با یک مرگ کاری ندارم.

اما من با کمال میل مطابق روح خواهم مرد:
اگر چه بدن ضعیف و سرکش است. برای من ضروری است که اغلب کارهایی را که بر اساس دعوت انجام میدهم انجام دهم: یا اغلب کارهایی را که با کمال میل انجام میدهم رها کنم.
و تمام مبارزه من و پیروزی من در این است. خوشا به حال کسی که در همه چیز می داند چگونه خود را ترک کند و بشکند، زیرا تاج حیات جاودانی را از خدا خواهد گرفت 2.

---

1 در مورد زندگی مرگبار ص 2، ص. 390، 1. 12.
2 Ib، 14 .1 ،مربع 386 .ص.

فصل 5

در فساد طبیعت و کارآمدی فیض الهی،

1. به من عطا کن، ای خدای من که مرا به صورت و شباهت آفرید، این فیض را که برای رستگاری بسیار بزرگ و ضروری نشان دادی به من عطا کن تا بر بدترین طبیعت خود که مرا به گناه و هلاکت می کشاند غلبه کنم.

زیرا من در جسم خود قانون گناه را احساس می کنم که با قانون گناه در تضاد است و مرا به اطاعت از نفسانیت در گنگ اسیر می کند. من نمی توانم در برابر هوس های او مقاومت کنم، مگر اینکه فیض مقدس تو که به شدت در قلب من جاری شده است، مرا یاری کند.

2. برای غلبه بر طبیعتی که از جوانی همیشه در معرض شر است، به لطف و لطف شما نیاز داریم. زیرا آدم به وسیله انسان اول سقوط کرد و فاسد شد. از طریق گناه، عذاب این لکه بر همه انسانها نازل می شود: به طوری که خود طبیعت که به دست تو نیکو و درست آفریده شده است، اکنون به جای رذیلت و ضعف فطرت فاسد قرار می گیرد، زیرا حرکت آن به حال خود رها شده، او را به سوی بدی ها و امور پست می کشاند. زیرا نیروی کمی که باقی می ماند مانند جرقه است

برخی در خاکستر پنهان شده اند این خود دلیل طبیعی است که با مه بزرگی احاطه شده است و هنوز قضاوت خوبی و بدی را دارد، فاصله بین حقیقت و باطل. اگر چه او ناتوان است که تمام آنچه را که می پسندد برآورده کند، و نه از نور کامل حقیقت برخوردار است و نه سلامت محبت هایش.

3. به این دلیل است که، خدای من، از شریعت تو مطابق با انسان درونی لذت می برم، زیرا می دانم که فرمان تو نیکو، عادلانه و مقدس است، حتی ما را ترغیب می کند که از هر بدی و گناه دوری کنیم.

اما من در جسم برده قانون گناه هستم، در حالی که بیشتر از نفسانیات اطاعت می کنم تا عقل.

از این رو این است که در کنار من است که خیر را اراده کنم، اما آن را کامل نمی بینم. من اغلب چیزهای خوب زیادی را نشان می‌دهم، اما چون لطف برای کمک به ضعفم کم است، از یک مقاومت جزئی عقب نشینی می‌کنم و شکست می‌خورم. از این جا اتفاق می افتد که راه کمال را می شناسم و به خوبی می بینم که چگونه باید عمل کنم.

اما من زیر بار فساد خودم بر نمی خیزم تا کامل تر باشم.

4. آه، چقدر محتاج لطف تو هستم، پروردگارا، برای شروع خوبی ها، پیشرفت و تکمیل آن!

زیرا بدون آن هیچ کاری نمی توانم انجام دهم: همه چیز

اما من می توانم به تو تکیه کنم، با لطفی که مرا تقویت می کند.
ای فیض واقعاً بهشتی که بدون آن هیچ شایستگی مناسبی وجود ندارد و هیچ موهبتی از طبیعت قابل سنجش نیست! هیچ هنر، هیچ ثروت، هیچ زیبایی و قدرت، هیچ استعداد و فصاحتی برای تو ارزشی ندارد، خداوندا، بدون لطف. زیرا هدایای طبیعت بین خوب و بد مشترک است:

اما هدیه مناسب برگزیدگان لطف یا محبت است. که به موجب آن کسانی که متمایز می شوند، شایسته زندگی ابدی تلقی می شوند. این فیض به قدری برجسته است که نه عطای نبوت، نه عملکرد نشانه ها، و نه هیچ گمانه زنی عمیقی بدون آن ارزشی ندارد. اما نه ایمان و نه امید و نه فضایل دیگر بدون انفاق و فضل مورد قبول شما نیست.

5. ای پر برکت ترین فیض، که فقیر را از نظر فضایل غنی می کند، و ثروتمند را در بسیاری از کاالها خضوع می کند! بیا پیش من فرود آی، صبح مرا از آسایش خود لبریز کن تا روحم از خستگی و خشکی ناامید نشود.

خداوندا از

تو خواهش می کنم که فیض را در نظر تو بیابم، زیرا فیض تو برای من کافی است، زیرا بقیه آنچه را که طبیعت می خواهد به دست نمی آورند. اگر وسوسه شوم و گرفتار مصیبت شوم

من از بسیاری بدی ها نمی ترسم، تا زمانی که لطف تو شامل حال من است. او قدرت من است، او نصیحت و کمک می کند. او از همه دشمنانش قدرتمندتر و از همه خردمندان داناتر است.

6. او معلم راستی، معلم انضباط، نور دل، آسایش فشار، رانده غم، از بین برنده ترس، پرستار ارادت، مولد اشک است. من بدون آن چه هستم، جز چوب خشک، و کنده ای بی فایده برای رانندگی؟ بنابراین من از آن تو هستم.

خداوندا، بگذار فیض همیشه هم مقدم باشد و هم متعاقب، و بگذار کارهای نیک همیشه از طریق مسیح مجروح، پسر آمین، در نظر گرفته شود. شما

در نظر گرفتن.

بدون خدا و لطف او نمی‌تواند هیچ چیز خوبی را انجام دهید، نه آن را شروع کنید و نه آن را به خوبی، درست و با فضیلت تمام کنید. دعا همیشه لازم است، همانطور که فیض است: بدون آن ما نمی توانیم ؛ معنوی زندگی کنیم. ما باید برای فیض دعا کنیم: چون فیض وجود دارد، آنچه ما نیاز داریم چیست؟

---

1 بیمارستان فقرا ج. II، D. I

2 کوتاه ——

پند معنوی میزبان ص 2، ص. 422، 1. 3.

خدای من به تو دعا می کنم و از تمام احساسات درونی ام به تو دعا می کنم: مرا رهایی بخش و ذهن پریشان و اسیر مرا از همه هوس های دنیا و تصاویر جسمانی نجات ده.
تا تو را در عقل روشن خود بیابم که مرا به صورت گرانبها و فاسد ناپذیرت آفریده است. زیرا در هیچ موجودی از جهان زیبایی و تشبیه حکمت تو تا این حد نمی درخشد. همانطور که در انسان روحی که تو آن را توانا ساخته ای: و به بهترین نحو بر همه مخلوقات با دلیل عقلانی رهبری کرده ای. پس ذهن مرا از همه چیزهای زمینی بالا ببر و عواطف قلبم را پاک کن: مرا به عنوان یک انسان درونی تجدید کن و تصویر خود را از طریق فیض هفت گانه روح القدس اصلاح کن.

چه فنا ناپذیر، نامرئی و غیرجسمانی، قادر به همه فضایل قادر به حقیقت ابدی، خود فهم، از خود راضی

عقل، برتر از جانوران: تو شایسته تر از همه چیزهای معقول و مرئی در تصویر و شباهت خود آفریدی. از من دور کن و هر چیزی را که می تواند تصویر تو را لکه دار و مبهم سازد، بیرون کن. مبادا شایستگی دید تو را نداشته باشد و چشمان جلالت را آزار دهد. شهامت داشته باشید که این با ارزش ترین و اصیل ترین تصویر خود را با عشق شکل دهید. برای روشن ساختن فهم، و دیدار بی وقفه: که تو بدون واسطه می بینی و در هستی حفظ می کنی.

به یاد داشته باشید که قبلا چقدر برنامه بالا بود

شما آن را از هیچ خلق کرده اید اما نه برای هیچ.

با چه رفاقت بزرگ و مقدسی او را دوباره از بند گناه نجات دادی. و اجازه نده که موجودی با چنین کرامتی در معرض رذیلت فانی قرار گیرد، بلکه از هر بدی از آن دفاع کن و به فیضش برکت بده. هدای‌ای سخاوت خود را در آن زیاد کن. و آن چیزی که از سرایت فاسد فاسد کمتر مؤثر است: از موهبت ناظر فیض تأمین شود!

تنها چیزی که او نیاز دارد کمک شماست که وزن خودش مانع از آن می شود. ارزش ندارد بار گناهان را دور بیندازید، تا زمانی که باری از بهشت تهیه کنید که بتواند بندهای سخت احساسات را بگشاید. چه چیزی می خواهم که به من عطا شود، زیرا بدون فیض نمی توان زندگی نیکو وجود داشت و بدون آن زندگی ابدی درک نمی شود؟

سلام مریم پر از لطف چه چیزی بهتر، چه مفیدتر، و چه چیزی برای من، گناهکار نالایق، ضروری است، جز اینکه در پیشگاه تو و محبوب ترین پسرت فیض بیابم؟ از این رو، من از خداوند برای شما شفاعت و شفاعت می‌خواهم، که (فرشته را شاهد باشید) کمال لطف را نزد خدا یافته‌اید. هیچی عزیزتر از این نیست

این یک درخواست است و من نیازی به چیزی ندارم، به] رحمت خدا لطف خدا برای من کلطفی واسحمت خداوند توکل دارم. نه از بقیه. تمام تلاش من بدون او چیست؟ چی؟

---

1 در بلندای ذهن ص 2، ص. 400 I. I4 ،S4.

2 تک گویی روح ج. 6، نه 2.

26 اد. 3. تقلید از توماس کمپیس.

آیا کمک و کمک به آنها نیز غیرممکن است؟
بیماری های روحی و روانی بسیار و گوناگونی دارم، اما لطف الهی مؤثرترین دارو در برابر همه هوس هاست و اگر آبرومندانه برسد همه را برطرف می کند. من هم از عقل و دانش معنوی کم دارم، اما لطف الهی بزرگترین معلم و معلم انضباط بهشتی است که به یکباره به من بسنده می کند تا همه چیزهای لازم را آموزش دهد.

پس این فیض را برای من به دست آورید، ای مریم باکره مهربان، که آنقدر نجیب و گرانقدر است، که جز فیض برای فیض نباید آرزو کنم یا چیزی بخواهم.

فصل 56

اینکه ما باید خود را انکار کنیم و از طریق صلیب مسیح را تقلید کنیم.

1. پسر، هر قدر که بتوانی از خودت بیرون بروی، به همان اندازه در من خواهی بود. همان گونه که تمایل به هیچ چیز بیرونی آرامش درونی به ارمغان می آورد، ترک خود در باطن انسان را با خدا متحد می کند.
می خواهم در وصیت نامه من انکار کامل خود را بدون تناقض و شکایت بیاموزی. مرا دنبال کن: من راه و حقیقت و زندگی هستم. بدون راه نیست

---

[1] تک گویی روح ج. 23، 8 6 .n.

می رود، بدون حقیقت شناخته نمی شود، بدون زندگی نمی شود زندگی کرد. من راهی هستم که تو باید دنبالش کنی. حقیقتی که باید آن را باور کنید؛ زندگی که باید بهش امیدوار بود من راه خدشه ناپذیر، حقیقت بی خطا، زندگی بی پایان هستم. من صراط مستقیم، حقیقت برتر، زندگی حقیقی، حیات مبارک، زندگی غیر مخلوق هستم. اگر در راه من بمانید، حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد کرد و زندگی جاودانی را بدست خواهید آورد.

2. اگر می خواهید وارد زندگی شوید، احکام را حفظ کنید. اگر می خواهید حقیقت را بدانید، باور کنید. اگر می خواهید بی نقص باشید، همه چیز را بفروشید.

اگر می خواهی شاگرد من باشی، خودت را انکار کن. اگر می خواهید زندگی شاد داشته باشید، زندگی کنونی را تحقیر کنید. اگر از قربانگاه بهشت می خواهی، در دنیا فروتن کن. اگر می خواهی با من سلطنت کنی، صلیب را با من ببر. زیرا تنها بندگان صلیب راه سعادت و نور حقیقی را می یابند.

3. پروردگار لسوس، چون زندگی تو تنگ و مطرود دنیا بود، به من عطا کن که با تحقیر دنیا از تو تقلید کنم. زیرا نه بنده از استادش بزرگتر است و نه شاگردی بالاتر از معلمش. هر چیز اضافی

چه آن را بخوانم و چه گوش کنم، نه کاملاً تازه می شود و نه کاملاً خوشحالم می کند.

4. پسر، چون اینها را می دانی و همه را خوانده ای، اگر آنها را انجام دهی خوشحال خواهی شد. کسی که احکام من را دارد و آنها را نگاه می دارد، اوست که مرا دوست می دارد و من او را دوست خواهم داشت و خود را بر او ظاهر خواهم کرد و او را در ملکوت پدرم با من خواهم نشست.

5. خداوند عیسی، همانطور که گفتی و وعده دادی، یقیناً چنین باشد، و بگذار که من سزاوار آن باشم. من دریافت کردم، از دست تو صلیب را دریافت کردم. من آن را حمل خواهم کرد و آن را تا مرگ حمل خواهم کرد، همانطور که شما بر من تحمیل کردید. به راستی که زندگی یک راهب خوب یک صلیب است، اما راهنمای بهشت است. شروع شده است، نه جایز است به عقب برگردد و نه نیازی به خروج.

6. اینجا ای برادران، اجازه دهید با هم پیش برویم، عیسی با ما خواهد بود. ما به خاطر عیسی این صلیب را برداشتیم: به خاطر مجروحان بر روی صلیب استقامت کردیم. او یاور ما خواهد بود که رهبر و سلف ماست. اینک پادشاه ما پیش ما می آید که برای ما می جنگد. بیایید مردانه پیروی کنیم، مبادا کسی از اشخاص ثالث نترسد. آماده باشیم که در جنگ دلاورانه بمیریم و جنایت جلال خود را به پرواز در نیاوریم.

a

در نظر گرفتن.

خداوند ما عیسی مسیح رسولان خود را برای
جستجوی افتخارات و آسایش جسمانی نفرستاد،
بلکه برای حمل صلیب و انکار آزادی اراده خود. از این رو
او پیروان خود را تشویق می کند و می گوید: اگر کسی
می خواهد به دنبال من بیاید، خود را انکار کند و
صلیب خود را برگیرد و از من پیروی کند. بنابراین،
چون زندگی مسیح یک صلیب بود، زندگی یک مسیحی
نیز باید صلیب باشد. و خیلی بیشتر زندگی راهبان،
روحانیون و همه مذهبی ها بر روی صلیب خواهد بود؟
زندگی یک راهب خوب یک صلیب است، اما راهنمای
بهشت است. او حامل را حمل می کند، در حالی که گریه
می کند زخم های او را نجات می دهد [3].

راه صلیب راه ماست، راه برگزیدگان، راه عده
اندک. راه تلخ، راه زندگی و رستگاری، راه کوتاه، راه
مستقیم. راه کار، راه کمال. I
l راه، من می گویم، صلیب است، اما به شکوه منتهی می شود [2].
اینک تواضع راه است و راه دیگری نیست.
من (می گوید) راه و حقیقت و زندگی هستم. خودت را
کن، تعظیم کن، لطفا جان من، و مسیح زندگی تو فروتن
خواهد بود. اگر فقط راه ناهموار را حفظ کنید، به
زندگی ابدی خواهید رفت. 5 راه مستقیم به بهشت
رنج بردن به خاطر خداست [6].

---

1 گفتگوی تازه کارها ج. 3، نه 3. - رساله 3، ن. 4. - 3
Canticle 7. آیه در مورد صلیب مقدس.
4 بر سه خیمه ج. 2، نه 2. — 5 خطبه
در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 16، ص 3، ص. 1 57، 1. 30.
6 در مورد زندگی صلح آمیز خوب ص 2، ص. 396، 27 .I

چشمان دل را بلند کن؛ نگاهی به مسیری که پیش از این
برای احوالپرسی بر چهره مجروح تو رفته است:
او را در پله های عشق تا ورودی بهشت دنبال کنید.
زیرا آینه تمام تقدس و نور حیات بهشتی در پیش
روی شماست.
پس از عیسی، بخشنده سعادت ابدی، ایمن قرار
بگیریم: پروردگار آسمان و زمین. هیچ کس مقدس تر
از او نیست، هیچ کس پاکتر نیست:
هیچ کس برجسته تر، هیچ کس ثروتمندتر، هیچ
کس قدرتمندتر. او می گوید تمام قدرت در آسمان و
زمین به من داده شده است (متی 28:18). عیسی
مسیح، راه، حقیقت، و حیات، نجات، قوت، حکمت، در هر
کاری که انجام میدهید، در دست راست و چپ شما خواهد
بود. او یاور، نگهبان و محافظ قوی شما در برابر همه
دشمنان شیطانی است.

اگر آرزوی رفاه و چیزهای خوشایند دارید: از
ناملایمات نترسید. از گناهکار عادل پیروی کنید؛
انسان خداست، مخلوق خالق: تبعید نجات دهنده. I
ترس زمینی را دور بریزید، استقامت بپوشید: با
غلبه بر طبیعت به عنوان یک سرباز خوب مطمئن
باشید. . برای اینکه سرباز فندک حمل می کند:
. پس در چنین که شاه را در حال انجام آن می بیند.
پادشاهی جنگیدن بی خطر است، زیر چنین
چوپانی ایستادن، اطعام و آگاه شدن خوش است.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 30، ص 3 ص.
281، 1. 13. Hospitale pauperum c. 1 .آیو، I. - 3 موعظه در
مورد زندگی و اشتیاق خداوند 22، ص 3، ص. I91 مربع، 1. I5.

تسلیم شدن و اداره شدن: کسی که به هیچ چیز نیاز ندارد و در همه چیزهای خوب فراوان است!

اگر تو ای خداوند، خدای ما با ما هستی، چه کسی بر ضد ماست؟ از این رو، خداوندا، تا زمانی که راهنمای من در راه باشی، هر کجا که بروی، از تو پیروی خواهم کرد. اگر در میان سایه مرگ قدم بردارم، از هیچ بدی نمی ترسم، زیرا تو با من هستی[2].

فصل 57

این که وقتی شکست بر عده ای سر می زند، انسان نباید زیاد سرکوب شود.

ط. پسرم، صبر و تواضع در مصیبت برای من خوشایندتر از دلجویی و فداکاری در رفاه است. پس آنچه تو را اندوهگین می کند، عمل کوچکی است که بر تو گفته شده است؟ اگر بیشتر بود، نباید جابه جا می شدی. اما حالا بگذار بگذرم؛

نه اولین است، نه جدید، و نه آخرین خواهد بود، اگر طولانی زندگی کنید. شما به اندازه کافی مرد هستید، تا زمانی که چیزی علیه شما نباشد. شما همچنین به خوبی مشاوره می دهید و می دانید چگونه با کلمات دیگران را تقویت کنید. اما هنگامی که مشکل ناگهانی به در شما می رسد، از مشاوره و قدرت ناکام می شوید. تا جایی که ممکن است به شکنندگی بزرگ خود توجه کنید

---

2 از قبایل —— 1 Ib. 3o, 282 ،ص 3، ص. I. 4

پناهگاه ها ج. 1، 1. n.

شما در اشیاء کوچک تلاش می کنید. اما این کارها برای امنیت شما انجام می شود، وقتی اینها و موارد مشابه اتفاق می افتد.

2. همان طور که بهتر می دانید از صمیم قلب قرار دهید;

و اگر به تو دست زد، با این حال، او را به زمین نینداز، و او را برای مدت طولانی درگیر نکن. اگر نمی توانی خوشحال باشی حداقل صبور باش. حتی اگر کمتر با خوشحالی گوش کنید و احساس خشم کنید:

خودت را نگه دار و از دهانت بی نظمی بیرون نیاید تا کوچکترها آزرده شوند. عاطفه برانگیخته به سرعت فروکش می کند و درد درونی با لطف شیرین می شود. خداوند می گوید، من هنوز زنده هستم، اگر به من اعتماد کنید و مرا با عبادت بخوانید، آماده ام که به شما کمک کنم و بیش از همیشه به شما آرامش دهم.

3. آرام تر باشید و برای استقامت بیشتر آماده شوید. اگر اغلب خود را دچار مشکل یا به شدت امتحان می کنید، کاملاً ناامید کننده نیست. تو مرد هستی و خدا نیستی. تو گوشتی نه فرشته

چگونه می توانی همیشه به همان حالت ؟ فضیلت ادامه دهی، در حالی که فرشته در بهشت فاقد فرشته و اولین انسان در بهشت بود؟ من کسانی هستم که غمگینان را با سوء ظن برانگیختم و با علم به ضعفشان آنها را به سوی خدای خود می برم.

4. پروردگارا، کلمه تو برکت باد، شیرین بالاتر
از عسل و لانه زنبور به دهان من.
اگر تو مرا با سخنان مقدست تقویت نمی کردی در
چنین مصیبت ها و گرفتاری ها چه می کردم؟ تا :
بالاخره به بندر رستگاری رسیدم، چه دغدغه ای
دارم، چه رنجی کشیده ام. عاقبت به خیرم کن، گذری
خوش از این دنیا نصیبم کن. ای خدای من، مرا یاد کن و
مرا به سوی ملکوت خود هدایت کن.

آمین

در نظر گرفتن.

ما در میان خطرات بسیاری قرار داریم. و کسانی که ما را
وسوسه می‌کنند و ما را آزار می‌دهند، نه خوابند و نه آسوده،
بلکه می‌خواهند ما را فریب دهند و ما را از کار نیک باز دارند.
با این حال، ما نباید ناامید شویم.
زندگی ما شامل یک مبارزه روزانه است. . . .
بنابراین، تعجب آور نیست که . . .
گاهی لغزش کنیم و زخمی شویم: اگر در کلمات، در
اعمال خود یا دیگران، اندکی لغزش و لغزش کنیم. ما
مردیم نه فرشته. ما گناهکاران فانی و ضعیف
هستیم: ما تبعیدی و غریب هستیم، نه شهروندان
بهشت. ناپایدار و مستعد رذایل: نه از نظر فیض
کامل، و نه از نظر جلال برکت. این ملاحظات باید ما را
متواضع کند، نه اینکه ما را به غرور و غرور برساند،
بلکه ما را از شکنندگی خود به امید رحمت و رحمت
الهی هدایت کند.

I تقوا: بدون آن نمی‌توانیم هیچ چیز خوبی را شروع یا تکمیل کنیم و به خداوند شهادت می‌دهیم که می‌گوید: "بدون من هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید" (یوحنا 15:5).

زیرا ضعف خود ما بیش از همه ما را تحت فشار قرار می دهد: اما الهام الهی و زیارت بهشتی، ضعیفان را دوباره برمی انگیزد و آنها را برای کار خوب تقویت می کند. و برای حمایت از هر چیز غیرمنتظره ای که به ما می رسد، او با مهربانی به نفع نجات ما ترتیب می دهد: و با قضاوت عادلانه و پنهانی همه چیز را اداره می کند. زیرا او نگران همه ما است: از آغاز زندگی تا پایان مرگ. زیرا او که ما را آفرید، اگر ما او را ترک نکنیم، ما را ترک نخواهد کرد، بلکه او نتیجه وسوسه را خواهد ساخت تا بتوانیم در برابر مشکلات آن مقاومت کرده و تحمل کنیم. پس بیایید با قدیس در مزمور بگوییم: هنگامی که دشمن شیطانی به ما حمله می کند. خداوندا، مرا یاری کن، مرا رها مکن (مزمور 26، ٥)».

روز رذایلم، غلبه شهوات، زایل شدن غرور و سرکوب حرکات غرور آفرین را به من عطا کن.

بگذار ساعت شاد و شاد مرگ فرا رسد و همیشه در ترس و عشق خود قدم بزن. من از بخشش و رحمت تو ناامید نیستم و نخواهم بود، هرچند که اغلب زمین می خورم و گرفتار ناتوانی خودم هستم.

---

1 موعظه به نوآموزان S, P. 6, p. 39 sqq, 1. 7. - 2 On elevation of the mind P. 2, p. 415 متر مربع، I. 29.

من از شجاعت تو در راه خود باز نگشتم و نخواهم ایستاد.
اما من تو را ستایش و بزرگ می کنم تا به تو برسد، ای
خدای جان من!

فصل 58

عدم تدقیق در امور عالی و احکام پنهانی خداوند،

1. پسرم، از جدال در امور عمیق و قضای‌ای پنهان خدا بپرهیز، چرا این یکی رها شده و آن کس به چنین فضلی پذیرفته شده است، چرا این یکی نیز این قدر مصیبت دارد و به طور استثنایی سرافراز است. این امور از همه توان بشر فراتر است و هیچ دلیل و بحثی برای تحقیق قضای الهی حاکم نیست. پس وقتی دشمن این چیزها را به تو پیشنهاد کرد یا حتی عده‌ای کنجکاو جویا شدند، به پیامبر پاسخ بده: پروردگارا تو عادل هستی و قضاوتت درست است. و این که: تفریحات واقعی خداوند، در خود موجه است.

برای درک , قضاوت من قابل بحث نیست. زیرا بشر غیرقابل درک هستند.

2. حتی درباره محاسن اولیای الهی که از دیگری مقدس تر است، تحقیق و مناظره نکنید.

1 دره نیلوفرها ج. 32، شماره 2.

یا چه کسی در ملکوت آسمان بزرگتر بود.
چنین چیزهایی غالباً مشاجرات و مشاجره های بیهوده ای را ایجاد می کنند، همچنین باعث غرور و شکوه بیهوده می شوند: از آنجا حسادت و اختلاف برمی خیزد، در حالی که شخصی سعی می کند با افتخار یکی را مقدس و دیگری را بر دیگری ترجیح دهد.
اما چنین میل به دانستن و تحقیق هیچ ثمری ندارد، بلکه برای مقدسین ناخوشایند است. زیرا من خدای اختلاف نیست، بلکه خدای صلح هستم. که صلح بیشتر در فروتنی واقعی است تا در تعالی مناسب.
3. برخی با غیرت عشق به سوی اینها یا با محبتی بیشتر به سوی آنها کشیده می شوند، اما انسانی نه الهی. من همان کسی هستم که همه مقدسین را آفرید. فیض دادم، جلال را به جا آوردم. من محاسن هر کدام را می دانم. آنها را در نعمت شیرینی خود پیش بینی کردم. من معشوق را قرن ها پیش پیش بینی کردم. من آنها را از دنیا انتخاب کردم، آنها من را انتخاب نکردند. من به لطف صدا زدم، به رحمت کشیدم. من آنها را از طریق آزمایش های مختلف هدایت کردم. تسلیت های بزرگ ریختم، استقامت دادم، تاج صبرشان را بر سر گذاشتم.

4. اولین و آخرین را تصدیق می کنم، همه آنها را با عشقی بی اندازه دوست دارم

خشنود است که در همه مقدسانم ستوده شوم. من باید بیش از همه چیز برکت داشته باشم و در هر کس که چنان با شکوه بزرگ و مقدر کرده ام، بدون هیچ گونه شایستگی قبلی، مورد احترام قرار بگیرم. پس هر که یکی از کوچکترین من را تحقیر کند و بزرگان را گرامي ندارد.

زیرا من کوچک و بزرگ را ساخته ام. و هر که یکی از مقدسین را خوار کند، من و دیگران را در ملکوت آسمانها خوار کرده است. همه با پیوند صدقه یکی هستند. آنها همین احساس را دارند، همان را می خواهند و همه یکدیگر را دوست دارند.

5. و با این حال، که بسیار عمیق تر است، آنها من را بیشتر از خودشان و شایستگی های خودشان دوست دارند. زیرا که فراتر از خود رانده شده و فراتر از عشق خود کشیده شده اند، همه به عشق من ادامه می دهند که در آن پربار آرام می گیرند. هیچ چیز نمی تواند آنها را برگرداند یا آنها را افسرده کند، زیرا کسانی که سرشار از حقیقت ابدی هستند در آتش صدقه خاموش ناپذیر می سوزند. پس انسانهای نفسانی و حیوانی در بحث وضع مقدسین که فقط می دانند چگونه شادی های خصوصی را دوست داشته باشند، سکوت کنند. بر می‌دارند و بر حسب تمای‌لشان می‌افزایند، نه بر حسب آنچه مورد پسند حقیقت ابدی است.

آنها , 6. در بسیاری از افراد به خصوص جهل وجود دارد، که به دلیل کمی روشنفکری، به ندرت می دانند که چگونه فردی را با عشق معنوی کامل دوست داشته باشند. آنها هنوز هم به شدت توسط محبت طبیعی و دوستی انسانی به اینها یا به آنها جذب می شوند و همانطور که خود را در پایین قرار دارند، در مورد چیزهای بهشتی نیز تصور می کنند.

اما بین آنچه افراد ناقص می اندیشند، و آنچه انسان های روشن فکر با وحی الهی به آن می اندیشند، فاصله غیر قابل مقایسه ای وجود دارد.

7. پس، پسرم، مواظب باش که با این چیزها که بیش از دانش توست رفتار کن.

اما در این امر بیشتر مراقب و اهتمام داشته باشید تا کوچکترین شما در ملکوت خدا پیدا شود.

و اگر کسی را میاشناخت که از دیگری مقدساتر است، یا در ملکوت آسمان بزرگاتر میاشمرد، این اطلاعات چه سودی برای او خواهد داشت، مگر اینکه از این علم فروتنی کند و صورت من به ستایش بیشتر از نام من برخاست؟ کسی که به بزرگی گناهان و کوچکی فضائل خود بیندیشد و از کمالات اولیای الهی چقدر دور است، از آن کسی که درباره بزرگی و کوچکی آنها بحث کند، مورد پسند خداتر است. بهتر است اولیای الهی را با دعا و اشک و آرای شکوهمندشان نصیحت کنیم

با ذهنی متواضع التماس کنند نه اینکه با
جستجوی بیهوده رازهایشان را جستجو کنند.

8. در صورتی که مردان می دانستند چگونه راضی باشند و بر غرور خود مسلط شوند، خشنود و خشنود هستند. آنها به شایستگی های خود مباهات نمی کنند، زیرا هیچ چیز خوبی را به خود نسبت نمی دهند، بلکه همه چیز را به من نسبت می دهند، زیرا من همه آنها را از روی عشق بی پایان خود بخشیده ام. آنها آنقدر از عشق به الوهیت و شادی مفرط پر شدهاند که هیچ چیزی از شکوه و شادی کم ندارند.

همه اولیا هر چه در جلال بالاتر باشند در خود فروتن ترند و برای من عزیزتر و عزیزترند. و از این رو نوشتهاید، زیرا تاجهای خود را به حضور خدا افکندند، و بر روی بره افتادند و زنده را تا ابدالاباد پرستش کردند.

9. بسیاری می پرسند که چه کسی در ملکوت خدا بزرگتر است. که نمیدانند آیا شایسته کمترین حساب خواهند بود یا نه. بزرگ یا کوچک است که در بهشت باشی، جایی که همه بزرگ هستند: به همین دلیل همه فرزندان خدا خوانده خواهند شد و خواهند بود. او کمترین هزار نفر است و گناهکار صد سال خواهد مرد. زیرا وقتی شاگردان پرسیدند چه کسی در ملکوت آسمان بزرگتر است، این پاسخ شنیدند: مگر اینکه تبدیل شوند.

شما باشید و مانند کودکان باشید و به ملکوت آسمان وارد نشوید. پس هر که خود را مانند این کوچک فروتن کند، در ملکوت آسمان بزرگتر است.

10. وای به حال کسانی که با کمال میل از فروتنی با کوچکترها بیزاری می جویند، زیرا se درب حقیر ملکوت آسمانی آنها را به داخل نمی پذیرد. وای بر ثروتمندانی که در اینجا تسلی می‌گیرند، زیرا فقیری که وارد ملکوت خدا می‌شود، بیرون می‌ایستد و گریه می‌کند. فروتنان را شاد کنید و فقرا را شاد کنید زیرا اگر به راستی گام بردارید ملکوت خدا از آن شماست.
I

در نظر گرفتن.

پروردگار پرهیزکار پاداشی مناسب، نه بیشتر از آن بندگان خوبش، آرامش ابدی برای اندک کاری، شادی جاودان برای اندوهی کوتاه، جلال ابدی و تاجی بر تمام اهانت ها و صدمات وارده به او عطا می کند. اکنون نیز به هرکسی به اندازه ای که بخواهد، بر اساس قضاوت های پنهانی عادلانه و درست خود، در هر مکان و زمانی بدون خطا، عطای‌ای خود را می دهد. زیرا او همه چیز را به نیکی با نیکی ترتیب می دهد و بدی را به کیفر تبدیل می کند. هیچ کس حق ندارد از خدا شکایت کند.

---

1 بیمارستان فقرا ج. 1، 2 1 .n

زیرا او همه چیز را عادلانه و عاقلانه و با تدبیر اداره می کند: اگرچه انسان راه های عدالت خود را درک نمی کند. هیچ کس نمی تواند به خدا بگوید که چرا مرا اینچنین رنج می دهی و مرا رها می کنی.
و به این ترتیب دیگری را ارتقا می دهید و به او اجازه می دهید که اراده های بیشتری داشته باشد؟ ابلهانه و بیهوده است که به این نوع فکر کنیم: یا در کوچکترین چیزی شک کنیم، یا شکایت از مشیت و نیکی خداوند.
این رسم است که ضعیفان و نادانان اعمال حکمتی را که نمی فهمند سرزنش می کنند و آن را نادرست تفسیر می کنند. که عموماً از خود متعجب و آزرده می شوند: چرا خداوند اجازه می دهد فلان شر آشکار رخ دهد؟ که مزمورنویس بدین ترتیب به آن پاسخ می دهد (مزمور 144، 17؛ 137 ،II8). خداوند در همه چیز عادل و در همه اعمالش قدوس است. و دوباره. خدایا تو سوختی
suis :

و قضاوت درست شما 2. پس خوب است در مورد مسائل بیهوده و حوادث نامشخص سکوت کنید.
و تمام قضاوتهای پنهانی خود را به خدا بسپارد:
بدون مشیت او یک برگ از درخت به زمین نمی افتد،

هر کسی که می خواهد از نظر روحی پیشرفت کند: او اغلب خود را به دعا و راز سکوت می سپارد. او از بافتن سؤالات زیاد و افسانه های طولانی بر حذر باشد: بلکه با قدیس

---

1 خطبه به نوآموزان 19، ص 6، ص. I5 .I ،I73.
2 Ib. I4، 27 .1 مربع، 102 .ص 6، ص. — 3 Ib. I9، 6 ،ص
ص 173، I.9.

داوود (مزمور 142، 9 جو) عابدانه دعا می کند. پروردگارا، به تو پناه می برم، به من بیاموز که اراده خود را انجام ندهم، اگر بپرسی اراده خدا چیست؟ پولس مبارک (اول تسالونیکی 4: 3) به همه ما صریح و واضح پاسخ می دهد. این خواست خدا برای تقدیس شماست. این چه تقدیس است; اما خودداری از بدی و ورزش کردن روزانه در نیکی؟ 1پس از داوری‌های پنهان خدا بر خود بترسید، همه کارهای خود را به دقت مورد بحث قرار دهید، به دنبال چیزهای عمیق تر نباشید و به چیزهای عجیب فکر نکنید، بلکه همیشه به آنچه خدا به شما دستور داده است فکر کنید. زمان کوتاه است و ساعت مرگ نامشخص است.[2] پس او توبه نمی کند و خود را اصلاح نمی کند. او بیرون در بسته خواهد ایستاد و رحم نمی کند: فریاد خواهد زد. اندوه و گریه شنیده نخواهد شد.

به علاوه، مصادیق اولیای الهی. مرتب نگاه کنید و از آنها رای بخواهید. به یاد بیاورید که مقدسین چقدر برای زندگی ابدی تلاش کرده اند، که در آن اکنون از سلطنت بی پایان با مسیح لذت می برند. هر چه در دنیا حقیرتر و فقیرتر بودند، اکنون در بهشت شکوهمندتر و بزرگتر می درخشند. اما کسانی که ادعای پیروزی بر دشمنان خود را ندارند. اما با کمال احترام و سپاس

---

1 خطبه به نوآموزان 3، ص 6، ص. 21 مربع 27 .I.

2 گفتگوی تازه کارها ج. 3، 3 .D.

-3 موعظه ad - noyicios 28, P. 6, p. 284، 1. 20o.

نامه [4] 3، نه 6.

آنها افراد خود را در برابر صندلی خدا در برابر بره می گذارند:
و با شادی فراوان و با صدای‌ی موزون می خوانند و می گوی‌ند. برکت، روشنای‌ی، حکمت، ستای‌ش، افتخار، جلال، امنی‌ت، فضی‌لت، پی‌روزی، برای همی‌شه خدای ما: او ما را در مصی‌بت های بسی‌ار هدای‌ت کرد تا ای‌ن تاج باشکوه را با موفقی‌ت به دست آوری‌م.

0 اگر سزاوار آن باشم که ی‌کی از کوچک‌تری‌ن مقدسی‌ن C پی‌دا کنم تا در خانه تو جای‌ی بی‌ابم.

فصل LIX

که تمام امی‌د و توکل بای‌د فقط به خدا ثابت شود.

1. پروردگارا، چه اطمی‌نانی دارم که در ای‌ن زندگی دارم، ی‌ا چه تسلی بزرگ‌تری از آنچه در زی‌ر بهشت ظاهر می شود؟ ای خداوند، خدای من، آی‌ا تو نی‌ستی که رحمتش شمرده نشده است؟ من بدون تو کجا بودم؟ ی‌ا چه زمانی ممکن است حضور در حضور شما اشتباه باشد؟

ترجی‌ح می‌دم بخاطر تو فقی‌ر باشم تا ای‌نکه بدون تو ثروتمند باشم. من ترجی‌ح می دهم با تو در زمی‌ن اقامت کنم، نه ای‌نکه بدون تو بهشت را اشغال کنم. جای‌ی که تو هستی، آنجا بهشت است. و آنجا

---

1 خطبه به نوآموزان 27، ص 6، ص. 250، 1. 17. -- 2 از سه خی‌مه ج. 1، 4 ،n

مرگ و جهنم، جایی که تو نیستی. تو در حسرت من هستی و لذا ناله و گریه و التماس لازم است.

خلاصه به هیچ کس که در مواقع ضروری کمکم کند نمی توانم کاملاً اعتماد کنم، مگر تنها به تو، خدای من.
تو امید منی،
تو امانت من هستی، تو تسلی دهنده و وفادارترین منی در هر کاری.

2. همه به دنبال چیزی هستند که متعلق به آنهاست:
تو فقط مدعی نجات و پیشرفت من هستی و همه چیز را به نفع من تغییر می دهی. حتی اگر مرا در معرض وسوسه ها و ناملایمات گوناگون قرار دهی، همه اینها را به نفع من ترتیب می دهی که هزار راه برای اثبات محبوبت انتخاب کرده ام. در آن امتحان باید کمتر مورد محبت و ستایش قرار بگیری که مرا از تسلی های آسمانی پر کنی.

3. پس ای خداوند خداوند، تمام امید و پناه خود را به تو میگذارم، تمام مصیبت و ناراحتی خود را به تو میگذارم. زیرا هر آنچه را که بیرون از تو می بینم، ضعیف و ناپایدار می بینم. زیرا بسیاری از دوستان فایده ای نخواهند داشت، نه دستیاران قوی می توانند کمک کنند، نه مشاوران محتاط برای دادن پاسخ مفید، نه کتاب های معلمان برای آرامش و نه

برای تحویل دادن هر ماده گرانبها، و نه برای ایمن کردن هیچ مکان مخفی و دلپذیر: اگر خودتان کمک نمی کنید، کمک کنید، تقویت نکنید، دلجویی کنید، راهنمایی کنید و نگهبانی دهید.

4. زیرا همه چیزهایی که به نظر می رسد برای صلح و خوشبختی هستند، بدون شما چیزی نیستند، و هیچ کمکی به خوشبختی در حقیقت ندارند. پس تو غایت همه چیزهای خوب و اوج زندگی و عمق گفتار هستی. و مهمتر از همه به تو امید داشته باشم تا بندگانت را به بهترین وجه برسانی. چشمانم به توست، به تو اعتماد دارم ای خدای من ای پدر مهربانان.

روحم را به برکتی بهشتی متبرک و تقدیس کن تا مسکن مقدس تو شود و جایگاه جلال ابدی تو شود تا در معبد کرامت تو چیزی یافت نشود که چشمان عظمت تو را آزرده کند.

به عظمت نیکی و کثرت رحمتت، به من نگاه کن و دعای بنده فقیر خود را بشنو، تبعیدی دور در منطقه سایه مرگ. روح بنده خود را در میان اینهمه خطرات زندگی مفسده حفظ و محفوظ بدار و با لطف خود او را در راه آرامش به سوی کشور شکوه جاودان هدایت کن. آمین

در نظر گرفتن.

برای فقرا همنشینی در کیفرها مایه آرامش است. کیست این دوست خوب و با تقوا که می داند چگونه با فقرا و ضعیفان همدردی کند؟
این خداوند ما عیسی مسیح است که برای ما رنج کشید و مصلوب شد، که در انجیل می گوید که او پزشک و شبان ارواح و تسلی دهنده دردمندان، فقرا و ضعیفان، افتادگان و مجروحان است. او می گوید (متی 9، 17) این نیست که یک پزشک باید برای افراد سالم کار کند، بلکه برای کسانی که بیمار هستند. شما باید بیش از هر چیز به او اعتماد کنید، زیرا او حیات بخش و نابود کننده مرگ است. نترس

مهمتر از همه، من نمی توانم به هیچ ذوقی، هیچ آسایشی، هیچ آسایشی تکیه نکنم، بلکه فقط به سپاسگزاری تو، ای پروردگار مهربان مهربان.
بدون تو من سربار و مانعی برای خودم هستم.
اما با تو و در تو خود را قوی و آزاد و قدرتمند می سازم.
من نمی توانم دلم را روی هیچ مکانی بگذارم، هرچند زیبا باشد. زیرا همه آنچه از بیرون در اینجا جستجو می شود گذرا است: همه چیز ناپایدار و ناامن است، در انسان ها، در اشیا، در خانه ها. چه زمانی به من کمک می کنید؟ 4

---

2 تک گویی — 1 دره نیلوفرها ج. 16، n. من
روح ج 24، ن. 3 - 3 در مورد زندگی مرگبار ص 2، ص. 391, 1. 6. -
4 Ib. 1 ,389 ص. IO.

عیسی خوب، با تو بودن شیرین است. روی صلیب
که آرزو دارم بیشتر از همه تسلی های طبیعت
داشته باشم. بهتر است در دردهای بزرگ با تو
باشم تا بدون تو در بالاترین افتخارات دنیا.

خداوند عیسی مسیح، امید و تمام پناه من. . من
امروز تو را به عنوان حافظ خود، خداوندا، به عنوان
راهنمای زندگی، به عنوان تأمین کننده همه نیازهایم،
به عنوان تسلی دهنده همه دردها و ناراحتی ها و
وسوسه ها و همه زحماتم انتخاب می کنم، که باید
به تعداد روزهای عمرم برای عشق تو و امنیت روحم
تلاش کنم.

تو پناه منی، تو خانه منی، تو شهر منی، تو مسکن
منی، تو غذای منی، تو نوشیدنی منی، تو آرامش و r
طراوت منی، تو همنشین محبوبی، تو دوست صمیمی،
خویشاوند و همسایه ای، تو برادر و خواهری، تو پدر و
حافظی، تو شبان و نگهبان جانی.

از خود من که صادقانه خود و همه چیزهایم را به او می سپارم، r
زیرا بدون تو هیچ رستگاری و زندگی امن بدون تو وجود ندارد.

ای بدبخت، نام شیرین بر همه نام های اولیای الهی در
آسمان و زمین که هر زانوی آسمانی و زمینی و درونی به اوست.

---

[1] سخنرانی در مورد مصائب خداوند 4، ص 3، ص.
346، I. 23. در بلندای ذهن ص 2، ص 409 و بعد.
I. 20

باشد از سرخس ها، فرشتگان و مردان!
یاور و پشتیبان من در هر نیازی به خاطر نام مقدست، r
تا ابد مبارک باد. هر گاه غمگینم به من نگاه کن و به
من رحم کن و جانم آرام می گیرد. خداوندا رحمتت بر من
باد و فضل تو در همه چیز با من باشد و چشم تو روز و
شب بر من باشد و دستت همیشه مرا[2] از دست راست و
چپ حفظ کند و به صراط مستقیم مرا به خانه جلال
خود هدایت مکن، جایی که سزاوار ستایش تو و
خداحافظی بی پایان هستم. آمین

1 کتابچه راهنمای کودکان ج. 12، شماره 2. -- ؟ موعظه های
زندگی و اشتیاق خداوند 8، ص 3، ص. IO8, 1. 3. -- 3 On the
elevation of mind P. 2, p. 411، 1. من

کتاب چهارم

از مقدسات

نصیحت اختصاصی به عبادت مقدس.

تو از مسیح

خداوند می گوید، نزد من بیایید، ای همه زحمتکشان و بارها، و من شما را بازگردانم. نانی که خواهم داد، گوشت من است برای حیات دنیا. بگیرید و بخورید، این بدن من است که به شما داده می شود: این را به یاد من انجام دهید. هر که گوشت مرا می خورد و خون مرا می نوشد در من می ماند و من در او. سخنانی که با شما گفتم روح و زندگی است.

فصل اول

با چه احترامی باید مسیح را پذیرفت.

صدای شاگردان.

1. این سخنان تو است، ای مسیح، حقیقت ابدی، هرچند نه در یک زمان

گسترده است و در یک مکان نوشته نشده است. بنابراین،
از آنجایی که آنها از آن شما هستند و حقیقت دارند، باید همه
چیز را با سپاس و امانت پذیرفت. آنها از آن تو هستند و تو
آنها را بیرون آورده ای. و آنها نیز مال من هستند، زیرا شما
آنها را برای نجات من منتشر کردید.
من آنها را با کمال میل از دهان شما دریافت می کنم تا
بیشتر به قلب من پیوند بخورند. سخنان چنین
تقوای سرشار از شیرینی و عشق مرا به وجد می آورد.
اما گناهانم مرا می ترساند و وجدان ناپاک با من
طنین انداز می شود تا این اسرار را درک کنم. با
شیرینی کلام تو مرا برمی انگیزد، اما انبوه عیب
هایم را بر من سنگین می کند.

2. به من فرمان می دهی که اگر بخواهم با تو
سهمی داشته باشم با وفاداری به تو نزدیک
شوم و نفقه جاودانگی را بگیرم، اگر آرزوی به
دست آوردن جلال و حیات جاودانی دارم.
شما می گویید، به سوی من بیایید، ای همه
زحمتکشان و بارها، و من شما را بازگردانم.
ای کلمه شیرین و دوستانه در گوش گنهکار، که
تو ای خداوند من، نیازمندان و فقیران را به انس
با جسد مقدست دعوت کن. اما خداوندا، من کیستم
که باید به تو نزدیک شوم؟ بنگر که آسمانها
تو را نمی گیرند. و تو می گویی: به خود بیا

3. این تقوای پرهیزگارانه و چنین دعوت دوستانه ای به چه معناست؟ چگونه جرأت کنم که بیایم، که از هیچ چیز خوبی برای من آگاه نیست، از کجا می توانم تصور کنم؟
چگونه تو را که بارها با مهربان ترین چهره تو روبرو شده ای به خانه خود معرفی کنم؟ فرشتگان و فرشتگان مورد احترام هستند، مقدسین و افراد صالح می ترسند. و تو می گویی: همه پیش من بیایند؟ اگر تو ای خداوند این را نمی گفتی، چه کسی باور می کرد که حقیقت دارد؟ و اگر فرمان نمی دادی، چه کسی سعی می کرد نزدیک شود؟
4. بنگر، نوح، مردی عادل، 1) صد سال برای ، ساختن کشتی تلاش کرد تا با اندکی نجات پیدا کند: و چگونه می توانم خود را در یک ساعت آماده کنم تا خالق جهان را با احترام بپذیرم؟

موسی، بنده بزرگ تو و دوست خاص تو، صندوقی از چوب فاسد نشدنی ساخت که آن را با خالص ترین طلا پوشانید تا الواح شریعت را در آن بگذارد: و من که موجودی پوسیده هستم، به تو، ای بنیانگذار شریعت و حیات بخش، جرأت می کنم که آن را به این آسانی بگیری؟ سلیمان، خردمندترین پادشاهان اسرائیل، در هفت سال معبدی باشکوه برای ستایش نام تو ساخت و در هشت روز عید تقدیم آن را جشن گرفت و هزار قربانی صلح آمیز تقدیم کرد.

تابوت عهد را گرفت و در محلی که برایش آماده
شده بود، در میان صدای شیپورها و شادی و cinae
سرور گذاشت. و من بدبخت و فقیرترین مردم،
چگونه تو را به خانه خود معرفی کنم که به
سختی نیم ساعتی را در معرفت عابدانه صرف می
کنی، و آیا می توانم حتی یک بار نیز نیم ساعتی را
به شایستگی سپری کنم؟

5. وای خدای من، چقدر برای جلب رضایت تو ؛
تلاش کردند! افسوس، کاری که انجام می دهم
چقدر کم است: چه لذت کوتاهی است، وقتی
خودم را برای برقراری ارتباط خلاص می کنم!
به ندرت جمع آوری می شود، به ندرت از همه
عوامل حواس پرتی پاک می شود.
و یقیناً در پیشگاه خدای نجات‌دهنده‌ای تو
هیچ فکر ناپسندی رخ نخواهد داد و هیچ
موجودی نباید در آن مشغول شود، زیرا من نه
فرشته‌ای، بلکه پروردگار فرشتگان را
پذیرایی خواهم کرد.

6. با این حال، بین تابوت عهد با آثارش و
پاکترین بدن تو با فضایل وصف ناپذیرش
فاصله بسیار است. بین آن فداکاری های
قانونی، که مظهر فداکاری های آینده است، و
قربانی واقعی بدن شما، مکمل همه قربانی های
قبلی.

7. پس چرا من بیشتر مشتاق حضور ؛
بزرگوار شما نیستم؟ چرا؟

آیا با نگرانی بیشتر خود را برای دریافت
مقدسات شما آماده نمی‌کنم، آن هم در حالی که آن
پیرغلامان و انبیاء مقدس، پادشاهان و
شاهزادگان نیز همراه با تمام مردم این همه
ارادت به عبادت الهی داشتند؟

8. عابدترین پادشاه داوود در مقابل تابوت
خدا با تمام قدرت خود رقصید و نعمتهایی را که
زمانی برای پدرانش لغو شده بود به یاد آورد. او
اندام‌هایی از انواع مختلف ساخت، مزامیر منتشر
کرد، و آواز را با شادی بنا نهاد. او به قوم اسرائیل
آموخت که خدا را با تمام قلب خود ستایش کنند و
هر روز را با دهان خود برکت دهند و موعظه کنند.
اگر در آن زمان چنین عبادتی انجام می شد، و یاد حمد
الهی قبل از کشتی عهد وجود داشت: اکنون هر
کسی و همه مسیحیان در حضور مقدس، در پذیرایی
عالی ترین بدن مسیح، چقدر باید احترام و ارادت
داشته باشند؟

n

9. بسیاری برای زیارت آثار مقدسین به مکان ؟
های مختلف می دوند و از شنیدن اعمال آنها شگفت
زده می شوند، به ساختمان های وسیع معابد می
نگرند و استخوان های مقدس آنها را که در ابریشم و
طلا پیچیده شده اند، می بوسند. و

اینک تو اینجا با من در قربانگاه حاضری، ای خدای من، قدوس اولیاء، خالق انسانها و پروردگار فرشتگان.

غالباً در چنین مشاهداتی کنجکاوی مردم و تازگی افراد بازدید نشده وجود دارد، و اندکی از ثمره این اصلاحیه به دست می‌آید، به ویژه در جایی که بدون هیچ گونه نقض واقعی با آن به سادگی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. و در اینجا، در مراسم مقدس مذبح، تو کاملاً حاضری، خدای من، که توسط مسیح مجروح جلال داده شده است: جایی که میوه فراوان نجات ابدی درک می شود، هر زمان که با وقار و فداکاری پذیرفته شوی. این نه بیهودگی، نه کنجکاوی، و نه نفسانی است که به این امر منجر می شود، بلکه ایمان راسخ، امید عابدانه و صدقه خالصانه است.

10. ای خالق نامرئی جهان، خدایا، چه شگفت انگیز با ما رفتار می کنی. چقدر شیرین و مهربانانه با برگزیدگان خود رفتار می کنید، کسانی که به آنها پیشنهاد دریافت همان را در آیین مقدس می دهید! زیرا این از هر فهمی فراتر است. این امر مخصوصاً دل شیفتگان را می کشاند و محبت آنها را شعله ور می سازد.

برای کسانی که به حقیقت شما وفادارند، که تمام زندگی خود را وقف پیشرفت می‌کنند، مکرراً از این با ارزش‌ترین مراسم مقدس، فیض بزرگ فداکاری و عشق به فضیلت را دریافت می‌کنند.

11. ای فیض شگفت انگیز و پنهان از راز، که فقط وفاداران مسیح آن را می دانند، اما کافران و کسانی که به گناهان خدمت می کنند نمی توانند آن را تجربه کنند! در این راز فیض معنوی اعطا می شود و فضیلت از دست رفته در روح بازیابی می شود و زیبایی که توسط گناه تغییر شکل یافته است باز می گردد. گاهی این فیض آنقدر زیاد است که از کمال ارادت اعطا شده، نه تنها ذهن، بلکه بدن ضعیف نیز احساس می کند که نیرویی که برای آن در نظر گرفته شده است بیشتر است.

12. با این حال، ما بسیار متأسفیم و متأسفیم از ولرم و بی‌تفاوتی خود، که با محبت بیشتری جذب مسیح نمی‌شویم، کسی که تمام امید و شایستگی نجات در اوست. زیرا او تقدیس و رستگاری ماست.

او خود مایه آسایش مسافران، و بهره ابدی اولیای الهی است. از این رو بسیار مایه تاسف است که بسیاری به این راز مفید که بهشت را شاد می کند و جهان را حفظ می کند، توجه چندانی ندارند. افسوس بر کوری و سختی دل انسان که به چنین موهبتی وصف ناپذیری بیش از این توجه نکند و از استفاده روزمره حتی به ناخواسته بگذرد!

I3. زیرا اگر این مقدس ترین مراسم مقدس فقط در یک مکان برگزار می شد و تنها توسط یک کشیش تقدیم می شد

در دنیا: فکر می‌کنی چقدر انسان‌ها از حسرت آن مکان و چنین کشیشی متاثر می‌شوند تا بتوانند اسرار الهی را جشن بگیرند. از تو سپاسگزارم ای بدبخت خوب، شبان ابدی، که سزاوار شدی با بدن و خون گرانبهایت ما را به ما فقیران و تبعیدیان برگردانی، و ما را به درک این اسرار نیز با خطاب زبان خود دعوت کنی، و گفتی: بیایید پیش من ای همه زحمتکشان و گران بارها، و من شما را بازگردانم.

در نظر گرفتن.

من نان زنده ام که از بهشت نازل شد. که زندگی را به جهان عرضه می کند. من شبان خوبی هستم که گوسفندان ساده و مطیع را سیر می کنم: اراده خود را رها کرده و در همه چیز از اراده من پیروی می کنم. من مانا هستم، شادی پنهان فرشتگان، عید پاک مسیحیان، شادی قدیسان.

فرشتگان را با دیدی باز خوشحال می‌کنم: و انسان‌های روی
زمین را در آیین من شریک می‌سازند. بگذار با بالاترین
احترام به سفره من نزدیک شوند

مسیحیان فردی».
به دختران صهیون بگو: اینک پادشاه شما حلیم نزد
شما می آید (متی 21: 5). اینک پادشاه شما نزد شما آمده
است. پادشاه خود را بنگر. نه زمینی، نه دنیوی، نه فانی،
بلکه ابدی و جاودانه در آسمانها. اینک او نیامد تا در جهان
سلطنت کند، بلکه نیامد تا جهان را با خون خود نجات
دهد. ببینید، پادشاه، پادشاه رومیان یا فرانک ها
نیست، بلکه پادشاه شاهان و پروردگار همه اربابان
است.

پادشاه خود را . . .
بنگرید که آرزویش را دارید، او را دوست دارید، به
او ایمان دارید و به او امید دارید. آسمان و زمین به
او وابسته است و هر موجودی تحت فرمان او اداره
می شود. هیچ کس نمی تواند در برابر این قدرت
مقاومت کند: همه چیز با خرد او تنظیم شده است.
ببین او می آید. او در طلا و نقره نیامد و لباس
ارغوانی و کتان نپوشید.
نه در اسب های مهار شده، نه در بازوان درخشان، نه در
صدای شیپور و غنچه:
اما در فروتنی و فقر، در فروتنی و صدقه. که او
ممکن است دوست داشته شود

---

[1] موعظه های زندگی و اشتیاق خداوند 29، ص 3، ص. 274، 1. 13.
ص 3، ص. 67، 1. 6 ،Ib. 2 Ib. 1. 7. - S

چگونه باید از او ترسید: تا گناهکاران را به سوی خود جذب کند نه اینکه آنها را از خود دور کند. او آمد تا به ضعف تو کمک کند: و بردباری در مصیبت را بیاموزد. او آمد تا از اشتهای زمینی به یاد بیاورد و به چیزهای آسمانی برود تا دوست داشته شود.

او آمد تا فضایل را تبلیغ کند و رذایل را پایان دهد. آمد تا فیض بریزد و با شیرینی تسلیت های آسمانی شادی کند.

او آمد تا شما را از همه چیزهای خوب پر کند و شما را از همه بدی ها نجات دهد. . . . او آمده است تا همه آنچه را که دارد به شما بدهد: و مهمتر از همه چیزهای خوبی که خود را به شما تقدیم کند تا برای همیشه از آن لذت ببرید. او به طرف سرگردان آمد; حقیقت برای جاهلان، زندگی برای مردگان: نور برای نابینا، طبیب برای بیمار. تسلی دهنده ای برای متروکان

C آه، اگر می توانستی به خوبی بفهمی و با دقت مشاهده کنی که این پادشاه جلال چه نوع عظمتی است. به راستی که درهای قلب خود را با محبت و محبت بالا می برید، و پادشاه جلال ابدی را نزد خود می آورید، زیرا با نهایت شادی، با افتخار بیکران، و آمادگی جدی، شایسته است که فلان پادشاه را دریافت کنید. زیرا اگر یک پادشاه زمینی یا یکی از شاهزادگان او برای شما پیامی بفرستد، فردا نزد شما خواهم آمد، جایی برای من آماده کنید، تا شما را عمارتی بسازم. شما چه فکر می کنید

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 2، ص 3، ص 71 مربع، 1. 29.

آیا اضطراب دارید و چقدر تعجب خواهید کرد؟ اکنون، اینک، پادشاه به شما دستور می دهد که از آسمان به وسیله نبی صحبت می کند (ام 4: 12)، که اسرائیل را برای ملاقات با خدای خود آماده کنید، زیرا من خواهم آمد و در میان شما ساکن خواهم شد. پس برای پذیرایی از این مهمان حجره دل خود را زینت دهید. زیرا او نه تنها می خواهد به شما بیاید، بلکه در شما ساکن شود.

و گویی به آرامی در رختخواب استراحت می کند.
تو پادشاه و خدای من هستی (مزمور ۴۳ و ۵). ناپاکی ام مرا به وحشت می اندازد، اما باز هم با خضوع و تقوای زیاد تو به سوی تو کشیده و کشیده می شوم. به تو پناه می برم، زیرا هیچ خوبی در خود نمی یابم 2.

فصل دوم.

خیر و نیکوکاری عظیم خداوند در مراسم راز به انسان عرضه می شود.

شاگردان Vo*.

1. بر اساس نیکی و رحمت بزرگ تو، پروردگارا، توکل، مریض به سوی منجی، گرسنه و تشنه به چشمه حیات، نیازمند به پادشاه آسمان، بنده پروردگار، مخلوق به خالق،

ص 75، 1. 3. -- تک گویی روح ج. 22، شماره من 5 .1 Ib

تسلی دهنده ی پرهیزگارم دلداری می دهد اما این از کجا برای من آمده است که تو به سراغ من بیایی؟ من کی هستم که باید خودت را به من عرضه کنی؟ چگونه جرأت می کند که یک گناهکار در برابر شما ظاهر شود؟ و چگونه می توانی به سراغ گناهکار بیایی؟ تو بنده خود را می شناسی و می دانی که خیری در او نیست، پس این را به او عنایت می کنی. از این رو به پستی خود اعتراف می کنم، نیکی شما را تصدیق می کنم، تقوای شما را می ستایم و از صدقه زیاد شما سپاسگزارم. زیرا شما این کار را به خاطر غرور خود انجام می دهید، نه به خاطر شایستگی های من. تا نیکویی تو به من بهتر شناخته شود، تا صدقه بیشتر نهادینه شود، و فروتنی کاملتر مورد ستایش قرار گیرد. پس چون این امر تو را خشنود می سازد و دستور دادی که این گونه شود، کرامت تو نیز مرا خشنود می سازد; و ای کاش گناه من پابرجا نمی ماند!

2. ای نازنین ترین و مهربان ترین عیسی، چقدر احترام و سپاس توام با ستایش همیشگی از پذیرایی از بدن مقدست که هیچ انسانی یافت نمی شود که قدر و منزلت آن را بیان کند! اما در این ارتباط چه فکر کنم که به پروردگارم نزدیک شوم که نمی توانم آنطور که باید از او قدردانی کنم و در عین حال میل به پذیرفتن عابدانه دارم؟ وای من فکر خواهم کرد

بهتر و سالم تر، مگر اینکه خودم را کاملاً در برابر تو فروتن کنم و خوبی بیکران تو را بر من برتری بخشم؟ ای خدای من تو را می ستایم و خود را تا ابد سرافراز می کنم. من خود را تحقیر می کنم و در اعماق حقارت تسلیم تو هستم.

3. اینک تو قدوس اولیاء هستی و من پلیدی گناهکارانم. اینک تو در برابر من سجده می کنی که شایسته نگاه کردن به تو نیستم.
ببین پیش من می آیی، می خواهی با من باشی، مرا به مهمانی خود دعوت می کنی. تو می خواهی غذای بهشتی و نان فرشتگان را به من بدهی تا بخورم: یقیناً جز تو ای نان زنده ای که از بهشت نازل شدی و به جهان حیات بخشیدی.

4. بنگر که عشق از کجا سرچشمه می گیرد، چه کرامتی می درخشد! چه سپاس و ستایش بزرگی برای توست! اوه، چه سودمند و مفید بود نصیحت شما در هنگام راه اندازی! چه ضیافت شیرین و دلپذیری بود، وقتی خودت را به عنوان غذا دادی! آه، کار تو چقدر شگفت انگیز است، پروردگارا! چقدر قدرت تو قوی است حقیقت تو چقدر معصوم است زیرا تو گفتی و همه چیز انجام شد و این امری که تو فرمودی انجام شد.

5. چیز شگفت انگیزی که شایسته ایمان و تسخیر فهم بشری است: این که تو، ای خداوند، خدای من، خدای حقیقی و انسان، در ظاهر متواضعانه نان و شراب، سالم می مانی و بدون مصرف وحش خورده می شوی. ای پروردگار جهان، که به هیچ چیز نیازی ندارد، تو می خواستی به واسطه ی راز خود در ما ساکن شوی.

قلب و بدنم بی آلایش؛ تا بتوانم با نگه دارید وجدانی شاد و پاک غالباً اسرار تو را جشن بگیرم و رستگاری ابدی خود را که تو آن را تقدیس کرده ای و برای افتخاری خاص و یادگاری جاودانه نهادی، tuum دریافت کنم.

6. روح من شاد باش و خداوند را به خاطر چنین موهبت شریف و آسایش بی نظیری که در این وادی اشک برایت باقی مانده است شکر کن. زیرا هر بار که این راز را به یاد می آورید و بدن مسیح را دریافت می کنید، هر بار که کار رستگاری خود را انجام می دهید و در تمام شایستگی های مسیح شریک می شوید. در واقع، صدقه مسیح هرگز کاهش نمی یابد، و عظمت کفاره او هرگز تمام نمی شود. بنابراین باید خود را با تجدید ذهن خود برای این امر آماده کنید و راز بزرگ رستگاری را با ملاحظه دقیق بسنجید. خیلی عالی، جدید

و باید برای شما خوشایند به نظر برسد، هنگامی که
جشن یا عشای ربانی را می شنوید، گویی در همان روزی
که مسیح برای اولین بار به رحم باکره ای نازل شده و
مرد شده است، یا آویزان شدن بر صلیب برای نجات
انسان ها رنج کشیده و مرده است.

در نظر گرفتن.

هر گاه مراسم عشای ربانی برگزار شود و قربانی
توسط کلام خدا تقدیس شود. خدای ما اغلب نزد مردم
می آید: او برای مردم از آسمان فرود می آید.
او می‌خواهد با مردمانی بماند که آنها را آفرید و آنها را
بازخرید کرد و می‌خواهد تا ابد شادی کند!
آه، خدا چه معجزات بزرگی در مراسم مقدس C ،
انجام می دهد. هیچ کاری غیر ممکن نیست که در آسمان و
زمین هر کاری که او بخواهد انجام دهد: برای جلال و یاد
ابدی نام مقدس او 2.
0 ای خداوند روح تو چه شیرین است (حکمت 12،) که
برای نشان دادن شیرینی خود به فرزندان فیض،
جانهای گرسنه را با شیرین ترین نانی که از بهشت
تهیه شده از کالاهای درونی پر کرد و ثروتمندان سخت
کوش را خالی کرد. هیچ کس زیباتر از تو نیست، هیچ
کس دوست داشتنی تر نیست: هیچ کس شما را نمی
شناسد

---

1 خطبه به مبتدیان 3o، ص 6، ص. 310، 4.
2 Ib. 309 ص، I. 20. —— 3 از سه خیمه
ج. 3، n. 6.

هیچ کس مقدس تر از تو نیست تو از همه خردمندان عاقل تر هستی: از همه ثروتمندتر، از همه بزرگتر. آسمانها از آن تو و زمین از آن توست (مزمور 88:12): دریا و هر چه در آنهاست.

به کوچکی و نیاز من نگاه کن ای عیسی مهربان. به محبت قلبم که نسبت به تو دارم توجه کن. نه به این دلیل که من لایق هستم، بلکه به این دلیل که شما مهربان هستید که از لمس و دوست داشتن افراد نالایق بیزار نیستید.»

من ضعیفم و درد دارم، روحم را شفا بده. من کور و برهنه هستم. تاریکی مرا روشن کن و مرا به فضایل راستین آراست.

اما هنوز به یاد و ستایش نام مقدست چه کنم؟ من مجبور بودم کارهای زیادی انجام دهم.

من به خیلی چیزها مدیونم و موظفم و به ندرت کفایت می کنم. من در تو شادی خواهم کرد، تو را ستایش خواهم کرد، تو را بزرگ خواهم کرد، تو را تجلیل خواهم کرد. من تو را با وقار پرستش خواهم کرد، زیرا تو خدای منی، که به او ایمان آوردم، او را دوست داشتم، او را جستجو کردم و همیشه به او امید داشتم. ای نازنین ترین و مهمتر از همه دوست داشتنی ترین عیسی، با عبادت ترین درود، بسیار ستوده شده، و اکنون و برای همیشه در برکت همه مخلوقات باش. بگذارید همه گروه های کر فرشتگان که همیشه در کنار شما هستند، برای من ستایش های بی اندازه بخوانند.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 5، ص 3، ص. 90، 1. 7. - ؟ تک گویی روح ج. 22، شماره 5. - 3 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 5، ص 3، ص. 89، 1. 29. * تک گویی روح ج. 22، شماره 4]

فصل سوم.

برقراری ارتباط اغلب مفید است.

صدای شاگردان.

1. اینک، خداوندا، نزد تو می‌آیم تا از هدیه تو برای من خوب باشد، و در ضیافت مقدست که در شیرینی خود برای فقرا آماده کرده‌ای، شادی کنم. بنگر، در تو تمام آنچه می توانم و باید آرزو کنم، وجود دارد. تو نجات و رستگاری، امید و قدرت، افتخار و جلال من هستی. پس همین امروز به جان بنده ات شیر بده، زیرا ای خداوند عیسی جان خود را به سوی تو برافراشتم. اکنون مایلم که شما را با عبادت و احترام پذیرایی کنم. من می خواهم شما را به خانه خود بیاورم، زیرا سزاوار آن هستم که شما با زکیوس برکت داشته باشم و در میان پسران ابراهیم بشمارم. روح من بدن تو را می خواهد، دلم در آرزوی اتحاد با توست.

2. خودت را به من بسپار و بس است. زیرا جدا از تو هیچ تسلی وجود ندارد. من نمی توانم بدون تو باشم و نمی توانم بدون دیدار تو زندگی کنم. و از این رو لازم است که به طور مکرر به شما نزدیک شوم و شما را به عنوان چاره ای برای نجات خود بپذیرم. مبادا شکست بخورم

در راه، اگر از صدقه بهشتی فریب خورده بودم.

زیرا تو که به رحمت‌ترین مصیبت رسیده‌ای که مردم را موعظه می‌کنی و به بیماری‌های مختلف رسیدگی می‌کنی، روزی گفتی: نمی‌خواهم آنها را روزه دار به خانه‌شان بفرستم، مبادا در راه شکست بخورند. پس با من که تو را به خاطر تسلی مؤمنان در مراسم راز گذاشتم، این کار را بکن. زیرا تو طراوت شیرین روح هستی و هر که تو را شایسته بخورد، شریک و وارث جلال ابدی خواهد بود.

به راستی برای من که اغلب زحمت می کشم و گناه می کنم و به سرعت بی حس می شوم و ضعیف می شوم لازم است که با دعاها و اعترافات مکرر خود را به ادراک مقدس بدن تو تجدید کنم، پاک کنم و برانگیزم. مبادا با پرهیز دیگر از هدف مقدس دور شوم.

3. زیرا حواس انسان از جوانی مستعد شر است; و اگر داروی الهی کمک نکند، انسان به زودی به بدتر می لغزد. بنابراین اشتراک مقدس از شر دور می شود و در خیر تقویت می شود. زیرا اگر اغلب اوقات بی‌دقت و ولرم باشم، وقتی ارتباط برقرار می‌کنم یا جشن می‌گیرم.

اگر دارو را مصرف نمی کردم و به دنبال کمک بزرگی نمی گشتم چه اتفاقی می افتاد؟

و اگرچه من هر روز مناسب نیستم، نه

به خوبی برای جشن گرفتن آماده شده است. tamen
تمام تلاشم را خواهم کرد تا در مواقع
مناسب به اسرار الهی پی ببرم و خود را در این
چیزها یکیهلفه فیض شریک سازم. زیرا این n-
تسلیاهای اصلی روح مؤمنان است، زیرا او در
کالبد فانی خود از شما دور شده است تا غالباً
خدای محبوب خود را یاد کند و ذهن عابد خود را
دریافت کند.

4. ای کرامت شگرف تقوای تو در اطراف ما، که
تو ای خداوندگار، خالق و حیات بخش به همه ارواح،
قدردانی کنی که به جان کوچکی بیایی و با تمام
الوهیت و انسانیتت به گرسنگی آن ضربه
بزنی! ای روان شاد و روح مبارک که سزاوار است از
تو، پروردگار خود، عابدانه پذیرایی کند و در
پذیرایی از تو سرشار از شادی معنوی باشد!

C آه، چه بزرگ پذیرای پروردگار است، چه میهمان
محبوبش را می آورد، چه خوشایند از شریکش
پذیرایی می کند، چه با وفا دوستش را می پذیرد،
چه زیبا و نجیب داماد را بالاتر از همه عزیزان، و
بالاتر از هر چیزی که دوست داشتنی است، در
آغوش می کشد! آسمان و زمین و همه زیورهایشان
از چهره تو ساکت باد عزیزترین من. چه ستایش
و زیبایی دارند، از سر کرامت

حاصل سخاوت توست و به جمال نام تو که حکمت اوست نمی رسند

یک عدد نیست

در نظر گرفتن.

به دنبال طراوت روحی روحی باشید که مسیح برای کسانی که به سفره بدن گرانبهای او نزدیک می شوند، آماده کرده است.

خوشا

به حال فقیر و گدای که هر روز برای نان بهشت می گذرد و تا یک خرده به دستش نمی رسد از دعای خضوع در برابر سفره خدا دست بر ندارد. خوشا به حال کسی که به شام بره فرا خوانده شود و تا به ضیافت مادر اعظم برسد، مراسم آیین را دریافت کند.

3

ای جان وفادار، کوشش کن تا خودت را چنان به مسیح، داماد آسمانی نشان دهی، تا همیشه شایسته فیض و تسلی او باشی، زیرا به واسطه او و در وجود او آنچه را در هر اضطرابی به تو آرامش می بخشد، فراوان می یابی. هر چه بیشتر به او نزدیک شوید و مال خود را به پهلویش بمالید، او برای شما شیرین تر و دلپذیرتر ظاهر می شود.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 30، ص 3، ص. 282، 1. 27. 2 موعظه برای نوآموزان 30، ص 6، -3 دره نیلوفرهای c, I3, n. 3. ص 308، 1. 19.

4 تک گویی از روح ج. 19، 4 .n.

اوست که شما را آفرید و فدیه داد. او برای شما کار
کرد، جنگید و پیروز شد. او وکیل و کفاره گناهان
شماست.
او تسلی دهنده، روزی دهنده و راهنمای شماست. او
تنها معشوق شماست که در میان نیلوفرها تغذیه
می کند و در سینه های شما ساکن می شود. چه کسی
تا به حال برای شما کارهای خوبی انجام داده است؟
آیا او شما را با چنین عشقی دوست داشت؟ به او
نزدیک شوید، برای او دعا کنید.

C ای عیسی ارجمند و بسیار دوست داشتنی!
به راستی که تو مانای پنهانی هستی که همه چیز را در خود لذیذ
داری و همه چیز را تسخیر می کنی

شیرینی عجیب ای بهشت لذت، ای باغ لذت ها.
تو سرچشمه دانایی، خورشید عدالت، نور جهان،
شادی بهشت، آرامش دل، تسلی روحی: امید در
مصیبت، پناه در وسوسه، کمک در هر نیازی.
تمام خوبی های من فقط در توست. ای خداوند خدای
نجات من، خود را به من بسپار و برای جان من
کافی است.

•

آمین [4].

---

2 خطبه در مورد زندگی و پس- — ج. 22، شماره من .Ib 1
3 دره — sion of Lord 7, P. 3, p. 100 ،متر مربع I. 7 29.
34، شماره 4 ؛ از نیلوفرهای ج. 28، شماره 3. -Ib 4. ج.

فصل چهارم.

این که بسیاری از کالاها برای کسانی که آن را خالصانه به اشتراک می گذارند تضمین شده است.

صدای شاگردان.

1. پروردگارا، بنده ات را در نعمت حلاوتت عنایت کن تا با عزت و ارادت به سعادت باشکوهت نزدیک شوم. قلبم را در خود به هیجان بیاور، و مرا از کسالت سنگین دور کن. در رستگاری خود مرا ملاقات کن تا شیرینی خود را در روح بچشم، شیرینی که در این راز کاملاً مانند چشمه پنهان است. چشمانم را نیز برای نگریستن به این راز نورانی کن و با ایمانی بی چون و چرا به آن ایمان بیاورم. زیرا این عملیات شماست، نه نیروی انسانی. نهاد مقدس شما، نه اختراع انسان. زیرا هیچ کس در خود شایسته درک و درک این چیزها نیست که حتی از ظرافت فرشته نیز فراتر می رود. پس من، یک گناهکار نالایق، خاک و خاکستر، باید چه چیزی را بتوانم به این راز ژرف مقدس تحقیق و کشف کنم؟

2. پروردگارا، در سادگی قلب من، با حسن نیت و ؛ به فرمان تو

با امید و احترام به شما نزدیک می شوم. و من واقعاً معتقدم که شما در اینجا در آیین مقدس حضور دارید، خدا و انسان. پس آرزو می‌کنی که من تو را پذیرفتم و عاشقانه با تو متحد شوم.

از این رو از تو خواهش می‌کنم، و از این جهت استدعا می‌کنم که فیض خاصی به من عطا شود، تا در تو ذوب شوم، و از عشق لبریز شوم، و دیگر نتوانم خود را در هیچ تسلی بیگانه ای غرق کنم. زیرا این بالاترین و شایسته ترین راز، رستگاری روح و جسم، داروی تمام ناتوانی های روحی است، که در آن رذیله هایم درمان می شود، هوس هایم مهار می شود، وسوسه ها غلبه می کنند یا کاهش می یابند، فیض بیشتر تزریق می شود، فضیلت زیاد می شود، ایمان تقویت می شود، امید تقویت می شود و صدقه شعله ور و گسترش می یابد.

3. زیرا تو چیزهای خوب زیادی عطا کردی، و هنوز هم اغلب در مراسم راز به عزیزانی که با عبادت آنها را شریک می‌شوند، می‌بخشی، خداوندا. n مال من، حامل جان من، ترمیم کننده ضعف های انسانی، و بخشنده همه تسلی درونی. زیرا تو آنها را در برابر مصیبت های گوناگون تسلیت فراوان می دهی و آنها را از ته دل اندوه خود به امید حمایت خود برمی گردانی و با نوعی فیض جدید آنها را در درون و

شما نشان می دهید که کسانی که در ابتدا مضطرب بودند و قبل از عشای ربانی خود را بی عاطفه احساس می کردند، سپس با غذا و نوشیدنی بهشتی شاداب می شدند، خود را برای بهتر شدن تغییر می یابند. از این روست که با برگزیدگان خود بی تفاوت رفتار می کنید تا آنها واقعاً تشخیص دهند و به وضوح تجربه کنند که چقدر از خودشان ضعف دارند و چه خیر و لطفی از شما می توانند به دست آورند. زیرا از خودشان سزاوار سردی و سختی و عابد بودن هستند، اما از جانب تو ﴿ سزاوار گرم و مشتاق و فداکارند.

چرا که با فروتنی به سرچشمه شیرینی، شیرینی اندکی را از آن پس نگیرد؟ یا کیست که در کنار آتشی فراوان، گرمای کمی از آن نبیند؟

و تو چشمه‌ای هستی که همیشه پر و فراوان، آتشی همیشه فروزان و هرگز خاموش نمی‌شود.

4. پس اگر نه از پری چشمه کشیدن و نه آشامیدن تا حد سیری جایز است دهانم را به دهانه لوله بهشت می گذارم تا لااقل برای رفع عطش قطره ای از آن بردارم و کاملاً خشك نشوم. و اگر هنوز نتوانم مثل کروبیان و سرافیم‌ها آسمانی و آتشین باشم، همچنان برای ارادت خواهم کوشید.

تا اصرار کنم و قلبم را آماده کنم تا از مصرف حقیرانه راز حیات بخش، شعله کوچکی از آتش الهی به دست بیاورم. هر چه کم دارم، ای لسوس خوب، ای مقدس ترین نجات دهنده، تو با مهربانی و مهربانی برایم عرضه می کنی، که قدردانی کرده ام که همه را به سوی تو بخوانم و می گویی: ای همه زحمتکشان و بار گران به سوی من بیایید و من شما را بازگردانم.

5. به راستی که در عرق صورتم زحمت می کشم، از درد دل عذابم می دهد، بر گناهانم سنگینی می کند، از وسوسه ها مضطرب می شوم، گرفتار و تحت ستم بسیاری از شهوات شیطانی هستم. و هیچ کس نیست که کمک کند، هیچ کس نیست که آزاد کند و نجات دهد، جز تو ای خداوند خدا، نجات دهنده من، که من خود و همه چیزهایم را به او متعهد می کنم تا مرا حفظ کنی و به زندگی جاودانی رهنمون شوی. مرا برای ستایش و جلال نام خود بپذیر که بدن و خون تو را برای خوردن و آشامیدن من آماده کردی. خداوندا، نجات دهنده من، عطا کن که با تکرار راز تو، احساس ارادت من افزایش یابد.

در نظر گرفتن.

هر مکان مقدسی باید همیشه مورد احترام ما باشد: به دلیل خیرات فراوان توماس آ کمپیس اییمیت. اد. 3.

چیزهایی که معمولاً هنگام نماز خواندن به متدین تقدیم می شود. . . . در آنجا کشیشی که در حال جشن گرفتن است
به خداوند قربانی می‌دهد که شایسته همه قربانی‌ها باشد:
در آنجا، ارتباط دهنده مقدس ترین بدن دومینیک را دریافت می کند، غذای فرشتگان شایسته هر هدیه! در کدام مکان انسان با الوهیت، پست ترین با بالاترین، زمینی با آسمانی متحد می شود: از طریق عبادات مسیحی که در آنجا به آن پرداخته می شود و توسط کاهنان در توده های مردم جشن می گیرد 2

عیسی نجات دهنده جهان است. او امید پرهیزگاران، تسلی عابدان، آرامش حلیم فقرا، جلال فروتنان، قوت ضعیفان، راه سرگردانان، نور نابینایان، عصای لنگان، مسح خشکان، تسلی مظلومان، آسایش گرفتاران و همه خوبی هاست. از طریق او به پدر دسترسی خواهید داشت و از او همه فیض به شما داده می شود و فضیلت بیشتری تزریق می شود. هر که از این چشمه آب بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد. زیرا او منبع همه تسلی‌هاست. او همچنین بهشتی از تمام لذت ها دارد.

V به راستی پروردگارا او در زیبایی و جلال و در ثروت و قدرت مانند تو نیست

---

1 خطبه به مبتدیان 30، ص 6، ص. 307، 1. 4
2 Ib, 28, P. 6, P. 286, 1. 12. — 8 n. تک گوویی
I. -5 De روح Ib - .C. 24, n. 5 ج 22، تنهایی و سکوت
ج. 2، 34 .D.

خیمه، نه در آسمان و نه در زمین. زیرا تنها تو بالاتر از همه خلقت هستی. چیزهای زیادی به مخلوقات بخشیده ای که زیبایی و حکمت و خوبی تو از آنها می درخشد. اما هیچ چیز در مقایسه با حضور مبارک و باشکوه. روح من به تو می چسبد و تو را بیش از هر چیزی که داده شده دوست دارد، هر چند زیبا و شیرین که مرا از عشق بدبخت می کنی. چون داماد تنها تو هستی، بقیه هدیه و نشانه عشق است.

(

من آنها را برای تو دوست نخواهم داشت و باور نمی کنم که بدون تو همه چیز برای من کافی است، مبادا تو را با آنها از دست بدهم.

قلبم را در شریعت مقدست بگشا، شادی نجاتت را به من عطا کن، دلم را بگشا تا راهت را بدوم، مرا در سخنانت تقویت کن. زیرا کسی نیست که بتواند ما را حفظ کند، کسی نیست که ما را نجات دهد، ما را به زندگی ابدی به جز شما برساند

I خدایا وقتی دعا می کنم، وقتی ناراحت می شوم، وقتی شاد می شوم، وقتی سالم هستم. در همه چیز خود را به تو می سپارم و تو را تا ابد برکت می دهم. پس عطا کن که بتوانم از تو با سعادت لذت ببرم و در پیوندی لذت بخش با تو برای ابد برکت داشته باشم.

---

[1] تک گویی روح ج. 17، شماره 7. - 2 اب، ج. 16، n. 8. 3 دره
Soliloquiumn animae c 22, n. 5. - 5 -- .3 نیلوفرها ج. 28، شماره
Ib. 16 ج، n. 8.

فصل پنجم

در شأن مقدس و دولت کاهنی.

شما عزیزان

1. اگر خلوص فرشته‌ای سنت جان et باپتیست را داشتید، شایسته دریافت یا انجام این آیین مقدس نبودید. زیرا سزاوار مردم نیست که مردی راز مسیح را پنهان کند و عمل کند و نان فرشتگان را برای غذا بگیرد. خدمت بزرگ و کرامت بزرگ کاهنان به آنها داده شد که به فرشتگان داده نشد. زیرا فقط کشیشانی که به درستی منصوب شده اند در کلیسا قدرت جشن گرفتن و تقدیس بدن مسیح را دارند.

یک کشیش در واقع وزیر خداست، با استفاده از کلام خدا، به دستور و قرار خداوند. اما خداوند در آنجا مؤلف اصلی و عملگر نامرئی است که هر چه بخواهد و هر چه دستور داده است تابع اوست.

2. بنابراین باید در این عالی ترین راز به خدای متعال ایمان داشته باشید تا به معنای خود یا به هر نشانه ای که قابل مشاهده باشد. بنابراین باید با ترس و تکریم به این کار نزدیک شویم. توجه کنید

برای شما و ببینید، که خدمت او با گذاشتن دست اسقف به شما رسید. اینک، تو را کاهن ساختند و برای جشن گرفتن تقدیس کردند. اکنون ببین که با وفاداری و عبادت به موقع برای خدا قربانی می کنی و خود را بی تقصیر نشان می دهی. شما بار خود را سبک نکرده‌اید، اما اکنون به پیوند نظم و انضباط نزدیک‌تر شده‌اید، و برای اینکه به کمال قدوس‌تر برسید، یک کشیش باید به همه فضایل آراسته شود و سرمشق زندگی خوب برای دیگران باشد. گفتگوی او با روش های رایج و رایج مردم نبود، بلکه با فرشتگان آسمانی یا انسان های کامل روی زمین بود.

3. کاهن، ملبس به جامه های مقدس، فراز و نشیب مسیح را می پوشد، به طوری که تضرع می کند و فروتنانه از خدا برای خود و برای همه مردم درخواست می کند. او در جلو و پشت سر خود علامت صلیب یکشنبه دارد تا مصائب مسیح را مدام به یاد آورد. او صلیب را در کلبه جلوی خود حمل می کند تا بتواند گام های مسیح را با دقت مشاهده کند و مشتاقانه برای دنبال کردن آنها تلاش کند. او با صلیب پشت سر او امضا شد تا هر گونه ناملایماتی را که دیگران بر او وارد می کنند، با مهربانی برای خدا تحمل کند. او یک صلیب را در مقابل خود حمل می کند تا برای گناهان خود عزاداری کند. پشت سر او و همچنین دیگران

از شفقت گریه کند و بداند که میان خدا و گنهکار منصوب شده است و از دعا و نذری بی حس نشود تا سزاوار فیض و رحمت شود. هنگامی که کشیش جشن می گیرد، خدا را گرامی می دارد، فرشتگان را شاد می کند، کلیسا را می سازد، به زنده ها کمک می کند، به مردگان آرامش می دهد و خود را در همه چیزهای خوب شریک می سازد.

در نظر گرفتن.

از جمله، انجام عبادت الهی می درخشد، و خانه نماز را روشن می کند: و کسانی را که وارد کلیسا می شوند به دعا بر می انگیزد، و قلب مؤمنان را به عشق الهی می سوزاند: هنگامی که کاهنان، ملبس به لباس های مقدس، با احترام به محراب نزدیک می شوند، توده های مذهبی را جشن می گیرند. بنابراین، در هر کجای کلیسا، این مناصب عابدانه و مقدس با احترام و پشتکار در زمان مقرر انجام می شود. خدا در آنجا ساکن است، آنجا ریاست می کند، تعلیم می دهد و حکومت می کند: همانطور که یوحنای مبارک در آخرالزمان می گوید (مکاشفه 21: 3). خیمه خدا را با مردم بنگرید و او با آنها ساکن خواهد شد.

---

[1] خطبه های نوآموزان 28، ص 6، ص. 282، 1. 20.

2 Ib. 16 .1 ،285 .ص

هنگامی که قربانی مقدس در دستان کشیش در قربانگاه بلند می شود و به مردان نشان داده می شود که مورد تحسین قرار می گیرند. سپس مسیح که برای ما رنج کشید و مصلوب شد، در زیر حجابی عرفانی حاضر می شود:

واقعاً مورد تحسین قرار گرفته، با عبادت مورد استناد قرار گرفته، شایسته تجلیل است. در آن ساعت، در حالی که مسیح در قربانگاه بین دستان کاهن برای نجات زندگان و مردگان به خدای پدر تقدیم می‌شود، مواظب باشید که خود را با تمام چیزهایی که در دعاهایتان به شما توصیه می‌شود، تقدیم کنید، برای به دست آوردن و تصاحب نجات ابدی و برای اینکه همه در این گرانبهاترین قربانی شریک باشند، زیرا قربانی بر روی صلیب تمام قربانی جهان کافی است.

C ای کلیسای مادر مبارک، خدا واقعاً با تو پنهان است. گنج بی نهایت، رستگاری فراوان: و رستگاری ابدی! ای نازنین ترین دوست، در پیشگاه همه 1 عزیزان با نیکوترین افتخار پذیرفته شوی! او از چنان وقار و نجابتی برخوردار است که هیچ موجودی و هیچ موجودی آنقدر قوی و زیبا نیست که به او تقدیم یا شبیه سازی شود. و باز چنان فروتنی و نیکی است که راضی نمی شود به سراغ مردی فقیر و ناتوان بیاید و زیر سقف او وارد شود*

---

[1] Ib. 3o، 18 .1 ،310 .ص 6، ص. — 2 رساله 5،
8 خطبه به نوآموزان 30، ص 6، ص. 309 — نه 3.
4 در باب تنهایی و سکوت ج. 2، نه 32 33. — 12 .1

فصل ششم

سوالی در مورد ورزش قبل از عشای ربانی

صدای شاگردان.

1. وقتی کرامت تو را پروردگارا و حقارت خود را در نظر می گیرم، سخت می لرزم و در درون خود حیران می شوم. زیرا اگر نزدیک نشوم، برای جان من از زندگی فرار می کنم؛ و اگخود می گریزم. رفتار ناشایستی داشته باشم متحمل اهانت می شوم. پس ای خدای من، یاور و مشاور من در مواقع ضروری چه کنم؟

2. راه درست را به من یاد می دهی. تمرین کوتاهی متناسب با عشای ربانی پیشنهاد کنید. زیرا مفید است که بدانم باید با چه عبادت و احترامی قلبم را برای تو آماده کنم تا بتوانی به سلامتی آیین مقدست را دریافت کنی یا حتی یک قربانی بسیار بزرگ و الهی را جشن بگیرم.

در نظر گرفتن.

خوشا به حال آن روحی که همیشه برای این داماد و نازنین ترین دوستی که پیش او می آید خانه ذهن را آماده می کند و با تهیه آن مراقبت می کند که هر روز آن را تمیزتر کند! یقیناً او که قبل از پاک شدن در آن با کمال میل وارد می شود

گرفته بود، به اینجا رسید تا تاریکی آن را از بین ببرد و آن را برای خود پاک کند.

خداوند عیسی بیا و مرا پاک کن. مرا بشور و پاک کن تا ۱ سزاوار آن باشم که تو را با دلی پاک و تنی پاکیزه بپذیرم، زیرا بی تو بودن برایم خوب نیست.

فصل هفتم.

بحث در مورد خودآگاهی و هدف از بهبود.

صدای معشوق.

1. بالاتر از همه، با نهایت فروتنی قلب و احترام به موضوع، با ایمان کامل و نیت خداپسندانه برای تکریم خداوند، کشیش باید برای جشن، درمان و دریافت این مراسم مقدس به خدا نزدیک شود. وجدان خود را مجدانه بررسی کنید و بر حسب توانایی خود با پشیمانی واقعی و اعتراف فروتنانه پاک کنید و آن را روشن کنید: به طوری که هیچ چیز سنگینی نداشته باشید یا ندانید که باعث پشیمانی شما شود و مانع دسترسی آزاد شما شود. به طور کلی از همه گناهان خود ناخوشایند باشید و مخصوصاً برای افراط و تفریط روزانه بیشتر غصه بخورید و عزاداری کنید. و

---

1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 2، نه 34.

اگر زمان اجازه داد، در راز دلت به خدا اعتراف کن که تمام بدبختی هایت را.

2. ناله و غصه بخور که هنوز اینقدر نفسانی و دنیوی هستی; چنان جاودانه شده از علایقش، چنان پر از احساسات شهوانی. از نظر ظاهری آنقدر بی‌احفاظ، که اغلب درگیر بسیاری از خیالات بیهوده است. بسیار متمایل به بیرونی، آنقدر بی تفاوت نسبت به درونیات. خنده و حل شدن بسیار سبک است، خشم و سرزنش آنقدر سخت است. آنچنان آماده برای سستی و لذت های جسمانی، چنان تنبل برای سخت گیری و شور. آنقدر کنجکاو برای شنیدن چیزهای جدید و نگاه کردن به زیباها، آنقدر در آغوش گرفتن افراد پست و طرد شده. آنقدر حریص برای داشتن زیاد، آنقدر کم برای دادن، آنقدر سرسخت برای حفظ کردن. در سخن گفتن بسیار بی احتیاط، در سکوت آنقدر بی اعتنا. در آداب خود بسیار ناسازگار، در اعمالش بسیار ، مهم است. آنچنان بر غذا ریخته شد و در برابر کلام خدا ناشنوا بود. خیلی سریع برای استراحت، خیلی کند در کار. آنقدر بیدار از n افسانه ها، آن قدر خواب آلود برای شب زنده ، داری های مقدس.

خیلی عجولانه تا آخر، خیلی مبهم

مورد توجه قرار گیرد؛ آنقدر در پرداختن ساعتها بی دقتی، در جشن گرفتن آنقدر ولرم، در برقراری ارتباط آنقدر خشک. خیلی زود حواسش پرت می شود، خیلی به ندرت به طور کامل با شما جمع می شود.
به طور ناگهانی به خشم رفت، به همین راحتی باعث نارضایتی دیگری شد. آنقدر متمایل به قضاوت، آنقدر سخت به عقل.
در رفاه آنقدر شاد و در سختی ضعیف.
بنابراین اغلب چیزهای خوب زیادی را پیشنهاد می‌کنند، و به نتیجه نمی‌رسند.

3. پس از اعتراف و تأسف این شکست ها و دیگر شکست های خود با درد و ناراحتی شدید از ضعف خود، تصمیم قاطعانه ای بگیرید که همیشه زندگی خود را بهبود بخشیده و به سمت بهتر شدن پیشرفت کنید. آنگاه با استعفای کامل و اراده کامل، خود را به احترام نام من در قربانگاه قلبت به عنوان هولوکاست جاودان عرضه کن و جسم و روحت را با وفاداری به من بسپار، تا آنجا که سزاوار آن هستی که به عنوان قربانی به خدا نزدیک شوی و تقدیس تن من را در سلامتی دریافت کنی.

4. زیرا هیچ تقدیمی شایسته تر و رضایتی بیشتر برای کفاره گناهان وجود ندارد که خود را به طور خالص و کامل با تقدیم جسد مسیح به صورت دسته جمعی و در جمع تقدیم کنیم.

تقدیم اشتراک به خدا اگر کسی آنچه را در اوست انجام دهد و واقعاً توبه کند، هر بار که برای آمرزش و فیض نزد من می‌آید: خداوند می‌گوید من زنده‌ام، که مرگ گناهکار را نمی‌خواهم، بلکه او را می‌خواهم که ؛ تبدیل شود و زنده شود، زیرا گناهکاران او را دیگر به یاد نمی‌آورم، بلکه همه او را خواهند بخشید.

در نظر گرفتن.

من ترحم را به جای عصبانی شدن انتخاب می کنم، ترجیح می دهم به جای تنبیه ببخشم. من آنقدر پرهیزگار و مهربانم که همیشه برای بخشش بیشتر از تو برای توبه آماده‌ترم برای بخشش تا درخواست تو. پس چرا می ترسی، از چه می ترسی که به آغوش این همه رحمت نزدیک شوی؟ و چرا باید خود را از فیض من که اینقدر آزادانه ارائه شده بیگانه کنی؟ پیامبر در مورد من چه می گوید؟ او می‌گوید: «به او نزدیک شوید و او را تهدید کنید تا چهره‌هایتان شرمنده نشود» (مزمور 33:6). من نادر بودن رویکرد شما را بیش از رویکرد مکرر شما، و شرم آورتر از یک فرض آماده برای بخشش سرزنش می کنم. اعتماد به خوبی من نشانه فروتنی واقعی و ایمان بزرگ است. اینها را می گویم تا گناه نکنید. اگر گناه کردی، ناامید نشو، بلکه زود برخیز. (

[1] تک گوویی روح ج. 18، شماره 4 5.

با فروتنی و پشیمانی باید به چاره اعتراف به سرعت متوسل شد، زیرا به سرعت از خداوند آمرزش خواهد گرفت: هر که واقعاً برای گناهان خود اندوهگین شود، برای جبران بقیه پیشنهاد می کند.

از ترس خدا زندگی خود را به گناهان بسیار آلوده کردم. اما به اشکهای من نگاه کن که برای آنها جلوی چشمانت ریختم. زیرا می دانم که خیر در من ساکن نیست و تا زمانی که بدن فانی می پوشم از گناهان پاک نمی شوم. بنابراین من هر روز بد می کنم و گناه می کنم، و بدتر از آن، رنج بسیاری می کشم تا بدون ناله و پشیمانی از بین برود. زیرا من اغلب درگیر چیزهای بیرونی و کنجکاوی های بیهوده هستم و نمی توانم به این سرعت به گریه های نجات بخش برگردم. به همین دلیل است که تاریکی گناهان به شدت در وجودم تکثیر می شود و سرچشمه های فیض را مسدود می کند و رگ های تسلی الهی را نمی پذیرد. یدکی

n پروردگارا از من در امان باش از آن توست که دلی نو ببخشی و دلی پاک بیافرینی و در آنجا سرایی مهیا کنی تا آرامگاه تو و خیمه نام تو شود که دوستدار پاکی و میزبان وجدان پاکی هستی 3

---

1 خطبه به نوآموزان 8، ص، 6، ص. 59، 1. 27
2 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 26، ص 3، ص 239، 1، 2.
3 تک گویی روح ج. 3، نه من 3.

فصل هشتم.

در مورد تقدیم مسیح بر روی صلیب و استعفای خود

صدای معشوق.

1. همانطور که من با دستهای دراز و بدن برهنه بر روی صلیب، داوطلبانه خود را برای گناهان شما به خدای پدر تقدیم کردم، به طوری که چیزی در من باقی نماند، بلکه همه به قربانی مماشات الهی رفتند.
پس باید، و می ترسید، او را داوطلبانه به عنوان هدیه ای پاک و مقدس، هر روز در مراسم عشای ربانی، با تمام قدرت و محبت خود، تا جایی که می توانید، به من تقدیم کنید. من از شما چه چیزی بیشتر از این می خواهم که سعی کنید خود را کاملاً به من بسپارید؟
من به چیزی که تو می دهی، جز خودت اهمیتی نمی دهم، زیرا من به دنبال آنچه به تو داده شده نیستم، بلکه تو را می جویم.

2. همان طور که جز من داشتن هر چه داری برای تو کافی نیست، اگر به تو تقدیم نکنم، هر چه می دهی، برای من نیز ممکن نیست که تو را راضی کنم.
خودت را به من تقدیم کن و همه ی خودت را برای خدا بسپار تا پیشکش پذیرفته شود. اینک من همه خود را برای شما به پدر تقدیم کردم. من هم تمام بدن و خونم را دادم

غذا، تا من کاملاً مال تو باشم و تو مال من بمانی.
اما اگر در خود بای‌ستی و داوطلبانه خود را به خواست من عرضه نکنی، نه تقدیم کاملی است و نه اتحاد بین ما کامل خواهد شد. بنابراین، اگر می خواهید به آزادی و فیض دست یابید، باید مقدم بر همه کارهای شما، تقدیم خود به خود به دست خدا باشد. به همین دلیل است که تعداد کمی از درون روشن و آزاد می شوند، زیرا نمی دانند چگونه خود را به طور کامل انکار کنند.

این جمله محکم من است: تا کسی از همه چیز دست نکشد، نمی تواند شاگرد من باشد. پس اگر می خواهی شاگرد من باشی، خودت را با تمام محبتت به من عرضه کن.

در نظر گرفتن.

کیست که توانسته است حتی در حد کوچک از او تقلید
او هر که باشد برای من محبوب است. شود؟
اگه دوست داری دنبالم کن سپس، فقیر و برهنه، ؛
سرانجام بر صلیب آویزان شدم.
سپس تو را در آغوش می گیرم؛ وقتی تمام محبت های
دلت را به سوی خود می کشم: تا در موجودات چیزی نباشد
که تو را به سوی خود بکشاند یا جذبت کند. ...
و آنگاه مرا در آغوش خواهی گرفت. وقتی در اعماق قلب

---

1 بر سه خیمه ج. 1، 9 .n.

احساس می‌کنی با محبت با من متحد شده‌ای، و آنقدر سخت می‌چسبی: و آرزو می‌کنی که کاملاً مال من باشی، و چیزی از عشق خصوصی برای خود نگه داری. سپس می توانید با عروس در آهنگ ترانه ها آواز بخوانید. محبوب من برای من است و من برای او؛ کسی که در میان نیلوفرها تغذیه می کند (سرود 2:16). اگر داوطلبانه خود را رها می کنی و همه چیزهای زمینی را تحقیر می کنی. من تو را در خانواده خود می پذیرم و تو را در فضایل غنی می سازم. زیرا کسی که به من فداکار بوده و به من کاملاً وقف شده است، من دوباره به روی او کاملاً باز خواهم بود. به همین دلیل است که من خدای انسان متجسد هستم: تا انسان در من همیشه برکت داشته باشد. من خودم را تماماً به انسان سپردم: انسان تماماً وقف من خواهد بود. زیرا لذت من از فرزندان انسان است (امثال 8:31).

که آمده ام تا ملکوت آسمان را نیز به او بدهم.

و از طریق تحقیر دنیا به همراهی ابدی فرشتگان منتهی شود،

خودت را به خدا و هر چه داری بسپار.

هر کاری می کنی به او بده، که می دانی و می توانی، و نزد خدا از آنچه بودی ثروتمندتر و عزیزتر خواهی بود. اراده تو همیشه در من انجام شود.

---

1 موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 8، ص 3، ص. 113
مربع، 1. 22. - ? 3 .Valley of the lilies C, 26, n.
$ بیمارستان فقرا ج. 17، D. I

فصل نهم

باید خودمان و هر چه داریم را به خدا تقدیم کنیم و برای همه دعا کنیم.

صدای شاگردان.

1. خداوندا، همه چیز از آن توست، چه در آسمان و چه در زمین. می خواهم خودم را به عنوان یک پیشکش رایگان به تو تقدیم کنم و برای همیشه از آن تو بمانم. پروردگارا، در سادگی قلبم، امروز خود را به عنوان بنده ای جاودان، در طاعت و به عنوان قربانی ستایش جاودان به تو تقدیم می کنم. مرا با این هدیه مقدس بدن گرانبهایت که امروز در حضور فرشتگان به تو کمک می کنم بپذیر تا برای من و همه قوم تو در رستگاری باشد.

2. خداوندا، همه گناهان و گناهانم را که از روزی که اولین بار گناه کردم تا این ساعت در محراب آرامش خود در حضور تو و فرشتگان مقدست انجام داده ام، تقدیم تو می کنم تا همه آنها را با آتش صدقه خود بسوزانی و بسوزانی و تمام لکه های گناهانم را پاک کنی و وجدانم را از هر گناهی پاک کنی.

فیض خود را که با گناه از دست داده‌ام، برای من مستقر کن و مرا در همه چیز به‌طور کامل درگیر کرده و با مهربانی مرا به بوسه‌ای آرامش ببخش.

3. برای گناهانم چه کنم جز با اعتراف و زاری و زاری و استغفار بی وقفه؟ خواهش می کنم n که در جایی که من در برابر تو ایستاده ام، بیشتر به من گوش کن، ای خدای من. تمام گناهان من برای من ناخوشایندتر است و دیگر نمی خواهم آنها را مرتکب شوم. اما من برای آنها اندوهگین هستم و تا زمانی که زنده هستم، حاضرم تا توبه کنم و تا جایی که بتوانم رضایت داشته باشم. خدایا مرا ببخش، گناهانم را ببخش، به خاطر نام مقدست، جانم را که با خون گرانبهایت فدیه دادی نجات بده. اینک من خود را به رحمت تو می سپارم، خود را به دست تو می سپارم. با من به نیکی خود رفتار کن نه بر اساس شرارت و نابکاری من.

4. من نیز همه کالاهایم را به شما تقدیم می‌کنم، هر چند بسیار اندک و ناقص است. تا آنها را بخرید و تقدیسشان کنید. تا آنها را بپذیری و مورد قبول خود قرار دهی و همیشه برای چیزهای بهتر تلاش کنی. و نه به خوشبختی

رهنمون مکن، مردی و مرا به عاقبتی ستودنی
تنبل و بی سود.

5. همچنین تمام خواسته های پرهیزگاران، نیازهای پدر و مادر، دوستان، برادران، خواهران و همه عزیزان و کسانی را که به خاطر محبت شما به من یا دیگران نیکی کرده اند و خواسته اند و از من خواسته اند که برای خود و برای همه خود دعا و عزاداری بخوانم، به شما تقدیم می کنم. آیا آنها هنوز در جسم زندگی می کنند، یا اینکه قبلاً در جهان مرده اند.

تا همگان احساس کنند که یاری لطف شما، یاری تسلی، محافظت از خطرات، رهایی از عقوبت ها به سراغشان می آید و از همه بدی ها رهایی می یابند و با شادمانی از شما سپاس فراوان بجا آورند.

6. همچنین برای شما دعا و قربانی می‌کنم،) مخصوصاً برای کسانی که به هر نحوی مرا مجروح، اندوهگین یا سرزنش کرده‌اند و یا باعث آسیب و ناراحتی شده‌اند. برای همه اینها نیز که زمانی آنها را با گفتار و کردار دانسته یا ندانسته اندوهگین و مزاحم و آزارشان داده ام و آنها را رسوا کرده ام تا گناهان و گناهان متقابل همه ما را ببخشی. پروردگارا، همه سوء ظن را از دل ما دور کن، ıostra

خشم، خشم و مشاجره، هر آنچه که می تواند صدقه را جریحه دار کند و عشق برادرانه را et کاهش دهد. رحم کن، رحم کن، پروردگارا، رحمتت. n

به کسانی که درخواست می کنند، به نیازمندان فیض عطا کن. و ما را به گونه ای به وجود آور تا از لطف شایسته تو برخوردار شویم و در زندگی به سعادت برسیم - آمین.
موش ابدی

در نظر گرفتن.

ای پدر مهربان، از حرم خود و از خانه بلند آسمان بر قربانی مورد قبول تو بنگر. به قربانی مقدس پسر یگانه خود بنگر که برای ما به صورت تو تقدیم می کند. زیرا او کاهن اعظم و پاپ واقعی است که قربانی دیگری را نداد، بلکه بدن خود را داد تا در قربانگاه صلیب برای زندگی جهان قربانی شود. پس امروز از طریق این قربانی نجات بخش من را که گناهکار هستم، جبران کن. به مرد ضعیف من، بسیار ضعیف و گناهکار رحم کن:

که نه شایستگی نگاه کردن به آسمان و نه پا گذاشتن بر زمین را ندارم، زیرا من تو را آفریدگارم بسیار آزرده ام، اغلب با رفتار، سخن گفتن، و اندیشیدن بر خلاف احکام تو بی احتیاطی و بی معنی.

---

[1] سخنرانی در مورد اشتیاق خداوند 1، ص 3، ص 333، 1. 6.

با توجه به عطای لطف تو با این حال، پدر خوب، که همه هدای‌ای او چیزهای خوب است، می دانم که شما به هیچ چیز نیاز ندارید، اما چیزهای کوچک ما شما را خوشحال می کند، اگر ببینید که از روی عبادت و خود به خود به شما تقدیم می شوند. بنابراین من هر چیزی و اندکی را که ممکن است به پسرم از دست بدهم تقدیم می کنم، فدای عشق شما خواهم شد. زیرا آنچه به شما تقدیم می‌اشود برای من بهتر است، و با این حال پاداش آینده برای کسانی که آن را به رایگان تقدیم می‌اکنند کم نخواهد بود. اگر کسی جرأت کند خود را بدون تردید در اختیار شما بگذارد، حتماً خود را به او باز می‌اگردانید... حالا)

اگر شما راضی به پذیرش هستید، ببینید من خودم را با کمال میل تقدیم می‌اکنم و روح و جسمم را با اطمینان در اختیار شما می‌اگذارم.

و اراده شایستگی که در آن هیچ چیز غنی‌اتر به تو تقدیم نمی‌اشود، از این ساعت و از این پس، با قلبی آماده استعفا می‌ادهم، همانطور که پسر محبوبت، مسیح خداوند ما، اراده‌اش را به تو متعهد کرد، تا در انکار خود نجات ما را به دست آورد و به کسانی که صادقانه از او پیروی می‌اکنند در سخنرانی کوتاه و کاملی که او گفت، شکلی ببخشد. پدر من، نه آنطور که من می خواهم، بلکه همانطور که تو می خواهی، اراده تو انجام شود.

امروز مرا در هدیهٔ مقدسی که هیچ چیز مقدس و عالی تر از آن وجود ندارد، که به دست کاهنان شما هر روز برای زنده ها و مردگان و برای تمام نیازهای ما با احترام به شما تقدیم می شود، بپذیرید. باشد که این چیزها با تمام دعاهای من خوب پیش برود

---

1 آی‌ب، ص. 337 متر مربع، 1. 25.

دروغی که نیاز و ایمانش برای شما معلوم است، خواه در این جشن بزرگ حاضر باشند یا غایب. دعا و عبادت ایشان به شما برسد، فضیلت و کارآمدی وصف ناپذیر راز را که از نظر الهی نهادینه شده است، نه برای تحقیق و تفحص از سوی انسان، بلکه برای پرستش با تقوا و پرستش صادقانه، ایمان راسخ و ادامه یافتن تا آخر دنیا، برای رستگاری با ایشان همکاری کنید.

از تو می خواهم، بندگانت را در سراسر جهان پراکنده نگه دار، و در عین حال مخصوصاً به خدمت تو منصوب شده اند. کاری کن که ستایش تو را بخوانند و جلال تو را همه جا با یک صدا اعلام کنند. قلب آنها را قوی برانگیزید. در عشق تو و به آنها عطا کن که تمام کارهای خود را با پایانی مقدس به پایان برسانند،

فصل X

آن اشتراک مقدس را نباید به راحتی ترک کرد.

شما عزیزان

1- ما اغلب باید به منبع فیض و رحمت الهی، به منبع خیر و پاکی متوسل شویم: تا آنجا که

---

1 Orationes de Passione Domini 1, P. 3, p. 336، 1. I3. 2 2 تک گوویی روح ج دوم، ن،

باشد که بتوانید از هوسها و رذایل خود مراقبت کنید و سزاوار آن باشید که در برابر همه وسوسه ها و فریب های شیطان قوی تر و هوشیارتر شوید. دشمن با دانستن ثمره و بزرگترین وسیله قرار داده شده در عبادت مقدس، به هر وسیله و فرصتی میکوشد تا آنجا که میتواند جلوی مؤمنان و فداکاران را بگیرد.

2. زیرا هنگامی که برخی خود را برای انطباق با عشای ربانی ترتیب می دهند، از نفوذهای بدتری از سوی شیطان رنج می برند. خود روح، چنانکه در لوب نوشته شده است، در میان فرزندان خدا می آید تا با شرارت همیشگی آنها را آزار دهد، یا آنها را بیش از حد ترسو و متحیر سازد: تا آنجا که از محبت آنها کاسته شود، یا با تعرض به آنها ایمانشان را از بین ببرد.
اگر تصادفاً یا به طور کلی ارتباط را ترک کنند، یا با ولرم به آن نزدیک شوند. اما هیچ جای نگرانی در مورد تخیلات و تخیلات او وجود ندارد، هر چند پست و شنیع باشند. اما تمام خیالات باید روی سر او چرخانده شود. او باید تحقیر، بدبخت و تمسخر شود. و نه به دلیل توهینها و غوغایی که برمیانگیزد، اشتراک مقدس حذف نمیشود.

3. همچنین اغلب با نگرانی بیش از حد برای فداکاری، و اضطراب مانع می شود

ی‌ه اعتراف بای‌د کرد طبق نصی‌حت خردمندان عمل کن و نگرانی و ظلم را کنار بگذار. زی‌را مانع لطف خداوند می شود و فداکاری ذهن را از بی‌ن می برد.

به دلی‌ل برخی اختلالات کوچک ی‌ا جاذبه مقدس، اشتراک را رها نکنی‌د. اما سری‌ع به اعتراف بروی‌د و با کمال می‌ل همه ی اهانت ها r را به دی‌گران بدهی‌د.

اما اگر کسی را آزرده خاطر کردی، با جدّ ی عفو و بخشش بخواه، تا خدا بر تو رحم کند.

4. تأخی‌ر طولانی اقرار، ی‌ا به تعوی‌ق انداختن عشاء ربانی چه فای‌ده ای دارد؟

با برس خود را تمی‌ز کنی‌د، سم را سری‌ع بی‌رون بی‌اوری‌د، در مصرف آن عجله کنی‌د و احساس بهتری نسبت به زمانی که آن را برای مدت طولانی به تعوی‌ق می انداختی‌د، خواهی‌د داشت.

اگر امروز به ای‌ن دلی‌ل آن را رها کنی‌د، فردا شای‌د اتفاق بزرگتری بی‌فتد: و به ای‌ن ترتی‌ب ممکن است برای مدت طولانی از ارتباط با شما جلوگی‌ری شود و احمق تر شوی‌د. هر چه زودتر قوی شوی‌د، خود را از جاذبه و ای‌نرسی کنونی دور کنی‌د: زی‌را چی‌زی نی‌ست که برای مدت طولانی نگران باشی‌د، زمان طولانی را با سردرگمی بگذرانی‌د و به دلی‌ل موانع روزانه خود را از الهی دور کنی‌د. بلکه به تعویق انداختن عشا در مدت طولانی مضر است; زی‌را عادت به القای لکنت شدی‌د است.

متاسفانه! برخی ولرم و آرام بودند

آنها با کمال میل تأخیر در اعتراف را می پذیرند و بنابراین تمایل به به تعویق انداختن عشای ربانی دارند تا مجبور نباشند خود را وقف مراقبت بیشتر از خود کنند.

5. افسوس که چقدر انفاق و فداکاری ضعیفی دارند که عبادت مقدس را به همین راحتی به تعویق می اندازند!

چقدر خوشحال است و مورد قبول خداوند است که این گونه زندگی می کند و وجدان خود را چنان پاکیزه نگاه می دارد که حتی هر روز آماده ارتباط است و اگر به او اجازه داده می شد به خوبی متاثر می شد و می توانست بدون اطلاع عمل کند. اگر گاه از روی خضوع یا به دلیل شرعی که مانع از او می شود، خودداری کند، به خاطر احترامش باید ستوده شود. اما اگر خزش در او رخنه کرد، باید خود را برانگیزد و آنچه در اوست انجام دهد. و خداوند به میل او برای حسن نیت، که مخصوصاً به آن احترام می گذارد، توجه خواهد کرد.

6. زمانی که از کار افتاده مشروع باشد، همیشه اراده خیر و نیت تقوا برای برقراری ارتباط خواهد داشت و به این ترتیب از ثمره راز کم نخواهد داشت. زیرا هر انسان عابدی می تواند هر روز و هر ساعت، سالم و بدون منع به اجتماع روحانی مسیح نزدیک شود.

و با این حال در روزهای معین و در زمان معین

او بایـد جسد نجات دهنده خود را با احترام محبت آمیز دریافت کند و به جای اینکه به دنبال تسلی خود باشد، به دنبال ستایش و افتخار خدا باشد. زیرا هر وقت که به طور عرفانی ارتباط برقرار می کند، و به طور نامرئی سرحال می شود، هر چند وقت که با عبادت راز تجسم و اشتیاق مسیح را به یاد می آورد و در فاصله او برافروخته می شود.

7. کسی که خود را به غیر از یک جشن فوری یا یک رسم اجباری به هیچ وجه آماده نمی کند، غالباً آماده نیست. خوشا به حال کسی که خود را به عنوان هولوکاست به خداوند تقدیم می کند هر زمان که جشن بگیرد یا اشتراک بگذارد. در جشن گرفتن زیاد یا عجول نباشید، بلکه با کسانی که با آنها زندگی می کنید، رفتارهای مشترک خوب را رعایت کنید. شما نباید برای دیگران دردسر و آزار ایجاد کنید، بلکه باید طبق نهاد بزرگتر، راه متداول را حفظ کنید و به جای ارادت یا محبت خود، به نفع دیگران باشید.

در نظر گرفتن.

آن که در بهشت ساکن است و همه بارگاه های بهشتی را به حضور الهی خود شاد می کند، از اینکه در کنار فقرا باشد و هر وقت بخواهند و در خانه هایشان را بگشایند از گدایی و گدایی بیزار نیست.

از این رو او چنین می گوید: "اینک من جلوی در ایستاده ام و در می زنم، اگر کسی به من باز کند، نزد او می روم و با او شام می خورم و او با من" (Apc 3, 20).

و این شام هر زمان که مسیح از روی عبادت پذیرفته می شود و با ذهن روحانی یا حتی با عشای ربانی خورده می شود، برگزار می شود.

عیسی بسیار پرهیزگار و مهربان است: مسیح بسیار شیرین و مهربان است. به طوری که اگر کسی در دلش جایی برای او مهیا کرده باشد، بدون شک نور فیض خود را با خوشحالی به او نشان خواهد داد و با او شام خواهد خورد.

این بزرگترین آسایش روحی است که اکنون همه حضور را تحقیر می کند، این که خود را در سکوت تنها به خدا و برای خودش بگذراند تا مسیح، تسلی دهنده همه ارواح، غالباً به آسایش و رفتن خود بپردازد. برای او موضوع شادی بیرونی نیست، و نه امید ضعیف به زندگی طولانی تر. اما او مسیح را در روح خود دارد، که به خاطر او تمام زیان های آسایش زمینی را در نظر می گیرد و با آگاتا پربرکت ترین صحبت می کند. ذهن من در مسیح مستحکم و مستقر است، بنابراین به این چیزهای پست اهمیت نمی دهم.

فقط مسیح با من همراهی می کند و دوستانه و کاملاً شیرین صحبت می کند

---

1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 2، نه 33. — 2 سر-

پند به مبتدیان 4، ص، ص. 35، 1. 27

من به شما آرامش خواهم داد. به راستی که صحبت های او از حرف همه دلجویی ها فراتر می رود!

اما رقیب همه خوبی ها، شیطان، با توجه به عهد و پیمان انسان با خدا، اجازه نمی دهد که بدون دردسر وسوسه، بر هدف مقدس خود پافشاری کند. Cu- بنابراین، مراقبت از شرارت او بسیار ضروری است. زیرا غالباً با غم و اندوه شدید، فرد خوش صحبت غالباً به خستگی مبتلا می شود، و هر چیزی که می تواند او را ناراحت کند، به یاد می آورد. خواهد بود سنت آنتونی به زیبایی متقاعد کننده است و می گوید تنها دلیل شکست دشمن شادی معنوی است. برای کسی که در خداوند مردانه و غیرت دارد، هرچند

---

1 در خلوت و سکوت «ج 2، شماره 36. - Ib.

3 خطبه به مبتدیان I5، ص 6، ص. 117، 1. 10. — نه 37.

اگر وسوسه ها به او حمله کنند، می تواند بر دشمن خود غلبه کند. از سوی دیگر، مبتلا به بیماری افسردگی و بی تفاوتی، حتی اگر زره مقاومت داشته باشد، از هیچ قدرتی استفاده نمی کند. زیرا او در دل و ترس ناقص است و در تنبلی خود غالباً پیش از آنکه مشقت جنگ به او برسد سجده می کند. به همین دلیل، ای سرباز مسیح، روح مردانه بپوش و از صدای برگ پرواز نترس. اما با قدرتی تازه، در برابر تلاش های چندگانه شیطان استوار بایستید و دروغ های او را باور نکنید. خداوند متعال حافظ شما خواهد بود و پاداش شما بسیار زیاد خواهد بود.

فصل یازدهم.

که بدن مسیح و کتب مقدس برای روح مؤمنان بسیار ضروری است،

صدای شاگردان.

1. ای نازنین ترین مولای مجروحان، چه شیرینی جان عابد، در ضیافت تو با تو میهمانی می کند، جایی که غذای دیگری به او تقدیم نمی شود، جز تو ای یگانه محبوب او که از همه خواسته های دلش مطلوب است. و واقعاً برایم شیرین است که از صمیم قلب در محضر شما باشم

---

1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 2، نه 37 33 39.

با محبت اشک بریزم و با ستایش مجدلیه
پاهایت را با اشک آبیاری کنم.
اما این ارادت کجاست؟ ریختن فراوان اشک مقدس
کجاست؟ یقیناً با دیدن تو و فرشتگان مقدست،
تمام دلم باید بسوزد و از شادی گریه کند. زیرا من
تو را واقعاً در آیین مقدس حضور دارم، هر چند با
ظاهری بیگانه پنهان شده باشی.

2. زیرا چشمان من طاقت دیدن تو را در جلال
خودت و الهی نداشتند، اما تمام جهان در درخشش
شکوه عظمت تو بایستند. پس در این امر با
ضعف من مشورت می کنید، زیرا خود را زیر آیین
مقدس پنهان می کنید. من واقعاً کسی را دارم که
فرشتگان در بهشت او را می پرستند.

اما من هنوز در این میان ایمان دارم، حتی به او در
ظاهر و بی حجاب. من باید در پرتو ایمان واقعی
راضی باشم و در آن قدم بردارم تا روز شکوه
جاودان آرزو شود و سایه های چهره ها خم شود.

اما هنگامی که آن چیزی که کامل است بیاید،
استفاده از مقدسات متوقف خواهد شد. زیرا
سعادتمندان در جلال بهشتی نیازی به لوازم
آرایش مقدس ندارند. زیرا آنها بی پایان در حضور
خدا شادی می کنند و جلال او را چهره به چهره می
بینند. و در مورد وضوح در وضوح

آنها که به خدای مهجور تبدیل شده اند، کلمه جسم خدا را می چشند، همانطور که از ابتدا بود و تا ابد باقی می ماند.

3. به یاد آوردن این چیزهای شگفت انگیز، حتی هر تسلی روحی بر دوش من می شود: زیرا تا زمانی که پروردگارم را در جلال او آشکارا نبینم، هر چه در دنیا می بینم و می شنوم هیچ می گیرم.

I تو گواه من هستی ای خدا که هیچ چیز نمی تواند مرا آرام کند، هیچ موجودی نمی تواند مرا آرام کند، مگر تو ای خدای من که در آرزوی تعمق ابدی تو هستم. اما این امکان پذیر نیست،

پس در حالی که من در این مرگ و میر هستم.

) لازم است که خود را به صبر و شکیبایی بسپارم و در هر آرزویی خود را تسلیم تو کنم. زیرا و مقدسین تو، ای خداوند، که اکنون با تو در ملکوت

r آسمان شادی می‌کنند، با ایمان و شکیبایی بسیار، تا زمانی که زنده بودند، منتظر آمدن جلال تو بودند. آنچه آنها باور داشتند، من معتقدم.

به آنچه امید داشتند، امیدوارم؛ من اطمینان دارم که به لطف شما به آنچه آنها رسیده اند خواهم رسید. در ضمن پیاده روی می کنم

in با ایمان، با نمونه های مقدسین تقویت شده است.

من همچنین کتابهای مقدس برای آسایش و آینه زندگی خواهم داشت. و بالاتر از همه این چیزها

مقدس ترین بدن تو برای درمان و پناهگاهی منحصر به فرد.

4. چون احساس می کنم در این زندگی دو چیز برایم بسیار ضروری است که بدون آنها این زندگی رقت بار برای من غیرقابل تحمل خواهد بود. در زندان این بدن اعتراف می کنم که به دو چیز نیاز دارم، یعنی غذا و نور. پس بدن مقدست را برای ترمیم روح و جسم به بیمار دادی و با کلام خود چراغی بر پای من نهادی. من بدون این دو نمی توانستم خوب زندگی کنم. زیرا کلام خدا نور روح من است و راز شما نان زندگی است. همچنین می توان گفت که اینها دو میز هستند که اینجا و آنجا در اتاقک کلیسای مقدس قرار گرفته اند. یک سفره، مذبح مقدس است که نان مقدس دارد، یعنی بدن گرانبهای مسیح. دیگری شریعت الهی است که حاوی آموزه‌های مقدس، ایمان صحیح عالمان است و محکم به باطن حجاب می‌رود، جایی که مقدسات است.

5. از تو سپاسگزارم، خداوند لسو، نور نور ابدی، به خاطر سفره مقدس تعالیم که از طریق بندگانت، پیامبران و رسولان و دیگر معلمان به ما خدمت کردی.
متشکرم، خالق و نجات دهنده

عزیزی که برای اعلام صدقه خود به همه جهان، شام بزرگی آماده کردی که در آن نه یک بره معمولی، بلکه مقدس ترین بدن و خونت را خواستی بخورند: شادی همه مومنان با عید مقدس و مست کردن جامی برای رستگاری که در آن همه خوشی های بهشتی است، و شادی با ما شیرین تر.

آه، چه بزرگ و محترم است مقام کاهنان، که به آنها داده شده است که خداوند را با کلمات مقدس تقدیم کنند، آنها را با لبهایشان برکت دهند، آنها را در دست بگیرند، آنها را با دهان خود بگیرند و به بقیه خدمت کنند!
آه، چقدر باید آن دست ها پاک باشد، چه دهان پاک، چه بدن مقدس، چه پاک قلب کشیش، که نویسنده پاکی اغلب به او وارد می شود! از زبان کشیش چیزی جز مقدس نیست، چیزی جز سخنان صادقانه و مفید، که غالباً آیین مسیح را دریافت می کند، بیرون نمی آید.

7. چشمان ساده و عفیف او که به بدن مسیح نگاه می کرد. دستهای پاکی که به سوی آسمان) بلند شده و برای مهار خالق آسمان و زمین به کار می رود، در شریعت مخصوصاً به کاهنان گفته شده است: قدیسان.

باش، زیرا من قدوس هستم، یهوه خدای تو.

8. خداوند متعال، لطف تو به ما کمک کند تا ما ؛
که منصب کشیشی را بر عهده گرفته ایم،
بتوانیم با کمال خلوص و وجدان با عزت و از خود گذشتگی به تو خدمت کنیم. و اگر نتوانیم در چنین معصومیتی از زندگی زندگی کنیم، آنطور که باید:
با این حال به ما عطا کن که با عزت برای بدی هایی که . ما این کار را انجام داده ایم و با روحیه تواضع و حسن نیت به قصد خدمت رسانی پرشورتر از بقیه به شما اقدام کرده ایم.

در نظر گرفتن.

خداوندا، اگر به تو امید نداشتم، زندگی در این دنیا برای من کاملاً غیر قابل تحمل خواهد بود. آرزوی جان من این است که در ملکوت آسمان با تو باشم. اما چون زمان من هنوز آماده نشده است، تا غروب منتظر شما هستم. در ضمن، این آرامش من در زیارتگاهم باشد، که به یاد نام تو و خیرات بزرگ تو هستم، و تو را در ایمان و مقدسات کلیسا حاضر دارم. ای مهربان ترین خداوند عیسی مسیح، رحمت و پناه من در تمام مصیبت ها و

من تک گویی روح ج. 22، شماره 6.

پریشانی من؛ ای کاش گاهی وقف می کردی که با همراهی فرشتگان با نور آسمانی و با مشعل طلایی پر از ادویه وارد خانه روح من شوی تا تمام وجودم را شعله ور کنی و قلبم را در معبد روح القدس وقف کنی. صلیب مقدس را امضا کنم و با روغن فیض مسح کنم. تا در آن شب و روز به بهشتی ها و احکام الهی تو بپردازم: تا زمانی که تبعیدی در زمین زندگی می کنم.

C ای قربانی سالمی که در بهشت را می گشایی. چقدر چیزهای شگفت انگیزی در مورد تو گفته می شود، چه ناگفتنی است همه آنچه در تو پنهان است: چقدر با تقوا و حقیقت به تو ایمان می آورند و به طور نامرئی از طریق تو کار می کنند. این چیزها به ما پیشنهاد شده است که صادقانه باور کنیم، با احترام جشن بگیریم: مشتاقانه گرفته شوند، طعم شیرینی داشته باشند. بی وقفه به یاد بیاورند، مشتاقانه در آغوش گرفته شوند و هر روز با مهربانی به خدای پدر برای نجات همه تقدیم شوند. زیرا هر گاه عشای ربانی برگزار شود و قربانی توسط کلام خدا تقدیس شود. خدای ما اغلب نزد مردم می آید. او از آسمان برای مردم نازل می شود.
او در آرزوی ماندن با مردمانی است که آنها را آفریده و آنها را نجات داده است و میخواهد به قول خود تا ابد شادی کند و بگوید: اینک من همیشه با شما هستم تا آخرالزمان.

---

1 خطبه به مبتدیان 30، ص 6، ص. 303 مربع، 1. 22.

قرن (مت 28، 20). ای کلام تسلی بخش، ای شهادت پرهیزگار و وفادار، ای وعده بزرگ و تردید ناپذیر و الهی: حضور خدا در مراسم راز. که فرشتگان او را دارند و می پرستند و در بهشت حکومت می کنند.

فصل دوازدهم.

که او باید خود را با دقت فراوان برای ارتباط با مسیح آماده کند.

صدای معشوق.

1. من دوستدار پاکی و بخشنده تمام قداست هستم. دل پاک می‌طلبم و آنجا جای آرامشم است. برای من تخت بزرگی در اتاق بالا آماده کن تا با تو عید فصح را با شاگردانم بسازم. اگه n می‌خوای بیام پیشت و پیشت بمونم:

تخمیر کهنه را پاک کن و مسکن دلت را پاک کن. تمام دوران و همه هی‌اهوی رذایل را حذف کنید. مثل گنجشکی تنها بر بام بنشین و در تلخی روحت به گناهانت فکر کن.

زیرا هر عاشقی بهترین و زیباترین مکان را برای معشوق خود آماده می کند، زیرا در این میان محبت گیرنده معشوق معلوم است.

---

1 خطبه به نوآموزان 30، ص 6، ص. 9o3 مربع، 1. 25.

2. اما بدانید که شما نمی توانید به شایستگی
عمل خود به این آمادگی راضی باشید، حتی اگر یک
سال تمام آماده شده باشید و چیز دیگری در ذهن
نداشته باشید.
اما از رحمت و فضل من تنها به تو اجازه داده شده
که به سفره من نزدیک شوی، گویا مردی ثروتمند
گدای را به شام فرا می خواند و او جز تواضع و
سپاسگزاری از او چیزی برای جبران ندارد. آنچه را در
خود دارید انجام دهید و آن را با جدیت انجام دهید، نه از
روی عادت، نه از روی ناچاری، بلکه با ترس و احترام و
محبت، جسد خداوند محبوب خدای خود را که مشتاق
آمد نزد شماست، دریافت کنید.

من هستم که تماس گرفتم، دستور دادم انجام شود. [
من آنچه را که کم داری تامین می کنم: بیا و مرا
پذیرا شو.
خود را 3. وقتی فیض ارادت می دهم، خدای
شکر کن، نه به خاطر. تو لایق هستی، اما به این
اگر دلیل که من به تو رحم می کنم.
نداری، اما احساس خشکی می کنید، در دعا اصرار
کنید، ناله کنید و در بزنید. و تا زمانی که سزاوار
دریافت نور یا قطره ای از فیض نجات یابی
نه نباشید. تو به من نیاز داری، من به تو نیاز
دارم. تو نمی آیی تا مرا تقدیس کنی، بلکه من می
آیم تا تو را تقدیس کنم و بهبود بخشم. تو آمده
ای که توسط من تقدیس شوی

و با من متحد باش تا فیض جدیدی دریافت کنید و دوباره برای پیشرفت اخراج شوید.

از این لطف غافل نشو، بلکه دلت را با کمال دقت آماده کن و من معشوقت را به تو معرفی خواهم کرد.

4. حال لازم است که نه تنها خود را برای عبادت قبل از عبادت آماده کنید، بلکه پس از ادراک راز نیز به دقت خود را در آن حفظ کنید. پس از آن به مراقبت کمتری نسبت به آمادگی عابدانه قبل نیاز نیست. زیرا پس از این حفظ نیکو، دوباره بهترین آمادگی برای کسب فیض بیشتر است. زیرا از آن فرد بسیار بیاخطر میاشود، اگر به یکباره برای راحتیاهای بیرونی بیش از حد اغتشاش داشته باشد. از گفتار زیاد برحذر باشید، در نهان بمانید و از خدای خود لذت ببرید، زیرا شما او را دارید که تمام جهان نمی تواند او را از شما بگیرد. من هستم که باید همه وجودت را به او بدهی: تا دیگر در خودت زندگی نکنی، بلکه در من زندگی کنی، بدون هیچ اضطرابی.

در نظر گرفتن.

در این امر، ارادت و عشق هر یک به مسیح به رسمیت شناخته می شود، با توجه به این واقعیت که او هوشمندانه خود را با پذیرش او سازگار کرده است. آنها به شما دروغ می گویند، زیرا بسیاری از آنها میوه کمی می دهند

آنها از سفره مسیح دریافت می کنند، زیرا نه پیش از آن و نه پس از آن به اندازه کافی از خود محافظت می کنند، نه با احترام به اندازه کافی می اندیشند که کیست، چه کسی قرار است بیاید، و نه پس از آن نشخوار می کنند، زیرا امروز قدس القدس نزد آنها وارد شده است. اما کسانی که مشتاقند خانه درونی خود را آماده کنند و با شادی برای ملاقات مسیح ملاقات کنند، خودشان می دانند که این اشتراک مقدس چه کارآیی و شیرینی دارد.
لکه های گناه را پاک کن، عذاب وجدان را با عمیق ترین پشیمانی بشویید. و از او روغن رحمت، فضل و فضل کامل، و بازگرداندن فیض جدید را بخواهید.

هر بار که خود را برای درک بدن مسیح آماده می‌کنید و ادراک را با خود دارید، لطفاً به فکر درگذشتگان با ایمان باشید و بیش از پیش از رحمت او درخواست کنید، مطمئناً تعهد رستگاری ابدی را در خود نگه می‌دارید. همانطور که ما آرزو داریم بعد از مرگ به ما کمک شود، با توکل به خدا برای کمک به آنها در حد توان خود تلاش کنیم. پس بیایید برای عزیزانمان دعا کنیم، زیرا پس از مدتی از آنها پیروی خواهیم کرد و هنگامی که آنها بهتر شدند، دقیقاً در همان نیاز از ما یاد می شود.

---

1 در مورد تنهایی و سکوت ج. 2، نه 35.

2 سر- —— ص 3، ص. 98

هشدارها در مورد زندگی و اشتیاق

من .Ib، n. خداوند 6، 1. 22. نامه 5، 4-3 .n

شایسته است که در آن روز خاص، زمانی که مسیح را به صورت مقدس در میهمان نوازی قلب خود پذیرفتیم، بر روزهای خود اصرار بیشتری داشته باشیم و حداقل یک روز شاد را با او بگذرانیم، کسی که روزها و ساعات زیادی از آغوش او دور است. خیلی تعجب آور نخواهد بود اگر روح عابد در آن زمان با او سالم بود، در حالی که خود مسیح اراده کرد که نه نصف، بلکه تمام به سوی او بیاید. زیرا که نزد عزیزترین دوستش می آید، به محض اینکه با او صحبت می کند، عجله می کند که به بیرون برود و او را در خانه تنها بگذارد. بلکه با او وارد می شود، هر چند بیرون بوده باشد. و او مشتاقانه از چنین مهمانی پذیرایی می کند، به گونه ای که وقتی دیگران اینجا و آنجا مشغول هستند به تنهایی به او ملحق می شود و بسیار آشناتر او را خطاب می کند، نزدیکتر می نشیند و همه نشانه های محبت را نشان می دهد. چقدر امن تر است، زیرا هیچ کس حاضر یا نگاه نمی تواند شرمنده یا مهار شود.

به این ترتیب، آمدن پذیرایی مسیح باید توسط همه کسانی که جشن می گیرند، به یاد داشته باشند.
و از آنجایی که او از همه دوستان و مخلوقات بزرگتر است، باید با عبادت و احترام بیشتری مورد استقبال هر یک از ما قرار گیرد!

تو نجات دهنده و نجات دهنده من هستی:
پروردگارا خدای من آیا به من نیاز داری؟

---

1 در مورد تنهایی و سکوت 2 - .C. 2, n. 31 32 موعظه در مورد زندگی و شور دومنینوس 5، ص 3، ص. 89، 1. 20

چه کسی صاحب آسمان و زمین در یک نگاه است؟
و اگر نیازی به خدمت من ندارید، اما من به شما نیاز دارم که موظفم تا آنجا که می توانم خدمت کنم. وقتی لطف و فضیلت من همیشه از تو رشد می کند:
و همه خوبی های من به تو بستگی دارد.

فصل سی‌زدهم.

این که روحی که با تمام قلب خود به مسیح اختصاص یافته است باید بر اتحاد در آیین مقدس تأثیر بگذارد.

صدای شاگردان.

1. پروردگارا چه کسی به من عطا خواهد کرد که [1] تو را تنها بیابم و تمام قلبم را به روی تو بگشایم و از تو لذت ببرم، چنانکه روحم می خواهد، و هیچ موجودی به من نگاه نکند، و هیچ موجودی تکان نخورد و به من نگاه نکند، مگر تو تنها با من سخن بگویم، و من با تو، چنانکه مرسوم است که معشوق با معشوق صحبت می کند و دوست با دوست دیدار می کند؟ من این را دعا می کنم، آرزوی این را دارم، تا کاملاً با شما متحد شوم و قلبم را از همه مخلوقات بیرون بکشم و از طریق اشتراک مقدس و جشن هستی بیشتر قدر چیزهای بهشتی و ابدی را بیاموزم. آه، خداوندا، کی به طور کامل با freque تو متحد خواهم شد و

---

1 ترابایت 7، ص 3، ص. 101 مربع، 1. 31.

برداشته شد، و من را کاملا فراموش کرد؟ تو در من و من در تو: و بدین ترتیب به ما عطا کن که در یک واحد بمانیم.

2. تو واقعاً محبوب من هستی، از میان هزاران نفر برگزیده شده‌ای، که روح من در تمام روزهای زندگی خود راضی بود.

تو به راستی صلح‌جوی من هستی، که صلح در او حکمفرماست و حقیقت در ورای اوست که زحمت و درد و بدبختی بی‌پایان اوست. به راستی که تو خدای سرای هستی. و نه نصیحت شما گفتار تو با شیران است، اما با فروتن و ساده. ای خداوند، روحت چقدر شیرین است که برای نشان دادن شیرینی خود به فرزندانت، می‌توانی آنها را با شیرین‌ترین نان‌هایی که از بهشت فرود می‌آیند، بازگردانی!

به راستی که هیچ قومی به این بزرگی وجود ندارد که خدایان به آن نزدیک شوند، چنانکه تو ای خدای ما برای همه مؤمنان خود حاضری. که به خاطر آسایش روزانه و COr خود را به بهشت می آورید تا بخورید و لذت ببرید.

3. چه ملت دیگری به اندازه مردم مسیحی مشهور است؟ یا کدام موجودی در زیر بهشت به اندازه روح عابد محبوب است که خداوند وارد او می شود تا از گوشت شکوهمند خود به او غذا دهد؟ 0 لطف وصف ناپذیر!

o O اغماض قابل تحسین! ای عشق بی اندازه

یک مرد منحصر به فرد گران قیمت! اما برای این
فیض، برای چنین محبت خارق العاده ای چه جبران
کنم؟ هیچ چیز دیگری نمی توانم با کمال میل
ببخشم جز اینکه قلبم را کاملاً به خدای خود بدهم
و آن را صمیمانه متحد کنم. آنگاه تمام باطن من شاد
خواهد شد، هنگامی که روح من کاملاً با خدا متحد شود.
سپس به من می گوید: اگر می خواهی با من باشی،
من می خواهم با تو باشم.

و من به
او پاسخ خواهم داد: خداوندا، توفیق بده که با من
بمانی، می خواهم با خوشحالی با تو باشم.
این تمام آرزوی من است که دل من با تو متحد شود.

در نظر گرفتن.

"نفس به تو می چسبد" (مزمور 62:9). تو از همه
چیز خدایی هستی و من در میان این چیزهای پست
فقیر هستم. تنها تو بالاترین، اما من گدا و فقیرم.
پس چه کسی مرا با تو متحد خواهد کرد؟ و ای
ساکنان روی زمین و فرزندان انسان گوش فرا دهید،
زیرا نزد خدا ممکن و آسان است که آنچه مکتوب است
انجام شود.
«در عین حال، غنی و فقیر» (مصور ۴۸، ۳).
من فقیر هستم و به همه چیز نیازمندم. اما این خدای من
است که ثروتمند است و به کسی نیاز ندارد[1].

ای خدای من، عشق من در محل هجران من،
آنگاه که همه برای تو باشم

---

1 تک گوویی روح ج. 13، n. 1 2

متحد، با تمام قوای روحم، که توسط تو به من داده شده و با مهربانی تزریق شده است؟ تو در من، و من در تو، از طریق عشقی که در من می افروختی. ای دوستی شیرین با مسیح و زیر بال های مسیح! ای پیوند بخشنده، سرشار از عشق و شیرینی روح القدس، که بهتر از گفتن احساس می شود.

ای شایسته ترین عیسی، چه افتخاری خواهم یافت، یا چه شکرگزاری از تو که به من رحمت بیکران کردی؟ و اگر چیزی پیدا کنم که بتوانم به تو بدهم، آیا قبل از دادن آن مال تو نخواهد بود؟ پس من چه چیزی را جبران کنم؟ من کم دارم یا هیچ. آیا می توانم برای هیچ چیزی قربانی کنم؟ اما فدای تواضع و فقر و نیستی من را بپذیر. و هر چه خواستی به پسرم برسانی همه چیز به تو نسبت داده شود

من، محبوبم، همانی هستم که هستم: و غیر از او، به هیچ دیگری اهمیت نمی دهم. من می خواهم تنها روی آنها تمرکز کنم: من خودم را کاملاً به آنها تسلیم می کنم. زیرا او خودش نگران من است و بدون شک روی آوردن او به من [6].

---

1. زنبق ج. 29، شماره 2. — 2 آگهی کوتاه
— توصیه تمرین معنوی ص 2، ص. 428، 1. 15.
4 تک گویی — 3 دکترین جوان ج. 2، 2 .n.
6 — 5 Ib. C. 22, no. 3. — از روح C. 13, n. 3.
موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 25، ص.3، ص. 209، 1. 9.

فصل چهاردهم.

در مورد میل سوزان برخی از جانبازان برای بدن مسیح.

صدای شاگردان.

ای خداوند چه شیرینی فراوانی که در ترس خود پنهان کرده ای! وقتی به یاد می آورم که عده ای tı
از مشتاقان با بیشترین ارادت و محبت به مراسم مقدس تو نزدیک می شوند، آنگاه اغلب در خود گیج و شرمنده می شوم که چنان ولرم و سرد به قربانگاه تو و سفره عبادت نزدیک می شوم که چنان خشک و بی محبت می مانم که در برابر تو کاملاً ملتهب نیستم، خدای من، مانند بسیاری از کسانی که قبلاً متأثر و متأثر بودند. میل مفرط به همنشینی و محبت معقول قلبی از سوی آنها نتوانستند خود را از گریه باز دارند.

اما با دهان دل و بدن مانند شما،
خدایا، چشمه زنده، غم و اندوهشان را فرا گرفته I
بود، نمی توانستند گرسنگی خود را به گونه ای دیگر کنترل یا رفع کنند، مگر اینکه بدن تو را با کمال لذت و اشتیاق روحی پذیرفته باشند.

2. ای ایمان پرشور واقعی آنها، شاهد محتمل حضور مقدس تو! زیرا اینها به راستی خداوند خود را در شکستن نان می شناسند، که دلشان چنان در آنها می سوزد که عیسی با آنها راه می رود. چنین محبت و فداکاری، چنین عشق و شور شدید، اغلب از من دور است. به من مهربان تر و نازنین و مهربان تر باش و عطا کن که گدای بیچاره گاه قدری از محبت تو در عبادت مقدس احساس کند تا ایمانم قوی تر شود و امیدم به نیکی تو رونق یابد و صدقه که یک بار کاملاً شعله ور شده و منّای بهشتی را تجربه کرد هرگز از بین نرود.

3. امّا رحمت تو قدرتمند است، حتی برای عطا کردن فیض مطلوب، و با روحیه ی شور و شوق، هنگامی که روز خشنودیت فرا رسید، با مهربانی به من سر بزن.

به راستی که من با این همه اشتیاق به چنین ارادتمندان خاص تو نمی سوزم، اما به لطف تو مشتاق آن آرزوی سوزان بزرگ هستم، دعا و آرزو دارم که شریک این همه عاشقان پرشور تو شوم و در جمع مقدس آنان بشمارم.

در نظر گرفتن.

پروردگارا، ای خدای من که دوست داشتنی ترین است، من فقیر هستم. زیرا من مردی ضعیف هستم، نه یک فرشته مقدس. یک گناهکار بزرگ، نه یک بره بی گناه. یک سخنران ولرم، نه یک متفکر پرشور. و از این رو، من نباید در نظر گرفته شوم، نه دیده شوم، نه نام ببرم، نه بنده شایسته شما و نه سخنرانان فداکار شما. من مانند دیگر برادران مؤمن و فداکارم شایسته نیستم که از آسایش الهی نشاط بگیرم و در زمره مهمانان بهشتی بشوم. اما از تو می خواهم ای پدر پاک و نازنین و پروردگار پرهیزگار، مرا از کمترین زبان های خود قرار ده تا لااقل آخرین کسانی باشم که لایق بوسه زدن گام هایشان باشم.

"خداوندا، من زیبای خانه تو و خانه جلال تو را دوست داشتم" (مزمور 25:8).
تو خودت را در مراسم راز به عنوان متای شیرین غذا به ما دادی تا در این دنیا بدون خدا و غذای فرشتگان نباشیم. روح تشنه شماست و از جهات مختلف در رنج است تا شما را نپذیرد. روح من در شب آرزوی تو را داشت.

برای او شب است که تو نور حقیقی نمی آیی. فکر نمیکنم برای او آنقدر دردسرساز باشد، یا بهاندازه غیبت شما دردسرساز باشد.

---

1 والیس لیلیورومن ج. 32، شماره 2. - 2 در بلندای ذهن دکترینال برای جوانان [3] — ص 2، ص. 417، 1. 15.
C. 9, n, 1, 4 Soliloquium animaec. 20، 3 شماره.
5 Ib. 4 ج 13، شماره 4-

فصل پانزدهم.

فیض عبادت با فروتنی و انکار نفس به دست می آید.

.عزیزان *Vo

ط.لازم است فوراً فیض عبادت را بطلبید، مشتاقانه درخواست کنید، صبورانه منتظر بمانید، شکرانه آن را دریافت کنید، متواضعانه حفظ کنید، با آن مجدانه کار کنید و مدت و نحوه زیارت بهشتی را تا فرارسیدن آن به درگاه خداوند متعهد کنید. شما باید خود را متواضع کنید، مخصوصاً زمانی که در درون احساس ارادت کمی دارید یا اصلاً احساس نمی کنید. اما نه خیلی ناامید بودم و نه بیش از حد غمگین. خداوند

غالباً در یک لحظه کوتاه چیزی را می دهد که برای مدت طولانی انکار می کرد. گاهی آنچه را که در اول نماز تأخیر میکرد در آخر میدهد.

2. اگر لطف همیشه به سرعت داده می شد، و برای آرزویی حاضر می شد، آن را به خوبی تحمل نمی کرد. از این رو با امید خیر و صبر فروتنانه باید منتظر فیض ارادت بود. فیض به هر حال به شما و گناهان شما نسبت داده می شود، در صورتی که داده نشود یا حتی مخفیانه از بین برود. گاهی اوقات کمی است

که مانع و پنهان فضل است; در صورتی که باید گفت که کوچک است، نه بزرگ، زیرا مانع از خیر است.
[و اگر این مقدار بسیار کم یا زیاد را حذف کنید و کاملاً تسخیر شوید، همان چیزی می شود که خواسته اید.

3. به محض اینکه با تمام وجود خود را به خدا بسپارید و به خواست یا اراده خود به دنبال این و آن نباشید، بلکه خود را کاملاً در او قرار دهید، خود را متحد و در آرامش خواهید یافت. زیرا هیچ چیز به اندازه رضای الهی طعم و مزه نخواهد داشت. پس هر کس با دلی ساده نیت خود را بسوی خدا بردارد و خود را از هرگونه محبت و نارضایتی بی حد و حصر از هر مخلوقی تهی کرده باشد، مستعدترین برای دریافت فیض و سزاوار عبادت خواهد بود. زیرا خداوند در آنجا برکت خود را می دهد، جایی که ظروف خالی می یابد. و هر چه انسان به طور کامل تر از پست ترین ها چشم پوشی کند، و هر چه بیشتر از طریق تحقیر نفس برای خود بمیرد، فیض سریعتر می آید، فراوانتر وارد می شود، و قلب آزاد عمیق تر می شود.

4. آنگاه خواهد دید و جاری خواهد شد و شگفت زده خواهد شد و دلش در درون او گشاده خواهد شد، زیرا دست خداوند با اوست و خود او خود را کاملاً قرار داده است.

در دست او برای همیشه بنگر، این گونه برکت خواهد یافت مردی که با تمام دل خدا را می جوید و جان خود را بیهوده نمی گیرد. در اینجا در پذیرایی از سحاب مقدس، فیض عظیم پیوند الهی حاصل می شود، زیرا او به ارادت و تسلی خود نگاه نمی کند، بلکه بیش از هر چیز به ارادت و تسلی به جلال و عزت خداوند می نگرد.

در نظر گرفتن.

وقتی حاضر و متملق هستم، وقتی ارادت می‌دهم یا داده را زیاد می‌کنم، وقتی فقط مرفه یا بیشتر خوشایند را ترجیح می‌دهم، آنگاه با عبادت می‌گویی: محبوب من، تو را دوست دارم. اما در مورد لطف فقط برای دوست داشتن و ستایش من، چه چیز بزرگی است؟ زیرا حتی گناهکاران نیز این کار را انجام می دهند. در واقع، آنها اغلب به من برکت می‌دهند که به آنچه بد می‌خواهند می‌رسند. پیشرفت، پیشرفت، و صعود به کمال.

بگذارید همیشه ضعیف و نرم باشد. یاد بگیرید که غذای جامد بخورید و دیگر به بچه ها شیر نخورید. من به تعداد مردان نیرومند داوود رفتم که نیزه و شمشیر و سپر در دست داشتند. صلیب را بردارید و مرا دنبال کنید.

عجله کن که در زمره کسانی بشمارم که تحمل نارضایتی های مختلف و انواع تبعید را برای من بلدند. شما بیش از حد به کنسولگری تمایل دارید

پس می‌خواهم تو را بیازمایم و به سوی دیگر متمایل
کنم تا رنجی را که می‌توانی تحمل کنی، مبادا برای خود
بی‌گناه و مقدس جلوه کنی. من بدون معاینه دقیق
شما را ترک نخواهم کرد و شما را رها نمی‌کنم، اگر به من
برکت داده باشید.
اما اگر تأخیر کردم تا روز عیادت منتظر من باشید.
وقتی آمدم می بخشم و به قولم عمل می کنم. و اما
شما، خود را وقف نماز کنید، بر خواندن مقدس تمرکز
کنید، و در همه چیز صبر و شکیبایی داشته
باشید.

آرزوی تو را از تو گرفتم و خواستم ایمان و عشقت
را بیازمایم. زیرا من همه این کارها را انجام دادم تا
ضعف خود را آشکارتر بشناسی و خوبی من را
بیشتر درک کنی. پس آنچه را از من به تو می رسد
تصدیق کن. ببین چقدر فقیر هستی اگر روزی مرا
ترک کنی شما هنوز به طور کامل در دانش واقعی خود
پیشرفت نکرده اید. و از آنجایی که دانستن این
موضوع زمان زیادی می برد، من می خواستم شما با
تجربه یاد بگیرید. برای تو خوب است که گاهی
مأیوس می شوی، رنج می بری، متواضع می شوی، تا
ضعف خود را آشکارتر احساس کنی. اگر از شماست چرا
آنچه را که داشتید نگه نداشتید؟ اگر شما هم
نتوانستید آن را نگه دارید، این را از بالا بدانید

---

[1] تک گویی روح ج. 17، شماره 4. - 2 پیوند شماره. 5.

تو گرفتی، پس به من افتخار لطف و اعتماد بده، زیرا بدون من هیچ کاری نمی توانی انجام دهی. فکر کن که چقدر به تو نیاز دارم و چقدر می توانم تو را در همه چیزهای خوب تأیید کنم. رحمت من بی نهایت است و آنچه در زمانی انکار می شود ممکن است در زمانی دیگر عطا شود

کسالت بر شما چیره نشود، بلکه بدن را وادار به خدمت به روح کنید. زیرا فیض جدید غالباً به مزمور سرای مؤمن داده می شود. اگر نه در اولین صدای دهان شما خواندن یا مزمور عاقلانه است. منتظر فیض خداوند باشید و تا آخر صبر کنید. خداوند بی خبر خواهد آمد و آنانی را که با اشتیاق نزد او گریه می کنند ملاقات خواهد کرد. آنگاه دلت متحیر و بزرگ می شود (اشیا 60:5): در هر آنچه می شنوید و می خوانید. و خواهید دانست که شریعت او بسیار زیاد است. و خوشا به حال کسی که خود شهادتین خود را تعلیم داده است که آنها را همیشه با دقت فراوان انجام دهد. اگر کسی [4] نزد او بیاید، خالی برنمی گردد. به تشنگان آب و به گرسنگان نان می دهد.

---

1 تک گویی روح ج. 17، شماره 6. Ib. نه 9.
3 Ib, c. 18، 5 شماره 4. 4 کتاب تمرین معنوی
تک گویی روح — ج 5، ص 2، ص. 340 متر مربع 29 .I.
C. I0، n. 7.

فصل شانزدهم

ما باید نیازهای خود را به روی مسیح باز کنیم و فیض او را بخواهیم.

صدای شاگردان.

I. 0 شیرین‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین پروردگار، که اکنون از روی عبادت می‌خواهم او را قبول کنم، تو ضعف و نیاز من را می‌دانی. در چه بسیار بدی ها و بدی ها دروغ می گویم. چقدر 1 بارها بر من سنگینی شده، وسوسه شده، آشفته و آلوده شده ام.
من برای جبران به سوی تو می‌آیم، از تو می‌خواهم که راحت و آسوده باشد. من با دانای کل صحبت می کنم که همه چیزهای درونی من برای او آشکار است و تنها می تواند به من آرامش دهد و به من کمک کند. تو می دانی که من بیش از همه به چه فضیلت هایی نیاز دارم و چقدر در فضایل فقیر هستم.
2. اینک من در برابر شما فقیر و برهنه می ایستم و طلب فیض و طلب رحمت می کنم. گدای گرسنه ات را تازه کن، سردی مرا با آتش عشقت روشن کن، کوری مرا به روشنایی حضورت روشن کن. همه چیزهای زمینی را برای من به تلخی، همه چیزهای سنگین و مخالف را به صبر و همه چیز را تبدیل کن

حقیر و به تحقیر و فراموشی آفریده شده است. دل مرا در آسمان بسوی خودت بلند کن و بر زمین سرگردان نباشم. از این به بعد تنها تو برای من شیرین خواهی بود تا همیشه. زیرا تو تنها غذا و نوشیدنی من، عشق و شادی من، شیرینی و همه خوبی های من هستی.

3. ای کاش مرا کاملاً به آتش می کشید و می سوزاندی و به تو مبدل می ساختی تا به لطف درونی و روان شدن عشق آتشین با تو اتحاد یک روح شوم! به من اجازه نده که سریع و خشک از تو جدا شوم، بلکه با مهربانی با من کار کن، همانطور که اغلب با مقدسین خود به طرز شگفت انگیزی کار کرده ای. چه تعجبی دارد، اگر من به طور کامل تو را ببخشم و در خودم شکست بخورم.

چون شما آتشی هستید که همیشه فروزان و خاموش نمی‌شوید، دوست دارید دل‌ها را پاکیزه و عقل را روشن کنید؟

در نظر گرفتن.

اگر تصادفاً خمیرمایه تسلیت از پزشک خوب دریافت کنم، به بی عدالتی خود نزد خداوند اعتراف خواهم کرد و ناتوانی های خود را پنهان نخواهم کرد! زیرا اغلب با

---

[1] از سه خیمه ج. 1، 1 .n.

تسلیت فاش شدن بدبختی خود برای دوست و زخم متورم در حالی که باز است کمتر درد می کند و سریعتر بهبود می یابد.

آه خداوندا، چه اتفاقی برای من خواهد افتاد، وقتی هر روز شکست بخورم چگونه می توانم زندگی خود را به طور کامل بهبود بخشم؟ کی بهتر میشه؟ چه زمانی بهبود خواهم یافت و چه زمانی همه را فتح خواهم کرد؟ من هنوز در دریا کار میکنم و نمیدانم به خاطر وسوسههایی که از الهامات مختلف میآیند، به بندر امن برسم یا نه. خداوندا جانم را بیامرز و در وسوسه هایم به خطر نیفتم، اما صادقانه کمکم کن تا مقاومت کنم و پیروز شوم 3.

Tu

تو تمام ضعف و نادانی من و بی ثباتی روزانه خاطره ام را می دانی، در حالی که به این طرف و آن طرف سرگردانم، از تو حصار کشیده ام. خداوندا، بر حسب انبوه رحمتت از من دریغ کن و به سرعت مرا نزد خود بازگردان.

تا آنجا که در این تن شکننده برای من میسر است، روز و شب قلبم را در دعای عابدانه و مراقبه مقدس با خود نگهدار.

ım

---

1 Ib. 4 .ج 16، شماره 3 .Ib ،ج 3، نه 3. -؟ تک گویی روح ج.
4 دره نیلوفرها ج. 32 —— —— نه من

n. 1.

پس با او جرقه ای از صدقه شما خواهد داشت.
محبت عیسی، شور روحت را به من عطا کن، آتشی را که آمده ای تا به زمین بفرستی، در من بیافروز، تا همه این چیزهای پست را تحقیر کنم و آرزوی تنها زیستن با تو را داشته باشم، فقط سعی کنم تو را خشنود سازم، و از تحقیر و نادیده گرفتن مردم به خاطر عشق تو نترسم. باشد که هر زحمتی برای تو به نظر من کوچک باشد، هر مصیبتی سبک، هر جاذبه ای قابل تحمل باشد. محبت تو که بر همه چیز چیره می شود، این چیزها را به من عرضه می کند و فروتنی قلبی که همه چیز را برآورده می کند، خود را کاری شایسته انجام نداده است. تو انتظار من و برآورده کننده آرزوی من هستی، تو تفریح من و نورانی قلب منی، که امید واران را هرگز رها نمی‌کنم، هر چند اجازه می‌دهی ساعتی وسوسه شوند تا خود را بهتر بشناسند و یادشان باشد که بدون تو کاری از دستشان بر نمی‌آید.

ای یگانه عیسی محبوب، مرا در غربت این دنیا تسلیت مکن، اما چنانکه گفتی و وعده دادی، با من نیز رفتار کن، تا در وقت مناسب بروی و دوباره نزد من بیایی، تا مبارزه امتحان تمام شود، مرا برای جلال ابدی خود به سوی خود ببر.

که خدا در او زندگی می کند و برای همیشه و همیشه سلطنت می کند. آمین[2].

---

2 اواسط — 1 تک گوویی روح ج. 25، شماره 2.
در مورد تجسم مسیح ص 3، ص. 56 متر مربع، 1.9.

فصل شانزدهم.

در مورد عشق شدید و احساس شدید پذیرش مسیح.

صدای شاگردان.

1. با نهایت ارادت و محبت فراوان و با تمام محبت و شور دل، آرزوی پذیرایی از تو را دارم، ای پروردگار، که بسیاری از مقدسات و عابدان در مصاحبت با تو آرزوی تو را داشتند که تو را در قداست زندگی خود بیش از همه خشنود کردند و در پرشورترین ارادت بودند. ای خدای من، عشق ابدی، تمام خوبی ها و خوشبختی های بی پایان من، من آرزو دارم که تو را با شدیدترین آرزو و شایسته ترین احترامی که هر یک از مقدسین داشته و می تواند احساس کند، پذیرایی کنم.

2. و گرچه من لایق داشتن همه آن احساسات فداکاری نیستم، اما تمام محبت قلبم را به شما تقدیم می کنم، گویی تنها من تمام آن آرزوهای سوزان را دارم. اما هر آنچه را که عقل متقی می تواند تصور کند و بخواهد، من همه این چیزها را با بالاترین احترام و نهایت لطف به شما تقدیم می کنم. هیچ

آرزو دارم خودم را محفوظ بدارم، اما از روی میل و میل خود
و هر چه دارم را فدای تو کنم.
پروردگارا، خدای من، خالق من و نجات دهنده من، با
چنان محبت، احترام، ستایش و افتخار، با چنان
سپاس، عزت و عشق، با چنان ایمان، امید و پاکی،
تو را می پذیرم، همانطور که مقدس ترین و با
شکوه ترین مریم باکره تو را پذیرفت و در
آرزوی تو بود، هنگامی که فرشته با فروتنی
راز و رمز راز را به او اعلام کرد: mater

اینک ای کنیز خداوند، برحسب کلام تو با من عمل کن.

3. و همانطور که پیشرو مبارک شما، والاترین
قدیسان، یحیی تعمید دهنده، در حضور شما با
شادی روح القدس شادی کرد، در حالی که هنوز در
اعماق مادرش بسته بود، و پس از دیدن جذامی که
در میان مردم راه می‌رفت، بسیار فروتن کرد و با
مهربانی و مهربانی به او گفت: شادی به خاطر
صدای داماد: پس من نیز آرزو دارم که مشتاق
آرزوهای بزرگ و مقدس شوم و با تمام وجود خود را
به شما تقدیم می کنم.

از این رو شادی قلب همه جانبازان، احساسات سوزان،
روانی است

افراط و تفریط و اشراق ماوراء الطبیعه و
رؤیاهای بهشتی را با تمام فضایل و ستایش
که هر موجودی در آسمان و زمین برای من و برای
همه کسانی که در دعا به من ستایش می کنند
تجلیل و تجلیل می کنند به شما تقدیم می
کنم، تا آنجا که شایسته ستایش همگان
هستید و برای همیشه جلال دارید.

4. خداوندا، خدای من، دعاهای مرا بپذیر و آرزوهای
ستایش بی‌پایان و برکت بی‌پایان را که n
برحسب کثرت عظمت وصف ناپذیرت به حق بر
توست. من این چیزها را به شما باز می گردانم و
آرزو دارم که هر روز و هر لحظه از فصل آنها را
برگردانم و با سپاس و ستایش همه ارواح
بهشتی و همه مومنانتان با دعا و محبت، از شما
خواهش و التماس دارم.

5. همه اقوام و قبایل و زبانها تو را و نام مقدس و
شیرین تو را با شادی و سرور فراوان می ستایند.

آنها با فداکاری پرشور بزرگ می کنند. و ؛
کسانی که با احترام و عبادت بالاترین راز
شما را جشن می گیرند و آن را با ایمان کامل
دریافت می کنند، باشد که سزاوار فیض و
رحمت در نزد شما باشند و برای من به عنوان یک
گناهکار دعا کنند. و چه زمانی

آنها ارادت مطلوب و پیوندی لذت بخش را به دست آوردند و با دلجویی و طراوت شگفت انگیز از سفره آسمانی خارج شدند و شایسته یاد بیچاره من هستند.

در نظر گرفتن.

نیکوکارت را ستایش کن که به تو اینهمه منفعت داد که برشمردن آن به ندرت کافی است. ببینید، او هنوز هم هر روز برای شما کالاهای جدیدی می فرستد، و به تنهایی در محراب نزد شما می آید و در آن به شما پیشنهاد می دهد تا بهترین هدیه ای را که هست و دارد به اشتراک بگذارید.
برای این چیزها او از شما چیز دیگری نمی خواهد، و از او بسیار سپاسگزار است، جز اینکه شما او را خالصانه و صمیمانه به خاطر خودش دوست دارید و ستایش می کنید.

صورتت را به من نشان بده: بگذار صدایت در گوشم بپیچد. زیرا صدای تو شیرین است و صورتت زیبا. این سخنان یک روح دوست داشتنی است به شما عیسی مسیح عزیز. اما من از تو می خواهم ای فرزند خوب: به من گناهکار عطا فرما، حتی این سخنان را در آرزوی جانم بگویم. زیرا چه زمانی راضی شوم که درباره تو فکر کنم و صحبت کنم؟ زیرا که صورت من و خدای من را نجات دادی. پس چهره خود را به من نشان ده تا جان من نجات یابد. هرگاه غمگینم به من بنگر و به من رحم کن و روحم آرام می گیرد 2 تجدید می شود 2 خطبه

---

1 رز گاردن C. 18, n. 3.

در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 8، ص 3، ص. I07sq, I. 23.

احساسات مقدس و پاک تو همیشه در من است. و مانند
آتشی که از بالا افروخته شود، کلیه و قلبم را می سوزاند.
تا هیچ رذیله ای در من باقی نماند: که چشمان درخشندگی
تو را آزار می دهد،

ای خداوند، خدای من، مایلم نام مقدس تو را در هر مکان
و زمانی بزرگ و جلال بخشم. چون تو خدای منی و من
بنده فقیر تو. تو نور، امید، غذا و نوشیدنی من
هستی.

مایلم خدای من ستایش و جلال من است.
تو را با چنین صدای بلند و چنین ذهنی عابد ستایش
کنم: چنان که تاکنون توسط هیچ موجودی در آسمان و
زمین ستایش شده است. آرزو دارم که به چنین افتخار
بزرگ و شایسته ای مشرف شوید:
همانطور که تاکنون توسط هر قدیس در ملکوت آسمانی
خود مورد احترام قرار گرفته اید. آرزو میکنم که با چنین
محبت و دلی پرمهر مورد تکریم و مهرورزی قرار بگیری،
همانطور که مردی فداکار و کامل تو را در این دنیا دوست
داشت و دوست میدارد.
همه مقدسین از آغاز جهان که به لطف تو روشن
شده و خوانده شده اند، همچنین همه مؤمنان و
مسیحیان در هر قوم

I [1] در تشخیص شکنندگی خود ج. 8: دعا برای حمد و
ستایش خداوند، ص 2، ص. 373، I .I
2 دره نیلوفرها ج. 28، شماره 3 .2 I در مورد تشخیص
شکنندگی خود ج. 8: دعا برای حمد و ستایش خداوند،
ص 2، ص. 372، 1. 20.

و قبیله و زبان و قومی که تا امروز هستند و پیش از ما بودند و بعد از ما خواهند بود، شیرین ترین و با شکوه ترین نام تو را به یک اندازه جشن بگیرند و ستایش کنند. و چون این کار را کردند و برای من التماس گفتند:
آنگاه من هنوز برای تو اعتراف خواهم کرد، زیرا هنوز از ستایش وصف ناپذیر نام تو راضی نیستم که می خواهم با تمام قوا آن را ستایش کنم و از هر جهت آن را ستایش کنم تا به آن ستایش های درباری برسم که صدای انسان های فانی نمی تواند به آنها برسد یا دنبالش برود.

بنابراین من آرزوی آرزوی خود را برای ستایش نام تو به تو عرضه می کنم. دعای مرا به عنوان قربانی سوختنی صبح بپذیر و دعای من مانند بخور شام به سوی تو بالا رود و تا ابد مورد پسند تو باشد. آمین 2

فصل هجدهم.

آن مرد نباید یک موشکافنده کنجکاو از آیین مقدس باشد، بلکه باید مقلد متواضع مسیح باشد و احساس ایمان مقدس خود را تسلیم کند.

شما باید مراقب یک تحقیق کنجکاو و بی .I :
سود از این عمیق ترین چیز باشید

---

1 تک گویی روح ج. 25، شماره 12. - 2 در به رسمیت شناختن شکنندگی خود ج. 8: دعا برای حمد و ستایش خداوند، ص 2، ص. 373، 1. 13.

از مقدسات، اگر نمی خواهید در اعماق شک فرو بروید. کسی که جست و جوگر عظمت باشد، جلال او را فرا خواهد گرفت. خدا قدرتمندتر از آن چیزی است که انسان قادر به درک آن باشد کار می کند. جست‌وجوی متقی و متواضعانه در حقیقت قابل تحمل است، همیشه آماده تعلیم است و تلاش می‌کند تا در قضاوت صحیح پدران گام بردارد.

2. سادگي خجسته که راه سؤالات دشوار را رها مي کند و در مسير اوامر الهي مستقيم و استوار ادامه مي دهد.

بسیاری ارادت خود را از دست داده اند، در حالی که می خواستند به دنبال چیزهای بالاتر باشند. ایمان و زندگی خالصانه از شما می خواهد، نه اوج فهم و نه عمق اسرار خدا. اگر آنچه را که زیر شماست نمی فهمید و درک نمی کنید تا آن چه را که بالاتر از توست بفهمی، S تسلیم خدا شوی و ایمانت را فروتن کنی و نور علم به تو داده شود، آنچنان که برایت مفید باشد و نه ضروری

3. برخی در مورد ایمان و راز به شدت آزموده می شوند. اما این نباید به آنها نسبت داده شود، بلکه باید به دشمن نسبت داده شود. نگران نباشید، با افکار خود مجادله نکنید و به شبهات شیطان پاسخ ندهید. اما سخنان خدا را باور کن

به اولیاء و پیامبران او ایمان بیاورید و دشمن بدکار از شما فرار خواهد کرد. غالباً منفعت زیادی دارد که بنده خدا از چنین چیزهایی حمایت کند. زیرا او کافران و گناهکارانی را که از قبل به طور امن تصرف کرده است وسوسه نمی کند. اما فدائیان را به طرق مختلف امتحان می کند و

اذیت کردن

4. پس با ایمانی ساده و بی چون و چرا پیش بروید و با احترامی جدی به مراسم مقدس نزدیک شوید. و هر چه را نمی توانید بفهمید، آن را به خدای متعال بسپارید. خداوند شما را ناامید نمی کند. کسی که بیش از حد خود را باور داشته باشد، فریب خورده است. خداوند از متواضعان راضی است، خود را به فرومایه نشان می دهد، به خردسالان فهم می بخشد، عقل را برای پاکان می گشاید و لطف را از کنجکاو و مغرور پنهان می دارد. عقل انسان ضعیف و خطاپذیر است; اما ایمان واقعی را نمی توان فریب داد.

5. تمام عقل و بررسی طبیعی باید از ایمان پیروی کند، نه مقدم بر یا نقض. زیرا ایمان و عشق در آنجا غالب است و در این مقدس ترین و عالی ترین راز به روش های پنهانی کار کنید. خدای ابدی و بی اندازه و با قدرت بی پایان، چیزهای بزرگ و نامحسوس را در آسمان و زمین و نه

بررسی آثار شگفت انگیز اوست.
اگر کارهای خدا به گونه ای بود که عقل بشری به آسانی به آنها پی می برد، نمی گفتند شگفت انگیز و غیرقابل توصیف هستند.

در نظر گرفتن.

صدای معشوق من رعد و برق کرد و گفت: چه کسی در مشورت و تدبیر مانند من است؟ دریا و خشکی را چه کسی ساخته است؟ من خداوند هستم که نور را می سازم و تاریکی را می آفرینم. چه کسی وارد پرتگاه n شد و آبها را از اعماق بالا آورد؟ من خداوند هستم که قلب ها و ذهن ها را جستجو می کنم. چه کسی همه چیزهای جدید و قدیمی را می دانست؟ من خداوند هستم که همه چیز را به تعداد و وزن و اندازه آفریدم. من آفریدگار آسمان و زمین و راهنمای همه اعصار هستم. من خدای توانا هستم که قدرتش غیر قابل غلبه است. من بالاترین هستم که قدش دست نیافتنی است. من خدایی که وجودش از بودن عاجز است. من حاضرترین و رازترینم.

من صمیمی ترین و دور از حواس هستم. به راستی که من خدای پنهان هستم!

دلت را به کار بگیر و پروردگارت را ببین.

در روح بنگرید، همانطور که انبیای مقدس زمانی دیدند. زیرا در اینجا چشم دل لازم است و چنین چشمی به من خواهد نگریست.

اما چشم بدن در اینجا لازم نیست:

---

1 تک گوویی روح ج. 17، شماره 2.

که عموما مضر تشخیص داده می شود. زیرا کسی که به من ایمان دارد مرا می بیند. و چه کسی مرا دوست دارد او من را دارد، بنابراین با این باور، مرا خواهید دید و با دوست داشتن، مرا خواهید داشت.

اگر هنوز نمی توانید چیزهای بالاتر را درک کنید، ؛ پس چیزهای کوچک را با کوچکترها یاد بگیرید. اما همه این چیزها را به روح القدس بسپارید و قاطعانه باور کنید که آنها صادق هستند. زیرا روح القدس معلم همه حقیقت است و نمی تواند شاهد باطل باشد. بنابراین، خوب است که آیین مسیح را با تضرع ستایش کنیم. از عمیق بحث نکنید: نمی خواهید در سختی ها نفوذ کنید. رازهایی که باید متواضعانه مورد احترام قرار گیرند: عمیقاً متعهد ؛ به خدا. زیرا حقیقت هیچ کس را فریب نمی دهد: خداوند متعال می تواند همه چیز را انجام دهد. بنابراین، اجازه دهید مراقبه شما اهمیت بیشتری داشته باشد و محبت های شما در اطراف ردپای بیشتر شود. و به سرعت به ارتفاعات Aumilia بالا نروید که شکوه و جلال شما را غرق کند.

خداوندا، من هر جا که بروی دنبالت می‌کنم، زیرا کلمات زندگی ابدی را داری. اگر از تو پیروی نکنم از چه کسی پیروی کنم؟ اگر تو نباشی چه کسی را باور کنم؟

موعظه در مورد زندگی و اشتیاق خداوند 9، ص 3، ص. II8، [1]
— شماره من ،liliorun c. 21 — l. I0, 2 Vallis
— ص 308، 1. 5 3 خطبه به نوآموزان 30، ص 6، تک گویی
-- 5 بیمارستان روح ج. 12، شماره 6. [4]
از بینوایان ج. 19، 3 .n.

من از تو پی‌روی می کنم، زی‌را با پی‌روی از تو هی‌چ کس گمراه نمی شود، زی‌را تو نور و روز هستی و آن که در روز راه می رود، لغزش نمی کند. تو برای من جرقه ای همی‌شگی هستی، برای‌م اقامتگاهی آماده می کنی، تا نور جاودان بدرخشد[3].

---

1 از سه خی‌مه ج. 2، نه 1، - 2 Ib. نه 5. - 3 تک گو‌ی نفس ج. 19، شماره 3.